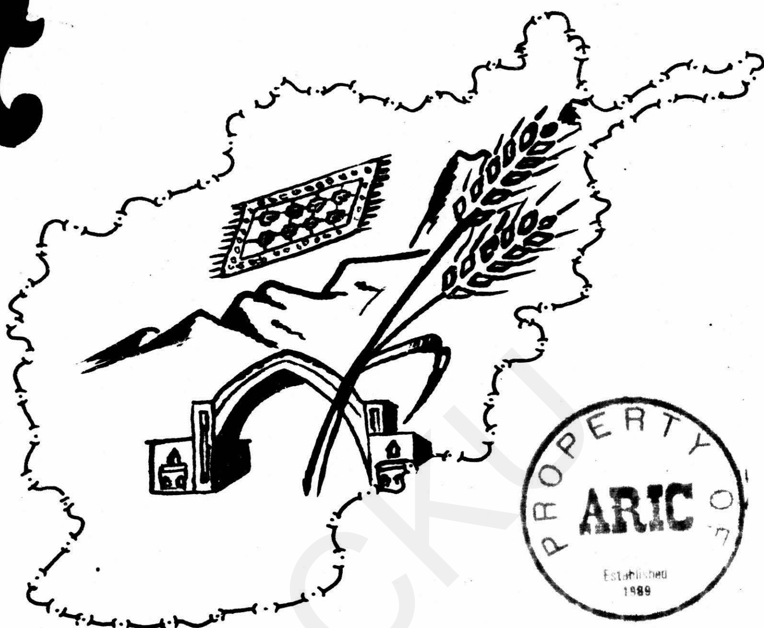


اختصاری از جغرافیای عمومی افغانستان

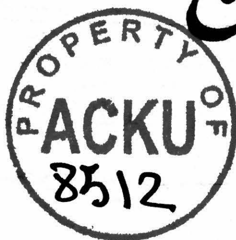
مولف: پوهاند محب الله رحمتی

طبع دوم ۱۹۹۹

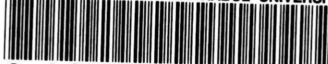




اختصاری از جغرافیای عمومی افغانستان



مولف: پوهاند محب الله رحمتی



طبع دوم ۱۹۹۹

مشخصات کتاب :

نام کتاب : اختصاری از جغرافیای عمومي افغانستان

نام مؤلف : پوهاند محب الله «رحمتي»

طبع : دوم

سال طبع دوم : ۱۹۹۹

تعداد طبع : ۱۰۰۰

محل طبع : حلیمي پرنتنگ ایجنسي. اتاق (۱۲۵) گل حاجي پلازه یونیورستي ارباب رود تلفون: ۸٤۰۲۷۲)

عنوان	فهرست مطالب	صفحه

۹۴

عنوان	فهرست مطالب	صفحه

عنوان	فهرست مطالب	صفحه

عنوان	فهرست مطالب	صفحه

عنوان	فهرست مطالب	صفحه

عنوان	فهرست مطالب	صفحه

عنوان	فهرست مطالب	صفحه

عنوان	فهرست مطالب	صفحه

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

افغانستان منحیث یك واحد سیاسی که سابقه تاریخی بیش ازپنج هزار ساله داردوبادرنظر داشت آنکه این کشوردرزمره کشور های باستانی آسیای مرکزی که اززمانه های خیلی قدیم تاکنون هویت سیاسی خود را بشکل مستقل حفظ داشته است وافتخار آن برهرفرد ازافراد افغانستان میرسد ازاین رو مطالعه جغرافیه افغانستان وباشناخت تمام پدیده های آن برای تمام افراد افغانستان وخاصتاً برای محصلان یك امرضروری وحتمی پنداشته میشود.

ناگفته نباید گذاشت که جغرافیای عمومی افغانستان قبلاً هم برشته تحریردرآمده است اما اینجانب کوشش نموده ام تا موضوعات مختلف این کتاب را به شیوه ای خاص مطابق نیازمندی عمومی مدنظربگیرم.

این کتاب که اختصاری ازجغرافیای عمومی افغانستان میباشد شامل چهارفصل میگردد:

درفصل اول سوابق تاریخی افغانستان با درنظرداشت

وسعت آن در زمان آریائیها، باختر،خراسان و افغانستان مدنظرگرفته شده است وتعیین سرحدات امروزی آن که چگونکی تصاویب وتثبیت آنهاباشد روشنی انداخته شده است .

درفصل دوم پدیده های فزیکی وساختمان اراضی،(سلسله جبال، سطوح مرتفع ،هموارییها وجلگه ها)، هایدروگرافی وچگونگی شبکه ها وحوزه های آبگیر آن وانواع اقلیم وتاثیرآن بالای پدیده های جغرافیای مورد مطالعه قراریافته است .

درفصل سوم اوضاع بشری که شامل تقسیمات ملکی،وضع نفوس ازنظرتراکم ،ترکیب،جنس ونفوس فعال اقتصادي، مساکن ومحل رهایش، اوضاع عرفانی وکلتوری میگردد موردتحلیل وبررسی قرارگرفته است .

درفصل چهـارم اوضـاع اقتـصادی کشـور با در نظر داشت وضع زراعت،معادن،صنعت،تجارت ومواصلات مورد ارزیابی قرارگرفته وانکشاف هریك ازین پدیده ها موردتحلیل قرار یافته است. برای تدوین این اثراز آثار داخلی وخارجی استفاده شده احصائیکه درجداول تدوین گردیده است ازمنابع موثق اداره، احصائیه مرکزی اخذومورد تحلیل علمی مطابق معیارها قراریافته است وسعی شده است تا شیوه نگارش قابل درك وفهم خوانندگان گرامی قرارگیرد.

پوهاند محب الله« رحمتی »

۱۳۷۸

بسم الله الرحمن الرحیم

جغرافیای عمومی افغانستان

فصل اول

سابقه تاریخی وسرحدات افغانستان

الف : وضع عمومی :

کشور اسلامی افغانستان که تقریباً دروسط آسیا قراردارد بصورت فعلی یك کشورمحاط به خشکه وازلحاظ توپوگرافی یك کشورکوهستانی را وانمود میسازد.هرگاه این کشوراز لحاظ قدامت مورد ارزیابی قرارگیرد این کشورتقریباً پنج هزارسال قدامت تاریخی داشته ساحهء پخش کلتور متنوع بوده است.افغانستان ازلحاظ وسعت درجمله کشورهای متوسط قرارداشته ۶۵۲۲۲۵ کیلومترمربع مساحت دارد ونسبت به کشورهای اروپائی بجز روسیه وسعت بیشتر داشته و در قطار کشورهای آسیائی بدرجه یازدهم قرارمیگرد.(۱) اینکشور در زمرهء کشورهای شرقی و در نیم کرهء شمال موقعیت داشته عرض البلدهای شمالی ۲۹درجه و۲۲دقیقه و ۳۸درجه و۲۹

---

(۱)برما، چین ، هند ، اندونیزیا ، پاکستان، منگولیا، عربستان سعودی، ایران، ترکیه، قزاقستان .

دقیقه ازجنوبی ترین وشمالی ترین نقاط این کشورعبورمیکند وطول البلد های ۶۰ درجه و۲۸ دقیقه و۷٤ درجه و۵۱ دقیقه از شرقی ترین وغربی ترین نقاط آن میگـــذرد .افغـــانستان ازلحـــاظ شکل تقـــریباً یك شکل مستطیل را وانمود ساخته طول اعظمی آن از دره‌ء یولی (شرقی ترین نقطه) الی دهانه‌ء ذوالفقار (غربی ترین نقطه) ۱۲۰۰ کیلومتروعرض اعظمی آن ازنقطه خم آب (شمالی ترین نقطه)الی کوههای چگائی (جنوبی ترین نقطه) ۹۱۲ کیلومترمحاسبه گردیده است .

چنانچه قبلاًذکرشد افغانستان یك کشورمحاط بخشکه بوده درحال حاضرنزدیك ترین بندر بحری باین کشوربندرکراچی میباشد که ازمرکزکابل ۱۶۳۳ کیلومتربعید قراریافته است.

کشور افغانستان ازطرف شمال به کشورهای اسلامی تاجکستان، ازبکستان وترکمنستان ازطرف جنوب به کشور اسلامی پاکستان و از طرف شرق به کشور اسلامی پاکستان وکشورچین ازطرف غرب به کشوراسلامی ایران محدود میگردد.

افغانستان نظریه موقعیت مناسب، اقلیم مساعد، کوه های مرتفع، دره ها وجلگه های هموار، میادین وسیع وپرعلف، دریاهای خروشان ،چشمه سارهای متعدد، نباتات وحیوانات گوناگون باعث گردیده است تا از زمانه های بسیارقدیم ساحه بودوباش وفعالیت های بشری قرارگیرد بناء گفته شده میتواند که این کشور مانند سایرکشورهای آسیائی دارای قدامت زیاد بوده درتمدن های سابقه‌ء بشری سهم ارزنده داشته است. زیرا

افغانستان بنا برموقعیت مناسب که تقریباً دروسط قاره ء آسیا قراردارد زمینه مسافرت ها را از چهارطرف امکان پذیرساخته درزمینهء اختلاط وارتباطات بین اقوام مختلف را که هریك دارای ثقافت های مختلف بودند پدید آورده است بنا بر این امرکشور افغانستان منحیث چهار راه دربین ممالك آسیایی شهرت یافته زمینه پخش کلـتور و تمدن ساحات ماحول رافراهم ساخته است ونیززمینه انکشاف دهات، قصبات وشهرها را درنقاط مختلف کشورپدید آورده خاصتاً اعتلای مردم این کشور زمانی درخشش بیشتر پیدا کرد که تقریباً مدت شش هزارسال قبل از امروز آریایی ها از دریای آمو گذشته درنقاط مساعد کشور متوطن گردیدند وتوام با مردمان این کشورکه درنقاط مختلف متمکن بودند درپیشرفت واعتلای مملکت سعی نمودند. اگرچه از آن زمان تاکنون تحولات زیاد را ازلحاظ وسعت وسایرموضوعات این کشورمتقبل گردیده است امااین کشورتاکنون توانسته است هویت سیاسی خود را حفظ کند ودرهرزمان خاصتاً دروضع فعلی منحیث یك واحد سیاسی مستقل درزمرهء کشورهای مستقل جهان احراز کرسی نماید.

ب : افغانستان و وسعت ساحه ء آن درطول تاریخ :

افغانستان نظربه موقعیت مهم جغرافیائی ونظرباستراتیژی دردوره های مختلف تاریخ حایزاهمیت شایان اقتصادی وسیاسی بوده است علی الرغم آنکه درطول تاریخ کشور افغانستان بنا برعوامل مختلف درآن زمان به ابعاد مختلف یعنی یك زمان

بیك وسعت فوق العاده زیا د ویك زمان بیك وسعت کم تبارز کرده است اما ازابتدا تاکنون هویت سیاسی خود رانگهداشته منحیث یك واحد سیاسی دربین کشورهای آسیایی دارای مراودات سیاسی واقتصادی بوده است .

ازاسناد موثق تاریخی چنین واضح میگردد که این خطه دراوایل بنام کشورآریانا بایك وسعت تقریباً دوچندامروزی درآسیای میانه یك قدرت مهم سیاسی را تبارز داده بود چنانچه ازاسناد موثق اوستا معلوم میگردد که سرزمین اوستائی بین مجرای سیردریا ودریای سند واقیانوس هند ودشت لوط یك کشوری را تشکیل داده بود که درآن زمان بنام کشورآریانا شهرت داشت.ازروی اسناد اوستا وسعت آریانا ازطرف شرق ازمنطقه گلگت (Gilgit) تااقیانوس هند که تمام حوزه سند را دربرمیگرفت وازطرف غرب ازگوشه شرقی بحیره کسپین شروع و ازبلوچستان گذشته به اقیانوس هنداتصال پیدا میکرد وازطرف شمال به سیردریا (سیحون) وازطرف جنوب به اقیانوس هند محدود میشد بناءً ساحه این کشوربین ٥٥ درجه و.٣ دقیقه و٧٥ درجه و.٥ دقیقه طول البلد شرقی وبین ٢٥ درجه و.٤دقیقه و.٤درجه و٥٥دقیقه عرض البلد های شمالی واقع بود.

همچنان نظربه اسناد اوستاسرزمین آریانا درآن زمان به شانزده ولایت حسب ذیل تقسیم شده بود .١- آریانا ویجو (بین

آمودریا وسیردریا) ۲- سغده (سغدیان) ۳-مورو (مرغاب ومرو)٤-بخدی (بلخ بامی) ۵- نیسایا (میمنه) ٦- هرویوه (هرات) ۷- ویکـــراته (حـــــوزه کابل) ۸- اروِوا (اراضی کوهستانی بین کندهاروسند) ۹- خننتا (گرگان) .۱- هره وتی (ارغندب) ۱۱- هیتومنت(هیرمند) ۱۲- راغا (بدخشان) ۱۳- کخره (غزنی) ۱٤- رانگا (بعضی مورخین این محل را سیردریا معرفی میکند ۱۵ - وارنا (بامیان وبندامیر) ۱٦- هبتاهندو (حوزه سند)* (۱)-(۲)

این سرزمین تاسالهای متمادی بدین منوال با جلال وشکوه باقی مانده نه تنها مهد مدنیت بزرگ آریای بوده بلکه با داشتن شاهراه های بزرگ زمینه مسافرت را برای سیاحین، تجاران وسایر مردم فراهم ساخته بود. راه ابریشم که بزرگترین راه تجارتی بین شرق وغرب بود از این سرزمین میگذشت.شهربلخ مرکزتبادله امتعه هند ی ازقبیل عاج، مراورید، پارچه جات نخی وغیره مالتجاره چین مانند ابریشم، منسوجات ابریشمی اد ویه جات واموا ل اروپائی بود.

موقعیت جغرافیای این سرزمین درآن زمان حیثیت مرکزی را دارا بوده وبنا بر این ملحوظ سبب تبادل افکارونظریات

(*) استخراج ازدومنبع :

۱- احمدعلی کهزاد .تاریخ افغانستان .جلدا ول:کابل .انجمن تاریخ ۱۳۳۲ص ۳٤.

۲- حسن پیرنیا. ایران قدیم .مطبعه روستایی تهران. ۱۳۱۲،ص ۱۲.

فلسفی ومذهبی درنقاط ماحول گردیده است .این وضع توام با تحولات خورد وبزرگ ادامه یافته تاآنکه درقرن سوم ق م اسکندر مقدونی به این سرزمین هجوم آورد .

با آمدن اسکندریك تعداد زیادی از یونانی ها نیز باین سرزمین متمکن گردیدند ضم آنها درفرهنگ، وضع زندگی، وضع اجتماعی وفکری این جامعه اثرانداخته منتج بآن گردید تا یونانی ها باختری شده توام با مردم این خطه یك مدنیت جدید را بنام مدنیت یونانو باختری پیریزی نمایند .تمدن گریکوبودیك یایونانوباختری نیز از دوره های باشکوه تاریخی این مرز وبوم بوده ومدت تقریباً ده قرن دراین مملکت به اعتلای کامل درخشیده وبه یك دولت باختری موسوم بود.

در قرون وسطی (قرن ۷و۸ میلادی) موقعیکه حملات اعراب درممالك آسیای میانه آغازیافت ادیان مانند زردشتی، بودائی ونستوری که ازسالها دراین سرزمین ریشه دوانیده بود ازبین رفته دین مبین اسلام بحیث یك قوهء بزرگ جهانی احراز قدرت نموده وضع اجتماعی وثقافت سابقه راتحت نفوذ خود قرارداده مدنیت جدید را پایه گذاری کرد .این وضع درتاریخ فصل جدید را بمیان اورده واز آنزمان این سرزمین بنام خراسان مسمی گردید .

از اوراق تاریخ چنین استنباط میگردد که دراوایل خراسان یك ساحهء نسبتاً کوچك ومحدود را احتوا میکرد اما بعداً

آهسته آهسته حدود آریانا ویا باختر زمین را باردیگر احتوا کرد.

درموقع اعتلای این دوره خراسان بدوحصه یعنی خراسان خاص وخراسان عام تقسیم میشد. ساحهء خراسان خاص شامل ولایات شمالی وولایات غربی مانند تخارستان (بدخشان وقطغن زمین) بلخ(مزارشریف ومیمنه) مرغاب، هرات،مرو، طوس ونیشاپور میگردیدوخراسان عام شامل تمام اراضی افغانستان قدیم یعنی ازناحیه توران (بلوچستان) تاخوارزم و ازدشت های لوط وکرمان تا رودسند وجهیلم می رسید.

اززمانیکه عالم اسلام براین سرزمین مسلط گردید یك سلسله شاهان بزرگ مانند طاهریان ، صفاریان ، سامانیان، غزنویان، سلجوقیان، غوریان، خوارزم شاهیان، تیموریان، صفویها ،هوتکی ها، ابدالی ها دراین سرزمین حکمرانی کرده وهریك به اعتلاء وشگوفانی کشورسعی شایسته انجام دادند.

تقریباً مدت ده قرن این سرزمین بنام کشورخراسان دربین کشورهای آسیایی مقام برجسته داشته ازلحاظ ارتباط تجارتی سیاسی وکلتوری شهرت بسزا کسب نموده بود.

موقعیکه احمدخان ابدالی درقرن (۱۸) م به پادشاهی این سرزمین انتخاب شد یك سلطنت متقدر و واحد را پدید آورد وتوانست وسعت خاك اصلی آریانا را دوباره احیا کند واسم این سرزمین که بنام خراسان مسمی بودبعداً بنام نوین یعنی

افغانستان مبدل گردید.

وسعت خاك افغانستان درزمان احمدشاه بابا درانی ازطرف شمال به ماورای دریای آمو وازطرف جنوب به بحیره عرب وخلیج عمان وازطرف شرق تادهلی امتداد می یافت. اما این وضع دیر دوام نکرد با رویکار آمدن شاه محمود نفاق داخلی بین برادران ازیك طرف رقابت های دو قوم بهارك زائی وسدوزائی ازجانب دیگرباعث گردید تا زمینه رابرای پیشروی انگلیس ها ازطرف شرق وروسیه تزاری ازجانب شمال تسریع گرداند .

درشروع قرن ۱۹ م حینکه روسهای تزاری وانگلیسها حدود مستعمرات خود را به سرحدات شمالی، شرقی وجنوبی افغانستان رسانیدند ناگذیر این مملکت داخل صحنه سیاست دول اروپایی گردیده ازهمین تاریخ ببعد افغانستان نظربه موقعیت مهم جغرافیای وسوق الجیشی آن تقریباً مدت یکنیم قرن میدان رقابت ومجادله‌سیاسی دربین دولتها‌ بزرگ استعماری آنوقت قرارگرفت .همسایه های افغانستان یکی بعد از دیگرتوسط این دوقوه مضمحل گردیدند اما افغانستان توانست تا آخرین لحظه مقاومت نموده وهویت وآزادی خود را حفظ کند اما باوجود مجاهدت زیاد قسمتهای مهم خاك این مملکت چه درشمال چه درجنوب وشرق ازپیکرافغانستان مجزا گردیده واین مملکت بیك کشورمحاط به خشکه تبدیل گردید.

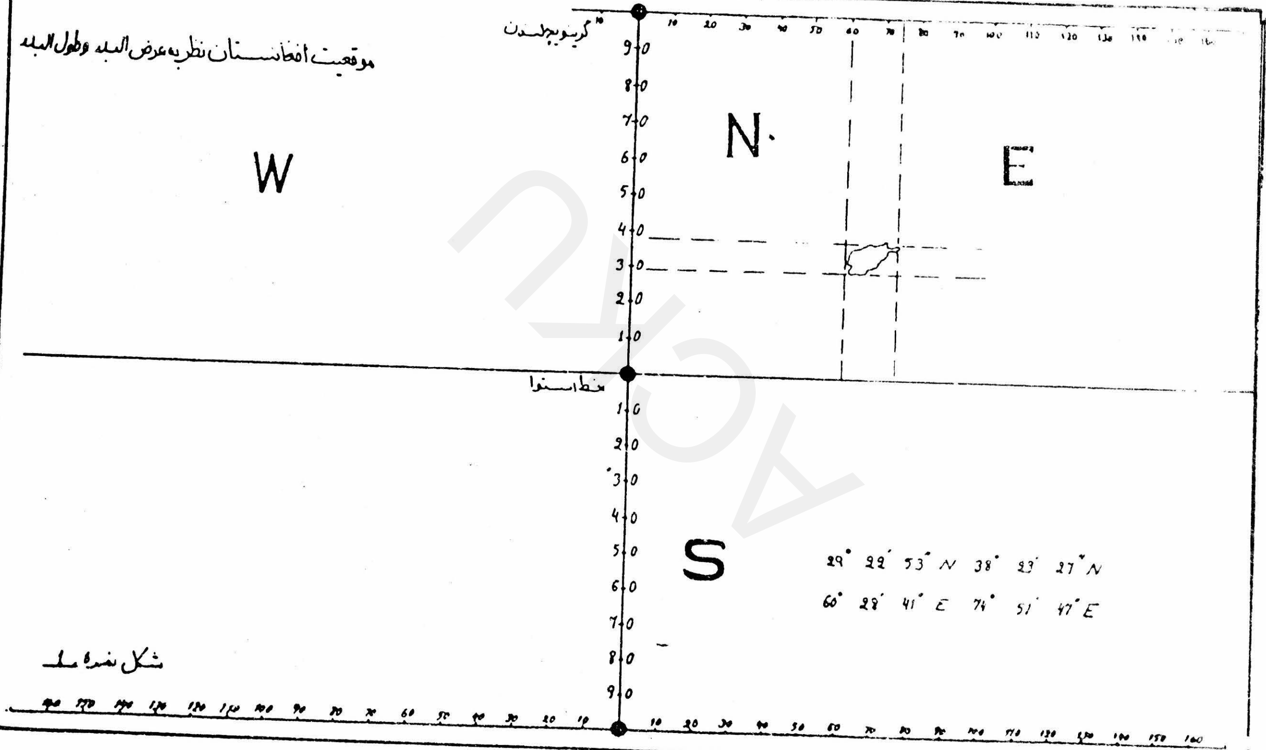
وفعلاً این کشوربین طول البلد های ۶۰ درجه و ۲۸ دقیقه و۷٤ درجه و۵۱ دقیقه طول البلد شرقی وبین عرض البلد های شمالی ۲۹ درجه و۲۲ دقیقه و ۳۸درجه و۲۹ دقیقه واقع است. شکل نمبر(۱)

ج : سرحدات افغانستان :

افغانستان باستان باداشتن قدامت تاریخی دراثرقدرت های سیاسی داخلی وخارجی درزمانه های مختلف به وسعت های مختلف عرض وجود کرده است. درزمان احمد شاه بابا وسعت سرزمین افغانستان با دوره های سابق آن یعنی دورهٔ آریانا، دوره باخترزمین ودوره خراسان زمین مشابه وبرابربود اما براثرسیاست پیشروی انگلیسها و روسیه تزاری قسمت های مهم ازخاك این کشور به شرح ذیل مجزا گردید.

۱- سرحدات شمالی :

سابقاً تعیین سرحدات شمالی افغانستان بین حکومات محلی افغانستان وخانهای آسیای مرکزی ویا حکومات مرکزی افغانستان وامرای ماورالنهرصورت میگرفت اماموقعیکه روسیه تزاری درجریان قرن نزده دست به یك سلسله فتوحات درآسیای مرکزی زد پادشاه (حاکم وقت) افغانستان وویسرای هند متوجه آن گردیده دست به اقدامات متقابل زدند بناءً درقدم نخست درصددآن شدند تاخط سرحدی را روی اراضی تعیین وتثبیت دارند. بعد از مذاکرات بین سه مملکت وزرای خارجه انگلستان



موقعیت افغانستان نظر به عرض البلد وطول البلد
گرینویچ لندن
خط استوا
W
N
E
S
29° 22' 53" N 38° 23' 27" N
60° 28' 41" E 74° 51' 47" E
شکل نمره

وروسیه به ترتیب **لاردگرنویل** (Lordgranvil) **وپرنس گرچکوف** (P .Gortchakof) **جهت تثبیت سرحدات شمال افغانستان تعیین شدند.**

درسال ۱۸۷۳م مطابق .۱۲۹ هجری قمری سرحد شمالی افغانستان ویاسرحد دریای آمو ازجهیل زورکول (ویکتوریا) الی خم آب که بنام خط امیرشیرعلی خان یاد میشود وتقریباً یکهزارهشتصد (. .۱۸) کیلومتر طول دارد بالای نقشه تثبیت گردید سرحدات شمال غربی افغانستان نسبت جنگ وپیشروی روسیه تزاری درآسیای مرکزی تثبیت شده نتوانست .موقعیکه امیرعبدالرحمن خان زمام امور را بدست گرفت(.۱۸۸) م خواست سرحدات شمال غربی افغانستان روی اراضی تعیین وتثبیت گردد. باین اساس دولت های درگیر بار دیگرمذاکره را آغازکردند ودرنتیجه چنین موافقه کردند که هیأت هرسه دولت درنومبر .۱۸۸ م به منطقه ء سرخس حاضر گردند. دروقت موعود هیأت روسیه حاضر نگردیده اما برخلاف موافقه ۱۸۷۳م عسکرروسیه تزاری به حملات خود در آسیای مرکزی خاصتاً درخاك افغانستان ادامه دادند تا اینکه بنزدیکی پنجده رسیده وضمناً پل خاتون را که بالای دریای هریرود موقعیت دارد بحیث پایگاه نظامی خود مورد استفاده قراردادند.عساکرافغانی که برای حفظ پنجده ونواحی آن درپنجده متمرکزشده بودند درمقابل اخطار روسها تن درنداده بالاخره تصادم بین

عساکرروسیه تزاری با سرافسری علی خانوف (Ali Khanoff) وعساکرافغانی به سرافسری جنرال غوث الدین خان لوگری که بیش از دوهزار عسکرپیاده وسوارنداشت رخ داد. درنتیجه عساکرافغانی نسبت تعداد قلیل ازپنجده وگرد ونواحی آن دفاع کرده نتوانستند بالاخره پنجده واق تپه به تصرف روسیه تزاری درآمد (۱۸۸۵م مطابق ۱۲٤۳هـ ش). پس از این واقعه باردیگرمذاکرات بین نمایندگان روسیه وانگلستان درلندن شروع وبه تعقیب آن این مذاکرات ادامه یافت تا اینکه درسال ۱۸۸۷م (۱۲٦٥ هـ ش) پروتوکول شش فقره ئی به امضاء رسید وسرحدات شمال غربی کشور که به اسم خط ریجوی (Ridgeway) یاد میشود توسط هیأت روسیه تزاری و انگلیس به سر کردکی کاپیتان کامروف (Komorof) وچارلس یت (Carles yet) درمدت چهارسال به طول. ۳۵ میل (٥٦.) کیلومتر ازدره ذولفقار تاخم آب به یك خط قوسی توسط پیلرها تعیین وتثبیت گردید. موقعیکه حکومت روسیه تزاری سقوط کرد و دولت سوسیالستی جای آنرا گرفت آزاد ی و تمامیت ارضی افغانستان را برسمیت شناخت و معاهدات بین حکومات طرفین به امضاءرسید خاصتاً درمادهء نهم معاهدهء دوستی افغانستان واتحاد شوروی سابق مورخ ۲۸ فبروری ۱۹۲۱م مطابق ۱۲۹۹ هـ ش ذکرشده است که حکومت شوروی قبول

میکند اراضی واقع درمنطقه سرحد را که درقرن ۱۹ متعلق به افغانستان بود دوباره به افغانستان تسلیم کند درین باره مذاکرات به سویه های مختلف برگزار گردید وکدام فیصله‌ء درباره‌ء اراضی شمال غربی افغانستان بعمل نیامد اما راجع به جزیره درقد (جزیره‌ء درقد دربین دریای آمو درشمال مغل قشلاق ودشت قلعه واقع است) که سابقاً اختلاف نظر بین هردوکشورواقع شده بود چنین فیصله بعمل آمد درمعاهده ۲۲جوزا ۱۳۲۵ هـ ش خط وسط دریای آمو بحیث سرحد شناخته شده وجزیره درقد متعلق به افغانستان گردید وماده نهم معاهده‌ء ۱۹۲۱م ازاعتبارساقط شد. وبه تصویب شورای ملی ومجلس عیان همان وقت افغانستان رسید. (۱)

۲- سرحدات شرقی وجنوبی :

موقعیکه احمدشاه بابا زمام امورافغانستان را بدست گرفت بادرایت وکاردانی که داشت توانست خاك اصلی آریانا را دوباره احیا کند ودرمدت ۲۵سال سلطنت خود افغانستان را برسرحد اصلی دوره‌ء آریانا رسانید وبه منظوراداره وتنظیم، این کشوروسیع را به هشت ولایت(قندهار،هرات، کابل ،مزارشریف خراسان، بدخشان ، پنجاب (وکشمیر) وپانزده حکومت اعلی (فراه، میمنه،

۱ - وزارت امورخارجه .مناسبات افغانستان واتحاد شوروی درسالهای ۱۹۱۹م -۱۹۶۹م کابل ۱۹۷۵ص ۱۷ و۶۷

بلوچستان، غزنی ،لغمان، پشاور، دیره اسمعیل خان، دیره غازی خان، شکارپور، سوی، سند، چچه هزاره،لیه، ملتان وســرهنــد) تقسیم کرد (۱)

بعد ازاحمدشاه بابا ، تیمورشاه وزمانشاه ازقلمرو پدرحفاظت کامل کردند اما بارویکار آمدن شاه محمود (پسرتیمورشاه) نفاق داخلــی ازیك طرف رقابت اقوام بارك زایی وسدوزایی ازجانب دیگر باعث گردید تا زمینه را برای سیاست پیشروی اجانب آماده سازد.

درابتدا دولت سکهه های پنجاب چون اوضاع افغانستان را درهم وبرهم یافته دست به پیشروی وحمله زد. اتك، پشاور، کشمیر و ملتان را ازقلمرو افغانستان مجزا ساخت .

موقعیکه امیریعقوب خان برسراقتدارآمد از روز اول جلوس خود تمام اختیارات خود ومملکت را بدست انگلیسها سپرد وبرای تصاحب تاج وتخت واستقرارخود معاهده ننگین گندمك را در ده ماده با انگلیسها به امضاء رسانید (۲۶می ۱۸۷۹م)نظربه مواد این معاهده مناطق صعب العبور علاقه کرم تا ابتدای .اجی، دره، خیبر تاکنارشرقی هفت چا، لنڈی کوتل،

(1) Gandda sing.Ahamadsha Durani Father of Modern Afghanistan.Asia publishing hous .Bombay, 1959.p.353

سیبی و پشین را تاکوه کوژك ازدست داد. (۱)

زمانیکه امیرعبدالرحمن خان زمام امور را بدست گرفت کوشش کرد تاسرحدات جنوبی وشرقی افغانستان را در روی اراضی تعیین وتثبیت دارد روی این منظور مذاکرات سرحدی را با ویسران هند آغازکرد. ویسران هند که مقصد سیاسی ونظرسو داشت ازهمه اولتر اوضاع را به نفع خود درطول سرحدات مغشوش ساخت وقوای خود را در سرحدات به شکل آماده باش متمرکز ساخت و مورتیمردیورند (M.Durand) سکرتروزارت خارجه را توام بایك هیأت نزد امیرعبدالرحمن خان فرستاد ضمناً تمام مواد معاهده را که قبلاً ترتیب داده بود بایك نقشه به امیر عبدالرحمن خان ارائه کرد وبرای امیر عبدالرحمن خان گفته شد یا این معاهده باتمام کم وکیف آن امضاء شود و در غیر آن مناسبات دولتین به تیره گی انجامیده بیشترازآن متضررخواهد شد. امیرعبدالرحمن خان ناگزیر بنا برخرابی اوضاع داخلی وخارجی از این امتحان دشوار موفق بدر آمده نتوانست و بدون مشوره با اهل خبیر مملکت این معاهده را اجباراً امضاء کرد و یك مسؤلیت بزرگ تاریخی را بعهده گرفت.درنتیجه این معاهده که بموجب آن خط سرحدی دیورند ازحدود بلوچستان تا چترال و واخان تعیین شده بودسرزمین های چمن ،پشین، وزیرستان، کرم، پاره چنار، افریدی، باجور، سوات وچترال ازخاك

---

۱ - میرغلام محمد ،غبار. افغانستان درمسیرتاریخ .نشرات موسسه چاپ کتاب ،کابل : دولتی مطبعه،١٣٦٤ .ص . ٦١

افغانستان مجزا وضمیه خاك هند بریتانوی گردید. همچنان فیصله شد تامنطقه روشان وشغنان (درشمال آب پنجه حصه علیای دریای آمو) که به تصرف افغانستان بود حسب فیصله گورچکوف ولارد گرینول واپس به روسیه تزاری داده شود ودرمقابل واخان واسمار به افغانستان تعلق گرفت. این خط سرحدی که اقوام این منطقه را بدوبخش تقسیم کرده است نه تنها ازنظر کلتور، ثقافت ورسم ورواج وسایرممیزات بشری یك قوم ویایك قبیله این منطقه را بدوبخش تقیسم کرده است بلکه یك ناآرامی سیاسی را نیز درمنطقه پدید آورده است وتاکنون این موضوع لاینحل باقی مانده است.

۳- سرحدات غربی :

دردوره های مختلف تاریخ حوزه سیستان (جنوب غرب افغانستان) زمانی بتصرف ایران وزمانی دیگر متعلق به افغانستان می بود موقعیکه احمدشاه بابا زمام امور افغانستان را بدست گرفت یك کشوروسیع را که ازطرف شرق تا دهلی وازطرف غرب تا اصفهان امتداد می یافت پیریزی کرد.طبعاً حوزهٔسیستان شامل این سرزمین می آمد.زمانیکه امیر عبدالرحمن خان به حکومت رسید ومیخواست حکومت مرکزی را بیشترمستقرسازد ازاین رو سرکرده قبیله سربندی موسوم به علیخان باسرزمین وافراد قبیلهٔ خود تابعیت دولت ایران را قبول نموده خود را بدولت ایران تسلیم کرد. سربندی که در

سیستان موقعیت دارد معضلهء سرحدی را بین ایران و افغانستان بارآورد. بنابرآن کشورایران وافغانستان درصدد آن برآمدند تاخط سرحدی این ناحیه را بین اقوامیکه مربوط افغانستان بود ویا آنهائیکه خود را ایرانی میدانستند تعیین وتثبیت دارند. مذاکرات بین طرفین شروع گردیداما باوجود کوشش زیاد بیک فیصله قاطع که نفع جانبین در آن مضمرباشد نرسیدند ناگذیر ازدولت انگلیس طالب وساطت شدند. حکومت انگلیس گولدسمت (Gold Smith) را که سابقاً به حیث حکم درناحیه مکران (سرحد ایران و بلوچستان) تعیین شده بود درحوزه سیستان نیزتعیین نمود تا به حیث میانجی بین افغانستان وایران وساطت نماید.

گولد سمت باروسای هیأت افغانی وایرانی بترتیب سیدنورمحمدخان ومعصوم خان وارد حوزه سیستان گردیدند. هیأت موصوف مدت دوسال به تحقیق ومطالعه حوزه مذکور پرداخت وبالاخره درسال ۱۸۷۳م به فیصلهء ذیل نایل آمدند :

«حوزه سیستان درقسمت سفلی دریای هلمند طوری به دوحصه تقسیم گردید که سرزمین های غربی رود نادعلی باسم سیستان خاص وسرزمین های شرقی آن به ماورای سیستان مسمی گردید.»

سیستان خاص به ایران وماورای سیستان به افغانستان تعلق گرفت. موضوع تایک اندازه حل گردید اما باردیگردرسال

۱۲۷: هـ ش بنابرتغییرمجرای اصلی دریای هلمند درحصه (رود نادعلی) بطرف غرب معضله سرحدی را بارآورد. یعنی مجرای اصلی دریای هلمند که سابقاً در رود نادعلی میریخت انحراف پیداکرده مجرای دیگری را بنام رود پریان که درغرب رود نادعلی قرار دارد اتخاذ کرد .ناگفته نباید گذاشت که در زمان گولدسمت خط سرحدی در روی اراضی علامه گذاری نشده بود لذا تغییر درمجرای اصلی دریای هلمند در حصه دلتا باعث شد که اراضی بین محل جدید وقدیم مورد اختلاف نظرقرار گیرد. بار دیگر دولتین ایران و افغانستان از دولت انگلستان کمك خواستند. حکومت انگلیس مکمهن (Mac Mahon) رابرای حل اختلاف بحیث حکم تعین نمود .مکمهن با ۱۵۰۰ منصبدارانگلیس وهندی با تجهیزات کافی در سال ۱۹۰۲ م در حوزه سیستان به مطالعه پراختند وبالاخره خط سرحدی را بین کوه ملك سیاه (زاویه جنوب غرب افغانستان)وکوه سیاه (زوایه شمال غرب هامون هلمند) در روی اراضی تعیین وتثبیت نمودند.

خط سرحدی بین کوه سیاه وناحیه ذولفقار(شمال غرب افغانستان) چندین بارتوسط چندین هیأت تعیین گردید اما بکدام فیصله ، قاطع نرسیدند تا اینکه درسال ۱۹۳۵م دولتین ایران وافغانستان نسبت تثبیت سرحدات غربی خود ازحکومت ترکیه که درآن زمان دوست هردوکشور بود طالب وساطت شدند.

دولت - کبه جرال فخرالدین التالی را برای تعیین سرحد موظف ساخت جنرال فخرالدین التالی بعد ازمطالعات دقیق فیصله خود را درزمینه صادر وبه دولتین ایران وافغانستان تسلیم داد و سرحد غربی افغانستان ازکوه سیاه تاذولفقار روی اراضی تعیین وتثبیت گردید. (۱)

درسال ۱۹٤۷م نسبت خشکی اقلیم آب هامون هلمند ازحد معینه کمترشده ودولت ایران کمی آب را نسبت اعمار پروژه های هلمند بهانه گرفته درمقابل افغانستان به ملل متحد شکایت نمود. ایالات متحده امریکا در این خصوص اظهار علاقه کرده خواست ازطریق مذاکرات مستقیم بین دولت ایران وافغانستان واسطه شده واختلاف مورد نظر را برطرف نماید. مذاکرات بین هیأت افغانی، ایران وامریکائی در واشنگتن شروع شد. ایالات متحده امریکا پیشنهاد نمود تایك کمیسیون فنی موضوع را درخود منطقه مورد بررسی ومطالعه قرار دهند. کمیسیون فنی که ازجمله استادان پوهنتون های ایالات متحده امریکا، کاناداو چلی بودند از پروژه وادی هلمند بازدید نموده موضوع را ازهرنگاه مورد مطالعه قراردادند و در زمینه چنین فیصله نمودند :

اعمار بندها و انهار پروژه وادی هلمند بغرض کنترول

۱- میرغلام محمدغبار. افغانستان درمسیر تاریخ .موسسه چاپ کتاب، کابل :مطبعه دولتی ۱۳٤٦. ص ٦٧٦.

سیلابهادرموقع آب خیزی وتنظیم جریان دریای هلمند د ظرف سال ساخته شده و پروژه مذکور آب دریا را کم نساخته برعکس جریان آب را درظرف سال بیك اندازهء معین نگهمیدارد وادعای دولت ایران مبنی براینکه افغانستان آب دریا را برای مردم جنوب شرق ایران می بندد درست نبوده ونیزعلاوه کردند که دریای هلمند یك دریای ملی است نه بین المللی بازهم حقا به مردم جنوب شرق ایران مطابق تفاوت جریان آب درطول سال برای هرماه تعیین شود.

فیصله کمیسیون ازطرف افغانستان قبول شد اما ازطرف ایران رد شده وتاکنون لاینحل باقی مانده است.

٤- سرحدات شمال شرقی :

ساحه کم عرض پامیررواخان که یك ساحه نسبتاً مرتفع را احتوامیکند آب بخشی شبکه های دریای آموسند را که ازیخچالهای دایمی از ارتفاعات این ساحه سرچشمه میگیرد پدید می آید موقعیکه سرحدات این ساحه تعیین میگردید این ساحه بین اتحادشوروی سابق، چین وهند بریتانوی قرارداشت. این ساحه ازلحاظ وضع جغرافیای ،کلتوری وسیاسی حایزاهمیت بوده وازززمان متمادی برای آنکه سرحدات آن تعیین وتثبیت گردد مورد بحث ومذاکره قرارداشت.

درسال ۱۸۷۳ م وهمچنان درسال ۱۸۸۷ م حینکه سرحدات

شمالی افغانستان تثبیت میگردید مذاکرات درباره سرحدات شمال شرقی نیزبعمل آمد امانسبت عدم وضاحت منبع دریای آموتثبیت سرحدات این ساحه عملی نگردید زیرایك تعداد عقیده داشتند که منبع دریای آموازجهیل زورکول وبعضی ها براین عقیده بودند که منبع دریای آمو ازسیلاب آقسوکه ازجهیل چقمقتین سرچشمه میگرد میباشد.

باردیگر درسال ۱۸۸۵م مذاکرات برای تعیین سرحدات این ساحه شروع گردید نمایندگان سه مملکت از افغانستان غلام محی الدین حکمران آنوقت ولایت قطغن وبدخشان، میجرجیرلو(Mager Gerlow) رئیس هیأت انگلیس و فیفرو شوایکووسیکی (Fifroshouiko Wisky) رئیس هیأت روسیه تزاری در پامیر جمع شدند این مذاکرات مدت نه ماه طول کشید ودرنتیجه سرحد پامیر بین افغانستان وروسیه تزاری وسرحد شمال شرقی بین افغانستان وچین تثبیت گردید .

خط سرحدی پامیر از انتهای شرقی جهیل زورکول شروع شده بعد ازعبور ازنقاط مرتفع به دره ء یولی امتداد پیدا میکند این سرحد بنام سرحد پامیرمسمی است ودرسال ۱۸۹۵ میلادی تثبیت گردید.

درقسمت سرحدات شمال شرقی بعد ازآنکه جمهوریت مردم چین درسال ۱۹٤۹ تاسیس شد مذاکرات آغاز گردید اما در سال

۱۹۵۷م موافقت بعمل آمد تاسرحدات بین مملکتین تثبیت گردد بناءً سرحدات شمال شرقی که ازدره یولی به شکل یك قوس الی کوتل کلیك (جنوب شرق کوتل واخجیر) امتداد می یابد درسال ۱۹٦٤ م (۱۳٤۳هـ ش) بانصب پیلرها بصورت فنی علامه گذاری وتثبیت گردید.

جدول شماره (۱) خطوط سرحدی افغانستان را باسنه تثبیت وطول تقریبی آن نشان میدهد.

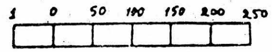
شماره	خطوط سرحدی	سنه تثبیت	طول به کیلومتر
۱	خط سرحدی امیرشیرعلی خان	۱۸۷۳م	۱۸۰۰
۲	خط سرحدی ریجوی	۱۸۸۷م	۵٦۰
۳	خط سرحدی فخری	۱۹۳۵م	٤۵۰
٤	خط سرحدی مکمهن	۵-۱۹۰۲م	٤۷۵
۵	خط سرحدی دیورند	۱۸۹۳م	۲٤۱۲,۵
٦	خط سرحدی شمال شرقی	۱۹٦٤م	۹٦
۷	خط سرحدی پامیر	۱۸۹۵م	۹۰

جدول شماره ۱

نقشه سرحدات افغانستان



جهیل زرکول
دره بولی
کوتل کلیک
سرآب
ذوالفقار
کوه سیاه
کوه ملک سیاه



علایم ومشخصات

1- خط امیرشیرعلیخان
2- خط پامیر
3- خط ریجوی
4- خط فخری
5- خط مکماهن
6- خط دیورند
7- خط شمالشرق

شکل نمره 2

فصـــــل دوم



اوضاع طبیعی افغانستان

الف : وضع جیولوجیکی :

درادوارمختلف جیولوجی تحولات وتغییرات زیاد بالای قشرزمین پدید آمده است که این تحولات باعث بوجودآمدن شکل ظاهری امروزی زمین گردیده است. ارتفاعات، پستی ها وبلندی های زمین توام با دره ها، جلگه ها، دشت ها صحراها و مناطق مختلف زمین زاده تحولات دوره های مختلف جیولوجیکی بوده که اساس وتهداب مطالعات ساختمان سطح الارضی ساحات مختلف یك مملکت ویا یك منطقه را احتوامیکند.

توپوگرافی امروزی افغانستان که متشکل ازسلسله جبال شامخ، دره های عمیق، دریای خروشان، سطوح مرتفع، تپه ها دشت ها وصحراها میباشد درطول تاریخ عهدهای معرفت الارضی باتحولات ودگرگونی های زیاد مواجه شده است .

ازشواهد دوره های جیولوجیکی چنین استنباط میگردد که

یك زمان این سرزمین باسرزمین ماحول تحت آب ابحار وزمانی دیگر اکثریه قسمت های آن تحت کتله های یخچالی قرارداشت.اما اخیراً شکل وسیمای موجوده‌ء اراضی افغانستان زاده فعالیت های ممـتد تکتونیکی (Tectonic Movement) میباشد چه حرکات صعودی سلسله جبال هندوکش باعث شکستگی ها(Faults) وسایر مظاهرطبیعی منطقه گردیده است. قبل ازعهد میزوزوئیك (Mesozoic) ساحه افغانستان توام باساحات وسیع آسیای مرکزی تحت آب بحریعنی بحر بزرگی بنام تیتس (Tytes) قرارداشت اما درعهد میزوزوئیك خاصتاً دردوره‌ء ترياسيك (Triassic) تحولات اعظمی دراکثرنقاط جهان پدید آمد چنانچه سلسله جبال راکی، آلپ، همالیا وسلسله جبال هندوکش بنای تشکل را در این عهد گذاشتند.

حالت صعودی دراین ساحات دوام داشته زلزله ها وفعالیت های آتشفشانی دراکثرقسمت های آن بمشاهده میرسد. علاوتاً فعالیت های مجدد بروزکوهستانی درعـصراولیگـوسین (Oligo cene) باردیگرآغاز گردید وفعالیت های آتشفشانی باعث گردید که احجار نوع بزلت درساحات مختلف هندوکش پدید آید همچنان حـرکات صعـودی تا اوایـل پلـیوسین (Plio cene) ادامه داشت حوزه های مرغاب، هریرود ونواحی مجاورآن ازریرآب خارج شده ساحه‌ء کوهستانی فیروزکوه وسیاه کوه درهمین موقع بوجود آمد همچنان تحولات هیدروگرافیکی

در این زمان بوجود آمده تا عصرپلستوسین ادامه یافت وباعث بوجود آمدن تراس ها ودره های عمیق دریای غوربند ودریای کابل گردید . یك تعداد شکست ها (Faults) را همردیف ساختمان های کوهستانی این دوره می یابیم که بمقایسه شکست های سابقه آنقدر ها قدامت نداشته وعلمای جیولوجی باین عقیده اند که این شکست ها درعصر اولیگوسین بوجود آمده است .

انواع احجارمختلف که از دوره های مختلف معرفت الارضی نمایندگی میکند در اکثر نقاط افغانستان بمشاهده میرسد. مثلاً احجار نوع گنیز (Genis) ،شیست (Schist) ومکاشیست (Micaschist) که درعهد کمبرین بوجود آمده است درولایت کنرها، لغمان وبدخشان بمشاهده میرسد علاوتاً این نوع احجار درساحات هیریرود، سطح مرتفع مرکزی ، سلسله سپین غر ساحه نسبتاً کوچك وپراگنده رااحتوا کرده است .

بقایای احجار پلیوزوئیك که شامل احجارآهکی (Limestone) احجارریگی (Sand stone) شیست، میکاشست ، فایلیت Phyllites است دراکثر ساختمانها کوهستانی حوزه شرقی، شمال ، جنوبی وغربی کابل، بدخشان، واخان وسطح مرتفع مرکزی بمشاهده میرسد.

درعهد میزوزوئیك که اکثر نوعیت احجار آنرا آهك، احجار ریگی ، شیل ها ،کانگلومراتها تشکیل میدهد درصفحات

جنوب هندوکش به ملاحظه میرسد، امااحجار آتشفشانی واحجارریگی عموماً درصفحات شمال هندوکش بشکل پراگنده دیده میشود بازهم احجارمتحوله این دوره در حوزه آبگیرهلمند، جنوب ولایت ارزگان ،شمال ولایت کندهار،حوزه هیریرود وسلسله فیروزکوه بیشتر بملاحظه میرسد.

درعهد سوم معرفت الارضی سینیوزوئیك (Cenozoic) خاصتاً درعصرهای این دوره احجار رسوبی که بقایای مهم آنرا شیل ها، کانگلومریت ها ،احجارریگی،احجارآتشفشانی تشکیل میدهد. درسرحدات جنوب شرقی کشور، ولایت غزنی، پکتیا، زابل، کندهار وصفحات شمال کشور مانند مزارشریف، ولایت سمنگان، جوزجان، درشمال وشمال غرب هرات ساحهء وسیع در ولایت غورو بادغیس همچنان درناحیه جنوب غرب کشور بین سرحدات ایران و افغانستان بمشاهده میرسد. در عصر کوا ترنری (Quaternary)دونوع رسوبگذاری بملاحظه میرسد یك نوع آن که عامل آن بادها است درنواحی نیمه صحرای ونقاط هموارکشور، ساحات ریگستانی، دشت ها وصحراها دیده میشود واین نوع ساختمانها بصورت عموم درجنوب غرب افغانستان بملاحظه میرسد وشامل دشت های نیمروز، مارجه، نوزاد، گودزیره وغیره ساحات که تقریباً اکثرقسمت های ولایت فراه، نمیروز، هلمند، کندهار و زابل را در برمیگیرد میباشد.رسوب گذاری نوع دوم که توسط آبها جاری صورت

میگیرد، سنگ ریزه ها، ریگ ها، گل لوس ومد در آن شامل بوده این نوع رسوبات درمسیرجریان دریای کابل تانواحی ننگرهار، مسیر دریای آمو ومعاونین آن مسیردریای هریرود ومعاونین آن،مسیردریای هلمند ومعاونین آن، دریای فراه رود، خاشرورد، ادرسکن وغیره دریاهای سیلابی بملاحظه میرسد بصورت عموم ساحات فوق الذکر ساحات زراعتی افغانستان را تشکیل میدهد. (۱)

به اثر حرکات پلیت های قشرزمین بعضی شکست ها (Faults) در ساحات مختلف زمین بوقوع می پیوندد که این شکست ها باعث فرورفتگی وزلزله ها میگرد د. بنابرمطالعات جیولوجیکی واضح شده است که شکست های متعدد درنقاط مختلف افغانستان بمشاهده میرسد که معروفترین آن عبارت ازشکست بدخشان است، که درنزدیکی کول چقمقتین و پامیردیده میشود، شکست اندراب که استقامت شرق وغرب را دارا است، شکست کنرها که ازساحه چترال شروع شد به استقامت جلال آباد پیش میرود، شکست دیگر درسلسله هندوکش غربی ازحصهء جبل السراج شروع شده به استقامت سلسله سفیدکوه موازی به دریای هیریرود توسعه پیدا میکند، شکست دیگریکه از البرزوزاگروس ایران شروع شده که به استقامت بلوچستان پیش میرود و از آنجا داخل خاك افغانستان شده از ساحه فرو رفتگی هامون

---

(۱) غلام جیلانی عارض. جغرافیای طبیعی افغانستان .پوهنتون کابل: کابل. ۱۳۶ ص ص ۸ - ۱۲.

صـــابری وسیتان میگذرد .این خطوط شکسته به استقامت شمال شرق کشور در حوزه بدخشان یك زاویه اتصالی را تشکیل میدهد که اصلاً با مراکز زلزلهء افغانستان انطباق پیدامیکند بنأء ساحات زلزله خیزدرافغانستان بیشتر درمناطق شمال شرق کشور دربدخشان و اطراف پامیر مرکزیت دارد.

ب : عوارض طبیعی :

افغانستان یك مملکت کوهستانی است که تقریباً ۱بر۳ حصه تمام رقبهء افغانستان را کوهستان تشکیل میدهد اکثر این ارتفاعات وکوهستانها درحصص شرقی ، مرکزی وشمال غربی افغانستان گسترش یافته است. این سلسله جبال درحقیقت مهم ترین عامل طبیعی است که افغانستان را ازحالت صحرائی نجات داده وزمینه مساعد را برای بارندگی های کوهستانی فراهم ساخته است موجودیت ساحات وسیع نقاط برف گیروکتله های یخچالی که باعث پدید آمدن دریا های خروشان وچشمه سارهای متعدد گردیده است باعث شده است تا دامان سلسله جبال، دره ها وجلگه های سرسبز وشاداب گردد وزمینه فعالیت های زراعتی و اقتصادی را برای نفوس بشری فراهم سازد هرگاه این سلسله جبال وارتفاعات درساحات مختلف افغانستان وجود نمیداشت چون افغانستان ازنظرموقعیت جغرافیای درساحه مرکزفشاربلند تحت استوائی

واقع است از این رو مانند ساحه جنوب غرب افغانستان، حوزه سیستان، دشت لوط که فاقد کوهستان اند یك محیط صحرای وریگستانی را تمثیل میکرد و اینهمه فعالیت های بشری به پیمانه خیلی کم ومحدود تبارزمیکرد بناءً گفته میتوانیم که کوهستانات افغانستان ارزش حیاتی را برای افغانستان ارزانی شته است وبه مانند دریای نیل که تحفهء باارزش برای مصر تلقی میگردد سلسله جبال افغانستان نیزبرای افغانستان بهترین تحفه وودیعه ای خداوند (ج) محسوب میگردد.

سلسله جبال افغانستان ازطرف شرق با سلسله های پامیر، تیان شان وقرا قوروم (قرم) واز طرف غرب به سلسله جبال البرزاتصال می یابد. سلسله جبال افغانستان ازلحاظ تشکل جوان بوده باسیستم همالیه، آلپ وراکی همزمان میباشد. سمت افتاده سلسله جبال افغانستان بصورت عموم شرقاً غرباً بوده ارتفاعات آن درحصص شرقی بیشتربملاحظه میرسد.

افغانستان ازلحاظ عوارض طبیعی دارای نقاط کوهستانی که ارتفاع آن از ۲۰۰۰متر تا ۷۰۰۰مترتغییر میکند بانقاط کم ارتفاع وسرزمین های هموار، دشتها وصحراها که ارتفاع آن از ۲۵۰ تا ۲۰۰۰ مترمحاسبه میگردد توپوگرافی افغانستان رابصورت فعلی تمثیل مینماید بناءً اختلاف ارتفاع در سرزمین افغانستان بصورت بارزبمشاهده رسیده کم ارتفاع ترین نقطهء افغانستان ۲۵۸متر (جنوب غرب خم آب) ومرتفع ترین نقطهء

آن ۷٤۸۵ متر (قلهء نوشاخ) ازسطح بحر ارتفاع دارد.

عوارض طبیعی افغانستان را ازلحاظ ارتفاع باتصنیف ذیل تقسیم بندی نموده اند:

۱- اراضی کم ارتفاع (بین ۲۵۸تا ..۵ متر ارتفاع ازسطح بحر)

۲- اراضی با ارتفاع متوسط (بین ..۵تا ...۲ مترارتفاع ازسطح بحر)

۳- اراضی کوهستانی وسطوح مرتفع (بین...۲تا ..۷۵ مترارتفاع ازسطح بحر)

۱- اراضی کم ارتفاع افغانستان شامل سه حوزه میگردد وعبارت اند از :

a : - حوزهء آمو b: حوزه هلمند .c: حوزه ننگرهار

a : - ساحه کم ارتفاع حوزه آمو در شمال افغانستان که از غرب دریای قیصار از ارتفاع تقریباً ۲۵٦متر شروع شده تا ساحه درقد وینگی قلعه به ارتفاع ٤۲۵ مترگسترش می یابد. عرض این ساحه از۱۵ الی ۲۵ کیلومتر در تغییر بوده از ساحل چپ دریای آمو الی سواحل سفلی دریای کوکچه ،سواحل دریای کندز تا اشکاشم، حوزه تاشقرغان، حوزه سفلی بلخ آب تاجنوب مزارشریف حوزهء شبرغان، دولت آباد و اند خوی امتداد می یابد.

این ساحه کم ارتفاع بصورت عموم از احجارریگی

وسنگ ریزه های دوره، کوا ترنری متشکل بوده نزدیك سواحل نسبت رطوبت دریای آمو محیط مرطوب را پدید آورده ودورترازآن تپه های ریگی ودشت های هموارکه خصوصیت نیمه صحرائی را دارا است تشکیل میدهد. باوجود آنکه این ناحیه تحت تاثیر صحرای ترکستان قرارگرفته است اما اکثر حصص آن دارای اراضی هموار پرازعلف ونواحی زراعتی را بوجود آورده فعالیت بشری را امکان پذیر میسازد.

b : - ساحه،کم ارتفاع حوزه، هلمند درجنوب غرب افغانستان واقع بوده شامل حوزه، کم ارتفاع،حوزه سفلی دریای هلمند، خاشرود ،فراه رود، ادرسکن وگودزیره میگرددکه بصورت عموم دشت گودزیره، دشت جهندم، دشت امیران، تمام اراضی چخانسور ،زرنج ،کنگ ،هامون صابری وهامون پوزك واطراف آنرا احتوامینماید این حوزه بصورت عموم ریگستانی وسنگ، زار بوده وازاحجاررسوبی دوره، کوا ترنری نیزبرخوردارمیباشد .این منطقه دارای اوصاف نیمه صحرائی بوده نسبت نداشتن رطوب کافی فعالیت زراعتی در این ناحیه محدود میگردد.

c : - حوزه کم ارتفاع ننگرهار ساحه نسبتاً کمتررا درسواحل دریای کابل که ازحصه جلال آباد تاحصه لعل پور متدا یافته است احتوامینماید. احجاراین ساحه ازاحجار ریگی دوره، کوا ترنری و انواع احجارسایردوره هانیزتشکیل یافته

است. نسبت رطوبت کافی اراضی زراعتی را پدید آورده وحتی نسبت داشتن اقلیم تحت استوائی ورطوبت کافی پیداوار نباتات مدیترانه ئی نیز درآن انکشاف یافته است .

۲- اراضی با ارتفاع متوسط :

این ساحه که ارتفاع آن بین ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ مترتعیین شده است تقریباً تمام دامنه های سلسله جبال افغانستان را باکنار های دشت ها وصحراها احتوا میکند بهمین لحاظ سرزمین وسیع را که فعالبت های بشری در اکثر حصص آن به پیمانه وسیع گسترش یافته است دربرمیگرد .درصفحات شمالی کشوراراضی هموار تخار،کندز، بغلان، سمنگان بلخ، جوزجان، فاریاب در شمال غرب وغرب کشور اراضی هموار بادغیس، هرات، دره هریرود غرب فراه، نیمروز، هلمند، کندهار، درشرق وجنوب کشور، حوزه و اطراف ننگرهار، ساحه کنرها، دره الیشنگ والینگار، مهترلام، اکثرحصص ولایت پکتیاو پکتیکا، حوزه کابل، حوزه پروان ، ساحات مرکزی وهمواروردک، لوگروغزنی شامل اند .چنانچه قبلاً گفته شد ساحاتی که د ر ارتفاع متوسط قراردارند باشرایط مساعد،آب وهوای خوب و آب کافی ساحه زراعتی وفعالیت های اقتصادی وبود وباش نفوس بشری را امکان پذیرساخته است بناء گفته میتوانیم که تمرکز واستقرار نفوس افغانستان درهمین ساحه ها بیشتر بملاحظه میرسد .

۲- ساحات کوهستانی وسطوح مرتفع :

ساحاتیکه از ۲۰۰۰ متربلندترقراردارد ساحات کوهستانی شناخته شده اوصاف کوهستانی در آن بوضاحت معلوم میگردد البتّه این اراضی از ارتفاعات ،تپه های بلند وسلسله جبال کم ارتفاع شروع شده تاقلل سلسله جبال که ۷۵۰۰ مترارتفاع دارد امتداد می یابد. ساحات کوهستانی کشور ازسلسله واخان و پامیر شروع شده تاحصص غربی کشور پیش میرود این ساحات کوهستانی درقسمت های شرقی کم عرض تر اما درحصص وسطی و انجام عرض بیشتر را دارا است چه درقسمت وسطی وحصص غربی سلسله های متعدد ومختلف ازآن منشعب شده و درحصه های انشعاب دره های سرسبز وشاداب را بوجود آورده است وامکان تمرکزنفوس را تا ارتفاعات تقریباً ۳۰۰۰مترمیسر میسازد .ساحات کم ارتفاع مناطق کوهستانی ودامنه های سلسله جبال وسطوح مرتفع برای فعالیت های بشری مساعد بوده نفوس زارع وشبان را بخود گنجانیده است در این ساحه دره های کم ارتفاع سلسله جبال هندوکش ،کوه بابا، فیروزکوه ،سیاه کوه وسفیدکوه ،تیربنده ترکستان وغیره شامل اند. درساحات کوهستانی بلند تراز ۳۰۰۰ مترحیات بشری محدود شده وبلندتراز این ارتفاعات امکان حیات بشری بملاحظه نمیرسد. (ناگفته نباید گذاشت که در بعضی حصص مانند پامیرحیات

ایلاقی و چادرنشینی تا ۳۵۰۰ وچهارهزارمتر وجود دارد اما بمقایسه سایرنقاط بسیار کم وناچیزاست .)

ح : سلسله جبال :

چنانچه قبلاً ذکر شد یك برسوم حصهء خاك افغانستان راکوه هاکم ارتفاع وسلسله جبال مرتفع اشغال کرده است وحتی مناطق کوهستانی دربعضی ازحصص افغانستان از ۱۰۰۰ مترارتفاع شروع میشود اما بصورت عموم ساحات کوهستانی افغانستان از ۲۰۰۰ متربلندترقرارداشته تا ارتفاعات نهایی ۷۵۰۰ مترمیرسد .سلسله جبال افغانستان ازلحاظ تشکل وساختمان دردوره های مختلف معرفت الارضی باسلسله جبال عمدهء آسیائی ارتباط دارد چه سلسله جبال افغانستان در شمال شرق خارج ازخاك افغانی با سطح مرتفع مرکزی پامیرکلان که بنام بام دنیا شهرت کسب کرده است اتصال داشته که درحقیقت این سطح مرتفع یك گره (Knob) یا (Kont) را معرفی میدارد و اتصال کوه های بزرگ شرقی قراقرم ،همالیه کوینلن وهندوکش را فراهم ساخته است سلسله جبال افغانی که ازلحاظ ساختمان جیولوجیکی سلسله واحد را تشکیل میدهد همین سلسله جبال هندوکش است که درساحات مختلف به شعبات مختلف تقیسم میشود ودرهرحصه بنام های مختلف یاد میگردد ومانیزهریك از این سلسله جبال عمده را از شرق به غرب بصورت اجمال معرفی مینمایم .

سلسله کوه واخان :

سلسلهء کوه واخان بین پامیرکلان وپامیرخورد موقعیت داشته درابتدا ازشمال بجنوب وبعداً بسوی جنوب غرب تا شمال گازخان (نقطهء اتصال پامیرو واخان) امتداد می یابد طول اعظمی این کوه ١٤٥ کیلومتر وعرض آن از شمال بجنوب بین دهکده های لنگرو زورکول ٤٥ کیلومتر محاسبه شده است یك قسمت زیاد این سلسله جبال سرحد را بین تاجکستان وافغانستان تشکیل داده است قله مرتفع آن بنام کانکوریاد شده و ٥٤٦٥ مترازسطح بحرارتفاع دارد. نقاط مرتفع واخان درشمال چقمقتین ساحهء آب بخشی را بین دریای مرغاب تاجکستان وکول چقمقتین تشکیل میدهد. کوتل های مهم آن در شمال بنام کوتل جمن وکوتل اندمین یاد شده که راه پیاده رو را بین واخان افغانی ومرغاب تاجکستان بار آورده است .چون این سلسله جبال دارای ارتفاعات زیاد است ازاین رودارای برفهای دایمی وکتله های یخچالی زیاد میباشد این یخچالها باعث تشکل دره های یخچالی وجهیل،ٔیخچالی گردیده کول چقمقتین وزورکول محصول آبهای یخچالی این ساحه میباشد که دریك ساحهء مرتفع بوجود آمده است این سلسله کوه دارای درخت وجنگل نبوده درمجاورت واطراف این کوه چراگاهای وسیع وجود د ارد که مالداران پامیرومردمان واخان ازآن استفاده نموده حیات مالداری را درآن توسعه داده اند .

سلسله کوه پامیر :

سلسله پامیر درجنوب کوه واخان موقعیت داشته سمت افتاده آن ازشمال شرق بسمت جنوب غرب بوده یك سلسلهء مجزا را تشکیل میدهد.طول اعظمی این سلسله جبال ۳۰۰ کیلومتر وعرض آن درنقاط مختلف تغییرمیکند بزرگترین عرض را دربین دهکدهء خندود وکوتل انوشاه دارا است که عرض ان دراین حصه به ۱۹ کیلومتر بالغ میگردد. دریای واخان وپنج درسمت شمال آن درهء یولی درشرق آن وحوزهء سند درجنوب آن موقعیت داردوضمناً سلسله پامیرحوزهء آب بخشی حوزه سکیانگ چین، سند وچترا ل را بوجود می آورد .نقاط مرتفع آن درسمت شرق سرحد بین افغانستان وچین را تشکیل میدهد.کوتل های معروف آن که نقاط شمالی را بجنوبی اتصال میدهد عبارت اند از کوتل واخجیر به ارتفاع ٤۹۲۲ متر، کوتل بروغیل به ارتفاع ۳۳٤۷متر، کوتل ارشاد وین با ارتفاع ٥٤۰۰ متر کوتل اوچهلی به ارتفاع ٦٦۰۷ متروکوتل کوت گز به ارتفاع ٥٤٦۸ متر. ازجمله معروفترین وسهل ترین این کوتل ها کوتل بروغیل است که درسیرتاریخ نقش مهم تجارتی را بین حوزه آمو و حوزه سند برقرارمیکرد.

راه ابریشم که ازمعروفترین راه های باستانی بشمارمیرود یك شاخه آن ازهمین راه میگذشت فعلاً نیز ازجمله راه های مهم

محسوب شده راه مساعد رفت وآمد را بین نقاط مجاورتامین میکند.

سلسله ء هندوکش :

سلسله جبال هندوکش که ازجمله، معروفترین سلسله جبال افغانستان است در امتداد سلسله جبال پامیر واقع شده سمت افتاده، آن ازشمال شرق بجنوب غرب میباشد. این سلسله جبال در حدود شش صد کیلومتر طول داشته در نواحی مرکزی ساحه وسیع را اشغال میکند یعنی درحصه، تقریباً وسط عرض آن افزایش یافته به شعب وشاخه های مختلف که درهرمحل بنام های مختلف یاد میشود تقسیم میگردد.

موجودیت سلسله جبال هندوکش سبب گردیده است که آب بخشی صفحات شمال افغانستان را از صفحات جنوب مجزا میسازد علاوتاً حوزه های آبگیر وسیع را درسمت های مختلف پدید آورده که باعث شادابی وسرسبزی منطقه گردیده است.

همانطوریکه سلسله جبال هندوکش بزرکترین منابع طبیعی را درخود نهفته دارد معضلات ترانسپورتی را نظربه وجود خم وپیچی های دره ها وسلسله جبال نیزفراهم ساخته اما تمدید تونل سالنگ وانکشاف وسایل ترانسپورتی هوائی این معضله را مرفوع ساخته است بناءً مفیدیت ومزایای سلسله ء جبال هندوکش آنقدرزیاد وحیاتی است که میتوان سلسله جبال

هندوکش را تحفه افغانستان خواند .برای توضیح مطلب سلسله هندوکش را بدوحصه شرقی وغربی تقسیم نموده اند :

۱- هندوکش شرقی :

این سلسله جبال که ازدرهء زیباك الی کوتل خاواك امتدادیافته است ازجملهء بزرگترین سلسله های افغانستان بشمار رفته طول آن ۳٦. کیلومترمحاسبه گردیده است عرض این سلسله جبال درحصهء وسط یعنی بین شهر فیض آباد وشهر مهترلام ساحهء وسیع را احتواکرده است این ساحه آب بخشی آبهای شمالی مانند کران و منجان، کوکچه واشکمش وآبهای جنوبی الیشنگ والینکاردریای کنرودریای پنجشیررا تشکیل داده بیش از ۵. . . متر ارتفاع دارد. در بعضی ازحصص سلسله هندوکش ارتفاعات کمتر داشته و درهمین نقاط است که کوتل های متعدد صفحات شمال را به صفحات جنوب وصل میسازد مثلاً کوتل اشتپال با ارتفاع ٤٨٨. متر، کوتل اولیان با ٥.٧. متر ارتفاع، کوتل خارزاریا ٤٨. . متر ارتفاع، کوتل انجمن با. . . ۳ متر ارتفاع وکوتل پوشال با. ٤٤٥ متر ارتفاع.

ارتفاع اوسط این سلسله جبال بطورعموم از ۵. . . مترکمترنبوده قلل شامخ آن دایماً ازبرف پوشیده شده وبیش از ۷. . . مترارتفاع ازسطح بحر میباشد .قلهٔ معروف وبلند آن تراجمیر یاد شده درچترال خارج ازخاك افغانی قرار دارد و

ارتفاع آن ازسطح بحر به ۷۷۵۰ مترمیرسد. قلهء نوشاخ که درخاك افغانستان قراردارد. ۷٤۸۵ مترازسطح بحر ارتفاع آن میرسد. دامنه های شمالی وجنوبی آن میل زیاد داشته ازاین رو آب دریاهائیکه در دره های هردوسمت جریان دارد با یك سرانشیبی زیاد سرازیرشده نیروی عظیمی را برای استحصال برق پدید می آورند. نشیب های شمال هندوکش شرقی عاری ازجنگلات وپیداوارنباتی بوده اما درنشیبی های جنوبی آن جنگلات فراوان بملاحظه میرسد. مجموعاًجنگلات این ساحه از ۹۰۰متر ارتفاع شروع شده تا ٤۰۰۰ متر ارتفاع میرسد. جنگلات این ساحه ازانواع گوناگون درختان بلوط، ارچه، سرو، صنوبر،جلغوزه ، بادام وحشی ، زیتون وغیره تشکیل یافته است.بلندتراز ٤۰۰۰ متر ارتفاع از برفهای دایمی ویخچالها پوشیده شده جریان آبهای دایمی را درنشیبی های شمالی وجنوبی پدید می آورد و مردمان مالدار تا ارتفاع ۳٦۰۰ متر مواشی خود را برای تغذیه در ایام تابستان می برند وتاهمین ارتفاع اسکان بشری پیش میرود.

هندوکش غربی :

سلسله جبال هندوکش غربی که بعد ازسلسلهء هندوکش شرقی ازبزرگترین سلسله جبال افغانی محسوب میگردد ازکوتل خاواك شروع شده به استقامت غرب الی بند امیر گسترش می

یابد طول این سلسله جبال ۲٤ . کیلومتر محاسبه شده عرض آن در حصهء شروع وانجام کمتر شده ودرحصهء وسط پهنای زیاد تر رابخود میگیرد.وادی تاله وبرفك واندراب ازسمت شمال و وادی پنجشیر و غوربند ازسمت جنوب این سلسله جبال را احاطه کرده است. دریای پنجشیروغوربند ازدامنه های جنوبی این سلسله جبال سرچشمه گرفته باعث شادابی وخرمی منطقه گردیده است همچنان ازسمت شمال رود اندراب، خنجان، سیغان وکهمرد که تمام باهم یك جا شده دریای پلخمری را میسازد وبالاخره دریای کندزراتشکیل داده به جریان می افتد. ارتفاع هندوکش غربی از . . ٤٥ مترتجاوز نمیکند بلندترین قلهء آن بنام چتپال یاد شده ٥٤٢٩ متر ارتفاع دارد.اما سایرحصص هندوکش غربی آنقدر ها ارتفاع نداشته نسبت به هندوکش شرقی سهل العبورتراند. کوتل های معروف آن عبارتند از کوتل خاواك ٣٦٠٠متر ارتفاع، کوتل تل . . ٣٦ متر ارتفاع ،کوتل کوشان ٤٣٧٠مترارتفاع،کوتل چاردر٤٢٣٦متر ارتفاع، کوتل دندان شکن . . ٢٧ مترارتفاع ،کوتل شبر. ٣٢٠متر ارتفاع وکوتل سالنگ . . ٣٤مترارتفاع .

قبلاً کوتل شبر توسط سرك شوسه ولایت شمال را به ولایت جنوب ارتباط میداد اما بعد ازآنکه کوتل سالنگ با سرك های پخته واسفلت تمدید یافت ارتباط ولایات شمال با ولایات

جنوب خیلی سهل و نزدیك گردید.

وضع اراضی دامنه های این سلسله جبال مانند سلسله جبال هندوکش شرقی از سنگ ریزه ها وصخره ها تشکیل نگردیده ازهمین لحاظ اکثر حصص دامنه ها ازعلف زارها مستوربوده برای پرورش مواشی مساعد میباشد. جنگلات دردامنه های این سلسله جبال گسترش یافته تنها درختان خنجك، بادام کوهی، شمشاد و ارچه بصورت پراگنده در دامنه های آن بمشاهده میرسد وتا ارتفاع ۳٦۰۰ متر چرا گاه ها پیش رفته مالداران در ایام تابستان مواشی خویش را به آنجامی برند.

درحصهء جنوب کوتل شبر وروود غوربند سلسله کوهی بسمت شرق مجزامیگرددوتاغرب کوهدامن وکابل امتداد می یابد این سلسله کوه بنام کو پغمان یاد شده بلندترین قله آن بنام تخت ترکمن مسمی بوده ٤٦٨۲ متر از سطح بحر ارتفاع دارد. دریای هلمند ودریای کابل ازنشیبی های نواحی غربی آن سرچشمه میگیرد.

سلسله جبال هندوکش غربی دارای منابع طبیعی سرشار بوده در درهء پنجشیر،انجمن، جبل السراج و اشپشته احجارقیمتی، ذغال سنگ احجار آهکی خاصتاً چونه به پیمانه وافر دستیاب میگردد.

مشخصهء بارز دیگراین سلسله جبال اهمیت سوق الجیشی آن میباشد که ازقدیم الایام ، یعنی از زمان آریانا تاکنون دارا است.

سلسله کوه خواجه محمد :

سلسله کوه هائیکه ازقسمت شمال وشمال غرب ساحه بین کوتل انجمن وکوتل خاواك (آخرین قسمت هندوکش شرقی) جداشده به اراضی وسیع ولایات شمال شرقی کشورتابه جرم بدخشان امتداد پیدا میکند بنام کوه خواجه محمد شهرت دارد . این سلسله کوه دارای چین خوردگی های زیاد بوده تقریباً تمام ساحهء ولایات بدخشان وتخار را اشغال کرده است ارتفاع این سلسله جبال دروسط زیاد ودرانجام بتدریج کم شده میرود بلندترین قله آن درجنوب درهء رخوی واقع است .۵۶۸ متر ازسطح بحر ارتفاع دارد.

درارتفاعات این سلسله جبال برفهای دایمی ویخچالهادیده میشود که عامل اساسی جریان آب رود خانه های تالقان وکوکچه میباشد. در ارتفاعات ..۲۵ متری آن جنگلات بمشاهده میرسد که اکثریت درختان آنرا ارچه، آلو،بادام وحشی ،دولانه، پشال، خنجك، پسته وغیره [illegible]

کوه بابا :

سلسله کوه بابا تقریباً درمرکز افغا[illegible] امتداد سلسله

هندوکش غربی تمدید یافته است این سلسله کوه که درحدود ۲۰۰ کیلومترطول دارد ازشرق کوتل حاجیگك ومنطقه غربی سیاگرد غوربندشروع شده ازشرق به غرب تاحدود مستقیم ادامه یافته تا به جنوب شرق کوه حصارمیرسد.ارتفاع اوسط این سلسله جبال به ۴۰۰۰متر رسیده اما مرتفع ترین قلهء آن که بنام شاه فولادی یاد میشود ۵۱۴۰ متر ازسطح بحر ارتفاع دارد این سلسله جبال بعد ازچهار هزارمتر ارتفاع ازبرفهای دایمی پوشیده شده وذخیرهء آب رابرای دریای چهارسمت پدید می آورد چنانچه ازنشیبهای شمالی این کوه آ ب بند امیر وبلخ آب ازجنوب آن رود هلمند منبع میگیرند .

درصفحات شرقی آن احجار عهد پلیوزوئیك ودرصفحات شمالی وغربی آن احجار آهکی ومتحوله دوره های بعدی بکثرت بملاحظه میرسد.مثلاً دردرهء فولادی ودرهء اژدر رسوبات آهکی بصورت واضح دیده میشود.درنشیبهای جنوب وجنوب غربی کوه بابا سطح مرتفع وسیع وجود دارد که بنام سطح مرتفع ناور(دشت ناور) یاد میشود. دشت ناور ازجملهء بزرگترین سطح مرتفع مرکزی است که زمینه پرورش مواشی ر ا درایام تابستان بوجود آورده است.معابر و کوتل های زياددرحصص شرقی آن وجود دارد که معروفترین آن عبارت اند ازکوتل عراق کوتل سناتو،کوتل گردن دیوال (دیوار)،کوتل ملایعقوب کوتل

اونی ،کوتل حاجیگک وکوتل ناور میباشد ارتفاع این کوتل ها از. . . ۳تا. . ۳۷متر میرسد. اوضاع

اقلیمی این سلسله جبال درایام تابستان گرم ودرزمستان فوق العاده سرد میباشد.درختان بلندقامت دراکثرحصص آن بملاحظه نمیرسد .دربعضی حصص آن بته ها ی پست قامت وجود دارد اما بصورت عموم دامنهٔجنوبی آن ازعلف ها مستور است که برای پرورش مواشی خیلی ها مساعد میباشد.

سلسله کوه تیربندترکستان :

این سلسله کوه ازشمال غرب کوه حصاروبلخ آب شروع شده سمت افتادهٔآن شرقاً غرباً امتداد یافته تابه بالامرغاب میرسد طول این سلسله جبال به . . ۳ کیلومتر وعرض آن درنقاط مختلف درتغییرمیاشد. ارتفاع اوسط آن به . . ۲۵ متر میرسد. ارتفاع اعظمی آن در صفحات شرقی بوده وهر قدربسمت غرب پیش برویم از ارتفاعات آن کاسته میشود ارتفاع اعظمی آن در علاقهٔ شال کاشان به ۴۲.۷ متربالغ میگردد.قله دیگر آن درحصه وسط ۳۸۹۶ متروقلهٔ قره جنگل ۲۷۸۵ مترازسطح بحر ارتفاع دارند.

ازسمت شمال این سلسله جبال دریای درزآب، سرپل، شرین تگاب و دریای قیصارمنبع گرفته در حالیکه ازسمت جنوب آن معاونین دریای مرغاب وازحصص شرقی آن بلخ آب و آب استاده منبع میگیرند.

درنشیبی های شمالی وجنوبی این کوه درختان پسته زیاد نموکرده اماسایراشجار مانند سرو، صنوبر، ارچه، زیتون وبلوط دردامنه های آن دیده نمیشود .سمت افتادهء این سلسله جبال که شرقاً غرباً است بحیث دیوار بزرگ درمقابل بادهای صحرای ترکستان قرارگرفته بنا برهمین علت نشیب های شمالی وشمال غربی آن اوصاف نیمه صحرائی را وانمود میسازد چه در این ناحیه ریك هائیکه توسط باد آورده میشود به دامنه های شمالی خوابانیده محیط صحرای را تشکیل میدهد ضمناً ائتکلات باد ها این حصص شکل معمررا بخود گرفته درحالیکه ازلحاظ تشکل عمر این سلسله جبال با سلسله جبال هندوکش یکسان است .دامنه های جنوبی این سلسله منطقهء علف زار را پدید آورده چراگاه خوبی را برای منطقه فراهم ساخته است علاوتاً این دامنه درایام بهاروتابستان از انواع گل های صحرای مملوشده منظرهء دلفریب وفضای معطررا پدید می آورد.

فیروزکوه یاسفید کوه :

سفیدکوه بطرف غرب افغانستان موقعیت داشته ازناحیه غرب کوه حصار و شمال غرب کوه بابا شروع شده الی قزل بولاق شمال غرب ولایت هرات امتداد یافته تابه کوه البرز اتصال پیدا میکند این سلسه جبال ازشرق تا به غرب درخاك افغانستان تقریباً ٤٠٠کیلومتر طول داشته موازی به دریای هریرود امتداد پیدامیکند ارتفاع اوسط این سلسله جبال ...۳متر محاسبه

شده ازنشیب های شمالی آن دریای کشك ، کاشان ومرغاب سرچشمه گرفته وازنشیب های جنوبی آن دریای هریرود جریان پیدامکیند بلندترین قلهٔ آن که بشمال اوبه وجنوب کوتل سبزموقعیت دارد .۳۵۹ متر ازسطح بحر ارتفاع دارد ارتفاع این سلسله ازشرق بغرب کم شده میرود .

این سلسله جبال ازشروع تا انجام به نامهای مختلف یاد میشود یعنی درشرق بنام فیروزکوه دروسط بنام سفیدکوه ودرغرب بنام پاراپا میزوس شهرت دارد مرقعیکه ازسرزمین افغانی داخل خاك ایران میشود درخراسان بنام بینادلوویکتان کوه نیزیاد میشود . کوتل های معروف این سلسله جبال عبارت اند ازکوتل زرمست ،کوتل اردوان ،کوتل چشمه‌سبز(کوتل سبزك)، کوتل رباط، کوتل خوش رباط وکوتل سرخ . درختان بلند قامت در دامنه های این سلسله جبال دیده میشود اما بته های پست قامت دراکثر حصص آن وجود دارد دامنه های شمالی وجنوبی آن پرازعلف بوده و مراتع خوب را پدید آورده است .

سیاه کوه :

سیاه کوه درغرب کشورازجنوب لعل سرجنگل شروع شده به استقامت جنوب غرب جانب شیندند (سبزوار)امتداد می یابد. سیاه کوه بعد از مبداء یا شروع به شعبات مختلف تقسیم شده ودرهرجا حایز اهمیت جداگانه وبنامهای مختلف یاد میگردد یکی از شعبات این سلسله جبال درغرب گیزاو بنام کوه خ

یاد شده ارتفاع اعظمی آن به ۳۹۸۷ مترمیرسد. درجنوب غرب
بند بایان شعبهء دیگر این سلسله جبال امتداد یافته است که
بنام کوه سنگ مسمی است معاونین فراه رود، خاشرود ودریای
هلمند ازدامنه های این سلسله منبع میگیرند ارتفاع اعظمی آن
درغرب تیوره به ۳۹۲۳ مترمیرسد.

شاخه دیگر آن بنام کاسه مرغ یاد شده ازبند بایان شروع شد
بطرف غرب پیش میرود بلند ترین ارتفاع آن ۳۵۲۵ متر ازسطح
بحر است شاخهء دیگراین سلسله جبال که بنام دوشاخ مسمی
است در اخیر زنده جان هرات موقعیت داشته ارتفاع نسبتاً کمتر
دارا است. شاخهء اصلی سیاه کوه که درحقیقت به امتداد کوه
بابا وهندوکش است تاحصهء شیندند(سبزوار) پیشرفته
۲۳ کیلومتر طول را احتوا میکند.

سلسله جبال سیاه کوه بصورت عموم ازاحجار آهکی دورهء
کرتاشیس وجیوراسیك تشکیل یافته دامنه های شمالی و جنوبی
آن عاری ازجنگلات است اما دامنه ها ودره های این سلسله
دارای انواع مختلف علف بوده وچراگاهای خوب را بارآورده
است . علاوتاً ازدامنه های شعبات مختلف این سلسله جبال
دریاهای هیریرود ، یزدان رود ،خاشرود ، فراه رود ، رود موسی
نعمه ورود فرسی سرچشمه میگیرد ارتفاع این سلسله نسبت به
سلسلهء سفیدکوه کمتر بوده کوتل معروف آن بنام کوتل تلخ آب
شده غورات را به هرات وصل میکند .

گل کوه :

این سلسله جبال ازکوتل اونی شروع شده بجانب جنوب غرب ادامه می یابد یعنی تمام ساحه ء جنوب شرقی وشرقی وحصه های وسطی دریای هلمند را تا بند کجکی اشغال کرده است طول این کوه نسبت به کوه بابا وسیاه کوه زیادتراست سلسله جبال گل کوه درنواحی غرب ناور به ارتفاع اعظمی رسیده ارتفاع آن درآنجا به ٤٥٩٥ مترمحاسبه شده است . دریای ارغنداب درحصهء جنوب غربی ارغنداب گذشته به کوه شاه مقصود اتصال پیدا میکند .سلسلهء دیگر آن از مقرء شاجوی وقلات گذشته داخل شهرصفا میگردد.گل کوه بصورت عموم عاری ازجنگلات بوده تنها درختان خنجك، دولانه، بشال وارچه درنقاط مختلف آن بصورت پراکنده بمشاهده میرسد.

سلسله جبال شرقی وجنوب شرقی افغانستان :

همانطوریکه قسمت های شمالی وشرقی ومرکزی افغانستان توسط سلسله جبال وارتفاعات اشغال شده است مناطق شرقی وجنوب شرقی کشورنیزدارای ارتفاعات وسلسله جبال بوده که از لحاظ جغرافیایی هریك دارای اهمیت خاص است و اینها عبارت اند از سپین غر ، سیاه کوه شرقی وکوه های سلیمان .

سپین غر (سفیدکوه شرقی)

این سلسله در انتهای شرقی افغانستان موقعیت داشته از ۱۰۰ کیلومتری غرب پشاور شروع شده الی شمال خروار

درلوگرامتداد می یابد چون نظر به ارتفاع زیاد قلل آن دایماً
ازبرف پوشیده شده است بنا برآن مردم منطقه این سلسله را
سپین غریاد میکنند درنشیبی ها شمالی آن دریاهای کم آب که
اکثراً سیلابی را تشکیل میدهد جریان پیدا میکند . دریای
سرخرود سپین غر را ازسیاه کوه شرقی جدا میسازد دریای کرم
ومعاونین آن درنشیبی های جنوبی وجنوب غرب سپین غر واقع
شده حوزهء پکتیارا از ننگرهار جدامیکند. این سلسله جبال
درنزدیکی کوتل پیواربه ارتفاع اعظمی رسیده قلل مرتفع آن که
بنام سیکا رم یاد میشود ٤٧٥٥ متر ازسطح بحر ارتفاع دارد
در این حصه واقع است این سلسله جبال ازلحاظ اقتصادی حایز
اهمیت زیاد میباشد زیرا دامنه های آن از جنگلات سوزن برك
ازقبیل ارچه، نشتر، جلغوزه بیجوروپائین مستوربوده به
اقتصادیات مردم منطقه خیلی مفید واقع شده است . طول این
سلسله کوه ازشروع تا انجام ۱۸۰کیلومتر محاسبه شده است این
سلسله شرقاً غرباً امتداد یافته اما درحصهء هده واقع جلال آباد
استقامت جنوب غرب را اختیار میکند.

کمکی خیبردرنزدیك تورخم وکوتل خیبر درشرق تورخم
ازلحاظ وضع تاریخی وسوق الجیشی حایز اهمیت خاص
میباشد.

سیاه کوه شرقی یا تورغر :

سلسله سیاه کوه شرقی که بعضاً آنراجزسپین غر میدانند از غرب درونته آغازیافته الی سواحل شرقی دریای لوگر امتداد می یابد درحصهٔ شمال شرقی سیاه کوه سلسله های فرعی دیگر جدا شده که سلسله های سروبی را بوجود آورده که بنام لته بند یاد میشود مرتفع ترین قلهٔآن درکوه سلطان بابا واقع شده ۴۱۶۷متر ازسطح بحرارتفاع دارد این سلسله کوه ۱۵ کیلومتر طول داشته عاری ازجنگلات وعلف زار میباشد چون سلسله سپین غر درمقابل این کوه بشکل حایل مانع رطوبت مونسون میگردد ازاین رو بارندگی مونسونی در این سلسله کمتربوده فاقد نباتات وعلف زارمیباشد.

کوه سلیمان :

سلسله کوه سلیمان که ازجمله سلسله جبال بزرگ محسوب میگردد دارای ۶۰۰کیلومترطول میباشد ازجنوب شرق افغانستان تاحصه های شمالی وجنوبی چمکنی وکویته بلوچستان امتداد یافته است .

کوه سلیمان بدوقسمت یعنی کوه سلیمان شرقی (سلیمان داغ شرقی) وسلیمان غربی (سلیمان داغ غربی) تقسیم میگردد قسمت های شرقی آن درخاك وزیرستان واقع شده سلسله های کوهستانی آنجا را تشکیل میدهد شاخه های دومی آن در پکتیا و پکتیکا و بلوچستان امتداد یافته است. رطوبت

مونسون هند به اینجا بیشترمواجه شده باعث بارندگی های موسمی این ساحه شده جنگلات وساحات سرسبزرا در این منطقه بوجود می آورد این جنگلات درخاك افغانستان نیزتوسعه یافته از ...۱تا ..۱۵ کیلومترمربع ساحه را اشغال کرده است .

قسمت وسیع وبزرگ سلیمان غر ازناحیه جنوب رود گومل شروع وتابلوچستان پیش میرود واین قسمت خارج ازخاك افغانستان قراردارد. قلهء مرتفع ومعروف آن بنام تخت سلیمان ۳۳۸۳ متر ازسطح بحر ارتفاع دارد.

کوه چگانی (کشتگان غر) :

این سلسله کوه درجنوب غرب کشورموقعیت داشته طول آن به ۱۵۰کیلومتر بالغ میگردد وسرحد بین افغانستان وبلوچستان را تشکیل میدهد ارتفاع آن دراین حصهء سرحدی به ۲۲٤٦ متر میرسد قلهء مرتغع آن که در بلوچستان واقع است بنام ملك نوریاد شده تقریباً ۲٤٥۷ مترازسطح بحر ارتفاع دارد این کوه عاری ازجنگلات بوده کوتل شیبان که تقریباً ۱۷۸۵ متر بلندی دارد درحصهء مرکزی آن واقع است وساحهء بین شمال وجنوب یعنی افغانستان وبلوچستان را ارتباط میدهد.

سلسله کوههای کوچك دیگر بنام کانی غر درشمال شرق لورا ودرسمت غرب آن کوه کشتگان (کشته کان غر) ودر انتهای غربی آن کوه ملك دوکان موقعیت دارد .

این سلسله جبال بین ساحهء ریگستان واقع شده بنابرموقعیت اوصاف نیمه صحرایی را دارا است رطوبت آن تابع محیط واقلیم منطقه بوده عاری ازجنگلات میباشد.

د : آبهای افغانستان :

ساختمان اراضی ، عوارض طبیعی افغانستان توام باوضع جغرافیای واقلیمی آن در بوجود آوردن آبهای روان ، آبهای بسته وتحت الارضی افغانستان ارتباط مستقیم دارد چه آبهای رود خانه های افغانستان بنا بروضع اقلیمی ، سلسله کوه ها واراضی مرتفع افغانستان باسمت افتاده وموقعیت آن ها مربوط ومنوط است .

ساحات مرتفع ونقاط کوهستانی افغانستان بادرنظرداشت ارتفاع طوری قرارگرفته است که بصورت عموم برفهای دایمی وکتله های یخچالی را در جریان سال پدید آورده واین کتله ها وسیع برفها ویخچالها در جریان سال زوب شده منبع آبهای دایمی دریا ها را به سمت های مختلف فراهم میسازد.

چون دریا ها ومعاونین آنها از نقاط خیلی مرتفع افغانستان سرچشمه میگرند ازاین رو این دریاها بصورت عموم درقسمت های علیای خود خیلی سریع و آبشاری بوده وسرعت آن ها باعث تخریب و ائتکال بستروسواحل دریا هامیگردد ومقدارزیاد خاك ریگ وسنگ ریزه ها را باخود انتقال داده بجاهای مختلف ترسب میدهد بطورمثال دریای آمو که از منبع تاخم آب درحدود

...۳ متراختلاف ارتفاع دارد سالانه در حدود ۲۵ ملیون
مترمکعب مواد رسوبی را باخود انتقال میدهد . همچنان
سرعت آب وسیلابی بودن آن باعث تخریب زمین های زراعتی
میگردد . بناءً هرگاه در مقابل این سیلابها بندها وانها رساخته
شوند آب دریا را کنترول کرده وازذخایر آب آن هم برای
استحصال برق وهم برای آبیاری اراضی زراعتی استفادهء شایان
صورت خواهد گرفت.

تراکم شبکه های آبهای جاری در افغانستان به تناسب
مناطق معتدله واستوائی کم بوده زیرا سرزمین افغانستان
بصورت کل یك منطقه نیمه استوائی را معرفی کرده مقدارآبیکه
در دریا های افغانستان بجریان می افتد بطوراوسط معادل ٤٠
کیلومتر مکعب فی ثانیه محاسبه شده که با ین اساس
درهرکیلومتر مربع ۱,۷ لیتر فی ثانیه میرسد که این مقدارآ ب
بهجوجه برای سرزمین های زراعتی افغانستان کفایت نمیکند
علاوتاً اراضی قابل زرع که از دریا ها دور ترقراردارند دشت
های خشك ولامزروع را پدید آورده اند.مثلاً درصفحات شمالی
نواحی مرکزی وجنوب غربی .

سلسله جبال و اراضی مرتفع افغانستان که بحیث یك خط
برجسته ساحات شرقی، مرکزی وغربی را احتواکرده است
افغانستان را به حوزه های آبگیر مختلف طبیعی تقسیم کرده
است. آبهای جاری افغانستان بنا بر تصنیف به چهارحوزه ذیل

تقسیم میگردد .

جدول شماره (۲) حوزه هایی آبگیر افغانستان رانظربه وسعت وفیصدی نشان میدهد .

شماره	حوزه ابگیر	وسعت به کیلومتر	فیصدی حوزه ابگیر
۱	حوزه آمو و یاآکسوس	۱۵۸۰۰۰	۲۴٫۲
۲	حوزه هریرود	۷۳۵۰۰	۱۱٫۵
۳	حوزه کابل	۷۵۳۹۰	۱۲٫۵
٤	حوزه سیستان و هلمند وحصص مرکزی	۳٤۲۷۰۰	۵۱٫۸

در اثرمحاسبات که صورت گرفته ازجمله ، آبهای جاری افغانسنان ۷۹ فیصد در داخل سرحدات کشور ۱۱فیصد درحوزه سند ده فیصد در سرزمین ازبکستان وترکمنستان بجریان می افتد مقدار ویا دبت آبهای دریاهائیکه درسمت شرق افغانستان جریان دارد نسبت به صفحات غربی زیاد تر بوده درحالیکه دبت آبهای شرقی افغانستان تا ۲۰ لیتردرفی ثانیه درفی کیلومترمربع محاسبه شده است درحالیکه دبت دریاهای غربی مملکت ازده متر درفی ثانیه درفی کیلو مترمربع تجاوز نمیکند.

درحوزه های چهارگانهء افغانستان دریاهای ذیل بنابرآب وافر وشهرت درمنطقه حایزاهمیت بوده قرارذیل میباشد .

درحوزه دریای آمو ویا آکسوس دریای واخان، دریای شیوا ،

دریای کوکچه ، دریای کندز، دریای خلم ، دریای بلخ آب دریای سفید یا آب استاده ودریای قیصارشامل اند.

درحوزه هیریرود دریای مرغاب وکشك ودریای هریرود ومعاونین آنها شامل میگردد.

درحوزه دریای کابل دریای لوگر، پنجشیر، الیشنگ، الینگار، کنر و سرخرود شامل میگردد

درحوزه سیستان وهلمند دریای فراه، دریای ادرسکن، دریای خاشرود دریای کوچك مانند دریای غزنی وسایر دریاها مرکزی درآن شامل اند .

۱- دریای آمو: دریای آمو که ازجمله‌ء بزرگترین دریاهای شمالی افغانستان بشمارمیرود یونانی ها آنرا اکسوس (Oxus) واعراب آنرا جیحون خوانده اند این دریا ازجهیل زور کول یا جهیل ویکتوریا سرچشمه میگیرد (جهیل زرکول (زورکول) بلند تر ازچهارهزارمتر ارتفاع قرارداشته منبع یخچالی دارد) دریای آمو درحصص منبع بنام دریای پامیر شهرت داشته معاون اولی آن که دریای واخان است واز دوشاخه یکی ازجنوب دره‌ء واخجیرو دیگر ازجهیل چقمقتین متشکل شدد است ، درنزدیکی گازخان باهم یکجا شده دریای و احد را بنام دریای پنج بوجود می آورد وبه استقامت غرب جریان پیدا میکند دریای پنج تاحصه اشکاشم جریان شرقاً غرباً راتعقیب کرده ازآن ببعد به سمت شمال انحراف پیدا میکند درمنطقه‌ء

روشان معاون دیگرخود را که بنام شیوا است می پذیرد. ودر نزدیکی ای خانم دریای کوکچه با دریای پنج یکجا شده واز اینجا ببعد بنام دریای آمو یاد شده سمت سیر شرقاًغرباً را بار دیگرتعقیب میکند. بعداً دریای کندزکه ازجمله معاون بزرگ سمت جنوب آن است بآن یکجا شده تاحصه خم آب جریان شرقاً غرباً را می پیماید ازخم آب ببعد سمت سیر شمال راتعقیب کرده وبعد ازطی کردن سرزمین های وسیع وشاداب ساختن آنها به جهیل ارال میریزد .

طول دریای آمو ازمنبع تامصب به ..۲۵ کیلومتر بالغ شده ازناحیه زورکول الی خم آب سرحد سیاسی را بین تاجکستان ، ازبکستان وترکمنستان وافغانستان میسازد . عرض دریای آمو در جریان مسیر خود یعنی ازمنبع تامصب در تغییر بوده ازچند مترمحدود تا ...۵ مترمیرسد . عرض دریای آمو ازحصه آی خانم اضافه شده درحصهٔ درقد به ...۲ متر ودرحصهٔ تاش گذر به ..۲۵ متر و درحصهٔ کلفت به ...۵ مترمیرسد . درساحاتیکه عرض دریا حداعظمی را بخود میگیرد عمق آن کم شده ارتفاع آب ازیکنیم تا دومتر میرسد .

دریای آمو دارای معاونین زیاد میباشد ازطرف چپ تمام معاونین که از سر زمین افغانستان سرچشمه گرفته درنقاط مختلف به دریای آمووصل میگردد ودرحدود .٤ فیصد معاونین دریای آمو را تشکیل میدهند درحالیکه .٦ فیصد

متباقی آن ازساحل راست به آب آمویکجا شده ومهمترین آن عبارت اند از دریای گند دریای وانچ ، دریای قزل سو ، دریای وخش ، دریای کافرنگان ودریای سرخان این دریا ها ازارتفاعات تاجکستان، ازبکستان وترکمنستان منبع گرفته ودرنقاط مختلف به دریای آموپوصل میگردند وبیش تراز ۶۰فیصد آب دریای آمو را تامین میکنند. دبت دریای آمودرنقاط مختلف مختلف است اوسط دبت آن درحصه کرکی به ۲.۵ مترمکعب فی ثانیه میرسد دبت دریای آمو درجریان سالهای متمادی نیز درتغییر بوده درسال ۱۸۹۷ م دبت دریای آمو درحصهء مصب به .۱۹۶ مترمکعب فی ثانیه ودرسال ۱۹۱٤ م این رقم به.۸۱٤ مترمکعب فی ثانیه رسیده بود .

دریای آمو درحصهء علیاخود یعنی از زورکول تا دشت قلعه از ارتفاعات زیاد گذشته دارای سرانشیبی زیاد میباشد اما از دشت قلعه وآی خانم ببعد دریای آمو در اراضی نسبتاً هموارجریان پیداکرده حتی برای کشتی رانی مساعد میگردد بهمین لحاظ درحصهء تاشگذر، کلفت ، قزل قلعه وحیرتان بنادر ومراکز مهم وارداتی وصادراتی را تشکیل داده است دربندرکلفت تانکرهای ذخیره نفت اعمارشده است این بنادر مراکزمهم تجارتی کشورهای تاجکستان، ازبکستان وترکمنستان را بانقاط مهم تجارتی افغانستان اتصال میدهد . درحالت فعلی آب دریای آمو برای زراعت استفاده شده نمیتواند اما با اعمار

بندها وانهار زمینه آبیاری اراضی زراعتي واستحصال برق امکان پذیر میگردد. باثرتحقیقات جیولوجی ثابت گردیده است دریای آمودر دوره های خیلی سابق به جهیل کسپین میرخت اما بنابر خشکی ا قلیم وکمی آب ودشت های خشك ریگی وصحرای بحیث موانع سمت سیردریای آمو را تغییر داده واکنون به جهیل ارال میریزد و دلتای راکه دراین ساحه میسازد به وسعت یازده هزارکیلومترمربع بالغ میگردد.

مهمترین معاونیکه ازطرف خاك افغانستان به دریای آموصل میگردد عبارت ازدریای کوکچه وکندز میباشد دریای کوکچه ازسلسله جبال مرتفع خواجه محمد سرچشمه گرفته شعبات آن در دره های یمگان، وردوج و سرغیلان گذشته درحصهء جرم با دریای اصلی کوکچه یکجامیشود . چون دریای کوکچه ازمنبع تامصب درارتفاعات جریان پیدا کرده از آنرو برای زراعت به پیمانهء بسیارکم استفاده میشود این دریا درحصهء خواجه غار به دریای آمو میریزد .

دریای کندز ازشعبات مهم مانند دریای پلخمری،دریای اندراب ودریای تالقان متشکل شده از ارتفاعات هندوکش غربی سرچشمه میگیرند. درنزدیکی قلعهء ذال بردریای آمو وصل میگردد آب دریای کندزتقریباً در سرزمین هموار جریان داشته مانند دریای کوکچه آبشاری نمی باشد: ازین رو آب دریای کندز برای زراعت خیلی مساعد بوده اراضی زراعتی بغلان

وکندز را آبیاری میکند ازیك طرف باعث سرسبزی منطقه شده وازطرف دیگر بند برق پلخمری وبند برق خان آباد بالای این دریا اعمار شده واز آن برق نسبتاً کافی استحصال میگردد .

حوزهٔ هریرود :

حوزه هریرود که درشمال غرب افغانستان موقعیت دارد بعضی ازجغرافیه نگاران این حوزه را مربوط حوزهٔ هلمند یااکسوس دانسته دریای هریرود ومرغاب راتحت عنوان آکسوس مطالعه مینمایند وبعضی هم تنها دریای مرغاب را درپهلوی دریای آمو ومعاونین آن مطالعه مینمایند اما دراینجا دریای مرغاب ودریای هریرود که درشمال غرب افغانستان موقعیت دارد وآبهای آنها به اکسوس نمیریزد ، هردو دریا تحت حوزهٔ هریرود مطالعه میگردد .

دریای مرغاب :

دریای مرغاب ازارتفاع ٢٥٠٠ متری کوه حصار(انتهای شرقی فیروزکوه وتیربند ترکستان) سرچشمه گرفته ٤٥٠ کیلومتر آن درخاك افغانستان جریان پیدامیکند اماطول عمومی آن به ٨٠٠ کیلومتر میرسد یعنی ٢٥٠ کیلومتر آن درخاك ترکمنستان جریان دارد . رقبهٔ عمومی حوزهٔ آبگیر آن به ٣٤٥٠٠کیلومترمربع بالغ میگردد که ٥,٦ فیصد حوزه آبگیر عمومی افغانستان را پدید می آورد .

دریای مرغاب معاونین زیاد دارد وشعبات آن در ولا یت بادغیس ازهرسمت جریان پیدا میکند معروف ترین آن قودیان وخرپید است که درحصهء جوند باهم یکجا شده به دریای مرغاب میریزد . دریای مرغاب ازمنطقه شاشهید تا ماروچاق (ماری چاق) در سرزمین هموار جریان پیدا کرده دراین قسمت استفاده زراعتی ازآن امکان پذیر است اما ازسایرقسمت ها نسبت ارتفاعات زیاد وتغییر ارتفاع سرعت آب زیاد شده ازآن استفادهء کمترصورت میگیرد .

دریای مرغاب موقعیکه ناحیه بالا مرغاب را ترک میگوید سمت شمال غرب میلان پیدا کرده وبه فاصله تقریباً ۳۰ کیلومتر خط سرحد را بین افغانستان وترکمنستان بوجود می آورد بعداً این دریا به مرو پیش رفته در حصهء تخته بازاربامعاون بزرگ خود یعنی کاشان ، (کوشان) وکشک یکجا میشود .

دریای کشک که ازنشیبی های شمالی سلسله سفیدکوه (نزدیکی های کوتل سبزک) سرچشمه گرفته به استقامت شمال به جریان می افتد همچنان دریای کوشان ازنزدیکی کوتل سنگ سرچشمه گرفته به سمت شمال جریان پیدا میکند .

بالاتر ازمنطقهء کشک با دریای کشک یکجا شده وبنام دریای کشک درمنطقه یاد شد ه درنزدیکی تاشگذر به دریای مرغاب یکجا میگردد وبعد از سیرآب کردن منطقهء پنجده

درحصه، قره قوم دلتای بزرگ راتشکیل داده در ریگزار های منطقه جذب میگردد .

هریرود :

هریرود از انجام غربی کوه بابا (بندسرجنگل) از ارتفاع ٤٠٠٠ متر سرچشمه میگیرد این دریا درابتدا ازیك جا شدن دو آبریزه که از دره های لعل وسرجنگل سرازیر میشود درحصهء جنوب دولت یار با هم یکجا شده بطرف غرب جریان پیدا میکند تشکیل میگردد . درغرب اوبی با معاون بزرگ خود یعنی تگاوایشان (تگاب اوشلان) یکجاشده به مقدارعمومی آب می افزاید .

دریای تگاوایشان ازنشیب های غربی بند بایان از ارتفاع ٣٠٠٠ متر سرچشمه گرفته درحدود ٢٠٠ کیلومتر موازی بادریای هریرود جریان پیدا میکند و درقریه بوریاباف (غرب اوبی) باآب هریرود یکجامیشود ازین نقطه به ببعد دریا به سطح هموار جریان پیدا کرده ازسرعت خود میکاهد این دریا به استقامت پشتون زرغون به جریان خود ادامه داده درساحهء شرقی هرات با دریای کرخ که معاون ساحل راست آن است یکجامیشود .

هریرود که ازجمله بزرگترین دریای غربی افغانستان میباشد بین سل[illegible]ء سفیدکوه وسیاه کوه جریان منظم ونسبتاً مستقیم را ازشرق به غرب دنبال میکند وازمنبع تادهکده های کوهسان

۵۶۰کیلومتر فاصله را بطورموازی باسلسلهء سفید کوه وسیاه کوه
می پیماید بعد ازگذشتن از دهکده های کوهسان سمت جریان
هریرود تغییر کرده استقامت شمالی را بخود میگرد . هریرود بعد از
عبور ازجنوب شهرهرات داخل دشت های غوریان میگردد درین حصه
به عرض آن افزوده شده سرعت آب آن بطی میگردد بعد ازآنکه
داخل اسلام قلعه گردید سمت شمال را تعقیب کرده تا قریه ذولفقار
سرحد مشترك را بین ایران وافغانستان تشکیل میدهد ازناحیه
ذولفقار ببعد اسم تجند را بخود میگیرد بیك مسافهء نسبتاً طویل
تاناحیه سرخس خط سرحدی را بین ایران وترکمنستان تشکیل
میدهد بعداً این دریا درمنطقه تجند سرزمین وسیع اطراف خود را
شاداب ساخته درجنوب صحرای قره قوم بعد ازتشکیل یك دلتای
وسیع جذب میگردد .

هریرود ازمنبع تامصب ۸۵۰کیلومتر طول داشته حوزهء آبگیرآن
به ۳۹۳۰۰ کیلومترمربع ساحه را در برمیگرد .

دبت آب هریرود درنقاط مختلف تغییر میکند همچنانکه
درجریان سالها نظر به وضع بارندگی درتغییر میباشد . دبت آب
هریرود درحصهء اولی به ۹۸۵ مترمکعب درفی ثانیه میرسد
درحالیکه در بعضی ازنقاط این مقدار حتی کمتر از ده مترمکعب
درفی ثانیه تقلیل می یابد باوجود آنهم هریرود ازجملهء پرفیض
ترین دریای افغانستان محسوب شده شادابی وسرسبزی ولایت هرات
ازبرکت همین دریامیباشد چه درطول تاریخ شهرهرات ونواحی آن

چندین بار توسط مهاجمین تخریب گردیداما ازفیض وبرکت همین دریابود که دوباره اعمار میشد چه این دریا ازلحاظ زراعت ومالداری به اقتصاد روستایی منطقه خیلی مفید واقع شده حاصلخیزی اراضی زراعتی وچراگاهای معمورمنطقه به وضع اقتصادی مردم اثر بارز انداخته است خاصتاً دراین اواخر که با اعمار بندها وکانالهای توسط مردم شهرهرات وصفحات شرقی آن خیلی سرسبز وشاداب گردیده است.

حوزهء سند :

دریای کابل ومعاونین آن که از دامنه های جنوبی سلسله جبال هندوکش سرچشمه میگرند بعد ازطی سرزمین های وسیع به دریای سند میرزند بنابرهمین علت این حوزه به حوزه سند شهرت دارد. دریای کابل ومعاونین آن که عبارت ازدریای لوگر، دریای پنجشیر، دریای الیشنگ ، دریای الینگار، دریای سرخرود ودریای کنراست حوزهء آبگیر بمساحت ۷۵۳۹. کیلومترمربع را احتوامیکند که ازلحاظ رقبهء عمومی حوزهء آبگیر افغانستان ۱۲,۵ فیصد ساحه را اشغال مینماید عمده ترین آنهاقرار ذیل معرفی میگردند .

دریای کابل :

دریای کابل توسط دو آبریزه سنگلاخ وسرچشمه از ارتفاع ۳۵ . . متر ازغرب کوه پغمان (کوتل اونی) سرچشمه گرفته سمت سیر آن در ابتدا شرقاً غرباً میباشد . درمراحل ابتدایی

سرعت آن خیلی زیاد بود بعد ازآنکه داخل ساحه وسیع میدان میگردد مناطق زراعتی آنجا را سیراب میسازد بعد ازآنکه ازجنوب غرب کوه قورغ به تنگی للندر رسید جریان آن باردیگر سریع شده به وادی حاصلخیزچاردهی داخل میگردد سرزمین چاردهی را سیرآب ساخته درمنطقهء گذرگاه اولین معاون خود که بنام چمچه مست شهرت دارد می پذیرد .

(دریای چمچه مست ازدره های پغمان سرچشمه گرفته اکثراً آب کافی ندارد دراوایل بهارنسبت بارندگی ها زیاد آب آن طغیان کرده بعضاً باعث تخریب سواحل میگردد بنابرهمین سبب به چمچه مست شهرت یافته است) دریای کابل درنزدیکی شمال شینه بگرامی دومین معاون یعنی دریای لوگربآن وصل میشود ازاینجا ببعد آب دریای کابل اضافه شده درجریان سال دارای آب کافی میگردد درحصهء ماهی پربند برقی بالای آن اعمارشده که درجریان بهار و زمستان برق کافی ازآن استحصال میگردد (. . . ٦کیلوات درساعت)دریای کابل بعد از عبور از ماهیپر داخل دره های تنگ جریان پیدا میکند تاآنکه به وادی نغلوداخل میگردد درحوزه نغلو دریای پنجشیر که قبلاً بادریای غوربند یکجاشده است با دریای کابل وصل میگردد .درساحه نغلوکاسه بند ساحه وسیع را اشغال کرده ودرحدود صدهزارکیلوات ساعت برق ازآن استحصال میگردد دریای کابل بعد ازعبور ازنغلو داخل حوزه سروبی میگردد درناحیه سروبی بند برقی بظرفیت ۲۲ هزارکیلوات ساعت بالای آن اعمار شده

است .

دریای کابل بعد ازطی منطقهء سروبی داخل تنگی ابریشمین شد وازآنجا داخل منطقه سرکندوبابا، سرخکان وکچ عزیزخان میگردد درساحهء کچ عزیزخان دریای الینگار باآن وصل میگردد بعد ازآنکه داخل درونته میگردد درآنجا بند وکانالهای اعمارشده است که هم برای استحصال برق وهم برای پروژه های زراعتی استفاده صورت میگیرد. در نزدیکی شرق بهسود درمنطقه کامه معاون بزرگ آن یعنی دریای کنرباآن وصل میگردد بعد ازآنکه ازمنطقهء پشاورمیگذرد درنزدیکی اتك به دریای سند میریزد . طول دریای کابل ازمنبع (اونی) تامصب (اتك سند) . . ۷ کیلومتر محاسبه شده که . ٤٦ کیلومترآن به خاك افغانستان جریان دارد .

دریای کابل ازجمله دریایست که برای منطقه شرقی افغانستان خیلی مفید واقع گردیده است چه از یك طرف که باعث شادابی وسرسبزی وانکشاف فعالیت های زراعتی گردیده است ازجانب دیگر برای استحصال برق آبی فوق العاده مساعدبوده وتا اندازه ازآن استفاده بعمل آمده است وامکان استفادهء بیشترازآن وجود دارد . علاوتاً در وادی دریای کابل یك تعداد کثیرازنفوس بود وباش اختیار کرده به فعالیت های زراعتی ، صناعتی وتجارتی مصروف اند وبه صورت فعلی ازبند برق های چاریکار ، جبل السراج ، چك وردك ، ماهیپر، نغلو، سروبی ودرونته درحدود .۱۹٦۳٦ کیلوات ساعت برق

استحصال میگردد .

معاونین دریای کابل :

دریای لوگر:

دریای لوگر ازشمال شرق سلسلهٔگل کوه ازارتفاع ۳۲.. مترسرچشمه گرفته در ابتدا سمت جریان آن شرقاً غرباً بوده موقعیکه به چك وردك میرسد بند برق برظرفیت ۳۳٦. کیلوات ساعت بالای آن اعمار شده وعلاوه برآن برای زراعت نیز ازآن استفاده صورت میگیرد زیرا ازساحل راست وچپ دریا نهرهای زیاد جهت آبیاری زمین های زراعتی دهکده های آن منطقه کشیده شده است یعنی ازاین دریا وادی لوگر ، وردك ومیدان ، وادی خوردکابل ، قریه های سهاك ،شیوکی ،بگرامی وشینه سیراب میگردد. دریای لوگردرمنطقه شینه به دریای کابل میریزد.

دریای پنجشیر:

دریای پنجشیر ازهندوکش شرقی (جنوب کوتل انجمن) منبع گرفته از ارتفاع ۳۵.. متربطرف غرب جریان پیدامیکند درمنطقهٔ سیدخیل پروان دریای غوربند که ازکوتل شبرسرچشمه گرفته بان یکجامیشود درحصهٔ پل سعدالله با آب دریای سالنگ که ازجبل السراج میگذرد وصل میگردد ودرحصهٔ نغلو به آب دریای کابل ملحق میگردد.

سرعت جریان دریای پنجشیر ازمنطقه پریان تاتنگی گلبهار

خیلی زیاد بوده بعد ازآن سرعتش کمی بطی میگردد درفصل بهار وشروع تابستان سیلابی و طغیانی این دریا شروع میشود درحوزه پروان وکاپیسا ازدوطرف آن نهرهای زیاد کشیده شده وبرای زراعت ازآن استفاده صورت میگرد. ازدریای سالنگ درحصهٔ جبل السراج ودرحصهء پروان بندهای برق اعمار شده واز آنها بقدرتوان استحصال برق صورت میگرد.

دبت آب دریای پنجشیر زیاد بوده درحصهء شرقی مقدار آن به ۳۲.. مترمکعب فی ثانیه محاسبه شده که این پیمانه درجریان سالها ودرحصص مختلف درتغییر میباشد.

دریای الیشنگ والینگار:

دریای الینگار ازجنوب هندوکش شرقی درنزدیکی کوتل پوشال سرچشمه گرفته سرعت سیر آن ازسمت شمال بجنوب است درجریان سیرخود چندین دریاکوچك محلی را ازسمت راست وچپ خود می پذیرد .دریای الینگارازمنبع تا منطقه تباك به سرزمین نورستان جریان پیدامیکند بعداً به اراضی نسبتاً هموارالینگار جریان دارد درنزدیکی قریه پچکی دریای الیشنگ بآن وصل میگردد .موقعیکه ازمنطقه قرغه ئی گذشت درنزدیکی کانال ننگرهار به دریای کابل میریزد .

دریای الیشنگ نیز از نشیبی های جنوبی هندوکش شرقی

سر چشمه گرفته در ابتدا آب این دریا از سه دره سرازیرشده درحصهٔ منگل پورباهم یکجا شد دریای الیشنگ راتشکیل میدهد.دریای الیشنگ بعد ازآنکه نواحی دولت شاه، غازی آباد ، الیشنگ وتیگری را سیراب ساخته درنزدیکی قریه پچکی با دریای الینگار اتصال پیدامیکند توام ازدریای الیشنگ ودریای الینگار برای زراعت دهکده ها استفاده صورت گرفته درصورت اعماربندوانهارعصری امکان استفاده زیاد ازآن متصور میباشد .

رودکنر:

رود کنرازنزدیکی کوتل بروغیل (جنوب هندوکش شرقی) از ارتفاع ٤٠٠٠ متر سرچشمه گرفته به سمت بازار مستوج رهسپار میگردد وتااین حصه بنام رود یارقند یاد میگردد در این حصه با دریای دیگریکه موازی با دریای یارقند جریان پیدا میکند یکجا شده به جریان خود جانب جنوب شرق ادامه میدهد موقعیکه ازمنطقه چترال میگذرد بنام رود چترال یاد میشود زمانیکه ازمنطقه چترال گذشت داخل منطقه دروش وارناوی میگردد بعداً داخل سرحد افغانستان میشود ودرآنجا دریای لندی سین بآن اتصال پیدا میکند از اینجا ببعد بنام رود کنرموسوم میگردد ، موقعیکه رود کنر به چغسرای میرسد دریای پیچ بآن وصل میگردد بعداً ازمناطق خاص کنر، شیوه وشیگی گذشته درنزدیکی کامه به دریای کابل میریزد .

حوزه هلمند وسیستان :

حوزه سیستان وهلمند که درجنوب غربی افغانستان یك ساحه نسبتاً وسیع را اشغال کرده است از سمت شمال به سلسله جبال کوه بابا و سیاه کوه ازطرف جنوب به سلسله کو ه های چگائی و ازطرف شرق به گل کوه حصص مرتفع پکتیا، کندهار وزابل وازطرف غرب به دشت لوت ایران محدود میگردد.

بصورت عموم یك ساحه وسیع را به مساحت ....۳٤ کیلومتر مربع احتوا میکند که باین صورت بیش از نصف حوزهٔ آبگیر(٪۸٫ ۵۱) افغانستان را در بر میگیرد. دراین حوزه دریای هلمند با معاونین آن ، فراه رود ، خاش رود ، ادرسکن ، دریای غزنی وسایر دریاهای خورد وبزرگ این نواحی شامل اند.

دریای هلمند :

دریای هلمند که ازجملهٔ بزرگترین دریاهای افغانستان است ازمنبع تامصب درخاك افغانستان جریان پیدا کرده ازحصص مرکزی به جنوب غرب افغانستان احرازموقعیت نموده است .

دریای هلمند ازنشیبی های غربی کوه پغمان (کوتل اونی) سرچشمه گرفته بعد ازآنکه خم و پیچی ها و ارتفاعات زیاد را بشمول کوتل ملایعقوب طی کرد به جنوب درهٔ بامیان میرسد وازآنجا به استقامت دهراود بحرکت می افتد درساحه کچکی

عرض آن وسعت پیدا کرده ساحه بزرگ ذخیرهء آب را به منظورتولید برق تشکیل میدهد بعداً این دریا ازجنوب موسی قلعهءگذشته بامعاون خود یعنی رود موسی قلعه یکجامیشود وبعد ازطی مسافه بگرشك میرسد.

بندبغرا دراین حصه بالای بسترآن اعمار شده است از این بند نهرهای جهت آبیاری مناطق نادعلی ودشت های غربی قلعه بست را آبیاری میکند درحصهء قلعه بست بامعاون بزرگ خودیعنی ارغندب یکجا میشود ازاینجا به بعد این دریا سرزمین های مارگو وگرمسیر را طی کرده قوس بزرگ را درحصه درویشان وچاربرجك بودجود می آورد . ودرحصهء کمال خان به سمت شمال حرکت خود را تغییر داده درحصهء خوابگاه وکنگ به شاخه های متعدد به دلتا تبدیل شده به هامون هلمند میریزد .

طول دریای هلمند ازمنطقهء حاجی گك تابند کهك به ۱٤۰۰کیلو مترمیرسد چون این دریا درحصص علیای خود به سرزمین مرتفع قراردارد بناءً جریان دریا از منبع تاکجکی خیلی سریع بوده یعنی از ارتفاع ۳۹۰۰ متربه پنجصد متر تنزیل میکند.(مثلا کوتل اونی ۳۹۰۰ متر ازسطح بحر ارتفاع دارد درحالیکه ارتفاع بند کهك به ٤۸۰متر میرسد).

جریان آب هلمند نامنظم بوده مقدارآب آن ارتباط به فصل سال وبارندگی دارد یعنی دبت دریای هلمند از ٦۰ تا ۲۰۰۰

مترمکعب فی ثانیه درجریان سال تغییر میکند .همچنان درطول تاریخ دبت آب هلمند در حصۀ چاربرجك از . . . . ۲ مترمکعب فی ثانیه به . . . ۳ مترمکعب فی ثانیه رسیده است (درسال ۱۸۸۵م دبت آب هلمند درحصهء چاربرجك به . . . . ۲ متر مکعب فی ثانیه رسیده بود درحالیکه درسال ۱۹۶۲ این مقدار به ۲۹٤٦ مترمکعب فی ثانیه کاهش یافته بود.(یعنی . . . ۱۷مترمکعب درفی ثانیه کاهش رانشان میدهد.)

دریای هلمند همیشه درشروع سال یا اول بهارسیلابی بوده ومقدار آب آن به حد اعظمی میرسد وآب هلمند ازبند کجکی به بعد هم برای زراعت وهم برای استحصال برق مساعد میباشد.

دریای ارغنداب :

دریای ارغنداب که ازجمله معاون بزرگ دریای هلمند است ازنشیبی های سلسله جبال مرکزی وازجنوب سطح مرتفع ناور منبع میگیرد معاون بزرگ دریای ارغنداب که عبارت ازکند، ترنك وارغستان است ازارتفاعات جاغوری وغزنی سرچشمه گرفته درحصهء پنجوایی با دریای ارغنداب وصل میگردد . دریای ارغندب ازجمله دریا های پرفیض بشمارمیرود سرزمین های زراعتی ارغنداب وشمال کندهار ازآن سیرآب میگردد بند دهله که بالای دریای ارغندب اعمارشده است با سر سبزی و شادابی منطقه بیشتر افزوده است .

خاشرود :

دریای خاش یا خاشرود ازدامنه های جنوب سلسله جبال سیاه کوه از ارتفاع ۳۰۰۰متر سرچشمه گرفته در ابتدا سمت سیرشرقاً وغرباً را تعقیب میکند درحصهٔ علیا یا ابتدای جریان خود این رود بنام یزدوان یاد شده زمانیکه ازجنوب کوه مالمند میگذرد اسم آن به خاشرود مبدل میگردد .

خاشرود معاون عمده نداشته آب آن درفصل تابستان خیلی کم شده گاهی بسترآن خشك وبدون آب میگردد این دریا ازدهکده های دلارام وخاش گذشته درشمال غرب چخانسور به آبهای هامون اشکین (هامون پوزك) وصل میگردد طول این دریا ازمنبع الی مصب به ۳۰۰ کیلومتر میرسد .

ازاین دریا دهکده های دلارام ، گلستان ،قصبهٔ خاش وسایرنقاط استفاده نموده توسط انهاراراضی زراعتی خویش را آبیاری میکنند .

چون سرانشیبی این دریا زیاد است ازآنروانتقال مواد رسوبی آن ازمنبع تامصب زیادمیباشد عرض این دریا درایام بهار زیاد شده از ۱۰۰ مترتجاوزمیکند وعبورازآن بمشکل صورت میگیرد درحالیکه بسترآن درایام تابستان وخزان خشك شده عبور ومرور ازآن به آسانی امکان پذیر میگردد .

فراه رود:

فراه رود ازجنوب سیاه کوه (جنوب بند بایان ..۳۷ مترارتفاع ازسطح بحر) سرچشمه گرفته به استقامت جنوب غرب جریان پیدا میکند فراه رود درجریان خط وسیر خود در اراضی غور ازنواحی شیرزاد ، خاك مارك ، پسابند وتیوره گذشته داخل فراه میگردد موقعیکه ازمنطقه پرچمن میگذرد جریان آن نسبتاً بطی میگردد بعد ازآنکه ازمنطقه لاش وجوین گذشت داخل هامون صابری میگردد .

چون ساحه برفگیرفراه رود در ارتفاعات نسبتاً کم ترقراردارد ازاین رو برفهای آن در اوایل بهار ذوب شده به سیلابی شروع میکند وبعضی اوقات درسواحل خود زمین های زراعتی را تخریب میکند در ایام تابستان آب آن بمقدارکافی کم شده میرود در اثرپیمایش که در ستیشن پیچ تنگی صورت گرفته دبت آن در اوایل بهار به ..۱۲مترمکعب فی ثانیه میرسید درحالیکه درایام تابستان این رقم به مراتب تنزیل یافته از ده الی پانزده مترمکعب فی ثانیه میرسد.طول فراه رود ازمنبع تامصب به ۵٦. کیلومتر رسیده حوزه آبگیر آن به ۳.... کیلومتر مربع بالغ میگردد .معاونین عمدهء آن درساحل چپ قرار داشته عبارت اند ازغور، مالمند ورز مردان معاونین فراه رود آب زیاد داشته .۷فیصد حوزهء آبگیر فراه رود را تشکیل میدهد.

زمین های زراعتی که توسط فراه رود آبیاری میگردد بیشتر از ....٦ هکتار محاسبه شده و اکثریت فیصدی آن در نواحی فراه قرار دارد.

رود ادرسکن :

رود ادرسکن که بنام شیندند وهمچنان هاروت نیزشهرت دارد ازنشیبی های غربی سیاه کوه از ارتفاع ...۳ متر سرچشمه میگیرد.معاونین عمده این دریا را رود گز ، فرسی و اولنگ تشکیل ودرحصهء شرقی ادرسکن باهم یکجا میشوند . سمت سیر این دریا به استقامت شیندند (سبزوار) بشکل یك قوس بوده موقعیکه به ساحه اناردره میرسد دریای کوچك اناردره به آن وصل میگردد ودر اینجا به اسم هاروت یاد میگردد .طول دریای ادرسکن ازمنبع تا مصب ..٤ کیلومتر وحوزه آبگیر آن به ....۲ کیلومترمربع بالغ میگردد .

رود ادرسکن ازغرب منطقهء خاش گذشته ازطرف شمال به هامون صابری میریزد . درنواحی غربی دریای هاروت یك سلسله چاه ها وجهیل های کوچك نمکی وباطلاقی وجود دارد که آب نمکی آن به اثر تبخیر زیاد که درمنطقه صورت میگرد بوجود آمده است . این آبها نمکی وغیرصحی میباشد.

دریای غزنی :

دریای غزنی از ارتفاعات سید آباد وردك سرچشمه گرفته سمت سیر جنوب را تعقیب میکند. دریای غزنی ازمنبع الی مصب .۱۹

کیلومتر طول دارد ومساحت حوزهء آبگیر آن به ۱۲۳۷. کیلومتر مربع میرسد. دریای غزنی ازنقاط مانند سوسنگ ، جغتو،شش گاو وخواجه عمری گذشته داخل شهرغزنی میگردد و به استقامت جنوب جانب آب استاده غزنی جریان پیدا کرده ازشمال دیله به آب استادهء غزنی میریزد .

به فاصله ۱۸کیلومتری شمال غزنی بالای دریای غزنی بندی اعمار شده است که بنام بند سلطان یاد میشود آبهای سیلابی در این بند ذخیره شده ازآب آن درجریان سال برای زراعت استفاده میگردد. دریای جلگه ازجملهء معاون عمده این دریا شمرده شده موقعیکه به آب دریای غزنی ضم میگردد آب انرا تقریباً دوچند میسازد .دریای جلگه از ارتفاعات بهسود سرچشمه گرفته ازسال ۱۹۶۱ م باینطرف بند آبگردان بالای آن اعمار شده که ظرفیت ۱۲۵ ملیون مترمکعب آب را دارا است وزمینه آبیاری اراضی زراعتی ماحول را فراهم ساخته است . شکل نمبر(۳)

جهیل های افغانستان :

افغانستان بنابرساختمان طبیعی و توپوگرافی کوهستانی دربعضی حصص حوزه های بسته و یا ساحه فرو رفته را بوجود آورده که باعث پدید آمدن جهیل ها، کولها، هامون ها ویا آب ایستاده گردیده است .مثلاً هامون سیستان ، هامون هلمند، هامون پوزك ، هامون صابری و زورکول ، کول چقمقتین ، کول شیوا، آب ایستاده غزنی وناور وغیره .

دریاهای افغانستان

شکل ۳

هامون های جنوب غرب افغانستان :

هامون هلمند، هامون سیستان، هامون پوزك، هامون صابری وگود زیره (گودزره) درگوشه جنوب غرب افغانستان ولایت نمیروز آبریزه های دریای هلمند، فراه رود، خاشرود، ادرسکن ودریای گودزیره را تشکیل میدهند. مقدارآب و وسعت سواحل آن منوط به مقدار آب دریاهاست که بآن میریزد یعنی زمانی نسبتاً وفرت آب سواحل آن وسعت بیشتررا اشغال کرده ودرصورت خشك آبی ساحهء آن کوچکتر میگردد.

هامون هلمند: که ازجمله ء بزرگترین هامون منطقه شمرده میشود درجنوب غرب افغانستان موقعیت داشته ارتفاع آن ازسطح بحر. ۷۵ متر است وتایك قسمت سرحد را بین افغانستان وایران بوجود آورده است درموقع آبخیزی وسعت آن زیاد گردیده ساحات زیاد ازاراضی ماحول آن زیرآب میگردد .

هامون پوزك: به اندازه ٢٤کیلومتر طول و ۱۹کیلومتر عرض دارد خاشرود وخسپاس رود در این هامون میریزد.

هامون صابری: دارای وسعت ٥٨٣ کیلومتر مربع بوده پایین افتاده ترین ساحه را در حوزهء سیستان بوجود آورده است. هامون صابری و هامون پوزك دارای آب دایمی میباشد زیرا فرورفتگی های این دوهامون زیاد بوده و آبهای تحت الارضی اطراف آن نیز درآنها نفوذ میکند.

گودزیره (گودزیره Zirreh) : درجنوب غرب افغانستان موقعیت داشته توسط دریا شالاك (Shalak) به هامون هلمند اتصال پیدا میکند یعنی موقعیکه آب هلمند اضافه میشود توسط این دریا آب آن به جهیل گودزره میریزد وسعت گودزره درجریان سال از ...۱تا ..۱۵ کیلومتر مربع تغییر میکند حتی درموقع خشك سالی آب این جهیل خشك میگردد . آب ایستاده ٔ غزنی : که در ۱۲۸ کیلومتری جنوب غزنی موقعیت دارد آبریزه دریای غزنی را تشکیل داده تقریباً ارتفاع این ساحه ...۲متربلند ترازسطح بحرقرار دارد نسبت تبخیر زیاد آب آن نمکی وتلخ میباشد آب آن قابل استفاده نبوده نه برای آشامیدن ونه برای زراعت مساعد است .

بند امیر: در دامنه های شمالی کوه بابا به ارتفاع تقریباً ...۳متر یك تعداد ازجهیل های کوچك به امتداد یك دیگر موقعیت داشته که بنام بند امیر مسمی اند این جهیل ها در اراضی آهکی پدید آمده آبهای تحت الارضی نقاط مجاورکوهستانی درآن نفوذ مینماید این بندهانظر به عمق زیاد رنگ شفاف نیلگون را بخود گرفته مناظر دلفریب را بوجود می آورد واز لحاظ توریستکی حایزاهمیت خاص میباشد .این جهیل ها که بندهای طبیعی را درمنطقه پدید آورده اند بنام های مختلف یاد میگردند مثلاً بند پنیر، بند هیبت ، بند غلامان ، بند پودینه ، بند جداسل بند ذولفقار .

جهیل زرکول: جهیل زرکـول یا زرقل (زورکول) که

جهیل ویکتوریا هم نامیده میشود درسطح مرتفع پامیر بین خاك افغانستان وتاجکستان موقعیت دارد این جهیل بنا بروضع فزیکی حایزاهمیت بوده زیراهمین جهیل یخچالی است که از آب آ ن دریای پامیرسرچمشه گرفته که بعداً دریای آمو را تشکیل میدهد طول این جهیل از٦تا ۱۰کیلومتر وعرض آن به چهارکیلومتر میرسد . جهیل زرکول ازچهارطرف توسط ارتفاعات کوه ها به بلندی ۱٦۰۰ مترقرار یافته درحالیکه ارتفاع سلسله جبال کوهستانی درمجاورت زرکول به ٦۰۰۰مترمیرسد بنابرارتفاع زیاد منطقه آب جهیل زرکول درجریان سال ده ماه یخ بسته بوده وتنها درظرف دوماه تابستان نواحی مجاور واطراف جهیل ازیخ بندی عاری گردیده برای چرانیدن حیوانات وآمد رفت انواع طیور مساعد میگردد .

جهیل چقمقتین: این جهیل در پامیرخورد موقعست داشته دریای واخان از آن سرچشمه میگرد طول اعظمی این جهیل به ۱۷کیلومتر وعرض آن به دونیم کیلومتر بالغ میگردد . ازکرانه های ساحلی این جهیل به کوتل واخجیر رفت وآمد صورت میگیرد این جهیل نیزدرجریان سال مدت زیاد ازیخ مستوربوده وموقعیکه ازیخ عاری میگردد مورد استفاده ٔ شبانان قرغیزقرارمیگیرد .

جهیل شیوا: جهیل شیوا درحاشیهٔ شرقی بدخشان موقعیت داشته نسبت ارتفاع زیاد مدت نه ماه سال آب آن

منجمد بوده وتنها مدت سه ماه از آب وسواحل آن استفاده شد میتواند این جهیل مانند جهیل زرکول وچقمقتین دارای آب شیرین ورنگ نیلگون را دارا بوده منظرهء خیلی قشنگ ودلچسپ را بوجود می آورد که برآی سیاحین جالب ودیدنی میباشد . (جهیل های فوق الذکر ازلحاظ تورستیکی حایزاهمیت خاص بوده هرگاه زمینه مسافرت سیاحین به آنجا مساعد گردد عاید سرشار نصیب کشورما خواهد شد.)

ارتفاع جهیل شیوا ازسطح بحر به ۳.۵۰ متررسیده منبع یخچالی را دارا است طول آن یازده کیلومتر و عرض آن به هشت کیلومتر میرسد.

د : اقلیم افغانستان :

افغانستان تقریباً دروسط آسیا موقعیت داشته بادرنظر داشت عرض البلدها (۲۹درجه ۲۲دقیقه و ۳۸درجه و ۲۹دقیقه عرض البلد شمالی) ، ارتفاع از سطح بحر(برجستگی ها ووجود سلسله جبال وسطوح هموارکم ارتفاع ومرتفع از ۲۵۰ مترتا ۷... متر درتغییر است)، بعد مسافه ازبحر، (افغانستان منحیث یك واحد سیاسی محصور به خشکه بوده ونزدیك ترین فاصله ازبحر. ۳۹ کیلومتر میباشد یعنی ازکوه های چگاهی که درجنوب حوزه هلمند واقع است به خلیج عمان نسبت به هرنقطهء افغانستان کمترین فاصله را دار امیباشد) ، ساحهء فشار بلند (نسبت تقسیمات اقلیمی روی زمین که

ازطرف علماتثبیت گردیده است بین عرض البلد های ۵ درجه و ۳ درجه ساحهء فشاربلند تشکیل شده)،نوعیت احجار واشجار که ازجمله عوامل موثرتعیین کننده اقلیم میباشد میتوان اقلیم افغانستان را بررسی کرده اقلیم بری را بآن اطلاق کرد یعنی خصوصیت اقلیم بری عبارت است ازرطوبت نسبتی کم تابستان گرم وزمستان سرد ومقدار بارندگی سالانه بطور اوسط کمتر از ۲۵سانتی متر میباشد .

چنانچه قبلاً ذکرشد علی الرغم آنکه اقلیم افغانستان بادرنظرداشت تقسیمات اقلیمی کرهء ارض وسایرخصوصیات بری میباشد امانظر به دلایل زیاد هرمنطقه نظربه عوارض طبیعی خود خصوصیات جداگانه دارد و این خصوصیات بیشتر به عرض البلد ، ارتفاع ازسطح بحر، وضع توپوگرافی، سمت افتادهء سلسله جبال نوعیت احجار واشجار وغیره وابسته میباشد.

عرض البلد :

درمرحلهء اول هرگاه خصوصیات اقلیمی افغانستان ازلحاظ عرض البلد مورد دقت و ارزیابی قرارگیرد دیده میشود که افغانستان بین عرض البلد های ۲۹ درجه و ۳۰ دقیقه و ۳۸ درجه و ۳۱ دقیقه شمالی واقع است و در اوقات اعتدال یعنی اول حمل و اول میزان که اشعهء آفتاب درخط استوا عمود

میتابد درجنوبی ترین نقطهء افغانستان زاویه تابش آفتاب (۹۰درجه منفی ۲۹درجه و ۳۰ دقیقه مساوی به ۶۰درجه و ۳۰ دقیقه) خواهد بود درحالیکه درشمالی ترین نقطهء افغانستان زوایه تابش آفتاب کم بوده به (۹۰درجه منفی ۳۸ درجه و ۳۱دقیقه مساوی به ۵۱درجه و ۲۹دقیقه) تنزیل میکند بطورمثال کابل که تقریباً دروسط افغانستان قرار دارد درموسم های مختلف سال بادرنظرداشت زاویه تابش آفتاب چنین بررسی میگردد :

در اعتدال یعنی (بهار وخزان) $90^{\circ}-(34^{\circ}33')=55^{\circ}27'$

درانقلاب شمسی (تابستان و زمستان) $90^{\circ}-\{(34^{\circ}33')-(23^{\circ}30')\}$

$90^{\circ}-11^{\circ}03'=78^{\circ}57'$

$90^{\circ}-\{(34^{\circ}33')+(23^{\circ}30')\}$

$90^{\circ}-(58^{\circ}13')=31^{\circ}57'$

دراول سرطان زاویه تابش آفتاب درکابل به ۷۸درجه ۵۷دقیقه رسیده ودرجه هوا رو به گرمی می نهد درحالیکه در اول جدی زاویه تابش آفتاب درکابل به ۳۱ درجه ۵۷دقیقه تابیده ازاین روهوا روبه سردی می نهد. با در نظرداشت مطالب فوق هرگاه نقاط مختلف افغانستان را که درعین عرض البلد قرارداشته باشد مطالعه گردد دیده میشود که ازلحاظ آب وهوا ونوعیت اقلیم

فرق زیاد در آن بملاحظه میرسد چه ارتفاع ، صورت افتادهٔ سلسله جبال ، خط وسیر جریانات جوی وغیره درگرمی وسردی نقاط نقش بسزا دارد مثلاً شهرهای (کابل ٣٤ درجه و ٣١ دقیقه، جلال آباد ٣٤ درجه ٢٦دقیقه، چغچران ٣٤ درجه و٣١ دقیقه) که تقریباً دریك عرض جغرافیای قراردارند ازلحاظ جوی درجریان سال اختلاف زیاد درآنها دیده میشود چه ارتفاع دراقلیم بیشتر رول داشته و بادرنظر داشت ارتفاع اقلیم افغانستان به چندمنطقهٔ مختلف تقسیم میگردد .

١- ارتفاع :

مناطقیکه کمتر از ٩٠٠ مترارتفاع دارد ازلحاظ وضع فزیکی میتوان اصطلاح دشت رابآن اطلاق کرد . چون این مناطق سطح هموار دارد اقلیم آن شباهت زیاد به مناطق صحرای ونیمه صحرائی دارد اوصاف اقلیم صحرای آنست که درطول سال مقدار بارندگی بسیارکم و وقفه ئی باشد و همچنان تغییردرجهٔ حرارت درجریان شب و روز ودرظرف سال بیشتر بملاحظه میرسد.مناطقیکه دراین نوع اقلیم نیمه صحرای شامل میباشند عبارت اند از :

صفحات شمال افغانستان مانند بغلان ، کندز ، مزارشریف وشبرغان، صفحات شرقی وجنوبی افغانستان مانند ننگرهار، لغمان، فراه ،نیمروز، لشکرگاه، گرشك، ریگستان، دشت بکوا، مارجه، دشت خاشرود وغیره.

۲- مناطقیکه ارتفاع آن بین (۹۰۰) (۱۳۰۰)مترباشد حصهء از دامنه ها شمال هندوکش دامنهء سلسله جبال غورات، حوزه کندهار ودرهء وسطی وسفلی هریرود در این نوع اقلیم شامل اند این نوع اقلیم دارای تابستان نسبتاگرم وزمستان شدید نبوده بندرت سردی آن به ده درجه تحت صفر تنزیل میابد بارندگی این نواحی از ۲۰۰ملی مترکمتر میباشد که غالباً به صورت باران وبعضاً بصورت برف ظاهرمیگردد.

۳- مناطقیکه بین ارتفاع (۱۳۰۰ـ ۲٤۰۰) مترواقع اند دارای آب و هوای نسبتاً معتدل بوده وچهارفصل سال آن مشخص وازهم متمایز اند تابستان آن دارای حرارت شدید نبوده وسرد ی زمستان بعضی از این مناطق شدید وطاقت فرسا میباشد رطوبت بشکل باران وبرف وآنهم درفصل زمستان وبهار صورت گرفته وبیشتراز ٤۰۰ ملی متر میباشد . این منطقهء اقلیمی شامل کابل، غزنی، کتواز، قسمتی از بدخشان وهزاره جات ودرهء علیای کنروغیره میباشد .

٤- مناطقیکه به ارتفاع بیشتر از(۲٤۰۰)تا(۳۰۰۰) متر ازسطح بحرواقع اند این مناطق عموماً کوهستانی بوده آب وهوای آن سرد و اختلاف درجهء حرارت درطول سال به صورت بارز بملاحظه میرسد.

۵- مناطقیکه دارای ۳۰۰۰تا ٤۰۰۰ متر ارتفاع داشته باشند دارای زمستان شش الی هفت ماه میباشد قسمت ازحوزهء

نورستان ، قسمت بزرگ از بدخشان وهزاره جات دراین منطقه ء اقلیمی شامل اند.

٦ - مناطقیکه بیشتراز ٤٠٠٠ متر ازسطح بحر ارتفاع دارند غیرقابل اسکان بوده وتوسط برفهای دایمی وکتله های یخچالی پوشیده میباشد (به استثنای سطح مرتفع پامیر که حتی درمناطق هموارنیز چهارهزار مترازسطح بحر ارتفاع داشته سرزمین قابل سکونت را برای مردم مالدار قرغیزتشکیل میدهد).

سمت افتاده سلسله جبال نیز در آب وهوای یك منطقه اثرمی اندازد یعنی زاویه تابش آفتاب در نشیبی های شمالی وجنوبی سلسلهء هندوکش ،کوه بابا ، فیروزکوه وسایرسلسله جبال افغانستان که سمت افتادهء آنهاشرقاً غرباً قراردارد اختلاف دارد . دراکثر نشیبی های شمالی که میلان دامنه سلسله جبال زیاد است تابش آفتاب بشکل مماس بوده و حتی دربعضی حصص خاصتاً درایام زمستا ن اشعهء آفتاب در آن نمی تابد درحالیکه درنشیبی های جنوبی میلان اشعه ء آفتاب با میلان دامنه های سلسله جبال تقریباً به زاویه قایمه نزدیك میگردد از این رو دامنه های جنوبی در ایام زمستان بمقایسه ماحول گرمتر میباشد بناًء دامنه های جنوبی دایماً گرم وخشك و دامنه های شمالی سرد ومرطوب میباشد.

این موضوع را نیزباید بخاطر داشت که در نشیبی های جنوبی که درسمت مخالف جریان باد های موسمی زمستانی قرار دارند اندازهء رطوبت وبارندگی آنها نسبت به نشیبی های شمالی کمتر است بطورمثال مقداربارندگی سالنگ شمالی نسبت به سالنگ جنوبی بیشتر است . مراکزفشاربلندوپست نیزبه اقلیم یك منطقه موثراست هرگاه ازخط استوا بطرف قطب برویم به مراکز فشاربلند و پست روبرومیگردیم چنانچه فشار را ازنظرعرض های جغرافیایی یعنی ازصفر درجه تا ۹۰ درجه قرار ذیل تثبیت کرده اند .

ازصفر درجه الی پنج درجه ساحهء فشارپست از ٥درجه تا ۳۰درجه فشاربلند از ۳۰ درجه تا ٦۰ درجه فشار پست و از ٦۰ درجه تا ۹۰ درجه فشار بلند تشکیل میگردد .

بصورت عموم درساحه فشار بلند آب وهوا خشك آسمان صاف ومقدار بارندگی بسیارکم است در عرض البلد های ۳۰ درجه و ۳۵ درجه بصورت عموم دشت ها وصحراهای جهان قرار دارد بعضی نواحی افغانستان درتحت این ساحه قرارمیگیرد بنا برآن افغانستان از تاثیر ساحه فشار بلند ۳۰ درجه برکنار نمی ماند بهمین لحاظ اقلیم بری را وانمود میسازد علاوه برفکتور ها ئیکه فوقاً ذکر شد نوعیت خاك ونوعیت اشجار نیزبراقلیم یك منطقه اثر وارد میکند. نظربه تحقیقات که در بارهء احجار افغانستان صورت گرفته است احجار نوع آهکی و الکلی (Alkaly) دراکثرحصص از اراضی افغانستان عمومیت داشته واین نوع خاك ها ویا احجار عموماً درنقاط خشك ونیمه

صحرای بملاحظه میرسد سرزمین افغانستان نیز که ازین نوع خاکهامتشکل است منطقه نیمه صحرای وخشك را وانمود میسازد .نوعیت اشجار آن نیز ازبته ها ودرختان برگ ریز زیروفایت (Xerophyte) که مشخصه نباتات نیمه صحرای است تشکیل میگردد .

حرارت :

حرارت ازجمله عنصراساسی اقلیمی یك منطقه محسوب شده هرگاه حرارت نقاط مختلف روی زمین مورد بررسی قرارگیرد دیده میشود که نقاط مختلف روی زمین دارای حرارت یکسان نبوده بلکه درنقاط مختلف به درجات مختلف حرارت برمی خوریم چه درجهء حرارت یك منطقه به طول زمان ، دوایر عرض البلد ، ارتفاع وغیره ارتباط داشته ارتفاع ازهمه مهمتر تلقی میگردد بناء هرگاه درجه ء حرارت کابل ، جلال آباد وچغچران را که تقریباً دریك عرض البلد قراردارند تحت مداقه قرار دهیم چون هریك ازاین نقاط ازلحاظ ارتفاع اختلاف زیاد دارد از این رو درجریان سال در درجهء حرارت آنها نیز اختلاف فاحش بملاحظه میرسد بناءً هرقدر ارتفاع زیاد شود بهمان اندازه درجهء حرارت کم میشود.

این مسئله واضح شده است. قرار اظهارعلمای اقلیم شناسی خاصتاً Strahler درجهء حرارت درهرصد متر ارتفاع در نقاط مرطوب ٦٥ ,. درجه و در نقاط خشك تقریباً یك درجه حرارت تنزیل میکند.

همچنان هرقدراختلاف درجهء حرارت دریك منطقه زیاد باشد نشان دهندهء آنست که این منطقه یایك سرزمین کوهستانی است ویایك منطقه صحرای را نمایندگی میکند مثلاً درجهء حرارت اعظمی واصغری بعضی ازشهرهای افغانستان در دوران ماه های سرد سال وگرم سال ذیلاً ارائه میگردد .

جدول شماره (۳) درجه حرارت اعظمی و اصغری بعضی ازشهر های افغانستان رانشان میدهد

اسم محل	درجه حرارت عظمی به سانتی گرید	ماه	درجه حرارت اصغری به سانتی گرید	ماه
فراه	۴۸	سرطان	-۱۱,۹	قوس
لشکرگاه	۴۶,۷	جوزا	-۱۵,۰	جدی
کندهار	۴۶,۵	سرطان	-۱۲,۱	جدی
جلال آباد	۴۸,۴	اسد	-۵,۵	جدی

ازجدول فوق چنین نتیجه گرفته میشود که اختلاف درجه حرارت در این نقاط زیاد بوده حتی از ۶۰ درجه تجاوزمیکند که با این نوع اختلاف تنهادرنقاط صحرای ودشتی برمیخوریم .

هرگاه بخواهیم درجه حرارت یك منطقه را بررسی کنیم بایست حدوسطی حرارت یك منطقه را درطول چندین سال مطالعه نموده اوسط آنرا دریافت کرده درجه حرارت وسطی یك منطقه معلوم میگرد.

جدول شماره (٤) حرارت وسطی چند نقطه را نشان میدهد

اسم محل	حرارت وسطی به درجه سانتی گرید	اسم محل	حرارت وسطی به درجه سانتی گرید
بغلان	١٤,٧	بامیان	٦,٨
بست	١٩,٥	چغچران	٦,٥
فیض آباد	١٣,٣	فراه	١٩,٧
هرات	١٦,٦	جلال آباد	٢١,٥
کابل	١١,٧	خوست	١,٧
سالنگ شمالی	-٠,٥	سالنگ جنوبی	٢,٥
تالقان	١٤,٧	زرنج	٢٠,٦

رطوبت وبارندگی :

رطوبت وبارندگی یك منطقه به مراکزفشارهوا، ساختمان اراضی وجبهه های سرد وگرم ارتباط مستقیم دارد مقداربارندگی اکثراً درمناطقیکه دارای فشارپست است بیشتر میباشد اما در ارتفاعات نسبت تنزیل درجهٔ حرارت رطوبت زودتر بحالت اشباع قرارمیگیرد و از این لحاظ بارندگی درارتفاعات وسلسله جبال نیز بیشتر میباشد بعضاً نسبت برخورد جبهه های گرم وسرد در نقاط صحرای نیزبارندگی های موقت وسیلابی وبعضاً دوام دار را بارمی آورد.

با درنظر گرفتن موقعیت ازلحاظ جغرافیایی و واقع بودن آن درمراکزفشاربلند باعث میگردد تاخصوصیات اقلیم بری ونیمه صحرای با افغانستان ببخشد چه بصورت عموم هوای

صاف، رطوبت کم، اختلاف درجهء حرارت، بارندگی های کم دوام خصوصیات اقلیم بری را به افغانستان داده است. باوجـــود آنهم تفــاوت واختلاف در ارتفاع منــاطق مختلف افغانستان از لحاظ مقدار رطوبت وبارندگی باهم اختلاف دارند وکتله های هوای سرد که درمواسم مختلف سال افغانستان را متاثر میسازد باعث ایجاد رطوبت وبارندگی میگرد د که عبارت اند از:

درموسم زمستان جبهه های سرد سایبریا داخل صفحات شمال افغانستان شده باعث برفباری میگردد درموسم تابستان کتله های گرم مونسون هند از استقامت شرقی وجنوب شرقی داخل افغانستان شده در نقاط مرتفع سپین غر، سلسله جبال سلیمان ودامنه های این سلسله جبال بارندگی تولید کرده ودرنواحی جلال آباد باعث باد های گرم میگردد. در اواخرموسم زمستان واوایل بهار رطوبت که از اوقیانوس اطلس منبع میگرد ازسمت غرب وشمال غرب داخل افغانستان شده سطوح مرتفع مرکزی وسایرنقاط مرتفع وکوهستانی هندوکش را متاثرمیسازد وباعث بارندگی های مفید در این نواحی میگردد .

درموسم تابستان هوای مرطوب خلیج فارس که ازغرب وجنوب غرب وارد افغانستان میشود بارندگی موقت کم دوام را در نواحی کوهستانی وفرازکوه ها بارمی آورد .

درافغانستان نزول برف وباران باارتفاع وموسم سال ارتباط میگرد ریژیم بارندگی وتقسیمات آن درطول سال در سراسر مناطق هموار کشور باکمی اختلاف تقریباً مشابه میباشد اما درنقاط مرتفع بیشتر است .مثلاً مقداربارندگی درسالنگ ها زیاد بوده واین کیفیت ازلحاظ است که نقاط مرتفع سرد تربوده رطوبت نسبتی در آنها زود تربحالت اشباع میرسد.

جدول شماره (٥) مقداربارندگی نقاط مختلف افغانستان را بادرنظر داشت ارتفاع شان نشان میدهد .

مراکزهواشناسی	مرقعیت	ارتفاع ازسطح بحریه متر	فصل بارندگی	بارندگی سالانه به ملی متر
سالنگ شمالی	کوهستانی مرکزی	٣٣٥.	بهاروزمستان	١٢٣٦
کابل	مرکزی	١٨.٣	بهاروزمستان	٣٦٢
جبل السراج	مرکزی	١٦٣٨	بهاروزمستان	٥٦٦
خوست	جنوبی	١١٨٥	بهارتابستان وزمستان	٥٨٢
هرات	شمال غرب	٩٦٤	بهاروزمستان	٢٢.
میمنه	شمال غرب	٨٥٨	بهاروزمستان	٣٧.
لشکرگاه	جنوب غرب	٧٨.	بهاروزمستان	٧٦.٢
جلال آباد	شرق	٥٥٢	بهاروزمستان	٢٤٢.٩
کندز	شمال	٤٣.	بهاروزمستان	٣٢١..

ازمطالعه جدول فوق چنین نتیجه گرفته میشود :

- مقدار بارندگی درنقاط مرتفع نسبت به نقاط هموار وکم ارتفاع بیشتراست مثلاً درسالنگ شمالی (.٣٣٥مترارتفاع)

اندازهء بارندگی نسبت به ساحه لشکرگاه (۷۸۹مترارتفاع) زیاد بود ۱٦مرتبه اضافه تر محاسبه گردیده است.

-درنقاط مرتفع هواسرد بوده تعداد روزهای بارندگی آن زیاداست علاوتاً درارتفاعات بارندگی بشکل برف بوده ودرنقاط که ارتفاع آن از ۸۰۰ مترپایین ترقرار دارد مانند استشین های لشکرگاه ،فراه وجلال آباد نظربه حرارت زیاد وموقعیت منطقه برف باری در آن صورت نمیگیرد .

- نشیبی های جنوبی که درسمت مخالف جریان بادهای موسمی قـرار دارد اندازهء رطوبت وبارندگی آنهانسبت به نشیبی های شمالی کمتراست.

فشار هوا:

ذرات هوا که ازعناصراکسیجن ،هایتروجن، نایتروجن، کاربن دای آکساید وغیره عناصرمتشکل است دارای وزن بوده حایز فشارمیباشدبناءً فشارهوا درنقاط همواروکم ارتفاع زیاد تر ودرنقاط مرتفع کمترشده میرود. یعنی در سطح بحر فشارهوا بحد اعظمی رسیده و هر قدر ازسطح بحر بلندتربرویم فشار هواکمتر میگردد فشارهوا توسط بارومتر اندازه میشود یعنی فشار هوا درسطح بحر ۱۰۱۳ میلی بار یا(۷٦۰ملی متر) اندازه شده است بناءً فشاراتموسفیر با ارتفاع تناسب معکوس دارد

یعنی هرقدر ارتفاع زیاد شود فشارهواکم شده میرود (یعنی ارتفاع ستون سیماب درارتفاعات تنزیل میکند.)

جدول شماره (٦) فشارهوا را در ارتفاعات مختلف می بینیم .

اسم محل استیشن	ماه	ارتفاع ازسطح بحریه متر	ارتفاع ستون سیماب به میلی متر
سالنگ شمالی	اکتوبر	۳۳۵۰	۶۸۱,۲
کابل	جنوری	۱۸۰۳	۸۲٤,۸
هرات	نوامبر	٦٦٤	۹۱۰,۰۰
جلال آباد	جنوری	۵۵۲	۹۵٦,۲
کندز	جنوری	٤۳۰	۹۷۰,۳
مزارشریف	جنوری	۳۷٤	۹۷۷,۳

ازجدول فوق بصورت واضح معلوم میگردد که هرقدر ارتفاع کم شود فشارهوا زیاد شده وهرقدر ارتفاع زیاد شود فشارهوا کم میگردد یعنی ارتفاع با فشارهوا معکوساً متناسب است همچنان از آن نتیجه گرفته میشود که تحت هر نوع شرایط جریان باد دایماً ا زمراکز فشاربلند به استقامت فشار پست صورت میگیرد .

بادها :

بادها عبارت از حرکت حجم معین ذرات هوا است که به اثر بمیان آمدن فشارقوی وفشارضعیف بوجود می آید. عموماً نقاط کوهستانی ومرتفع وسطوح مرتفع نسبت سردی ورطوبت

نظربه ماحول دارای فشارزیاد میباشد و نقاط کم ارتفاع نظربه گرمی وخشك بودن دارای فشارضعیف میباشد بناءً سرزمین های هموار وکم ارتفاع افغانستان درتابستان مرکزفشارپست را تشکیل داده ونقاط مرتفع وکوهستانی که سردترومرطوب تر است مرکزفشاربلند را بوجود می آورد روی همین اصل جریان باد ها عموماً ازنقاط مرتفع وکوهستانی بسمت مناطق هموارمیوزد .

مثلاً کوه ها سالنگ درایام تابستان که نسبت به مناطق ماحول خود سردتر است فشاربلند را تشکیل داده وساحهء پروان، کابل ومناطق ماحول آن که دارای ارتفاعات کم تر اند ساحهء فشارپست را بوجود می آورد بناءً بادها ازسمت شمال وزیده حوزه جبل السراج ،چاریکار، کوهدامن وکابل رامتاثرمیسازد واین باد ها بنام باد های پروان مسمی است بصورت عموم این باد ها درجریان تابستان هرروزبعد ازظهر صورت میگرد .

درحوزه هرات ،فراه ،سیستان ونیمروز نیزاین وضع جریان داشته به معنی اینکه ساحهء فیروزکوه ،سیاه کوه وغیره سلسله جبال این منطقه در ایام تابستان محیط نسبتاً سرد را نظر به مناطق ماحول بوجود آورده است درساحه هرات، فراه ،نیمروز وچغانسور، سیستان وهلمند یك محیط گرم را دراین ایام سال پدید می آورد باد ها از سمت شمال بسمت جنوب می وزد واین باد ها بنام بادهای ۱۲۰روزه هرات شهرت دارد .

این وضع در سایرنقاط افغانستان نیزجریان داشته بادها ازسمت فشارقوی به سمت فشارضعیف چه درساحات وسیع وچه در یك محل کوچك بوجود می آید .

تصنیف اقلیم افغانستان :

بادرنظر داشت درجهء حرارت ، رطوبت وبارندگی، مراکزفشار پست وبلند میتوان مناطق اقلیمی افغانستان را به ترتیب ذیل تصنیف کرد.

۱- اقلیم صحرای درجنوب غرب کشور

۲- اقلیم مونسون درجنوب شرق کشور

۳- اقلیم مدیترانهء درصفحات شرقی

٤- اقلیم استپ درنقاط هموار بین ارتفاع ...۱تا ..۲۵ متر

۵- اقلیم ناحیه الپاین تندرا (بین ..۲۵ تا ...۳ متر)

٦- اقلیم کوهستانی بین ارتفاع ...۳ مترو بالاترازآن

۱- اقلیم صحرای :دراین نوع اقلیم اوصاف مانند اختلاف درجهء حرارت درجریان روزوشب ودرجریان سال، یعنی درجهء حرارت درجریان روز به ۳۵ تا .٤ درجه بلند میرود ودرجریان شب درجهء حرارت تنزیل کرده به ۵تا .۱ درجه میرسد .(که یك اختلاف .۳ تا ۳۵ درجه رانشان میدهد همچنان درجریان سال این اختلاف بیشتر بملاحظه میرسد.) ومقدار بارندگی درجریان سال خیلی کم بوده از .٦تا ..۱ ملی متر بیشتر نمی باشد.

اختلاف درجهء حرارت باعث گرم شدن وسرد شدن سنگ ها واحجار دراین مناطق شده سنگ ها را ازهم پارچه وبه ریگ مبدل میسازد ودرنتیجه توده های خورد و بزرگ ریگی بشکل دیون Dune ویاتپه های ریگی ازنقطهء به نقطهء دیگرتوسط باد ها انتقال می یابد.

نباتات در اینجا خیلی کم ومحدود است واگرهم موجود باشد بشکل خاص مثلاً بته های پست قامت ،خاربته ویاجاروبته بمشاهده میرسد .آبهای جاری در این مناطق کمترپدید آمده زیرا موقعیکه بارندگی صورت میگرد یك مقداراین بارندگی اراضی ریگی جذب شده ومقدار دیگر به بخار مبدل میگردد .این نوع مشخصات اقلیمی را ازناحیه جنوب غربی کشور یعنی جنوب گرشك، تمام ولایات نیمروز،جنوب ولایت فراه ،سیستان وغیره سراغ کرده میتوانیم .

اقلیم مونسون :

خصوصیت اقلیم مونسون آنست که درجریان تابستان دارای بارندگی بوده اما درفصل متعاقب آن خشکی پدید آید این نوع اقلیم را درآسیا وبعضی حصص دیگر میتوان مشاهده کرد مثلاً درجریان تابستان دربالای بحرهند فشاربلند یا آنتی سیکلون (Anti Cyclone) بوجود آمده درحالیکه دردشت های ترکستانات نسبت درجه حرارت زیاد فشارپست یا (Cyclone) بوجود می آید این تغییر فشار باعث آن میگردد

تاجریان هوای مرطوب وسرد بحرهند ازفرازمناطق جنوب وجنوب شرق اسیا به مناطق گرم دشتهای ترکستان حرکت کند این بادهای مرطوب در دامان کوه های همالیا، کوه های سلیمان وسایرمناطق وزیده باعث بارندگی های زیاد میگردد چون منطقهء پکتیا دریک حصه دردامان کوه های سلیمان قراردارد ازاین رو این منطقه خاصتاً منطقهء خوست ونواحی مجاور آن از رطوبت مونسون بهره مند میگردند .رطوبت مونسون باعث سرسبزی وبوجود آمدن جنگلات گردیده درختان ارچه ، بلوط نشتر،جلغوزه وغیره دراینجابکثرت نموکرده باعث بوجود آمدن جنگلات معمورگردیده است.

در این منطقه بارندگی عموماً بشکل باران بوده بندرت برف باری صورت میگرد .مقداربارندگی آن بین ۴٦۰ و ٦۸۰ ملی متر قید شده است .(۱)

اقلیم مدیترانه ئی :

خصوصیات اقلیم مدیترانه ئی آنست که دارای تابستان خشك و بسیار گرم و زمستان معتدل وبارانی باشد. حدوسطی حرارت این منطقه از ۲۲ درجهء سانتی گیرید تجاوزنمیکند ومقدا ر بارندگی درطول سال از ۳۰۰ تا ٤۰۰ ملی مترمیرسد، بارندگی عموماً بشکل باران بوده برف باری در آن بملاحظه نمیرسد در این نوع اقلیم بنا برتحقیقات علمی هواشناسی تنها حوزه ننگرهار آمده میتواند و بس چه نباتات بخصوص

---

(۱) بلوتن های هوانوردی. وزارت ترانسپورت. کابل: موسسه میتورولوجی، ۱۳٦۵ص اول.

مدیترانه ئی که عبارت باشد از زیتون، گز، خاندان نارنج باب ولیمو دراین حوزه بکثرت دیده شده میتواند علاوتاً نباتات مانند نیشکر، خرما، برنج که ازنباتات منطقهٔتحت استوائی است نیززرع وتولید میگردد.

اقلیم منطقه استپ :

اوصاف بارزاین منطقهٔ اقلیمی عبارت از داشتن آب وهوای بری ، اختلاف درجهٔ حرارت شباروزی و سال (تا ۲۰ درجه سانتی گرید در روزوشب وتا ۳۵ درجه سانتی گرید درجریان سال) و بارندگی درایام زمستان و آنهم درحدود ۳۰۰ ملی متر.

در این منطقهٔ اقلیمی اکثرحصص ازعلف پوشیده شده بته های پست قامت ودربعضی جاها نیزارها نیزدرآن بملاحظه میرسد. چون اکثرحصص این منطقه ازعلف زارها پوشیده شده از این لحاظ برای پرورش حیوانات اهلی خیلی مساعد بوده در اکثر حصص این مناطق مردم به تربیه مواشی اشتغال دارند دراین منطقهٔ اقلیمی حصص زیاد افغانستان شامل بوده وسلسله هندوکش منطقه استپ افغانستان را بدوحصه تقسیم کرده است استپ شمال افغانستان که به دامن های شمالی هندوکش اخذ موقع کرده است شامل بغلان، کندز، میمنه وهرات رمنطقه دامنهٔ جنوبی شامل منطقهٔ کندهار،غزنی پروان، کاپیسا و کابل میگردد. در این منطقهٔ اقلیمی جاهائیکه دارای آب کافی باشد زراعت حبوبات، غله جات و میوجات انکشاف

نموده است.

منطقهء تندرای الپاین :

در ارتفاعتیکه ساحهء اشجارقطع گردد ونباتات بشکل بته های پست قامت وعلف زار درآن مشاهده شود بحیث اقلیم منطقه تندرای الپاین شناخته میشود البته درعرض البلد ۲۹.. درجه شمالی ساحهء الپاین تندرا بین ارتفاعات ..۳۵ مترو.. ۳۵ متربمشاهده میرسد درحالیکه ساحه الپاین تندرا درمنطقه استوائی به ارتفاع ...٤متر و ..٤٥ مترموقعیت دارد. درافغانستان اقلیم منطقهء تندرای الپاین عموماً بین ارتفاعات ..۲۵و ...۳ متر ارتفاع مشاهده شده میتواند. سطح مرتفع ناور، اکثرحصص نواحی غزنی وبامیان نشیبی های مرتفع کوه بابا، سفیدکوه وسیاه کوه محیط الپا ین تندرا را در افغانستان وانمود میسازد. در این منطقه بارندگی عموماً بشکل برف بوده و آنهم درماه های زمستان صورت میگیرد یخ بندی ازماه سنبله شروع میگردد.(۱)

اقلیم کوهستانی ونقاط مرتفع :

دراین منطقه اقلیمی ارتفاع اکثرحصص آن از ..۳۵ متربلند تر قرار داشته درجهء حرارت دراین ارتفاع تنزیل میکند اما برخلاف مقداربارندگی ورطوبت بیشترمیگردد. هرنوع کتله های مرطوب وجبهه های سردیکه از نقاط کوهستانی میگذرد

(۱) غلام جیلانی عارض: اقلیم افغانستان. کابل: نشرات پوهنتون کابل.۱۳٤۸.ص.۱۲۱.

و باعث تکاثف رطوبت شده و روطوبت بحالت

اشباع قرارمیگیرد وباعث بارندگی میگردد بناءً بارندگی درین ارتفاع زیادبوده بطورمثال سالنگ شمالی وسالنگ جنوبی بهترین نمونهء اقلیم کوهستانی است همچنان سایرنقاط کوهستانی که ۳۵۰۰ متربیشتر ارتفاع دارند تحت شرایط این نوع اقلیم قرارگرفته برفهای دایمی ویخچالها درآن بملاحظه میرسد.

فصـــــــــل سوم

اوضاع بشری افغانستان

ازسرآغاز تاریخ بشری انسانها بحیث یك موجود اجتماعی دریك محدوده، طبیعی به زندگی پرداخته ودربدومرحله تحت شرایط ناگوارطبیعی قرارگرفته بودند مظاهرطبیعی بهروضع وحالتی که وجود داشت یعنی با محیط سازگار ویا محیط ناگوار طبیعی روبروبود ومی بایست محیط بود وباش خود را انتخاب ودرآنجا مستقر میگردید وانسانها مجبور گردیدند تا برای حفظ بقای خود با عوامل ناگوار طبیعی مجادله کنند وتمام فعالیت های خود را باهمکاری یك دیگرومطابق استعداد خود شروع کردند.

پدیده های طبیعی که برای شرایط زندگی بشرمساعد بود آنرا بخوبی استفاده نموده و ازآن استقبال صورت میگرفت وآنچه مخالف میل ایشان قرار میگرفت با وسایل دست داشته خود آنرا بمیل و آرزوی خود تغییرمیدادند باین ترتیب موضوع تاثیر انسان بالای طبیعت، ازطبعیت بالای انسان وهم تاثیر متقابل بین خود انسانهابمیان آمد.

و سیله عمده واساسی درحین تغییر اوضاع مختلف طبیعی عبارت ازکار وعمل انسانست که درنتیجه آن قوا و روابط اجتماعی تولید را بمیان آورده وروشهاوطرق زندگی بین گروهای مختلف انسانی را برقرارساخت. علاقه و اشتیاق به زندگی اجتماعی وبرقرارساختن تفاهم بین یك دیگر ازجمله عوامل عمده بشمار رفته ودرنزدیك ساختن انسانها بیك دیگر موثرواقع شده چه جماعات بشری درنقاط مختلف کرهء ارض بادرنظر داشت عوامل مختلف یابصورت پراگنده ومتفرق ویابصورت گروهی زیست کرده برخی سرزمین های وسیع وخوب را وبرخی دیگر سرزمین کوچك ومحدود را دراختیار خود در آوردند.

بدون شك عوامل چند دراسکان جماعات بشری نقش مهم داشته و آنها عبارت اند از :

ساختمان وریلیف اراضی ، موجودیت آب و ضع آب وهوای مساعد.

جاهائیکه دارای نشیب وفرازبوده ومیل اراضی آن دارای چین وتاب وعموماً ازسنگ زارها وصخره ها متشکل اند برای بود وباش ومحل رهایش نامساعد میباشند سلسله جبال مرتفع سطوح مرتفع واراضی کوهستانی که خصوصیات طبیعی ناگواردارند نفوس بشری را برای ادامه حیات اجازه نداده است چنانچه میدانیم یك برسوم حصهٔ افغانستان را کوهستانات دربرگرفته است از اینرو تمام نقاط مرتفع کوهستانی افغانستان

حیات بشری رامحدود میسازد اما درطول دره ها بنا برشرایط مساعد آن استقرارنفوس بشری را تایك اندازه محدود اجازه داده است وعموماً باشندگان دره ها حیات مقیمی ونیمه مقیمی دارند.

اراضی کم ارتفاع (نقاطیکه از ۲۰۰۰ متر ارتفاع کمتر دارد) که دارای وادیهای وسیع وحوزه های نسبتاً هموارمیباشد تعداد نفوس زیاد را بخــود جلب کــرده است علاوتاً نوعیت خــاك ومساعدت آب وهــــوا دراستقراروتمرکز نفوس بشری اثرقابل ملاحظه داشته تعداد کثیرنفوس را بخود جذب کرده است از ینروتراکم نفوس این منطقه نسبت به سایر مناطق فرق میکند مثلاً در اکثر حصص ولایات شمال، غرب وشرق کشور دووحتی سه بار درسال زرع صورت میگیرد وحاصل دهی فی جریب آنها نیز زیاد است ازاینرو تمرکز و استقرار بیشتر نفوس را بار آورده است.

اگرچه افغانستان به خشکه محاط بوده وبه اوقیانوس ها تماس ندارد اماجریان دریا های خروشان درهرسمت مملکت، جهیل ها و آبهای زیرزمینی مانند چشمه سارها، چاه ها، کاریزها عامل عمده برای تمرکز نفوس بشری بوده از زمانهای بسیارقدیم سواحل دریا ها، کنارچمشه ها، کاریزهاوچاهانقاط مساعد را برای تجمع انسانها پدید آورده بود یعنی دراوایل عدهٔ زیاد نفوس کشور درجاهای تمرکز واستقرارحاصل کرده

بودند که آب فراوان باشرایط مساعد طبیعی دیگر آماده بوده است. قصبات، قریه ها وشهرها درجا های آباد و انکشاف یافته اند که امکانات آبرسانی درآنجامساعد وامکان پذیر بوده است.

درجه حرارت وآب وهوای مساعد درتمرکز نفوس بشری نیزنقش برازنده دارد ونقاط که دارای آب وهوای معتدل ومساعد است نفوس بشری بیشتر را بخود جلب کرده است برعکس نقاطیکه دارای آب وهوای نامساعد است تعداد حداقل نفوس بشری را بخود جذ ب داشته است. نقاط مرتفع نسبت سردی هواو نقاط صحرای نسبت گرمی واختلاف درجهء حرارت امکانات زندگی بشری را محدود میسازد.

چنانچه فوقاً ذکریافت که سرزمین افغانستان بنابرداشتن موقعیت مناسب جغرافیای ، سلسله جبال شامخ، جلگه های وسیع، وادیهای سرسبز، دره های شاداب ودریاهای خروشان درطول تاریخ زمینهء مساعد را برای استقرار وتمرکز نفوس بشری فراهم ساخته است .

تاجأییکه ازآثار مکشوفه واضح میگردد که آثار زندگی بشری درافغانستان از زمان بسیارسابق یعنی از دوره سنگ ناتراش شروع شده است انسانهای آن زمان زندگی بسیار ابتدایی داشته در مغاره های کوه ها حیات بسر می برند. دامنه های سلسله هندوکش وسایر سلسله های افغانستان برای زندگی مغاره نشین مساعد بوده با استناد شواهد باستان شناسی مُغاره نشینی ازپنجصد هزارسال باینطرف درمناطق مختلف آسیامعمول

بود ، وازشکار چیان مغاره نشین که درافغانستان، چین و ایران میزیستند آثار ازآنها بدست آمده است که تقریباً ۵۰ هزارسال قدامت دارد مثلاً مغاری قره کمر که اولین بار توسط باستان شناس معروف لوی دوپری مورد تحقیق وکاوش قرارگرفت (قره کمر درهشت میلی شمال ایبك درمجاورت قریه بنام سرکار قراردارد) آثاریکه بدست آمد مانند افزارسنگی چقماقی استخوان حیوانات وخاکستربوده علاوتاً آثاردیگریکه ازنقاط مختلف افغانستان بدست آمده است مرحله به مرحله زندگی انسانها را دردوره حجرمصیقل، دوره، فلزات، استفاده از آلات واسباب فلزی در انکشاف زراعت آغاز شهرنشینی وتمدن جدید را نشان میدهد و سابقه، زندگی بشری را که درنقاط مختلف افغانستان بروی اسناد استوار است واضح میسازد.

تشکیلات ادارای افغانستان

الف : سیر تحول اداری :

بادرك آنکه مساحت فعلی کشورافغانستان که به ٦٥٢٢٢٥ کیلومتر مربع بالغ میگردد بنابروسعت وبا درنظر داشت یك سلسله اصلاحات درشؤن مختلف حیات اجتماعی و اقتصادی مردم افغانستان ازجانب سازمانها دولتی دربخش نظام اداری جهت تنظیم بهترامور عامه ودولتی ورفع مشکلات ازنظر بعد مسافه برای حل وفصل موضوعات مختلف ونیز درقسمت تطبیق پلانهای انکشافی اقتصادی وغیره اصلاحات لازم دیدند تاطبق همین مامول افغانستان را به حوزه های اداری تقسیم کنند

تاجائیکه ازاو راق تاریخ برمی آید تشکیلات اداری افغانستان اززمان آریانا به اشکال مختلف معمول بود همچنان افغانستان در دوره باخترو خراسان به اشکال وسیستم های مختلف به حوزه های اداری تقسیم شده و ازجهات مختلف تحت سلطهء حکومت مرکزی قرار داشت .

تقسیمات وتشکیلات اداری جدید افغانستان بصورت منظم از زمان احمدشاه بابا باینطرف شروع گردید احمدشاه بابا بمنظور اداره وتنظیم قلمرو وسیع خود کشور را به ولایات وحکومات اعلی تقسیم کرد.یعنی قلمروافغانستان درزمان احمدشاه بابابه هشت ولایت و پانزده حکومت اعلی قرارذیل تقسیم شده بود .

ولایات هشت گانه عبارت بودند ازقندهار، هرات، کابل، مزارشریف ،خراسان، بدخشان، پنجاب وکشمیر.

حکومات اعلی پانزده گانه عبارت بودند از فراه، میمنه، بلوچستان، لغمان، پشاور، غزنی، دیرهء اسمعیل خان، دیرهء غازی خان، شکارپور، سیوی (Suvi)، سند، چچه هزاره، لیه، ملتان و سرهند. (۱)

بعد ازاحمدشاه بابا تغییرات زیاد در وسعت مملکت پدید آمده درتقسیمات اداری نیز تغییرات زیاد وعمده رونماگردید وحتی نظم تقسیمات اداری برهم خورد .

درزمان امیرشرعلی خان باردیگرکوشش بعمل آمد تانظم اداری باردیگر بمیان آید وازهمین رو امیرشیرعلی خان قلمروخویش را ازلحاظ تشکیلات اداری به پنج ولایت تقسیم نمود.

۱- ولایت کابل ۲- ولایت قندهار ۳- ولایت ترکستان افغانی ٤- ولایت هرات ۵ ولایت فراه. امیرشرعلی خان درامورتنظیم اداری کشورسعی زیاد کرد قوای اجرائیه که بعد اززمان احمد شاه بابا پراگنده شده بود دوباره به صورت منظم ترتیب دادقوه اجرائیه در راس آن صدراعظم قرار داشت بعد ازشاه اختیارات تام داشت وزارت خانه های مانند وزارت

(1) Ganda Singh. Ahamadshah Durani Father of Modrn of Afghanistan. Bombay: Asia Publishing hous. 1959. P353

حربیه، خارجه، داخله، مالیه وخزاین جدیداً تاسیس شد ادارات پستی ومخابراتی مرکز، ولایات وخارج پدید آمد، شورای دولت ومجلس کبیر مشورتی (لویه جرگه) بکارشروع کرد.

بعد ازامیرشیرعلی خان باردیگرنظم اداری درهم وبرهم گردید زمانیکه امیرعبدالرحمن خان روی کارشد تشکیلات اداری امیر شیرعلی خان را بکلی رد کرد وتمام دوایرمملکتی را بشکل مستقل اساس داد اما بصورت عموم اداره‌ء نهائی زیرنظر او اجرا میشد تشکیلات اداوی وسعت پیدا کرد ودرتقسیمات ملکی و اداری نیز تغییر وارد گردید یعنی افغانستان دراین وقت بعوض پنج ولایت به شش ولایت حسب ذیل تقسیم گردید.

۱- ولایت ترکستان افغانی -۲- ولایت بدخشان - ۳- ولایت هرات -٤- ولایت قندهار-٥- ولایت فراه - ٦- ولایت کابل.

اداره‌ء امورجلال آباد، غزنی ،کنر، لغمان،پروان بامیان وغیره توسط حکمران که ازطرف شاه تعیین میشد صورت میگرفت. (۱)

موقعیکه امان الله خان درسال ۱۹۱۹م (۱۲۹۷هـ ش) به سلطنت رسید بعد ازحصول استقلال وفراغت ازموضوعات سیاسی یك سلسله ریفورم ها را در تمام شؤن مملکت طرح کرد برای اولین بار درافغانستان سه قوه‌ء اجرائیه، قضائیه ومقننه

(1) Imperial Gaztter of India Afhanistan and Nepal Suprrin-tendent of Govemant Prints Cullcata, 1900. P.30.

بشکل منظم پدیدآمد وچرخ تمام امورمملکت توسط این سه قوه به دوران انداخته میشد. قانون اساسی افغانستان را برای اولین بار بمیان آورد

تشکیلات منظم واحد های اداری کشورکه تا آن زمان بشکل منظم وقانونی تدوین نگردیده بود درسال ۱۳۰۰ هـ ش بنام تشکیلات اساسیه افغانستان تدوین گردید دراین اساسنامه تمام افغانستان به ۲۱۶ واحد اداری تقسیم شد این واحد های اداری شامل ولایات، حکومت اعلی، حکومت کلان، حکومت درجه اول، دوم وسوم وعلاقه داری درجه اول ودوم بود. واحد های اداری افغانستان درآن زمان قرارذیل بودند.(۱)

الف: ولایات	ب: حکومت اعلی
ولایت کابل	حکومت اعلی سمت مشرقی
ولایت قندهار	حکومت اعلی سمت جنوبی
ولایت هرات	حکومت اعلی میمنه
	حکومت اعلی فراه
ولایت ترکستان	
ولایت قطغن و بدخشان	

ازسال ۱۳۰۰ تا سال ۱۳۴۳ هـ ش تغییرات عمده درتقسیمات اداری افغانستان رونما نگردید و برای تطبیق

(۱) محب الله، رحمتی. جغرافیای بشری افغانستان. پوهنتون کابل: ۱۳٦٤ ص.۸.

قوانین و تسریع کارهای دولتی و امور اجتماعی که سابقاً نسبت عوامل وموانع طبیعی وعدم وسایل ترانسپورت مجهزوسریع دراکثرجاها به نحو بود که مردم برای اجرای امور شکایات ومشکلات ایشان بایستی مسافه ووقت زیاد بمصرف میرسانیدند که درحقیقت ضیاع وقت ومصارف هنگفت برای دولت وهم برای طبقهء ناتوان کشور تحمیل میشد بناءً لازم دیده شد تا بادرنظر داشت ملحوظات فوق به تعقیب یك سلسله اصلاحاتیکه درامورمختلفهء افغانستان موثر واقع گردد ازجانب سازمان دولتی روی دست گرفته شد درسال ۱۳٤۳ هـ ش تشکیلات اداری جدید تدوین وتشکیلات سابقه ملغی قرار داده شد باین صورت درسال ۱۳٤۳هـ ش افغانستان به ۲۹ ولایت تقسیم گردید.

انقسام واحد های اداری بالنوبه به لوی ولسوالی،ولسوالی های درجه اول، دوم سوم وچهارم وعلاقه داری ها که هریك آن داری محاکم عدلی وابتدائیه وشعبهء مالیات وسایرشعبات اداری باشند صورت گرفت. تعداد واحدهای اداری افغانستان به صورت عمومی به ۲۳٤ واحد میرسید. درتقسیمات ملکی افغانستان ازسال ۱۳٤۳ تاسال ۱۳۷۰ تعدیلات وتغییرات جزء بعمل آمده است که این تغییرات اساسی نبوده بعضاً ضم یك ولایت به ولایت دیگروباضم ولسوالی یا علاقه داری با واحد های ماحول صورت گرفته است. جدول شماره (۷) ولایات افغانستان را بامساحت ،مرکز ولایت تعداد قریه های اصلی

وفرعی وتعداد واحدهای اداری نشان میدهد .(١)

جدول شماره ٧

شماره	ولایت	مساحت به کیلو متر مربع	مرکزولایت	تعداد قریه های اصلی وفرعی	تعدادلوی ولسوالی	تعداد ولسوالی	تعداد علاقه داری
١	هرات	٦٣١٠٣	هرات	١٧٧٦	—	١٢	٣
٢	هلمند	٦١٨٢٩	لشکرگاه	١٣٩٠	—	١١	١
٣	فراه	٤٧٧٨٨	فراه	٨٦٢	—	٧	١
٤	کندهار	٤٧٦٧٦	کندهار	١٨٦٥	—	١	٢
٥	بدخشان	٤٧٤٠٣	فیض آباد	١٦٢٢	—	٦	٦
٦	نیمروز	٤١٣٥٧	زرنج	٥٧٣	—	٣	١
٧	ارزگان	٢٩٢٩٥	ترین کوت	٢٤٨	—	٨	١
٨	غور	٢٨٦٦٩	چغچران	١٩٢٦	—	٥	١
٩	جوزجان	٢٦٦٨٦	شبرغان	٩٣٥	—	٧	٥
١٠	غزنی	٢٣٣٧٨	غزنی	٣٠١٨	—	١٠	٥
١١	فاریاب	٢١١٤٦	میمنه	٨٦٨	—	٦	٤
١٢	بادغیس	٢٠٠٧٨	قلعه نو	٧٥٦	—	٤	—
١٣	پکتیکا	١٩٣٣٦	شرن	٩٣٧	—	٣	١
١٤	بامیان	١٧٤١٤	بامیان	١٧٦٨	—	٤	١
١٥	زابل	١٧٢٩٣	قلات	١٤٨٥	—	٥	٣
١٦	بغلان	١٧٢٠٩	بغلان صنعتی	١٢٧٩	—	٥	٤
١٧	بلخ	١٢٥٩٣	مزارشریف	٩٤٧	—	٨	٣
١٨	سمنگان	١٥٤٦٥	ایبک	٦٨٥	—	٣	١
١٩	تخار	١٢٣٧٦	تالقان	١٠١٦	—	٦	٥
٢٠	کنرها	١٠٤٧٩	اسعد آباد	٧٥١	—	٨	٧
٢١	پکتیا	٩٥٨١	گردیز	١٥٠٥	١	١٢	٩
٢٢	پروان	٩٣٩٩	چاریکار	١١٤٢	—	٥	٦
٢٣	وردك و میدان	٩٠٢٣	میدان شهر	١٦٤٦	—	٤	٣
٢٤	کندز	٧٨٢٧	کندز	٦٤٣	—	٥	١
٢٥	ننگرهار	٧٦١٦	جلال آباد	١١٥٣	—	١١	٧
٢٦	لغمان	٧٢١٠	مهترلام	٦٦٩	—	٤	٢
٢٧	لوگر	٤٦٥٢	برکی برك	٦٣٩	—	٣	٢
٢٨	کابل	٤٥٨٥	کابل	٦٢٩	—	٨	٥
٢٩	کاپیسا	١٨٧١	محمود راقی	٥١٣	—	٣	٢

(١) سالنامه احصائیوی. اداره مرکزی احصائیه. سال ١٣٦٤.ص٧-٨-٩.

ب : معرفی واحد های اداری : ولایت منحیث یك واحد اداری بزرگ بنابراصطلاح جغرافیه یك حوزهء رسمی را تشکیل داده ازهمین حوزه رسمی روابط بین واحد های خورد ترجهت انسجام اموراداری وغیرتنظیم میشود.

نظام اد اری وولایات به درجه های یك، دووسه تصنیف شده وهمچنان ولسوالی ها به درجهٔ یك دو، سه وچهارتقسیم شده که درجه بندی تااندازهء زیاد براساس تعداد نفوس وساحهء جغرافیای ولسوالی ها صورت گرفته است وهم ادارهء قبیله های کوچی برعلاقه داریهای، ولسوالی ها ولوی ولسوالی های مربوطه میباشد.

واحدهای ادارای افغانستان بچهار نوع تقیسم شده اند:

۱-مرکزولایت : مرکزولایت شهر عمده ولایات (شاروالی) را با یك تعداد قریه های همجوار آن احتوا میکند معهذا ساحهء بعضی ازمراکز ولایات مانند کابل ،کندهار، هرات، مزارشریف جلال آباد و میمنه درواقع محدود به حدود (شاروالی شهر) وضمناً مراکزولایات مقام اداری ولایت است که فعالیتهای تمام واحد های کوچك اداری (لوی ولسوالی، ولسوالی وعلاقه داری) ازآنجانظارت میشود.

۲ - لوی ولسوالی : لوی ولسوالی ها نیز مانند ولایات دارای یك مرکز اداری وبعضی قرا ماحول آن میباشد که مستقیماً زیر اداره این مرکزقراردارند. لوی ولسوالی هامانند مراکزولایات ازنقطه نظرسلسلهء مراتب اداری واحد های کوچك

اداری خویش را نظارت میکند.

۳ - ولسوالی ها: ولسوالی ها اساس تقسیمات واحدهای اداری افغانستان محسوب میشوند هرولسوالی دارای یك مرکز اداری وقریه های اطراف آن میباشد. ولسوال که درراس یك ولسوالی قرار دارد نزد والی ، یالوی ولسوال مربوطه مسؤلیت دارد.

٤ - علاقه داری ها : علاقه داریها نیزشامل یك مرکز اداری وقرا مربوطه میباشد علاقه داری دربرابرولسوالی یالوی ولسوالی ویاوالی مربوطهء خویش مسؤلیت دارد .

درهرولایت رئیس ادارهء محلی والی میباشد که طبق مقررات مقررمیگردد درهرولایت باقی نمایندهها قوهء اجرائیه وزارت های مختلف تحت اثر والی که نماینده بزرگ قوهء اجرائیه میباشد اجرای وظیفه میکند هرواحد اداری مانند ولسوالی، لوی ولسوالی، علاقه داری به قراودهات منقسم بوده درهرده ویاقریه یك نفرملك انتخاب میگردد. وظیفه ملك رسانیدن احوال مردم به نمایندهء حکومت وازحکومت و اوامرآن به مردم میباشد.

تقسیمات ملکی اداری کشوردرسال ۱۳۷۰ هـ ش شامل ۳۲ ولایت، ۹٤ ساحه شهری، ۲۹٤ ولسوالی و ۳۵۵۰۰ قریه اصلی وفرعی که ازآنجمله ۳۱٤۱٤ قریه اصلی و ٤۰۸٦ قریهء فرعی میباشد علاقه داری ها از تشکیلات اداری حذف به ولسوالی مبدل گردید .(۱)

---

(۱) سالنامه احصائیوی. ۱۳۷۰: وزارت احصائیه. دولت اسلامی افغانستان. ۱۳۷۰.ص الف.

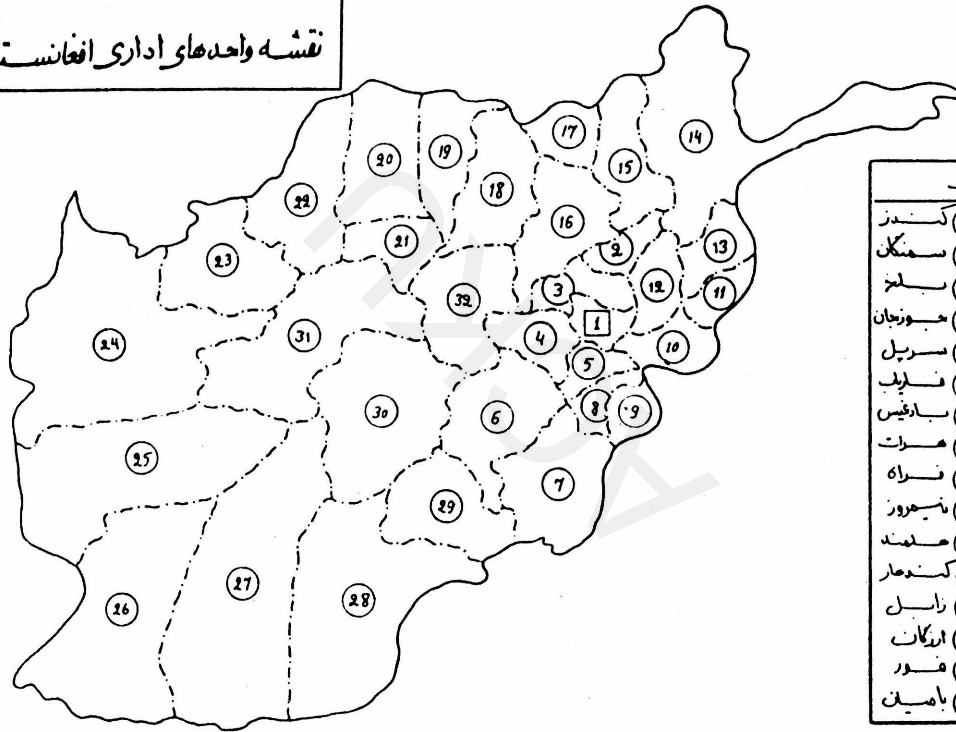
شماره	ولایت	مساحت به کیلو متر مربع	شهر	ولسوالی	درجه تشکیل ولایت	قریه اصلی	قریه فرعی	مجموع
۱	کابل	۴۵۸۵	۳	۱۳	اول	۶۲۱	۷۴	۶۹۵
۲	کاپیسا	۱۸۷۱	۱	۵	سوم	۵۱۴	۱	۵۱۵
۳	پروان	۹۳۹۹	۳	۱۱	دوم	۱۰۶۵	۷۵	۱۱۴۰
۴	وردک	۹۰۲۳	۱	۷	سوم	۱۶۳۹	۷	۱۶۴۶
۵	لوگر	۳۹۵۵	۲	۴	سوم	۵۷۷	۰	۵۷۷
۶	غزنی	۲۳۳۷۸	۳	۱۵	دوم	۲۹۳۶	۸۲	۳۰۱۸
۷	پکتیکا	۱۹۳۳۶	۱	۱۴	سوم	۸۶۷	۲۷	۸۹۴
۸	پکتیا	۶۲۵۹	۸	۱۱	دوم	۷۷۵	۷۱	۸۴۶
۹	خوست	۴۰۲۹	۱	۱۱	سوم	۷۱۶	۴۷	۷۶۳
۱۰	ننگرهار	۷۶۱۶	۲	۹	اول	۹۹۲	۱۶۱	۱۱۵۲
۱۱	کنرها	۴۳۳۹	۱	۱۱	سوم	۴۴۵	۲۱۷	۶۶۲
۱۲	لغمان	۳۴۰۸	۱	۴	سوم	۵۴۹	۲۹	۵۷۸
۱۳	نورستان	۹۹۴۲	۱	۶	سوم	۱۶۵	۱۶	۱۸۱
۱۴	بدخشان	۴۷۴۰۳	۲	۱۲	دوم	۱۳۷۸	۲۴۴	۱۶۲۲
۱۵	تخار	۱۲۳۷۶	۷	۱۱	دوم	۸۵۰	۱۶۶	۱۰۱۶
۱۶	بغلان	۲۰۳۶۲	۷	۱۰	دوم	۷۹۵	۴۸۴	۱۲۷۹
۱۷	کندز	۷۸۲۷	۷	۶	اول	۵۰۵	۱۳۸	۶۴۳
۱۸	سمنگان	۱۱۲۱۸	۳	۴	سوم	۵۲۵	۱۱۷	۶۴۲
۱۹	بلخ	۱۶۸۴۰	۴	۱۳	اول	۸۴۹	۱۴۱	۹۹۰
۲۰	جوزجان	۱۰۳۲۶	۴	۷	دوم	۲۹۳	۴۰	۳۳۳
۲۱	سرپل	۱۶۳۶۰	۲	۵	سوم	۳۸۷	۲۱۵	۶۰۲
۲۲	فاریاب	۲۱۱۴۶	۶	۱۱	دوم	۷۱۵	۱۵۳	۸۶۸
۲۳	بادغیس	۲۰۰۶۸	۳	۶	سوم	۶۹۵	۶۱	۷۵۶
۲۴	هرات	۶۳۰۹۷	۷	۱۵	اول	۱۶۴۶	۱۳۰	۱۷۷۶
۲۵	فراه	۴۷۷۸۶	۱	۱۰	دوم	۷۳۴	۱۲۸	۸۶۲
۲۶	نیمروز	۴۱۳۵۶	۱	۴	سوم	۵۱۵	۲۲	۵۳۷
۲۷	هلمند	۶۱۸۲۹	۲	۱۲	دوم	۱۲۳۳	۱۵۷	۱۳۹۰
۲۸	کندهار	۴۷۶۷۶	۱	۱۲	اول	۱۸۱۷	۴۸	۱۸۶۵
۲۹	زابل	۱۷۲۹۳	۲	۸	سوم	۱۲۴۹	۱۳۶	۱۴۸۵
۳۰	ارزگان	۲۹۲۹۵	۵	۹	سوم	۲۲۹۱	۱۹۱	۲۴۸۲
۳۱	غورات	۳۸۶۶۶	۱	۶	سوم	۱۳۶۰	۵۵۶	۹۱۶
۳۲	بامیان	۱۴۱۶۱	۱	۴	سوم	۱۶۱۶	۱۵۲	۱۷۶۸

• جدول شماره (۸) ولایات افغانستان را با مساحت، تعداد شهرها تعداد ولسوالی‌ها بادرجهء تشکیل، قریه اصلی وفرعی درسال ۱۳۷۰ نشان میدهد.(۱)

---

(۱) سالنامه احصائیوی. ۱۳۷۰.وزارت احصائیه دولت اسلامی افغانستان. کابل وزارت احصائیه، ۱۳۷۰، ص۵.

شکل نمره (۴)



نقشه واحدهای اداری افغانستان
تشکیلات اداری
1 کابل
2 کاپیسا
3 پروان
4 وردک
5 لوگر
6 غزنی
7 پکتیکا
8 پکتیا
9 خوست
10 ننگرهار
11 کنرها
12 لغمان
13 نورستان
14 بدخشان
15 تخار
16 بغلان
17 کندز
18 سمنگان
19 بلخ
20 جوزجان
21 سرپل
22 فاریاب
23 بادغیس
24 هرات
25 فراه
26 نیمروز
27 هلمند
28 کندهار
29 زابل
30 ارزگان
31 غور
32 بامیان
شکل نمره

نفوس افغانستان

ازمنابع مختلف احصائیه های ملل متحد چنین استنباط میشود که درحال حاضر بیش از پنج ملیارد نفر(. . ۵۷۸٤۵۲۵. ۵) (۱۹۹۵م) درروی کرهء ارض زیست میکند. مبرهن است که این تعداد نفوس درتمام نقاط زمین بصورت متناسب ومساوی توزیع نگردیده است بعبارهء دیگربادرنظرداشت مساعدت شرایط اقلیمی و ارتفاع اراضی وسایر عوامل طبیعی ، اقتصادی، اجتماعی وسیاسی تراکم نفوس درمناطق مختلف کرهء ارض ازهم اختلاف می پذیرد بطوریکه درمناطق دشتی وصحرای ومناطق مرتفع، سسلسله جبال وجبه زارهای برای هزاران کیلومترمربع اثری از انسان مشاهد نمیشو د درحالیکه دربعضی مناطق دیگر کرهٔ ارض نظربه مساعدت شرایط اقلیمی وموقعیت مناسب جغرافیای بیش ازیك هزارنفر درهرکیلومترمربع زیست میکند. باین ترتیب توزیع وتقسیم نفوس را برای تمام جهان ویایك منطقهء مشخص میتوان نتیجهء موجودیت عوامل مختلف فزیکی و اقتصادی دانست. عوامل فزیکی شامل موقعیت جغرافیای عرض البلد ها، ارتفاعات وبرجستگی ها ونوعیت اقلیم وکتله های آب

وغیره میباشد که تاثیرآن درتمام نقاط کره‌ء ارض درهروقت به مشاهده میرسد. اختلاف بارز دراین عوامل ازیك ناحیه به ناحیه دیگر بصورت مستقیم وغیرمستقیم طرز استفاده‌ء انسانرا ازمنابع کره‌ء زمین تغییر میدهد. درعوامل نوع دوم که برتقسیم وکثافت نفوس موثر است عوامل اقتصادی شامل است که برمنابع طبیعی متکی است. منابع طبیعی معادن، آب، نوعیت خاك، نباتات وحیوانات را شامل میگردد که درتمام مناطق کره‌ء زمین یکسان، متناسب وقابل دسترس نمی باشد باین ترتیب درقسمت توزیع نفوس مناطق دارای منابع سرشار طبیعی درصورتیکه انسان از آن برای رفع ضروریات خویش استفاده نماید، حایز اهمیت میباشد اما باید اظهارداشت که عامل عمده‌ء توزیع نفوس ازجمله‌ء عوامل اقتصادی که فوقاً تذکار یافت تاقرن ۱۸ زراعت وعوامل مربوط به آن بوده است .همین اکنون نیزدرممالك چون افغانستان که اقتصادآنها برزراعت متکی است وهم قسمت اعظم نفوس از این راه امرار حیات مینمایند این عوامل یعنی موجودیت آب، خاك واقلیم بمنظور پیشبرد امور زراعتی از عوامل عمده توزیع نفوس بشمار میرود وبنا برآن مناطق ساحلی ، وادیها ودلتاها دریاها ویامناطق که رطوبت کافی دارد حتی همین اکنون نیزاز پرنفوس ترین مناطق جهان بشمار میرود.

مناطق جنوب شرق آسیا ونواحی متفرق هند، چین، امریکای جنوبی ومرکزی وافریقا مثالهای عمده را در این قسمت وانمود میسازد.

درافغانستان نیز تراکم نفوس درمناطقیکه دارای آب وهوای مساعد میباشد بیشتر است چنانچه متراکم ترین نقاط افغانستان درولایت کابل، ولایت کاپیسا، ولایت ننگرهار، ولایت کندز ولایت پروان ولایت پکتیاموقعیت داشته وبرعکس درولایات نیمروز، فراه، غورات وهلمند دارای تراکم نفوس کمترمیباشد.

۱- توزیع وتمرکز نفوس:

باوجود آنکه ازقرن ۱۸ به بعد انکشاف صنایع، مواصلات، تجارت وبالاخره استفاده از مواد معدنی درجهان به پیمانه وسیع صورت گرفته وعامل زراعت بادرنظرداشت تمرکز نفوس اهمیت اولی خود را ازدست داده است اما بانهم دربعضی ازممالك چون افغانستان که تقریباً ۸۵ فیصد نفوس آن به زراعت وفعالیت های مربوط به آن اشتغال دارند هنوزهم زراعت ازعوامل عمده توزیع و تمرکزنفوس بشمار میرود وبنابرآن ساختمان محیط فزیکی، نوعیت اقلیم وخصوصیات هایدروگرافی زمینه زیست وتمرکز نفوس بشری را به تناسب های مختلف بوجود آورده است. درافغانستان نیزمانند سایرمناطق جهان دره ها وادیها، جلگه ها وسواحل دریاها در

اوایل یعنی از زمانه های خیلی قدیم محیط مساعد را برای استقرار گروه های مختلف مردم پدید ومراکزمختلف تجمع نفوس را بوجود آورده است.

علاوه برآن مردم این کشورمانند سایر ملل کوشیده اند تانقاطی را که ازلحاظ زراعت وبودباش بشری نامساعد بوده است برای بودوباش وهم برای زراعت وتوسعه فعالیتهای صنعتی مساعد سازند. چنانچه امروز تعداد کثیر ازمردم این خطه درنقاطیکه سابقاء غیرمسکون ونامساعد پنداشته میشد گسترش یافته اند.

بادرنظرداشت این امرکه افغانستان یك مملکت کوهستانی است لذاتمرکز نفوس درنقاط بلندتراز ۲۵۰۰ مترمحدود بوده ودراین مناطق یك تعداد نسبتاً قلیل نفوس و آنهم بصورت متفرق بود وباش اختیارکرده به شغل شبانی ومالداری می پردازند وبلندتر از چهارهزار متربصورت قطعی نفوس بشری امرارحیات کرده نمیتواند .

مناطقیکه بین ۱۰۰۰تا ۲۰۰۰ ویا ۲۵۰۰ متر ازسطح بحرقراردارند ساحهء نسبتاً وسیع را احتواکرده ودراین مناطق بنابرشرایط مساعد اقلیمی ، نوعیت خاك خوب و آب و افر تعداد کثیرنفوس متمرکزشده اند بصورت عموم شغل اکثر جماعات بشری این مناطق را زراعت، تربیه مواشی وصنایع دستی تشکیل میدهد.

به همین اساس مناطقیکه کمتر از . . . ۱متر اررتفاع دارد شامل حوزه های وسیع وهموار میگردد وبادرنظر داشت مساعدت اقلیم و آب هوا خوب و آب وافر ونوعیت خاك مساعد تمرکز نفوس به حداعظمی آن میرسد اکثریت نفوس این مناطق نیز به زراعت مالداری وسایرکارهای تجارتی وصناعتی اشتغال دارند به همین ترتیب درحالیکه دراین نقاط زراعت عامل اساسی تمرکز نفوس را تشکیل داده و بامساعدت اقلیم و آب وافر از بعضی حصص اراضی این مناطق دو وحتی سه بارحاصل برداری دریکسال امکان پذیراست. جدول شماره (۹)واحد های اداری را نشان میدهد که ازلحاظ زراعت حایزاهمیت بوده نفوس بیشتر را بخود جلب کرده ومتراکم ترین نقاط را به مقایسه سایر مناطق افغانستان نشان میدهد قرار احصائیه سال (. ۱۳۷هـ ش٠) (۱)

---

(۱) سالنامه احصائیوی. وزارت احصائیه دولت اسلامی افغانستان. .۱۳۷ ص. ۱۸.

شماره	واحد اداری	مربوط ولایت	مساحت به کیلومترمربع	تعداد نفوس مسکون	تراکم نفوس در فی کیلومترمربع
۱	ولسوالی میربچه کوت	کابل	۶۳,۰	۶۱۰۸۰,۰	۹۸۰,۹
۲	ولسوالی شکردره	کابل	۸۶,۵۰	۶۷۷۰۰,۰	۷۸۲,۶
۳	ولسوالی قره باغ	کابل	۱۱۱,۰	۶۵۵۰۰,۰	۵۹۰,۰
۴	ولسوالی کلکان	کابل	۴۳,۰	۲۷۶۰۰,۰	۶۴۱,۸
۵	ولسوالی پغمان	کابل	۴۰۷,۰	۹۹۰۰۰,۰	۲۴۳,۲
۶	ولسوالی چهارآسیاب	کابل	۲۸۴,۰	۲۹۰۰۰,۰	۱۰۵,۲
۷	ولسوالی سروبی	کابل	۴۵۸۵,۰	۲۴۶۲۰۰,۰	۴۵۶,۶
۸	ولسوالی استالف	کابل	۲۰۶,۰	۳۶۰۰۰	۱۷۴,۰
۹	ولسوالی محمود راقی	کاپیسا	۱۲۰,۰	۴۹۲۰۰	۴۱۰,۰
۱۰	ولسوالی کوهستان	کاپیسا	۱۷۴,۰	۸۳۸۰۰	۴۸۱,۶
۱۱	ولسوالی نجراب	کاپیسا	۵۸۵,۰	۸۰۰۱۰	۱۳۶,۷
۱۲	ولسوالی تگاب	کاپیسا	۴۷۷	۵۱۵۰۰	۱۰۷,۹
۱۳	ولسوالی جبل السراج	پروان	۱۹۶	۹۰۱۰۰	۴۵۹,۰
۱۴	ولسوالی بگرام	پروان	۴۶۴	۸۲۶۰۰	۱۷۸,۰
۱۵	ولسوالی برکی برك	لوگر	۳۲۹	۵۳۷۰۰	۱۶۳,۲
۱۶	ولسوالی مندوزایی	خوست	۱۱۰	۲۸۱۰۰	۲۵۵,۴
۱۷	ولسوالی سرخرود	ننگرهار	۳۸۴	۹۳۲۰۰	۲۴۲,۷
۱۸	ولسوالی خوگیانی	ننگرهار	۵۷۸	۹۰۰۰۰	۱۵۵,۷
۱۹	ولسوالی چپرهار	ننگرهار	۱۸۱	۳۶۹۰۰	۲۰۳,۸
۲۰	ولسوالی رودات	ننگرهار	۶۶۸	۷۳۹۰۰	۱۱۰,۶
۲۱	ولسوالی اچین	ننگرهار	۴۶۱	۶۱۶۰۰	۱۳۳,۶
۲۲	ولسوالی شینوار غنی خیل	ننگرهار	۱۷۹	۲۹۷۰۰	۱۶۵,۲
۲۳	ولسوالی بتی کوت	ننگرهار	۱۵۲	۴۷۲۰۰	۳۱۰,۵
۲۴	ولسوالی کامه	ننگرهار	۲۲۹	۶۴۵۰۰	۲۸۱,۶
۲۵	ولسوالی کوزکنر	ننگرهار	۳۲۷	۴۱۸۰۰	۱۲۷,۸
۲۶	ولسوالی ترنك(بادیل)	کنرها	۱۶۵	۱۹۱۰۰	۱۱۵,۷
۲۷	ولسوالی چوکی	کنرها	۲۴۹	۲۶۲۰۰	۱۰۵,۲
۲۸	ولسوالی قرغه ئی	لغمان	۷۷۴	۷۸۹۰۰	۱۰۱,۹
۲۹	ولسوالی الینگار	لغمان	۵۳۹	۶۰۹۰۰	۱۱۲,۹
۳۰	ولسوالی بغلان جدید	بغلان	۱۷۱	۱۳۴۴۰۰	۲۰۰,۲
۳۱	ولسوالی امام صاحب	کندز		۱۵۳۹۰۰	۱۰۶,۴
۳۲	ولسوالی خان آباد	کندز	۱۴۴۶	۱۲۵۱۰۰	۱۱۲,۳
۳۳	ولسوالی چهاربولك	مزارشریف	۱۱۱۳	۵۵۳۰۰	۱۰۸,۲
۳۴	والسوالی بلخ	مزارشریف	۵۱۱	۸۵۱۰۰	۱۷۶,۹
۳۵	ولسوالی دهدادی	مزارشریف	۴۸۱	۳۹۵۰۰	۱۶۹,۰
۳۶	ولسوالی انجیل	هرات	۲۳۳	۱۶۶۹۰۰	۱۲۵,۲
۳۷	ولسوالی سنگین قلعه	هلمند	۱۳۳۳	۴۱۹۰۰	۱۴۳,۹

درجدول(۹) آنعده ازواحد های اداری مدنظرگرفته شده اند که ازلحاظ جمعیت پرنفوس ترین منطقه محسوب گشته .

وتمرکزنفوس آن ها درفی کیلو متر مربع بیشتر ازصد نفرمیباشد. بناءً ازجدول فوق چنین استنباط میشودکه نقاط مهم زراعتی در تمام ولایات اکثریت نفوس رادرخود گنجانیده است. باید اظهارداشت که شهرها عمده‌ء افغاسنان که ازلحاظ نفوس متراکم ترین اند درجدول فوق نسبت آنکه اکثریت نفوس آن به کارهای غیرزراعتی اشتغال دارند نیامده است اما باید خاطرنشان گردد که اکثریت شهرهای پرنفوس افغانستان نیز درمناطق مساعد زراعتی پدید آمده است و این نقاط بنابرعوامل چند که مهمترین مراکزفعالیت اقتصادی فرهنگی، صنعتی و اداری کشور را تشکیل میدهنداساساً عامل زراعت باعث تجمع وتمرکز نفوس این مناطق گردیده وبعداً فنکشن صنعت، تجارت، موضوعات عرفانی، اداری، نظامی وتورستیکی بان علاوه شده درتراکم نفوس آنها افزایش بعمل آمده است بنابرهمین علت شهرها عمده که اکثراً مراکزولایات را تشکیل میدهند در ابتداً نقش زراعتی داشته وبعداً نقش صنایع ،تجارت وغیره بآن ضم شده توسعه‌ء نفوس آن نظر به مناطق دیگر افزایش قابل ملاحظه رانشان میدهد مثلاً جدول شماره (۱۰) مهمترین شهرهای افغانستان را بادرنظرداشت ساحت، تعداد نفوس وتمرکز نفوس نشان میدهد. قرار احصائیه سال ((۱۳۷۰ هـ ش)) (۱)

---

(۱) سالنامه احصائیوی. وزارت احصائیه دولت اسلامی افغانستان. ۱۳۷۰.ص۶.

جدول شماره ۱

شماره	شهرهای عمده	مساحت به کیلومتر مربع	تعداد نفوس ساکن	کثافت نفوس
۱	کابل	۲۱۳	۱٦۲۵۱۰۰	۷٦۲۹,٦
۲	هرات	٤٥	۱۹٥۱۰۰	٤۲۲٤,٤
۳	مزارشریف	٤۸	۱٤۰۱۰۰	۲۹۱۸,۷
٤	کندهار	۲۲٥	۳٦۲۰۰۰	۱٦۰۸,۸
٥	میمنه	۳۲	٤۷٦۰۰	۱٤۸۷,٥
٦	چاریکار	۱۹۱	۱۳۱۹۰۰	٦۹۰,۰
۷	جلال آباد	۳۳٦	۱٤٥٦۰۰	٦۱٦,۹

وجود آب نیز درتراکم نفوس یك منطقه اثر بارزدارد هرگاه سواحل دریاها ،کنارچشمه ها وکاریز ها را مورد بررسی قراردهیم این نواحی نظر به سایرجاها تا اندازهٔ زیاد نفوس بشری رابخود جلب کرده است خاصتاً حصص وسطی وسفلی دریاها، کاریزها چاه ها وچشمه ها درتجمع نفوس ازسالهای خیلی قدیم باین طرف نقش بارزداشته تراکم نفوس بشری را دراین نقاط بوضاحت مشاهده کرده میتوانیم که ازآنجمله شبکه های دریاها نسبت به همه مهمترمیباشد مثلاً سواحل دریای کابل ومعاونین آن (دریای لوگر، دریای پنجشیر، دریای الیشنگ و الینگار ودریای کنر) سواحل دریای هیریرود و معاونین آن (سرجنگل وتگاوشلان) سواحل دریا هلمند ومعاونین آن (دریای ترنك، ارغستان، ارغنداب)، سواحل دریای مرغاب ومعاونین آن دریای کندز، فراه رود ،خاشرود ادرسکن وساحل

چپ دریای آموغیره شامل پرنفوس ترین نقاط افغانستان میگردد.

۲ - تعداد نفوس :

بادرنظر داشت موقعیت خاص جغرافیای و با استفاده ازشواهد تاریخی افغانستان مانند سایرمناطق حاصل خیز جهان وآسیا نسبت موجودیت و دایها خرم وسرسبز، دره های شاداب واراضی وسیع از زمانه های بسیارقدیم نفوس بشری را بخود جلب نموده وتعداد کثیر مردم درنقاط مخلتف آن متمرکز بوده اند. اما بنا برعدم موجودیت احصائیه های دقیق تعداد نفوس افغانستان وتراکم آن در دوره های گذشته واضح نبوده و ازین جهت بشکل تخمین دربارهء نفوس افغانستان احصائیه های مختلف اشاعه یافته است.

ناگفته نباید گذاشت که برعلاوه تعداد تهیه ارقام در زمینه مشخصات نفوس کشور ها هم ازضروریات اساسی بشمارمیرود. درحالیکه تاکنون یك تعداد کثیر ازکشورهای جهان اینگونه ارقام قابل اعتماد که ازطریق سرشماری حاصل شده باشد وجودندارد بعبارهء دیگردرسال (۱۳٦۰هـ ش) تنها در۳٦ کشورجهان ارقام احصائیوی تثبیت شده وجود داشت ومتباقی دارای ارقام که روی تخمین استواراست وجود دارد.

ارقام تخمین شده در بارهء نفوس افغانستان بصورت رسمی برای نخستین بار درسال ۱۳۱۵ انتشار یافت ودر

سالنامه های احصائیوی ملل متحدنفوس افغانستان بصورت تخمین برای سال ۱۳۱۵هـ ش (۱۹۳۷) م ده ملیون نه صدو هفتاد هزارنفر گزارش داده شده بود. (۱)

بعداً ریاست احصائیه وزارت پلان درنشریهء پیشرفت پلان وتحلیل اوضاع اقتصادی نفوس افغانستان را برای سال ۱۳۲۹هـ ش ۱۲ ملیون نفرتخمین نمود.

ازآن سال ببعد نفوس افغانستان بصورت تخمین اشاعه میافت وبصورت عموم این احصائیه ها از روی ازدیاد نفوس که آنهم روی تخمین استوار بود محاسبه میشد. اما این را نیز باید علاوه کرد که ارقام واحصائیه های تخمین راجع به اندازهء توزیع وترکیب وتغییرنفوس که در پلانهای اقتصادی واجتماعی گذشته بکاربرده میشد نه تنها متکی به ارقام تخمین استواربوده قسماً به اساس احصائیه های توزیع تذکره وسروی نمونوی، سرویهای زراعتی، صحی، مالیاتی وغیره متکی بوده است. اولین سروی نمونوی به منظورتخمین نفوس در سال ۱۳۳۲هـ ش در کابل توسط موسسه صحی جهان صورت گرفت این موسسه در ۸۵ قریه مربوطه به ده ولایت بصورت پراگنده در مورد ترکیب، سن، جنس و شغل وغیره مشخصات نفوس معلومات جمع آوری نموده متعاقباً سروی نمونوی دیگر دریکی از قریه های کابل (ده خدایداد) درسال ۱۳۳۸ هـ ش صورت گرفت هکذا

(1) Demographic Year Book. New york: United Nations. 1968.

درهمین سال یك تعداد متخصصین ملل متحد با وزارت داخله درمورد تخمین نفوس کشورهمکاری نمودند.

باید اظهار داشت که ازلحاظ علم دیموگرافی سرویهای کوچك نمونوی نسبت محدود بودن ساحه وتعداد نفوس فاقد ارزش لازمه احصائیوی بوده ازآن یك نتیجهٔ درست وعلمی گرفته شده نمیتواند بنابرهمین علت غیرقابل اطمنیان پنداشته میشود. بادرنظرداشت این مطلب سرویهای نمونوی که ازنقاط مختلف افغانستان اخذ میشد غیرقابل اطمینان بود اما باوجود این وضع حکومات گذشته نسبت نداشتن وسایل و اشخاص فنی نه تنها احصائیه های غیرقابل اعتماد را انتشار میدادند بلکه بزعم خود فکرمیگردند اشاعه احصائیه نفوس بیك نسبت زیاد سبب جلب مساعدت بیشتر مالی وکمك های موسسات بین المللی وممالك خارج میگردد. بناءً علاقه داشتند تاتخمین نفوس کشور را بیشتر ازواقعیت تبارزدهند چنانچه به اساس منابع متذکره فوق تخمین نفوس کشور درسال ۱۳۵٤هـ ش ۱۹,۱٤ ملیون نفرمحاسبه شده وباساس آن با ازدیاد ۲,۳ فیصد درسال تعداد نفوس سال ۱۳۵۷ کشور به ٤۸ ,.۲ ملیون نفر ارتقاء می یافت که این رقم بذات خود خیلی بلند وغیرقابل قبول بود .

پروژه سروی دیموگرافی سروی نمونوی دیگری را نیز به سطح کل کشور باهمکاری موسسات خارجی و با استفاده

ازفوتوهای هوای درمعرض تطبیق قرار داد اما این بارتعداد نفوس را ببسیارکم وانمود ساخت که این وضع نیز مغایرت بامطالعات دیموگرافی داشت ونفوس افغانستان درسال ۱۳۵۷هـ ش درحدود (۱۱۴۱۸۰۰۰نفر) بدون کوچی ها نشان داده شد.

بصورت عموم میتوان گفت که ازتمام احصائیه های اشاعه شده که درگذشته توسط منابع مختلف دولتی و موسسات بین المللی بااستفاده از روش ها ومتودهای مختلف علمی جمع آوری و انتشار می یافت رشد وازدیاد نفوس را که شامل تولدات، و فیات ومهاجرت ها میباشد بدرستی تعیین وتخمین کرده نمیتواند.

روی ملحوظات فوق اداره‌ء احصائیه بادرنظرداشت اساسات علمی دیموگرافی درسال ۱۳۵۳هـ ش راجع به اجرای سرشماری نفوس باصندوق وجهی فعالیت های نفوس ملل متحد تماس حاصل کرد وبه اثر آن درسال ۱۳۵۴ هـ ش فیصله بعمل آمد تا پروگرام سرشماری نفوس درافغانستان باهمکاری صندوق وجهی فعالیت های نفوس درسالهای آینده‌ء نزدیك عملی گردد.

سرشماری کامل نفوس کشورکه در ۲۵جوازی سال ۱۳۵۸هـ ش آغاز و در ۱۴ سرطان همان سال خاتمه یافت. باوجود آنکه دراین سر ماری ۱۳هزار نفر به کمك مالی وتخنیکی پروگرام انکشافی ملل متحد عملاً اشتراك داشتند اما بصورت کامل نسبت معضلات نتوانستند ازتمام نقاط واکناف کشور احصائیه

های موثق جمع نمایند بازهم بایدخاطرنشان کرد که ازیك قسمت زیاد کشوراحصائیه نفوس جمع آوری گردید و به اسا س آن درسال ۱۳۵۹ هـ ش نتایج مقدماتی نخستین سرشماری نفوس با تجدید نظر ارقام ذیل درباره نفوس افغانستان اشاعه یافت .

مجموع نفوس کل کشورقرار احصائیه سال ۱۳۵۹هـ ش به ۱۵,۹۶ملیون نفربالغ گردید که ازآنجمله ۱۳,٤ملیون نفر نفوس ساکن، ۲,٥٦ملیون نفردیگر آنرانفوس کوچی تشکیل میداد. ازجمله نفوس ساکن آن ۱٥,٤ فیصد درمواضع شهری، ۸٤,٦ فیصد در دهات و روستاها امرارحیات داشته اند .

مجموع نفوس ساکن کشور دراین سال شامل ۲,۱ ملیون خانواده بوده وتعدادوسطی اعضای هرخانواده، ساکن ٦,۱٤ نفرتثبیت شد. نسبت جنس برای نفوس شهری ۱,۹، برای نفوس دهاتی ۱,٥ وبرای نفوس ساکن ۱,٦ مرد درمقابل هرصد نفر زن محاسبه شد. همچنان بادرنظرداشت تولدات و وفیات ومعلومات دست داشته پیرامون مهاجرت ها از دهات به شهرها رشد نفوس بصورت مجموعی درسال ۱۳۵۹ به اندازه، ۲,٦. فیصد محاسبه شده بود که شکل خالص آن برای نفوس شهری بیشتر وبرای نفوس دهاتی کمترسنجش گردیده بود زیرا مهاجرت ها درشهرها بیشتربود.

جدول شماره (١١)تخمین نفوس کشور را درسالهای ١٣٥٨ -١٣٧١نشان میدهد. (هزار نفر)

جدول شماره ١١

شاخص ها	١٣٥٨	١٣٦٩	١٣٧.	١٣٧١
مجموع نفوس	١٤٥٥١	١٧٦٢.	١٧٩٣٣	١٨٢٥٢
مرد	٧٤١٥	٩.٥٤	٩٩٣٤	٩٤.٢
زن	٧١٣٦	٨٥٦٦	٧٩٩٩	٨٨٥.
نفوس مسکون	١٣.٥١	١٦١٢.	١٦٤٣٣	١٦٧٥٢
نفوس شهری	١٩٧٧	٢٩٥٣	٣.٣٧	٣١٤٤
نفوس دهاتی	١١.٧٤	١٣١٧٦	١٣٣٩٦	١٣٦.٨
نفوس کوچی	١٥..	١٥..	١٥..	١٥..

مبرهن است که ازدیاد نفوس اکثراً درممالك بادرنظرداشت اندازه های تولدات وفیات محاسبه میگردد که البته در ممالك مختلف ازهم اختلاف می پذیرد یعنی رشد و تزایدنفوس در ممالك انکشاف یافته نسبت به ممالك روبه انکشاف بسیارکم است چه کنترول تولدات درممالك انکشاف یافته بحد اعظمی آن صورت گرفته وبنابر پیشرفت وضع صحی وفیات نیز بحد اقل تقلیل یافته است .

جدول شماره (١٢) تعداد تولدات ووفیات را درممالك مختلف نشان میدهد .(درسال ١٩٩٥م) (١)

---

(1) The World ALMANAC and Book of Facts. An Imprint of Pharos Books Asckipps Howard Company. New York. 1991 P508.

جدول شماره ۱۲

شاخص ها	ممالك	تولدات در هرهزار نفر	وفیات در هر هزارنفر	تزایدنفوس فیصدی
۱	جاپان	۱۲	۸	۰,٤
۲	سویدن	۱۳	۱۲	۰,۲
۳	بریتانیا	۱٤	۱۱	۰,۲
٤	چین	۲۱	۷	۱,٤
٥	هند	۹۱	۱۰	۲,۱
٦	ترکیه	۲۷	۷	۱,۹
۷	کولمبیا	۲٦	٦	۱,۹
۸	ایران	۳۳	۷	۲,۰
۹	پاکستان	٤۲	۱۱	۲,۹

رشد یا ازدیاد نفوس درافغانستان نیزدرسالهای مختلف ازهم اختلاف داشته به ارقام مختلف تخمین مینمودند :

قراراحصائیه های ملل متحد رشد نفوس در افغانستان درسال ۱۳٤۰ هـ ش درحدود ۳,۱ فیصد و درسال ۱۳٤۸هـ ش ۳فیصد ودرسال ۱۳۵۰ درحدود ۲,۸ فیصد ودرسال ۱۳۵۹هـ ش ۲,٦ فیصد و درسال ۱۳۷۰هـ ش ۱,۹فیصد تخمین گردیده است.

باید خاطرنشان کرد که دراین اواخر بنا برانسجام و پیشرفت در امور صحت عامه و تطبیق پروگرامهای طب وقایوی و پیشبرد طب معالجوی بصورت اقتصادی وتعمیم آن به تمام ولسوالیها، علاقه دارایها ومحلات با ایجاد مراکزصحی اساسی و فرعی وسایرخدمات اجتماعی این امکان میسرخواهد شد تا در

تعداد تولدات و وفیات تقلیل رونماگردیده و ازجانب دیگر فیصدی نفوس فعال اقتصادی و عمر متوسط افراد متدرجاً افزایش یابد.

۳- ترکیب و افزایش نفوس :

بغرض تحلیل وترتیب پلانهای انکشافی بخش های مختلف اقتصاد ملی، مصارف صحیه وسایر مشغولیت ها وقوای بشری مملکت لازم است تا ترکیب نفوس یك مملکت ترتیب و ارزیابی گردد بهمین لحاظ گروپهای پنج ساله سنی بادرنظر داشت جنس که برای پلانهای انکشافی مملکت حتمی وضروری پنداشته میشود قرارذیل اند.

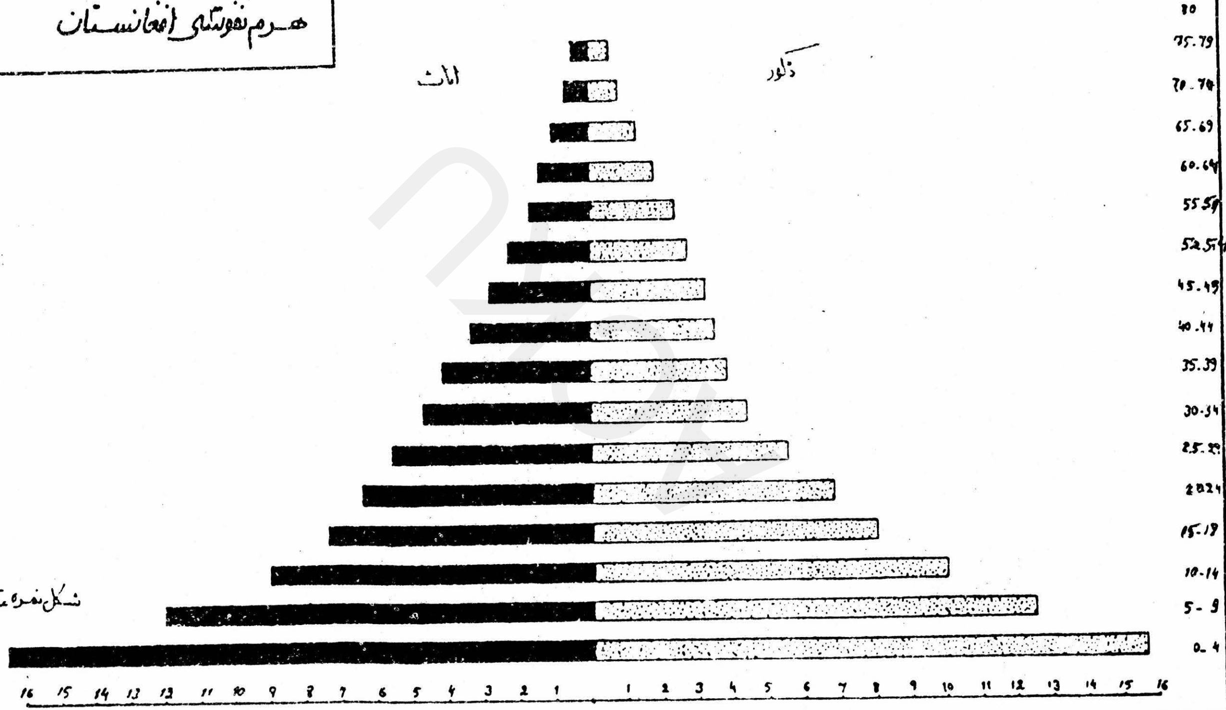
جدول شماره (۱۳) تخمین نفوس مسکون کشور (شهری و دهاتی) بتفریق گروپهای پنجساله سن وجنس سال ۱۳۷۰ را نشان میدهد. (ص ۱۲۹)

باید گفت که ترکیب نفوس ازلحاظ سن به صورت عموم درانکشاف اقتصادی یك مملکت نقش مهم را بازی میکند شکل شماره (۵) (۱)

چه وجود اطفال واشخاص معمر در نفوس یك جامعه ،نفوس غیرفعال اقتصادی را وانمود میسازد. قرار احصائیه ملل متحد معمولاً اشخاص فعال اقتصادی درممالك پیشرفته ۴۰ فیصد و

---

(۱) سالنامه احصائیوی ۱۳۷۰. دولت اسلامی افغانستان. کابل: وزارت احصائیه، ۱۳۷۰،ص ۱۳-۱۴.


هـرم نفوسکی افغانستان
اناث
ذکور
شکل نمره 5
80
75.79
70.74
65.69
60.64
55.59
52.54
45.49
40.44
35.39
30.34
25.29
2024
15-19
10-14
5-9
0-4
16 15 14 13 12 11 10 9 8 7 6 5 4 3 2 1
1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16

جدول شماره ۱۳

گروپهای سنین	مجموع فیصدی نظر به هردو جنس	هردوجنس	ذکور	فیصدی نظر به مجموع ذکور	اناث	فیصدی نظر به مجموع اناث
۰-٤	۳۲۱۷,٥٥	۱۹,٥۸	۱٥٦٦,۱۷	۱۸,٥۷	۱٦٥۱,۳۸	۲۰,۹٤
٥-۹	۲٤٥۸,٤۲	۱٤,۹٦	۱۲٥۳,۳٤	۱٤,۸٦	۱۲۰٥,۰۸	۱٥۰,۷
۱۰-۱٤	۱۸۹٤,۷۱	۱۱,٥۳	۱۰۰۱,۹۲	۱۱,۸۸	۸۹۲,۷۸	۱۱,۱٦
۱٥-۱۹	۱٥٤٥,۳۷	۹,٤۰	۸۱۱,۳۸	۹,۷٥	۷۲۲,۹۹	۹,۰٤
۲۰-۲٤	۱۳۲۷,۷۲	۸,۰۸	٦۸٤,۸۱	۸,۱۱	٦٤۲,۱۱	۸,۰٤
۲٥-۲۹	۱۰۹۹,۳۹	٦,٦۹	٥٤٤,۸۳	٦,٤٦	٥٥٤,٥٦	٦,۹۳
۳۰-۳٤	۹۱٦,۹۲	٥,٥۸	٤۳٦,۸٦	٥,۱۸	٤۸۰,۰٦	٦,۰۰
۳٥-۳۹	۸۰۸,٤٦	٤,۹۲	۳۸٦,۲۳	٤,٥۸	٤۲۲,۲۳	٥,۲۸
٤۰-٤٤	۷۰۰,۰۰	٤,٦٦	۳٥٤,۲۰	٤,۲۰	۳٤٥,۷۹	٤,۳۲
٤٥-٤۹	٦۰۸,۰٥	۳,۷۰	۳۲۱,۱۸	۳,۸۲	۲۸٥,۸۷	۳,٥۷
٥۰-٥٤	٥۱٤,٥۷	۳,۱۳	۲۸۳,٤٤	۳,۳٦	۲۳۰,۹۳	۲,۸۱
٥٥-٥۹	٤۱٤,۰۷	۲,٥۲	۲۳٥,۲٥	۲,۷۹	۱۷۸,۸۱	۲,۱٤
٦۰-٦٤	۳۱۸,۷٥	۱,۹٤	۱۸۲,۹۹	۲,۱۷	۱۳٥,۷٥	۱,۷۰
٦٥-٦۹	۲۳۰, ۷	۱,٤۰	۱۳۷,٤۸	۱,٥۷	۹۷,٦۰	۱,۱۱
۷۰-۷٤	۱٥۷,٦۹	۰,۹٦	۹۱,۹۰	۱,۰۱	٦٥,۷۹	۰,۸۲
۷٥-۷۹	۱۰۰,۳۰	۰,٦۱	٥۹,۰٦	۰,۷۰	٤۱,۲۳	۰,٥۲
۸۰سال بالاتر	۱۱۰,۹۹	۰,۷٤	۷٥,۹۹	۰,۹۰	٤٥,۰۰	۰,٥٦
تمام سنین	۱٦٤۳,۹۲	۱۰۰,۰	۸٤۳٤,۰۱	۱۰۰,۰	۷۹۹۸,۸۳	۱۰۰,۰

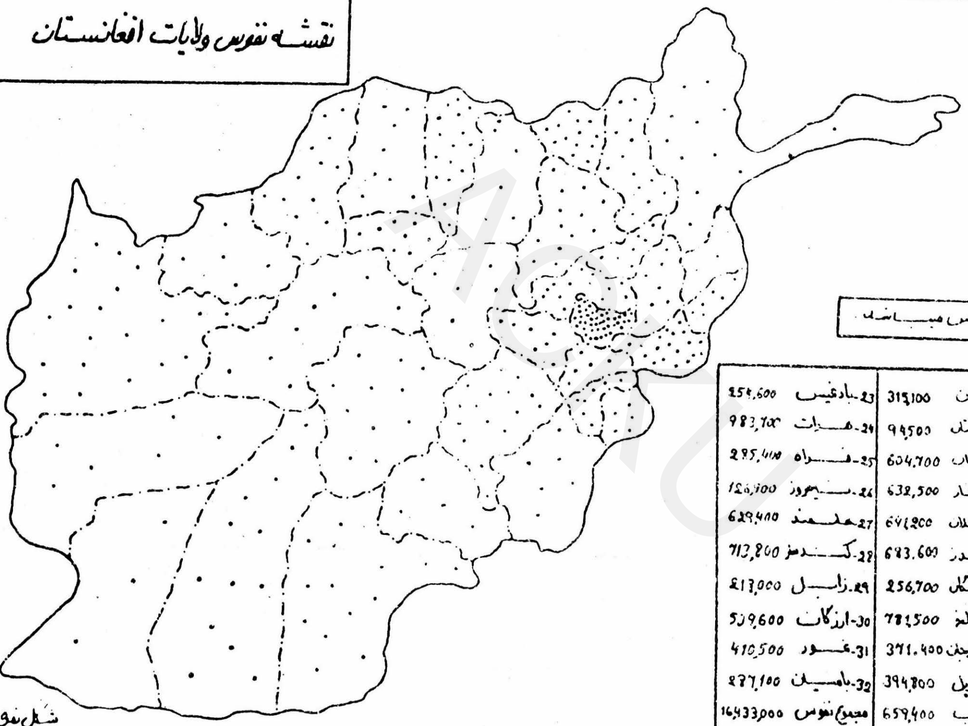
در ممالك روبه انکشاف ۲٥فیصد نفوس مجموعی را تشکیل میدهد. اشخاص غیر فعال اقتصادی که ازیك الی پانزده سال ویا بالاتر از ٦٥سال عمر دارند درممالك روبه انکشاف ٥۳,۱ فیصد ودرممالك انکشاف یافته ۳۰فیصد تشکیل میدهد درحالیکه اشخاص فعال که ازپانزده تا شصت

وپنج سال عمردارند درممالك روبه انکشاف ٤٦.٩ فیصد ودرممالك انکشاف یافته ٦٥ فیصد نفوس عمومی آنها را تشکیل میدهد.

هرگاه سنین ۱۵تا ٦٥ سال را ازنظر قتصادی با لقوه مولد فرض کنیم می بینم که نفوس مولد درممالك روبه انکشاف که افغانستان نیز در آن شامل است نسبت به ممالك انکشاف یافته خیلی کم میباشد وازجانب دیگر ترکیب نفوس ازلحاظ جنس در افغانستان قابل تبصره میباشد زیراتقریباً نصف نفوس افغانستان را طبقهء اناث تشکیل میدهد که بصورت عموم اکثریت آنها نفوس غیرفعال تولیدی را تشکیل میدهد. بنأءمجموع نفوس ذکور واناث کشور ازیك تا پانزده ساله ٦, ٤٤ فیصد و از ۱۵ تا ٦٥ ساله ۹, ٥۲ فیصد و از ٦٥ ساله بالاتر ٦, ۲ فیصد تخمین گردیده است. یکی ازعوامل وعناصرمهم دیگرکه باعث ازدیاد نفوس وتحولات دیموگرافیکی یك ناحیه میشود طول عمر هریك از افراد جامعه میباشد چنانچه ارقام واحصائیه ها نشان میدهد که طول عمر متوسط انسانها نظر به سابق تغییرکرده وافزایش قابل ملاحظه را بارآورده است .

قراراسناد ملل متحد وسایر احصائیه ها درسال ۱۸۷۰ م عمرمتوسط انسانها دراکثر کشور های جهان بیش از ٤٠ سال نبود محض درچند کشور اروپایی مانند انگلستان، سویدن

نقشه نفوس ولایات افغانستان



ولایت	نفوس	ولایت	نفوس	ولایت	نفوس
1-کابل	2,162,500	12-لغمان	314,100	23-بادغیس	254,600
2-کاپیسا	307,100	13-نورستان	94,500	24-هرات	983,700
3-پروان	613,600	14-بدخشان	604,700	25-فراه	295,400
4-وردک	349,300	15-تخار	632,500	26-نیمروز	126,100
5-لوگر	246,500	16-بغلان	671,200	27-هلمند	629,400
6-غزنی	786,100	17-کندز	683,600	28-کندهار	713,800
7-پکتیکا	297,800	18-سمنگان	256,700	29-زابل	213,000
8-پکتیا	350,500	19-بلخ	784,500	30-ارزگان	539,600
9-خوست	253,900	20-جوزجان	371,400	31-غور	410,500
10-ننگرهار	913,500	21-سرپل	394,800	32-بامیان	287,100
11-کنرها	271,700	22-فاریاب	659,400	مجموع نفوس	16,433,000

شکل نمبر 6

وغیره ممالك اروپای شمال عمرمتوسط بیشتر از این رقم بود اما بصورت عموم در مناطق مختلف روی زمین عمرمتوسط انسانها بین سی تا چهل سال بود. حالانکه امروزعمر متوسط انسانها دراکثرممالك بسیارافزایش یافته است چنانچه احصائیه های جدید عمرمتوسط انسانها را درممالك مختلف چنین وانمود کرده است. جدول شماره (١٤)

جدول شماره ١٤

شماره	اسم ممالك	عمرمتوسط	شماره	اسم ممالك	عمرمتوسط
١	سویدن	٧٧	٢	بریتانیا	٧٧
٣	جاپان	٧٠	٤	هسپانیه	٧
٥	پولیند	٦٨	٦	یونان	٦٤
٧	ترکیه	٥٥	٨	مصر	٥٢
٩	افغانستان	٤٥	١٠	سودان	٤٠

به همین ترتیب ارقام ارائه شده ازطرف ملل متحد که درزمینه عمروسطی قاره های مختلف بعمل آمد نشان میدهد که دراکثر کشورهای آسیایی، افریقای وامریکای لاتین حد متوسط عمریك نفرکمتر از ٤٠ سال است درحالیکه حد وسطی عمریك نفر در اروپا و یا امریکای شمالی وممالك انکشاف یافته بیشتراز ٦٥ سال میباشد. این امربدون شك درقسمت انکشاف اقتصادی کشورها مخصوصاً بادرنظر داشت مصارف تعلیم وتربیه درراه تربیه پرسونل فنی حایز اهمیت پنداشته میشود.

٤ - کثافت نفوس :

قراراحصائیه سال ۱۳۷۱ هـ ش منتشره، وزارت احصائیه نفوس أفغانستان . . . ۱۸۲۵۲ نفربالغ میگردید که باین اساس کثافت نفوس در افغانستان بصورت اوسط تقریباً به ۲۸ نفر درهرکیلومتر مربع میرسد .

واضح ومبرهن است که نفوس افغانستان مانند سایر نقاط جهان به صورت یك نواخت وبه تعداد مساوی در تمام نقاط افغانستان توزیع نشده است بلکه دریك منطقه نظریه مساعدت آب وهوا ووفرت آب، نوعیت خاك خوب ووسعت اراضی زراعتی درمنطقه یك تعداد کثیر نفوس به صورت متراکم زیست نموده برعکس درمنطقه، دیگر بنابرعلل توپوگرافیکی ووضع اقلیمی کثافت نفوس به حداقل آن میرسد.

هرگاه جداول کثافت نفوس واحدهای اداری أفغانستان را مورد بررسی ومطالعه قرار بدهیم بملاحظه میرسد که ولایات کابل، کاپیسا، ننگرهار بیشترازصد نفردرهرکیلومتر مربع وولایات کندز ،لغمان، پروان، لوگر، پکتیا، خوست کنرها و تخاربیش ازپنجاه نفردرهرکیلومترمربع وولایات وردك، غزنی، بلخ ، جوزجان و فاریاب بیش از ۳۰ نفر درفی کیلومترمربع و ولایات سمنگان، سرپل وبامیان ۲۰ نفر درهرکیلومترمربع و ولایات پکتیکا، بدخشان، بادغیس، هرات، هلمند، کندهار، زابل، ارزگان بیشتر از ده نفر درهرکیلومتر مربع ومتباقی ولایت مانند نورستان، فراه ونیمروز کمتر ازده نفر

درهرکیلومترمربع را درخود گنجانیده اند.

بناءً هرگاه ولایات افغانستان را ازلحاظ تراکم نفو س درکتگوریهای متراکم، متوسط النفوس وکم نفوس دسته بندی نمایم و لایات کابل، کاپیسا وننگرهار ازجمله پرنفوس ترین مناطق و ولایات کندز، پروان، پکتیا، لوگر، بلخ ،لغمان، تخار، بغلان و وردك ازجمله ولایات متوسط النفوس وباقی ولایات ازجمله ولایات کم نفوس بشمارمیروند.

جدول شماره (١٥) پنج ولایت افغانستان را که ازلحاظ تمرکزنفوس متراکمترین وپنج ولایت که تراکم نفوس کمتر را دارا اند نشان میدهد قرار احصائیه سال (١٣٧٠هـ ش) (١)

جدول شماره ١٥

شماره	ولایات	مساحت به کیلومترمربع	تعدادنفوس مسکون	تراکم نفوس درفی کیلومترمربع
١	کابل	٤٥٨٥	٢ ١٦٢.٥٠.	٤٧١,٦
٢	کاپیسا	١٨٧١	٣٠٤ ٢٠	١٦٢,٦
٣	ننگرهار	٧٦١٦	٣.٤٣٠..	١١٩,٩
٤	لغمان	٣٤.٨	٩١٣٥..	٩٢,٤
٥	کندز	٧٨٢٧	٣١٥١..	٨٧,٣
١	غور	٣٨٦٦٦	٦٨٣٦..	١٠,٦
٢	هلمند	٦٩٨٢٩	٤١.٥..	١٠,١
٣	نورستان	٩٩٤٢	٦٢٩٤..	٩,٥
٤	فراه	٤٧٧٨٦	٩٤٥..	٥,٩
٥	نیمروز	٤١٣٥٦	٢٨٥٤..	٣,٠

(١) سالنامه احصائیوی. دولت اسلامی افغانستان، کابل وزارت احصائیه، ١٣٧٠ص ٥.

جدول شماره (١٦) با ساس احصائیه سال ١٣٧٠ هـ ش مساحت، تعداد نفوس وتراکم نفوس ولایات افغانستان قرارذیل تخمین شده است.

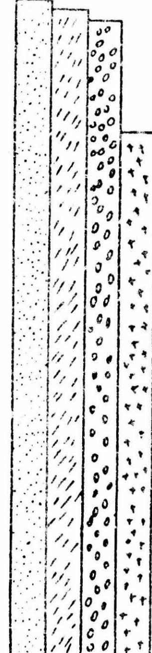
شماره	ولایات	مرکز ولایت	مجموع قریه	مساحت به کیلومترمربع	تعداد نفوس مسکون به هزار	تراکم نفوس درفی، کیلومترمربع
١	کابل	کابل	٦٦٣	٤٥٨٥	٢١٦٢,٥	٤٧١,٦
٢	کاپیسا	محمود راقی	٥١٥	١٨٧١	٣٠٤,٣	١٦٢,٦
٣	پروان	چاریکار	١١٤٠	٩٣٩٩	٦١٣,٦	٦٢,٢
٤	وردک	میدان شهر	١٦٤٣	٩٠٢٣	٣٤٩,٣	٣٨,٧
٥	لوگر	پل علم	٥٨١	٣٩٥٥	٢٤٦,٥	٦٢,٣
٦	غزنی	شهرغزنی	٣٠١٨	٢٣٣٧٨	٧٨٦,١	٣٣,٦
٧	پکتیکا	شرن	٨٩٤	١٩٣٣٦	٢٩٧,٨	١٥,٤
٨	پکتیا	گردیز	٨٠٦	٦٢٥٩	٣٥٠,٥	٥٥,٩
٩	خوست	خوست	٧٦٣	٤٠٢٩	٢٥٣,٩	٦٣,٠
١٠	ننگرهار	جلال آباد	١١٥٣	٧٦١٦	٩١٣,٥	١١٩,٩
١١	کنرها	اسعد آباد	٦٢٢	٤٣٣٩	٢٧١,٧	٦٢,٦
١٢	لغمان	مهترلام	٥٧٧	٣٤٠٨	٣١٥,١	٩٢,٤
١٣	نورستان	نورستان	١٨٤	٩٩٤٢	٩٤,٥	٩,٥
١٤	بدخشان	فیض آباد	١٥٩٦	٤٧٤٠٣	٦٠٤,٧	١٢,٧
١٥	تخار	خواجه غار	١٠١٤	١٢٣٧٦	٦٣٢,٥	٥١,١
١٦	بغلان	پلخمری	١٢٨٠	٢٠٣٦٢	٦٤١,٢	٣١,٤
١٧	کندز	شهرکندز	٦٤٣	٧٨٢٧	٦٨٣,٣	٨٧,٣
١٨	سمنگان	ایبک	٦٤٣	١١٢٠٨	٢٥٦,٧	٢٢,٨
١٩	بلخ	مزارشریف	٩٩٠	١٦٨٤٠	٧٨١,٥	٤٦,٤
٢٠	جوزجان	شبرغان	٣٣٣	١٠٣٢٦	٣٧١,٤	٣٥,٩
٢١	سرپل	شهرسرپل	٦٠٢	١٦٣٦٠	٣٩٤,٨	٢٤,١
٢٢	فاریاب	میمنه	٨٦٣	٢١١٤٦	٦٥٩,٤	٣١,١
٢٣	بادغیس	قلعه نو	٧٥٣	٢٠٠٦٨	٢٥٤,٦	١٢,٦
٢٤	هرات	شهرهرات	١٧٧٥	٦٣٠٩٧	٩٨٣,٧	١٥,٥
٢٥	فراه	شهرفراه	٨٣٠	٤٧٨٧٦	٢٨٥,٤	٥,٩
٢٦	نیمروز	زرنج	٥٥٥	٤١٣٥٦	١٢٦,٩	٣,٠
٢٧	هلمند	لشکرگاه	١٣٨٨	٦١٨٢٩	٦٢٩,٤	١٠,١
٢٨	کندهار	کندهار	١٨٣٨	٤٧٦٧٦	٧١٣,٨	١٠,٩
٢٩	زابل	قلات	١٤٦١	١٧٢٩٣	٢١٨,٠	١٢,٦
٣٠	ارزگان	ترین کوت	٢٤٨٤	٢٩٢٩٥	٥٣٩,٦	١٨,٤
٣١	غور	چغچران	١٩٩٦	٣٨٦٦٦	٤١٠,٥	١٠,٦
٣٢	بامیان	شهربامیان	١٦٢٢	١٤١٦١	٢٨٧,١	٢٠,٣
	مجموع		٣٥٢٣٥	٢٦٢٢٢٥	١٦٤٣٣,١	٢٥,٢

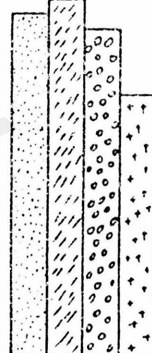
جدول شماره (۱۷) نفوس مسکون افغانستان را بتفریق جنس نشان میدهد .(۱۳۷۱هـ ش به هزار) شکل (۷) (۱)

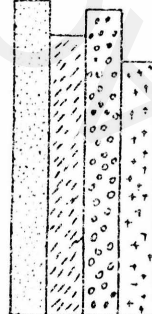
شماره	ولایات	هردوجنس	ذکور	اناث
۱	کابل	۲۲٤۷.۳	۱۱۷۱.٥	۱۰۷٥.۸
۲	کاپیسا	۳۰۹.۰	۱٥۸.٥	۱٥۰.٥
۳	پروان	٦۲۳.٤	۳۱۹.۹	۳۰۳.٥
٤	وردک	۳٥٤.۸	۱۸۱.۹	۱۷۲.۹
٥	لوگر	۲٥۰.۳	۱۲۳.٤	۱۲۱.۹
٦	غزنی	۷۹۸.٥	٤۰۹.۹	۳۸۸.٦
۷	پکتیکا	۳۰۲.٥	۱٥٥.۱	۱٤۷.٤
۸	پکتیا	۳٥٦.۱	۱۸۲.٦	۱۷۳.٥
۹	خوست	۲٥۷.۹	۱۳۲.۳	۱۲٥.٦
۱۰	ننگرهار	۹۲۸.۷	٤۷۷.۱	٤٥۱.٦
۱۱	کنرها	۲۷٦.۰	۱٤۱.٦	۱۳٤.٤
۱۲	لغمان	۳۲۰.۱	۱٦٤.۲	۱٥٥.۹
۱۳	نورستان	۹٦.۰	٤۹.۲	٤۸.۸
۱٤	بدخشان	٦۱٤.۰	۳۱٥.۱	۲۹۹.۱
۱٥	تخار	٦٤۲.٦	۳۲۹.۸	۳۱۲.۸
٤٦	بغلان	٦٥۱.٥	۳۳۳.۹	۳۱۷.٦
۱۷	کندز	٦۹٥.۲	۳٥۸.۸	۳۳٦.٤
۱۸	سمنگان	۲٦۰.۸	۱۳۳.۷	۱۲۷.۱
۱۹	بلخ	۷۹٥.٥	٤۰۹.۹	۳۸٥.٦
۲۰	جوزجان	۳۷۷.٤	۱۹۳.۹	۱۸۳.٥
۲۱	سرپل	٤۰۱.۱	۲۰٦.۰	۱۹٥.۱
۲۲	فاریاب	٦٦۹.۹	۳٤۳.۸	۳۲٦.۱
۲۳	بادغیس	۲٥۸.٦	۱۳۲.٥	۱٦۱.۱
۲٤	هرات	۱۰۰۱.۳	٥۱٤.۹	٤۸٦.٤
۲٥	فراه	۲۹۰.۰	۱٤۹.۰	۱٤۱.۰
۲٦	نیمروز	۱۲۸.۱	٦٥.۷	٦۲.٤
۲۷	هلمند	٦۳۹.۳	۳۲۸.۳	۳۱۱.۰
۲۸	کندهار	۷۲۷.٥	۳۷٥.۸	۳٥۱.۷
۲۹	زابل	۲۲۱.٤	۱۱۳.٥	۱۰۷.۹
۳۰	ارزگان	٥٤۸.۱	۲۸۱.۱	۲٦۷.۰
۳۱	غور	٤۱٦.۹	۲۱۳.۸	۲۰۳.۱
۳۲	بامیان	۲۹۱.٦	۱٤۹.٦	۱٤۲.۰

(۱) کود گذاری معلومات جغرافیای در مورد واحد های اداری کشور. دولت جمهوری افغانستان کابل: وزارت احصائیه ص ۳-۲.

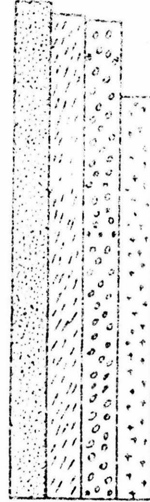
گراف نفوس افغانستان از سال ۱۳۵۸ الی ۱۳۷۱













شکل نمبر 7

جدول فوق که تعداد نفوس ولایات را بادرنظر داشت نفوس ذکور وإناث کشور نشان میدهد چنین استنباط میگردد که درتمام ولایات کشور نفوس طبقهء ذکور نسبت به طبقه اناث بیشتر است و تناسب آن درمقابل هرصد نفر زن تقریباً یك صدوشش نفرمرد تخمین میگردد.

٥ - نفوس فعال وغیرفعال اقتصادی :

از اسناد واحصائیه های ملل متحد که در بارهء نفوس فعال وغیرفعال اقتصادی ممالك مختلف انتشار یافته است واضح میگردد که درممالك روبه انکشاف تعداد اشخاص فعال اقتصادی نسبت به تعداد مردمان غیرفعال اقتصاد ی کمترمیباشد.

مبرهن است که با استفاده ا زنیروی بشری وسایرعوامل تولید نعم مادی مورد نیاز و برای رفاه و آسایش یك جامعه تامین میگردد بناءً جلب وجذب هرچه بیشتر قوای بشری در فعالیت های اقتصادی واجتماعی مبین سیاست معقول اقتصادی هرکشور است در افغانستان نیز دراین اواخر سعی زیاد بعمل آمده است تادرجلب وجذب قوای بشری اقدامات بنیادی وموثر بعمل آید و باینترتیب سطح حیات مردم این خطه ارتقاء نماید. برمبنای نتایج مقدماتی حاصله ازنخستین سرشماری نفوس کشور نفوس مستعد بکار بین سنین ١٠ تا

۵۹ ساله (نفوس ساکن) که قسمت اعظم قوای بشری کشور راعرضه میدارد درسال ۱۳۷۰ هـ ش ۷,۹۳ملیون نفر بالغ شده که ازآنجمله تقریباً ۴۰فیصد آن اقتصاداً فعال بوده وقوای بشری را تشکیل میدهد درحالیکه تقریباً شصت فیصد دیگرآن اقتصاداً غیرفعال است ازجمله قوای بشری نفوس ساکن مربوط به همین سال تقریباً ۹۲ فیصد آن مصروف کار ومتباقی هشت فیصد دیگرآن بیکارمیباشد همچنان از بررسی ارقام قوای بشری این سال برمی آید که ازجمله اشخاص مصروف بکار ۸۰فیصد آن در رشته های تولیدی و ۲۰ فیصد دیگر آن دررشته های غیرتولیدی اشتغال داشته اند. از آنجائیکه افغانستان درحال حاضریك کشور روبه انکشاف زراعتی میباشد لذا ۷۵,٦ فیصد قوای بشری مصروف کار در رشته های تولیدی تنها در سکتور زراعت، مالداری و جنگلات اشتغال داشته و در سایر رشته های تولیدی ونیم تولیدی ازقبیل صنایع، معادن، ساختمان، تجارت، تدارکات ترانسپورت و مخابرات صرف ۲۴,٤ فیصد مصروفیت دارند. هرگاه بخشی دولتی و مختلط از نقطه نظر جذب قوای بشری مورد بررسی قرارگیرد بملاحظه میرسد که در سال ٦۹ تقریباً ٤,۵ فیصد قوای بشری مصروف کار درسکتوردولتی ومختلط ایفای وظیفه مینمودند.

هرگاه رشد قوای بشری کشور درسال ۱۳۷۰ هـ ش بمقایسه

سال ۱۳٦۹ هـ ش مورد ارزیابی قرارگیرد دیده میشود که درسال ۱۳۷۰هـ ش ۲,۵ فیصد تثبیت گردیده است. چون نفوس افغانستان بنابرخصوصیات دیموکرافیکی جوان میباشد بنابرآن رشد قوای بشری برای مدت زیاد همچنان ادامه خواهد داشت و درعرصه نیروی کار همه ساله ازدیاد بعمل خواهد آمد اگررشد نفوس باین سویه افزایش یابد ایجاب مینماید تا تدابیر لازم برای کاریابی وبلندبردن سطح دانش نیروی جدیدکار اتخاذ گردد.

جدول شماره (۱۸ قوای بشری کشور را طی سالهای ۱۳۵۹ هش ۱۳۷۰ نشان میدهد :(۱)

شماره	شاخص	تعدادنفوس مسکون ۱۳۵۹	تعداد نفوس سکون ۱۳۷۰
۱	مجموع نفوس ساکن	۱۳۳۹٤	۱٦٤۳۲
۲	نفوس مستعد به کاربین ده تا پنجاه ونه ساله	۸۵۱۵	۸۷ ٦٤
۳	تعداد قوای بشری	۳۷۳۰	٦۲۳۹
٤	تعداد قوای بشری مصرو ف کار	۳۵۲۵	٦۰۲۹
۵	قوای بشری مصروف کار در ساحه تولیدی مادی	۲۸۲۳	۵۱۱۷
٦	قوای بشری درزراعت ، مالداری وجنگلات	۲۱۳٤	٤۱۹٤
۷	قوای بشری درصنایع، معادن وانرژی به شمول تفحصات	٤۵٤	۲۹۳,۲
۸	قوای بشری در ساختمانها ، ترانسپورت ، مخابرات وتجارت	۲۵۰	۱۳۷,۱۵
۹	قوای بشری درساحه غیرتولیدی تعلیم وتربیه، صحت عامه و وکلتور	۱۰۱۸	۹۱۱,۱٦
۱۰	قوای بشری درموسسات دولتی، خدمات عامه وسایررشته ها	۵۹۸	٦۰۰,

---

اسالنامه احصائیوی ۱۳۷۰. وزارت اسلامی افغانستان. کابل: وزارت احصائیه، ۱۳۷۰.ص ۱٦.

مهاجرت ها :

مهاجرت ها که بادرنظر داشت عوامل اقتصادی ، سیاسی واجتماعی صورت گرفته وعبارت از بیجاشدن مردم میباشد. ازمدت های زیاد باینطرف در داخل کشور ها ودربین ممالک جهان به پیمانه های متفاوت عملی شده که البته ازتاثیرات شگرف آن برهمه اموززندگی نمیتوان چشم پوشید.

باید گفت باوجود اهمیت آن الی اکنون مطالعات مفصل وهمه جانبه درمورد مهاجرت ها واشکال آن درافغانستان عملی نشده است. بانهم ازاهمیت وتاثیرآن براوضاع اقتصادی و اجتماعی منجمله ترکیب نفوس ازنظرکمیت وکیفیت نمیتوان انکار نمود درین مورد باید ازهمه اولتر به مهاجرت های اشاره شود که ازمناطق دهاتی به شهرها درطول تاریخ عملی شده اند. در دوره معاصر اولین مهاجرت ازاین جمله در اواخرقرن نزده دردوره، حکمروائی امیرعبدالرحمن خان (۱۸۸۰-۱۹۰۱م) بوقوع پیوست که درجریان آن هزاران نفر ازباشندگان مناطق جنوبی هندوکش که باحکومت وی مخالفت میورزیدند بطرف شمال این سلسله جبال به مهاجرت مجبورساخته شدند که گروپ های مختلف مردمان دهاتی وکوچی را دربرمیگرفت .تعداد زیاد کوچي ها به زوربه نفوس ساکن ونیمه ساکن تبدیل شدند آخرین مهاجرت جبری بطرف شمال در اواخرجنگ عمومی دوم صورت گرفت .

دومین مهاجرت قابل تذکر از این نوع باتوسعه ، امپراطوری تزاری وانقلاب اکتوبر(۱۹۲۰م) از آسیای مرکزی بجانب قسمت های شمال افغانستان صورت گرفت که گروپ های متعدد مردمان ترکمن، ازبك، تاجك وقرغیز راشامل میگردید.

سومین مهاجرت به مناطق دهاتی با توسعه زمین های زراعتی وپروژه های آبیاری درمناطق کندز، بغلان، پلخمری، هلمند، جلال آباد وغیره صورت گرفت که الی اکنون ادامه دارد.
یکنوع مهاجرت دیگر به مناطق دهاتی توسط گروپ های معین به مناطق مشخص درارتباط بافعالیت های عنعنوی آنهاصورت میگرد که معمولاً تمام اعضای فامیل ویاتنها اعضای ذکور فامیل را در برمیگرد که ازآنجمله مهاجرت یك تعداد زیاد مردم بغرض جمع آوری نباتات طبی و پسته وآنهائیکه درقسمت حفرویاترمیم کاریزها مهارت دارند وبالاخره کارگران موقتی درمزارع برنج، گندم و پنبه صفحات شمال قابل ذکراست.

نوع دیگر مهاجرت های موسمی بین نقاط گرمسیر وسردسیر کشورنیز وجود دارد این نوع مهاجرین در ایام تابستان غرض پرورش مواشی خویش وهمچنان به منظور زراعت به نواحی مجاورمهاجرت مینمایند. مهاجرین ولسوالی شیندند وسایرنقاط هرات وفراه که همه ساله ایام تابستان را درمناطق جنوب غربی غورمنجمله ولسوالی تولك وغیره نقاط سرسبز ولایت غورسپری نموده وبعد از برداشت محصول حیوانی و

زراعتی خویش دوباره به مناطق مسکونی مهاجرت مینمایند. اینگونه مهاجرین بعدا زانجام وظایف موسمی شان دوباره به مساکن اصلی شان بازگشت مینمایند. درحالیکه یك قسمت عمده‌ء این نوع مهاجرت، موسمی ازدهات به شهرهانیزصورت میگیرد. یك تعداد زیاد از مردم ساکن درمجاورت مناطق صنعتی چون کابل، کندز، بغلان، پلخمری، گلبهار، جبل السراج ،کندهار، جلال آباد، مزارشریف، هرات وغیره در موسمیکه مصروفیت زراعتی نداشته باشند برای کارباین مراکزمهاجرت می نمایند مخصوصاً درحالاتیکه صنایع دستی این نواحی نیزبادرنظرداشت توسعه ماشینی معمولاً بارکود مواجه شده اند. این نوع مهاجرین نیز بعد از یك دوره‌ء کار دوباره به مساکن شان دردهات مراجعت مینمایند.

بصورت عموم مهاجرت مردم ازدهات به شهرهاومخصوصاً شهرکابل ازجنگ عمومی دوم ببعد آغازو به توسعه‌ء فعالیتهای صنعتی، تجارتی وغیره درشهر ها بسرعت افزایش یافته است بطوریکه درسالهای اخیر ازسه فیصد در سال نیزبیشتر بوده است. اگرچه این نوع مهاجرین هم علایق شانرا به مناطق دهاتی که ازآن مهاجرت کرده اند تا دیرزمانی نگهمیدارند وعواید حاصله ایشان درشهرها باردیگر دردهات باخرید، باغ، زمین وغیره بمنظور افزایش موقف اقتصادی واجتماعی خود بکار می برند اما با آنهم بمرورزمان این نوع ارتباط کاهش یافته وبلاخره

به ساکنین دایمی شهرتبدیل میشوند.

تعداد مهاجرین افغان به سایرکشورها که بنابرعلل اقتصادی مهاجرت نموده اند محدود است باوجود آنکه درسالهای اخیر یک تعداد قابل ملاحظه ازمردم مخصوصاً بعد ازخشکسالی های ۱۳۴۹ - ۱۳۵ هـ ش بکشورهای شرق میانه مهاجرت نموده اند که البته بعد ازیك دورهء کار دوباره به مساکن اصلی ایشان مراجعت می نمایند. علاوتایکتعداد زیاد افغانها بغرض تحصیلات عالی عازم خارج میشوند که تقریباً همه آنها بعد از تکمیل دورهء تحصیلی به افغانستان مراجعت نموده اند.

بزرگترین مهاجرت که حتی در دنیانظیرآن کمتردیده شده است ازسال ۱۳۵۷هـ ش درافغانستان صورت گرفت یعنی موقعیکه حکومت داود خان توسط حزب دیموکراتیك به کمك سوسیالیست های روسیه شورروی مضمحل گردیده وخود زمام قدرت را بدست گرفتند، هنوز بکلی مستقرنگردیده بودند که دست به ظلم وستم زده به کشتاروحبس مردم بیگناه پرداختند و بدون هیچ نوع دلیل قانونی ومنطقی دست به غصب اموال وزمین های زراعتی مردم زدند. ازاین رو یك تعداد کثیر مردم (درحدود پنج ملیون نفر) درمدت پانزده سال خانه وکاشانهء خود را رها کرده به سرزمین های پاکستان، ایران، هند وسایرکشورهای آسیایی، اروپایی وامریکائی به مهاجرت پرداختند .

مسکن ومحل رهایش درافغانستان :

همانطوریکه انسان به خوراك والبسه نیازمند است برای امرارمعیشت دریك نقطه به مسکن نیزضرورت دارد .

انسانها ازبدوپیدایش به تدارك پناگاه ومسکن مبادرت ورزیده وبنابرآن تهیه مسکن واعمار منازل ازمهم ترین اقدامات حیاتی او بشمارمیرود. البته باگذشت زمان طولانی ودر دوره های تاریخی طرزتهیه و ساختمان محل رهایش انسانها شکل گوناگون را بخود اختیار کرده است. یعنی انسانهای اولیه بنابرنداشتن وسایل کافی درمساکن بسیار ابتدائی که اصلاً توسط عوامل طبیعی بوجود آمده بود بسرمی بردند چنانچه انسانهای اولیه که دراراضی هموار، دشت ها وتپه ها زندگی میکردند مغاره های طبیعی مسکن آنها راتشکیل میداد. بهمین ترتیب انسانهائیکه درمناطق جنگلی زندگی میگردند بالای شاخه های درختان (چپریها) وزمانیکه درمناطق کوهستانی زندگی اختیار میکردند درمغاره ها ووقتیکه درسواحل زیست میکردند درکلبه های چوبی امرارحیات میکردند .

درجریان دوره های تاریخی هرقدرفکر انسان ها انکشاف کرده ودراستعداد مالی آنها افزایش بعمل آمده بهمان پیمانه شکل مسکن آنها نیز تغییر نموده قادرشدند تابه ساختمان کلبه ها، چادرها ویاخیمه ها، خانه ها، قلعه ها، قصرها وبالاخره آسمان خراشها وغیره مبادرت ورزند.

درهرصورت باید اظهار داشت که اشکال وساختمان اراضی مسایل هیدروگرافی مواد اولیه واوضاع مترولوژیکی همانطوریکه براوضاع اقتصادی واجتماعی بشرتاثیر برازنده دارد. درقسمت مسکن واشکال آن نیز موثر است بناء در اعمار وساختمان پناه گاه مسکن و منزل انسانی عوامل وشرایط طبیعی اقتصادی واجتماعی نسبت به همه عوامل وشرایط دیگر زیاده تر تاثیروارد کرده درسبك ساختمان نوعیت اشکال واقسام آن حایز اهمیت میباشد. درحالیکه امروز با پیشرفت در وسایط حمل ونقل وبلند رفتن سطح زندگی مردم استفاده ازمواد و ساختمانی محیطی بغرض اعمارمنازل را بدرجه دوم اهمیت آن قرار داده است .لیکن این موضوع درتمام نقاط زمین صدق نمیکند زیرا انکشافات تکنولوژیکی درتمام نقاط زمین یکسان نیست بنابرآن مواد وساختمانی وشکل ظاهری خانه ها با اوضاع طبیعی هرمنطقه ارتباط نزدیك دارد.

مساکن امروزه انسانها را ازلحاظ جغرافیای بشری در سه دسته طبقه بندی مینمایند:

۱- مساکن متحرك یا حیات چادرنشین (کوچي ها) .
۲- مساکن نیمه متحرك یاحیات روستایی.
۳- مساکن ثابت یاحیات شهرنشین.

افغانستان نیزبادرنظر داشت مطالب فوق ازتاثیر خصوصیات طبیعی که درساختمان منازل و اشکال آن موثر است برکناربوده نمی تواند. باو جود آنکه در اشکال و انواع مسکن در این کشور اززمانهای خیلی قدیم تاحال تغییرات زیادی بعمل آمده است. بازهم بطورعموم مردم افغانستان درسه نوع مساکن که فوقاً ذکریافت بودوباش اختیارکرده اند .واضح است که هریك از این سه دسته مساکن بنابرموقعیت منطقه شرایط اقلیمی ونوعیت مواد ساختمان که درآن محیط یافت میشود ارتباط دارد هریك ازاین عوامل طبیعی بنوبهء خود بالای اوضاع اقتصادی واجتماعی بشر نیز تاثیرقابل ملاحظه دارد بنابرآن اگرما اوضاع افغانستان را ازلحاظ موقعیت جغرافیای با ارتباط به محل رهایش اهالی آن مدنظر میگریم می بینیم که افغانستان یك کشور کوهستانی بوده ودرعرض البلدمتوسط جغرافیای قرار دارد چون ازیك طرف ازبحر بعید واقع شده است رطوبت سالانهء آن کافی نیست ازجانب دیگراختلاف ارتفاع در این منطقه زیاد است وبنابرآن بحیث یك منطقه نیمه صحرائی وکوهستانی محسوب شده اشکال ومحل رهایش آن مربوط ومنوط به خصوصیات طبیعی مورد دسترس آن میباشد.

۱-مساکن متحرك یاحیات چادرنشینی (کوچی ها) :

ازمطالعه جغرافیه فزیکی برمی آید که درنواحی استپ وصحراها نسبت خشکی اقلیم وکمی آب زراعت کمترصورت میگرد وبصورت عموم این اراضی دارای مراتع وچراگاه ها بوده و باشندگان این گونه مناطق ناگزیر به تربیه حیوانات اشتغال میورزند چون در تمام فصول دریك منطقه چراگاه ها بیك حال نمانده علف آن درجریان سال نظر به ارتفاع تغییر میکند یعنی در ایام بهارعلف در اراضی پستر ودرجریان تابستان در اراضی نستباً مرتفع نمومیکند بنابرهمین علت یك طبقهء مردم که شغل آنها تربیه حیوانات است درجریان سال برای تغذیه مواشی خود ازیك محل به محل دیگر درحرکت میباشد یعنی درمواقع معین سال درجائیکه علف وجود داشته باشد برای مدت محدود اقامت اختیارمیکند موقعیکه علف این منطقه به اتمام رسید آنها نیز ازآنجاکوچ نموده درنقاطیکه دارای علف باشد مسکن گزین میشوند. بهمین ترتیب درجریان سال بنابردرجه حرارت هوا ووجود علف در ارتفاعات مختلف درسیروحرکت هستند وبه همین لحاظ یك تعداد کثیرازنفوس بشری که درمناطق استپ وصحراها زندگی میکنند بصورت عموم درمناطق معتدله خصوصاً درنصف کره شمالی بشکل کوچي حیات بسرمیبرند این مردم که اکثراً به تربیهء حیوانات ونسبتاً کمتربه شغل زراعت مصروف اند درمناطق صحرائی واستپ

مربوط کشورهای مراکش الجزایر، تونس، حبشه، مصر، عربستان، عراق، اردن، ترکیه، ایران، افغانستان، پاکستان وجمهوریت های آسیای مرکزی مانندتاجکستان، ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان، آزربایجان منگولیا، تبت، ایالات سنکیانك چین و دامنه های همالیا ومناطق متفرق امریکای جنوبی و استرالیا به تعدادکم وزیاد زندگی میکنند .

باوجود آنکه درقسمت عمومیات کوچیهای مناطق فوق الذکر ازهم فرق ندارد اما ازلحاظ طرزتربیه حیوانات و نگهبانی آنها، طرز زندگی رسوم ورواج، طرزساختمان غژدیها وخیمه ها دربین آنهابسیارفرق موجود است. بصورت عموم ازجابیجاشدن کوچیها درجهان بدوشکل افقی وعمودی صورت میگیرد. نوع اول آن درمناطق هموارشرق میانه وشمال افریقا ونوع دوم آن درنواحی کوهستانی ایران وافغانستان بمشاهده میرسد.

کوچیهای افغانستان نیز بصورت عموم درنواحی استپ وصحراها وهمچنان سرزمین های کوهستانی مانند دامنهء کوه ها وتپه های جنوب وشمال سلیمان غر، سپین غر پکتیا، پکتیکا، ننگرهار، زابل، هلمند، نیمروز، وولایات مرکزی و شمالی کشور امرارحیات مینمایند این مناطق درفصول مختلف سال برای بود وباش اقوام مختلف کوچي ها مورد استفاده قرار میگیرد.

کوچیهای افغانستان ازاقوام مختلف متشکل اند معروف ترین این اقوام غلجی ودرانی بوده وبصورت عموم درنقاط

شرقی، مرکزی وغربی مملکت بود وباش دارند. علاوتاً اقوام دیگر کوچي که عبارت باشند ازچهارایماق، ازبك، ترکمن، فیروز کوهی و غیره درنقاط مختلف کشورخاصتاً درشمال و غرب پراگنده میباشند.(۱)

مردمان چادر نشین (Nomad) که تقریباً حیات شان وابسته به مالداری است، عموماً به تربیه حیوانات مانند گوسفند، بز، گاو، اشتر، مرکب، اسپ، مرغ وغیره باشد میپردازند.

در ضمن هر یك از اقوام کوچی بنا بر شرایط اقلیمی، نوعیت توپوکرافیکی منطقهء و تناسب وضع اجتماعی و حیاتی به تربیه اختصاصی بعضی ازحیوانات که فوقاً ازآن نام برده شد نیزمی پردازند. یعنی بصورت عموم دردشت ها وصحراها به تربیه حیوانات می پردازند که دربرابر اختلاف هوا و همچنان در برابرتشنگی مقاومت داشته باشند .مثلاً اشترکه دربرابرتشنگي مقاومت زیاد دارد حالانکه تربیه اسپ درسرزمین های تپه ای ترجیح داده میشود. گوسفند یك حیوان مطلوب برای باشندگان دهات وکوچي ها میباشد زیرا این حیوان با شرایط موجودهء طبیعی افغانستان بیشتر مطابقت دارد.

ناگفته نباید گذاشت که بعضی از اقوام کوچي نه تنها به

---

(۱) محب الله رحمتی، مختصر از تقسیمات اداری و جغرافیای بشری ولایت ننگرهار. مجله جغرافیا شمارهء اول. کابل: پوهنحی ادبیات ۱۳۵۷، ص ۴۷.

تربیه حیوانات می پردازند بلکه دربعضی مناطق که دارای استعداد زراعتی خوب باشد به زرع انواع مختلف مواد زراعتی نیزمبادرت می ورزند. همچنان یك عدهء دیگربکار های تجارتی ودست فروشی نیزمصروفیت دارند.

درافغانستان دوقوم معروف بنام هزاربزو احمدزائی به شغل تجارت مصروف اند که فعلاتجار عمدءشهرهای مهم افغانستان را تشکیل میدهد. درمقابل عدهء دیگری از کوچیها که به دست فروشی مصروف اند محض اشیای کوچك را درمراکزمزدحم شهرها بفروش میرسانند وبنام کولی یاقوال معروف اند.

یك عدهء دیگرازاقوام کوچی ها که اصلاً مالدار نیستند اقتصاد نسبتاً ضعیف تر را دارا میباشند این مردم درایام اخیربهار ودرشروع تابستان ازمناطق گرم سیربه ودایها وحوزه هاي نسبتاً سرد در اطراف دهات وشهرهای مختلف ولایات کشور خیمه زده وبه دروگری می پردازند ومردم این قوم ازکوچي ها را بنام دروگر نیزیاد میکنند.

کوچي ها افغانستان عموماً درچادرها وخیمه ها که بنام گژدی یا غژدی ویورت مسمی است بودو باش دارند. بصورت عموم رنگ غژدیها سیاه بود وازموی بزساخته میشود تکه غژدیها طوری بافته شده که درهنگام گرما هوای کافی بداخل آن جریان یافته میتواند ودرهنگام بارندگی موقعیکه مرطوب شد باران بداخل آن نفوذ کرده نمیتواند وبصورت عموم این چادرها

(غژدی) کوچي ها را درهنگام روز ازاشعه آفتاب وگرمی ودرهنگام شب ازسرد ی محفوظ نگاه میدارد.

کوچیهائیکه به مشاغل دیگرغیر ازتربیهٔ حیوانات اشتغال دارند معمولاً دارای خیمه های سیاه نبوده بلکه این خیمه ها ازتکه های ضخیم نخی ساخته شده اند.

چادرنشین هائیکه عموماً دریك فصل سال دریك محل بود وباش اختیارمیکنند اکثراً از اقوام متجانس متشکل اند که ازلحاظ زبان ، نژاد ،عرف وعادات ،عنعنه وسایرخصوصیات اجتماعی شباهت زیاد دربین ایشان موجود است وبه همین قسم محل چراگاه های هرقوم قبلاً تعیین ومعلوم است.

کوچیها نه تنها ازگوشت، پوست وشیرحیوانات استفاده میکنند بلکه ازبعضی ازاین حیوانات برای حمل ونقل نیز استفاده مینمایند. قراراحصائیه سال ۱۳۷۰ تعداد نفوس کوچیها درافغانستان بر ۱,۵ ملیون نفر بالغ شده که به مقایسه نفوس افغانستان بیشتر از ده فیصد را احتوا میکند. وبه مقایسه اکثرکشورهای شرق میانه یك فیصد ی قابل ملاحظه نفوس مجموعی را تشکیل میدهد.

برای مزید معلومات مشخصات کوچیهای ولایت ننگرهاربطور خلاصه شرح میگردد. بادرنظرداشت مشخصات اقلیمی ولایات ننگرهار بمنزلهٔ یك پل بین منطقهٔ گرم ومعتدل موقعیت داشته وبدین لحاظ ازسالیان متمادی باین

طرف تعداد کثیر ازمردمان کوچي را که همه ساله درایام بهار وخزان ازطرف شرق وجنوب افغانستان درتردد هستند درخود جاداده است. درایام بهار وقتیکه آب وهوای حوزه سند روبه گرمی می نهد در دامنه های کوه ها ودشت ها که علف ها بخشك شدن آغازمینماید کوچي ها مناطق مسکونی شانراترك داده وسرزمین های علف دار غرب حوزهٔ سند را پیش میگرند ودرمواقع خزان نسبت سردشدن اقلیم این مناطق مردم کوچی دوباره باین مناطق گرم برمی گردند.

تازمانیکه تنگی ابریشمین برای رفت وآمد ترافیك بازنشده بو دنه تنها مردم کوچي بلکه عراده جات نیزمناطق حصارك غلجایی، گندمك ، جگدلك وغیره جاها راطی کرده بحوزه کابل داخل میشدند امافرصتیکه راه تنگی ابریشمین بروی ترافیك بازشد راه تجارتی سابق نسبتاً اهمیت خود را ازدست داد لاکن با وصف آن این منطقه نسبت داشتن دره های متعدد دشت ها ودامان سرسبزوپرعلف موقعیت خودرامخصوصاً برای کوچي ها از دست نداده وقسمت اعظم قبایل کوچی از این راه عبور ومرورمینمایند. کوچي هائیکه ازاین منطقه عبور میکنند متشکل از دوقبیله اند که بنابرحرکت ایشان دریك زمان معین بنام سیاه بهاری وگل بهاری یاد میشوند اول الذکر عبارت ازکوچی های اند که ازاول حوت الی دهم حمل ازمهمند دره ونواحی شینوار از راه کمبووخوازه خیل داخل منطقه خوگیانی

شده در دره ها وتپه های کمبوودشت ودامان زاوه مدتی را سپری
کرده بعد ها دامنه های تورغر(سیاه کوه شرقی) را پیش گرفته
داخل برکی خیل، نکرخیل گردیده وبلاخره دشتهای کلالی
وجگدلك راطی کرده به سروبی داخل میشوند وسفرشانرا بسوی
سطح مرکزی که درآن زمان آب وهوای نستباً معتدل دارند ادامه
می دهند این دسته کوچي ها ازاقوام مختلف غلجایی ،خضرخیل،
ملاخیل، آکاخیل وغیره متشکل اند که اکثریت این مردم به
مالداری وتجارت تولیدات مواد حیوانی ازقبیل روغن، شیر،
پشم وغیره مشغول اند.

دستهء دومی که بنام گل بهاری موسوم اند عموماً ازده حمل
الی ده ثور از مناطق فوق الذکر عبور نموده راه کابل و مناطق
راکه آب وهوای نسبتاً معتدل دارند پیش میگیرند کوچي های
گل بهاری شامل اقوام تره کی ، مندوزائی، هزاربز وغیره
میباشند این دسته کوچي ها عموماً تجارت پیشه بوده امرال
تجارتی خود را توسط اشترنقل میدهند.

تعداد تخمین نفوس کوچي هائیکه درایام مختلف سال
درولایت ننگرهار بود وباش دارند و یا اینکه ازطریق تورخم
وسایر راه ها وارد ولایات شرقی ومرکزی افغانستان میگردند
درحدود بیش از صدهزار نفر بالغ میگردد که بصورت عموم
اکثر این تعداد درولسوالی مومنددره، ولسوالی خوگیانی،
ولسوالی شینوار، ولسوالی کامه وعلاقه داری چپرهار ایام

مساعد را سپری میکنند.

کوچي ها منطقهء ننگرهار مانند سایر کوچي ها طرز معیشت ساده داشته زندگي آنهاعموماً ازطریق تربیهء حیوانات وزراعت تامین میگردد. برعلاوه کوچیها دروقت فراغت به صنایع دستی مبادرت ورزیده و محصولات آنها در بازار ها در معرض تبادل قرارمیگیرد.

۲- حیات روستائی یا نیمه متحرک :

ده یاروستا محل است که درآن اکثریت مردم به کار های زراعتی اشتغال دارند. شرایط پدید آمد ن یك منطقه بحیث یك ده یا روستا منوط ومربوط به ساختمان اراضی ، موجودیت آب کافی برآی زراعت، اقلیم مساعد ومواد مورد نیازهمان منطقه میباشد با وجود آنکه هریك از این عوامل درپدید آمدن یك ده نقش بارز دارد اماساختمان اراضی درشکل وتوسعهء یك ده بیشتر موثر است چه شکل دهات درمناطق کوهستانی ودشتی ازهم اختلاف دارد.

مناطق کوهستانی که بصورت عموم اراضی آن متشکل از دره های عمیق، تنگناهای طویل وبعضاً وادیهای کم عرض وحوزه های نسبتاً وسیع میباشد مخصوصاً درصورتیکه دارای آب وهوا مساعد وآب وافرخاك خوب برای زراعت وارتفاع مناسب برای زرع انواع مختلف نباتات باشد برای استقرار نفوس مساعد بوده وبصورت عموم حیات روستائی در آن جا بیشتر

متمرکز میگردد.

بادرنظرداشت وضع توپوگرافی افغانستان یك مملکت کوهستانی است که قسمت اعظم آنراسلسله جبال ومناطق کوهستانی مخصوصاً درمناطق شمال شرقی، مرکزی،غربی، وشرقی اشغال نموده است.

علاوه برآن موجودیت آب کافی واقلیم مساعد ونوعیت خاك خوب باعث گردیده است تادرنقاط مختلف دره ها، حوزه ها ودایها حیات روستایی بیشتر مستقرگردد. بهمین لحاظ اکثریت نفوس افغانستان زارع بوده ٨٤,٦ فیصد نفوس بکارهای زراعتی مصروف اند. بادرنظرداشت مطالب فوق یك تعداد کثیرقریه ها ودهات در دره ها جلگه ها و وادیهای کم عرض و وسیع بوجود آمده است به اساس احصائیه سال ١٣٧. درحدود ٣٥٣٣٥ قریه درسراسر افغانستان وجود دارد که ازآنجمله ٣١٢٤٨ قریه آن اصلي ٤.٨٧ قریه آن فرعی میباشد. ناگفته نباید گذاشت که اکثریت این قریه ها کمتراز پنجصد نفرنفوس دارند وتعداد قریه هائیکه نفوس آنها به هزارتاده هزار نفر وبیشتر ازآن برسدکمتر میباشد.

ناگفته نباید گذاشت که ساختمان منازل ازلحاظ شکل وهمچنان مواد تعمیراتی نیزدرمناطق دهاتی افغانستان ازهم فرق میکند. درمناطق کوهستانی درصورتیکه دارای وسعت وپهنای زیاد بوده‌و ازآب دایمی وکافی بهره‌ء کامل داشته باشد

ودرضمن اقلیم مساعد داشته وبنابرآن دراکثرایام سال فعالیت های حیاتی در آنها صورت گرفته میتواند دهات وقریه جات پرجمعیت پدید می آید. و بصورت عموم دهات یکی پهلوی دیگر تاسیس گردیده یك سازمان روستایی کوهستانی را که صربه دهات درمناطق هموار ویا وادیها فرق دارد پدید می اورد.
خانه های این منطقه ازهم جدا واقع شده وغالباً دارای حویلی (حیاط) نمی باشند وبصورت عموم درمحل اعمار میگردد که زمین مزروعی کمترباشد و آب در نزدیکی آن جریان داشته باشد.

ناگفته نباید گذاشت که انکشاف قریه وپاده منوط به عوامل ذیل میباشد:

- دره می بایست عمیق، کم عرض و دارای صخره ها وسنگ های بزرگ نبوده وعبارت از دره های فراخ، عریض و دارای خاك مساعد برای زراعت باشد.
- اقلیم وآب وهوای مساعد ودارای آب وافر باشد تا درجریان سال ازآن استفاده بعمل آید.
- چراگاه های مناسب برای تغذیه وپرورش حیوانات داشته باشد.
- امنیت منطقه تامین باشد زیرا درساختمان ،اقسام و اشکال خانه ها امنیت نقش بارز دارد.
- مردم آن باید قدرت استفاده وبهره برداری ازمحل را

داشته باشد.

- خانه ها بایست درمحلی اعمار گردد که ازمسیرسیلاب وبرف کوچ در امان باشد.

موقعیکه عوامل وشرایط فوق دریك منطقهء کوهستانی آماده باشد خانه ها یکی بعد دیگر تاسیس میکردد مواد تعمیراتی این گونه محلات را عموماً سنگ ، چوب وگل تشکیل میدهد خانه های ان منطقه نسبت کم بودن زمین بشکل دو، سه وحتی چهارمنزل اعمارمیگردد. خانه های یك منزل نیزدراین مناطق بمشاهده میرسد اماتعداد آنهاکمتراست. خانه های سه منزله وچارمنزله بشکل قلعه ها وبرج ها اعمارمیگردد واکثر این برجها بمقصد نگهبانی ومراقبت اعمارمیشود علاوتاًدرهریك از این منازل محل برای نگهبانی حیوانات خاصتاً در ایام سرمااختصاص می یابد البته بزرگی طویله به تعداد گله ها مربوط است هرگاه تعداد گله ها اضافه تر باشد ایجاب طویله های وسیع تر راکرده و دورترازمنازل اعمارمیگردد.

دراکثر دره های کوهستانی خاصتاً در وسط ویاانجام درهها اقوام متجانس که ازلحاظ نژاد، زبان وسازمان اجتماعی یکسان ومشابه باشند زیست میکنند برعکس درشروع دره ها وجائیکه بیشتربه سرك های عمومی نزدیك تراند این نوع تجانس ازبین میرود بهمین لحاظ وضع اجتماعی در دهات وقریه جات کوهستانی افغانستان تاحال بشکل قبیلوی باقی مانده است .

بعضی ازباشندگان دهات کوهستانی افغانستان بصورت عموم حیات نیمه مقیمی را داراند واقوامیکه بیشتر به نگهداری حیوانات مصروفیت دارند درهنگام تابستان مخصوصاً موقعیکه کمبود علوفه احساس میگردد مواشی خود را به نقاط دورتر وبلند تر که بنام آغیل یا ایلاق یاد میشوند برده براي مدت موقت در آن زندگی اختیار میکنند ودرهنگام زمستان دوباره به مساکن اصلی خود برمیگردند وعده‌ء دیگر که بیشتربه باغبانی مصروفیت دارند نیزدرایام تابستان نسبت مراقبت باغها و اراضی زراعتی به خانه های نزدیك باغ به کوچ کشی موقت مبادرت میورزند بنابرهمین علت حیات این مردم به نیمه مقیمی ویا نیمه متحرك سپری میگردد.

دردهات کوهستانی آب مورد ضرورت رابرای زراعت و آشامیدن ازچشمه سارها و یا ازدریا ها ذریعه جویهای باریك که به طرف دهات امتداد یافته است تهیه مینمایند. غالباً در امتداد جویها ازطرف اهالی نباتات مثمر وغیرمثمرغرس گردیده تا به زیبایی وخرمی منطقه بیفزاید. بهمین ترتیب دهات وقریه هائیکه دردره ها پدید آمده است عموماً توسط راه های باریك پیاده رو بایك دیگرارتباط پیدا میکند. هرگاه یك سرك عمومی از این دره عبورنموده باشد قریه های نزدیك سرك موقعیت خوب را نسبت به سایر قریه ها دارا بوده ازلحاظ وضع اجتماعی و اقتصادی انکشاف بیشتر مینماید چه ساحهء فعالیت تجارتی

برای اهالی منطقه بیشترمهیامیگردد به همین لحاظ یك فرق بارز درسویه حیات اهالی این مناطق به مشاهده میرسد.

این گونه حیات دهاتی کوهستانی در اکثرحصص افغانستان به مشاهده رسیده چنانچه دره های متعدد دامنه های شمالی ،جنوبی سلسله جبال هندوکش، کوه بابا، فیروزکوه، سیاه کوه، تیربندترکستان، سیاه کوه شرقی،سپین غر و غیره نمایندگی ازحیات روستائی کوهستانی مینماید که درامتداد دره ها به ارتفاعات مختلف دهات وقصبات توسعه یافته اند. آخرین حدود دهات مناطق کوهستانی در دره ها ونقاط کوهستانی درناحیه غربی پامیر واقع است. ایلاق یا آغیل تا به حد اعظمی ارتفاعات یعنی از ۳۰۰۰مترتا ۳۶۰۰ متربمشاهده میرسد اما بصورت اوسط ارتفاع ایلاق ها و آغیل ها تا ۲۸۵۰مترازسطح بحرمیرسد تنها به صورت استثنائی در دره، انجمن ودره های فرعی آنجا حیات دهاتی را تا ارتفاع ۳۱۵۰ متر و در دره های رخوی تا ارتفاع ۳۵۰۰ و ۳۶۰۰ مترمی یابیم.

باشندگان ایلاقها غالباً به مالداری وبعضاً به زراعت اشتغال دارند خانه های این دهکده ها بشکل بسیار ابتدائی اعمارشده احاطه وسقف آن ازگل وسنگ بشکل مدور ویابشکل ضلع دار ترتیب یافته است. این خانه ها که بشکل مغاره، تاریك است غالباً یك فامیل در آن امرار حیات منیمایند.

در وادیها وحوزه های هموا ر ووسیع شکل خانه ها توام با

نوعیت مواد تعمیراتی نسبت به مناطق کوهستانی فرق دارد
بدین معنی که قریه جات با ارتباط باوضع منطقه وسعت بیشتر پیداکرده ومنازل رهایش اهالی پهلوی هم اعمار میگردد باوجود آنکه اساس پدید آمدن دهات وقصبات درنقاط همواردشتی تقریباً با علل وشرایط دهات وقصبات دره های کوهستانی شباهات دارد اما بازهم دیده میشود که بعضی عوامل باعث گردیده است تایك تغییر درطرزساختمان خانه ها وشکل حیات اجتماعی در این محل پدید آید.

دراین مناطق نخست خانه ها درمحل اعمار میگردد که به نزدیکی آن منبع آب وجود داشته باشد. (رودخانه، چشمه، کاریزوچاه ها) مساعدت وضع اقلیمی منطقه نیز ازجمله عوامل مهم بشمار میرود.

باریدن بارانهای موسمی که برای کشت وکار للمی (دیمه) وغیره مناسب باشد بشمول برقراری مسایل امنیتی نیزازجمله عوامل مهم درتمرکز نفوس ووسعت دهات بشمار میرود. عوامل فوق باعث ایجاد قصبات وقریه ها درحوزه های هموار زراعتی میگردد علاوتاً کوشش بعمل می آید تا اراضی زراعتی را برای اعمار خانه ها بکارنبرند.

خانه های این نواحی عموماً دارای حویلی بوده وبنام قلعه یاد میشود وبه ترتیب اعمارمیگردد که حویلی ها باهمدیگر متصل و پیوست باشند. مواد ساختمانی تعمیرات این نواحی را

چوپ، گل وسنگ تشکیل میدهد غالباً در این نواحی سنگ نسبت حمل ونقل وفقدان آن گران بوده اکثرمردم ازسنگ کمتراستفاده مینمایند. عموماً گل را بشکل خشت در آورده ویابصورت مستقیم ازآن برای اعماردیوارهای خانه وحیاط استفاده میکنند موقعیکه مستقیماً از گل استفـاده صـورت میگـیرد بـنام پخسه یا دیوارپخسه ای یاد میگردد دیوارهای پخسه ای متشکل ازمهره ها میباشد تعداد مهره ها مربوط به طرز ونوعیت دیوار است، دیوارها ازچهاریاپنج مهره تابیست ویا بیشترازآن تشکیل یافته است هرمهره یك دیوار از ۵۰ تا ٦۰ سانتی متر ارتفاع دارد وضخامت آن نظربه طول وارتفاع فرق میکند. دیوارهای پخسه ای تقریباً درتمام دهات افغانستان بمشاهده میرسد.

درمناطق شمال وغرب کشورکه چوب چنار(تیریا دستك) نسبتاً کمتروجود داردعموماً سقف خانه ها را بشکل گنبدی اعمارمیکنند در این قسم خانه ها خشت ها را بامهارت خاص بالای یك دیگر میگذارند تا اینکه گنبدی ساخته شود. در این چنین جاها خانه ها باهم اتصال دارند.

درجاهائیکه سنگ ،چوب (تیربرای سقف)دستیاب شده میتواند تهداب خانه ها ازسنگ وسقف آن ازچوب اعمارمیگردد باین صورت شکل سقف خانه ها هموار است. بطور عموم خانه ها در دهات بشکل قلعه اعمار شده وهرقلعه دارای چندین برج

میباشد. برج ها غالبا چهار ضلعی و بعضاً شش ضلعی وحتی هشت ضلعی که تقریباً شکل مدور را دار است، میباشد هرضلع قلعه دارای کلکین بوده وازآن برای حفاظت ومراقبت باغ، اراضی زراعتی درهنگام شب وروز استفاده بعمل می آید. برج ها عموماً چند منزله ومرتفع بوده وطوری اعمارمیشود که جهات مختلف را توسط آن بخوبی مراقبت نمایند.

درداخل قلعه ها اتاقهای متعدد اعمارمیگردد که بشکل دهقان خانه ها وسایرمقاصد ازآن استفاده مینمایند. غالباً بالای دروازه قلعه اتاق که باسم سراچه مسمی است اعمارمینمایند و بنام مهمان خانه ازآن استفاده میکنند. هرقلعه دارای مسجد وحرم سرای جداگانه بوده وهریک ازاین حرم سرای ها توسط حویلی ها جداگانه ازهم جدامیشوند .

اهالی قریه اکثراً آب مورد ضرورت خود را ازچاه ها که دربین قلعه ها حفرگردیده است ویا از چشمه ها وکاریزها که درنزدیکی قلعه موقعیت دارد استفاده میکنند .امابرعکس درصورتیکه خانه ها درنزدیك نهرها یا دریاها موقعیت داشته باشد خانه ها به عوض آنکه دریك محل متمرکز کردند درطول رود خانه ها توسعه می یابد وتامحلی این وضع امتداد پیدا میکند که ازآب دریا به آسانی استفاده صورت گرفته میتواند چه درنقاطیکه دریا نسبتاًدورترواقع باشد دراین صورت قریه جات به شکل متمرکزی توسعه پیدا میکند زیرا ازیك طرف

ساحه توسعه امکان پذیر است وازجانب دیگرنسبت امنیت میکوشند دریك جاجمع شده از پراگندکی جلوگیری نمایند بهمین لحاظ اکثر قصبات که در وادیها پدید می آیند به سیستم متمرکزی توسعه وانکشاف نموده اند زیراشرایط استقرار وتمرکز نفوس در این مناطق نسبت به مناطق دیگر دره های کوهستانی خوب تر آماده ومساعد میباشد.

دربعضی ازنقاط کشورهرگاه زمین حاصل خیز با آب وافراما محدود باشد ومسئله امنیت آن نیزتامین باشدامکان دارد که خانه ها بصورت پراگنده ومتفرق ساخته شود چنانچه در بعضی نقاط کشور نمونه ومثالهای این چنین مساکن روستایی بخوبی بنظر میرسد بدین معنیکه در دره ها ووادیها وحوزه های مختلف کشور که تقریباً از اجتماعات متجانس متشکل اند تامین امنیت وحل سایر مشکلات اجتماعی دراین مناطق بیشتر توسط خود مردم صورت میگیرد ودرآن از رسوم وعنعنات همان قوم ویاقبیله استفاده بعمل می آیدبعضاً هم امکان دارد که یك قریه از اقوام مختلف تشکیل گردد و این وضع در دهکده ها بیشتر امکان پذیر است که درنزدیکی محیط های شهری واقع شده باشد در این صورت تجانس ساکنین آن ازمیان رفته اقوام وقبایل مختلف درآن باخلوص نیت یك جازیست می نمایند در این چنین دهکده ها چون زمینه تولید وداد وستد بیشتر فراهم میگردد بنا برآن دهکده های هموار در انکشاف بوده تقریباً

شهرهای کوچك (شهرك) را پدید میاورند که معمولاً شهرهای قرون وسطی ئی را بخاطر می آورد .

۲- حیات شهری یا مقیم :

ازآثارو اسناد تاریخی چنین واضح میگردد که پدید آمدن شهروجوامع شهری در دوره‌ء نیوولی تیك(Neolithic) (سنك مصیقل) آغازیافته است یعنی زمانیکه انسانها ازمرحله‌ء شکار وچید به دوره زراعت وبهره برداری از زمین قدم نهادند شروع شد.

تاآنجائیکه ازبررسی های باستان شناسی واضح میگردد نخستین شهرهای بزرگ درحدود ..۳۵ سال قبل ازمیلاد دربین النهرین پدید آمده اند. ازآن ببعد یك تعداد کثیرشهرها درنقاط مختلف جهان پدید آمده اند که هریك بنابر موقعیت مناسب انکشاف قابل ملاحظه نمود که درادوار تاریخ توام باسیرتحول تکنالوجی تحولات زیاد را بخود اختیارکردند.

در افغانستان بادرنظر داشت اینکه دریك چهار راه قراردارد وباعث ارتباط واختلاط ثقافت های مختلف گردیده است تماس و ارتباطات باعث گردیده تا این سرزمین مرکزمهم تجارتی وصناعتی گردد.

تجارت وصنعت عامل عمده‌ء پدید آمدن جوامع شهری میباشد به همین لحاظ شهرهای پرجمعیت و باشکو درنقاط مختلف کشوربوجود آمد. بااستناد به اسناد تاریخی مدنیت

اولی این سرزمین بادوره، مدنیت اوستائی (۱۲۰۰ ق م) که آغاز شهرنشینی میباشد شروع گردید.

درعصر مدنیت اوستائی موقعیکه آریائی ها در صفحات شمالی هندوکش متمرکز شدند و به قدم نخست به تاسیس دهات و قصبات پرداختند یعنی ازخانه بدوشی به استقرار دایمی گام نهادند و این وضع اولـین قدمی بودکه در راه ارتقاءمنازل تحول وتغییرمساکن ووضع اقتصادی برداشته میشد.

در دورهٔ مدنیت آریائی ها نظام شاهی تشکیل میشو د واولین زمام داربنام یمه (Yama) یا یما یا جم دربخدی (بلخ) بساختن یك واره اقدام کرد بدین لحاظ اولین شهرومرکزمدنیت آریائی در (واره) بخدی تاسیس یافت. (کلمهء واره درزبان سانسکرت به هاره یاد شده است ودرزبان دری بهاریادمیگردد که امروز بنام نوبهاربلخ مسمی است).

این شهر در جریان قرون وسطی یعنی در زمان استقرارعالم اسلام در این خطه با درخشش کامل ازمدنیت آن زمان نمایندگی میکرد. بعداً با پیروی ازشهربلخ درکنج وکنار این کشور شهرهای جدید پیریزی گردید وخاصتاً درزمان خاندان پیشدادی وکیانی برای اعتلای مملکت وبه ساختن شهرهای متعدد اقدام کردند.

باستانشناسان موجودیت بیش از ۲۰۰ شهرمعمور را درگوشه وکنارکشورآریانا که یك ساحهء وسیع وپهناور را

تشکیل میداد تذکرداده اند.

باردیگرتحول شهرسازی وپدیدآمدن شهرها در دوره ٔ یونانو باختری رونق یافت موقعیکه اسکندر در این کشور لشکر کشی نمود خودش و باز ماندگانش به تاسیس اسکندریه وشهرها پرداختند. باستانشناسان به تعداد ۷۱ اسکندریه را در این سرزمین وانمود ساخته اند. آی خانم ازجمله شهرهای برجسته دوره ٔ یونانوباختری محسوب میگردد که آثار آن تاکنون شاهد این مدعا است. (۱)

درقرون وسطی موقعیکه عالم اسلام دراین سرزمین مستقرگردید کلتوروثقافت سابقه تحت تاثیر ونفوذ عالم اسلام قرارگرفت ونام این سرزمین بنام خراسان شهرت یافت در حدود قلمرو خراسان تعداد کثیر شهرهای جدید پیریزی گردید خاصتا در دوره ٔ غزنویها، سلجوقیها، تیموریها وغیره که شهرهای فوق العاده معمور دراین سرزمین بنایافت.

ناگفته نباید گذاشت که یك تعداد از این شهرها دراثرحملات چنگیزوتیمورلنگ تخریب و به خاك یکسان گردید. اما بازهم این سرزمین بنا بر موقعیت مناسب جغرافیای نظربه داد و ستد و ارتباط درهر کنج و کنارکشور جوامع شهری پدید می آمد و نظر به نقش های متعدد انکشاف وتوسعه می یافت.

---

(۱) محمد عثمان، صدقی. شهرهای آریانا. کابل. موسسه طبع کتب بیهقی. ۱۳۵٤.ص ۱۹.

از زمان احمدشاه بابا به بعد اساس شهرها ی جدید درکشور گذاشته شد اما باید خاطر نشان ساخت که تاسیس بلدیه ها (شاروالی) که اساساً پدید آمدن و انکشاف شهرهای جدید بان منوط است در افغانستان بعد تر شروع به فعالیت نموده وقدامت زیاد ندارد .لاکن امور مربوط به تنظیم شهرها توام با پدید آمدن شهرها در افغانستان که قدامت آن از زمان آریایها شروع میگردد آغازگردیده است.

امورتنظیم شهری در دوره هرزمام دار درتغییر وتحول بود یعنی بعضی اززمامداران دراعتلای شهرهائیکه خود در آن سکونت داشتند فوق العاده میکوشیدند درحالیکه به سایر شهرها باوجود آنکه جزقلمرو ایشان می بود آنقدرها توجه به آن نداشتند چنانچه امیرتیمور موقعیکه درشهرهرات تسلط پیدا کرد شهرهرات را تخریب نموده صنعت کاران ومعماران آنجا را با لوازم آنها (خاصتاً کاشی کاری) به شهرسبزکه جدیداً آنرا درماوراالنهر بناکرده بود انتقال داد وبابرعکس بابرشاه موقعیکه به کابل آمد کابل را پسندیده عمرانات وباغهای قشنگ وباشکوه (باغ شهرارا، چارباغ ، جلوخانه، اورته باغ ، باغ صورت، باغ مهتاب وباغ آهوخانه وغیره) را [illegible] آن اعمارکرد.

اماچیزیکه قابل توجه است اینست که تنظیم وقوانین که بالای تمام شهرهای یك قلمرو تطبیق ودرمورد اجرا قرار داده شود وجود نداشت.

برای اولین بار بغرض تنظیم امورشهری در زمان امان الله خان نظام نامه بلدیه (شاروالی) شامل یازده ماده بتاریخ ۲۵ دلو سال ۱۳.۲ هـ ش تدوین گردید. (۱) وبراساس آن یك اداره ء ملی مرکب ازوکلای انتخابی درتمام ولایات ،حکومات اعلی، حکومت های کلا ن بمیان آمد ودوایر بلدیه درولایات حکومت های اعلی وحکومت های کلان به انکشاف شهروسایر اموربلدی مطابق مواد نظام نامه آغازیافت. هنگامیکه نظامنامه بلدیه تدوین گردید مدیریت بلدیه به ریاست توسعه یافت.

درسال ۱۳۱۸نظامنامه بلدیه تعدیل گردید وبنام اصول نامه که شامل ۱.۵ ماده بوده مورد تطبق قرار داده شد.

درسال ۱۳۲۷ ازطرف حکومت وقت چنین فیصله بعمل آمد تا در بلدیه های کشور که موسسات ملی پنداشته میشوند به مفهوم حقیقی آن روسای بلدیه بشکل منتخب ازطرف مردم انتخاب گردیدند.

باین اساس اولین رئیس بلدیهء انتخابی برای یك دوره چهارساله شروع بکار کرد. وازاین تاریخ ببعد درتمام ولایات وحکومات اعلی بلدیه های ملی بوجود آمد و به فعالیت های عمرانی، آبسانی، تنویر، حفظ الصحه وغیره شروع نمودند. درسال ۱۳۳۲ هـ ش اسم بلدیه به شاروالی تعدیل گردید .

---

(۱) محمد ناصر غرغشت. کابل امروز: کابل مطبعهء دولتی، ۱۳۴۹.ص۲.

پایه گذاری شهرهای عصری درافغانستان :

با پیشرفت ساینس وتکنالوجی معاصر درقسمت شکل شهر ها، شهرسازی وخانه سازی تغییرات وتحولات زیاد پدید آمد البته فن خانه سازی یاهنر شهرسازی توام با پیشرفت مهندسی وصنعت معماری مقام ارزنده را حایزوتوجه جهانیان را بخود جلب کرده است.

پیشرفت های شگرف درشقوق مختلف معماری ومهندسی که متکی بر اساسات ساینس و تخنیك معاصر میباشد روزبروز چهره های جدید را به شهرها وسیستم های معاصرشهری، تنوع خانه ها، جاده ها، پارك ها مارکیت ها وغیره داده است .

این انکشافات نه تنها ازلحاظ وضع ظاهری ساختمانها مغلق بودن موضوعات مختلف شهری وخانه سازی قابل اهمیت است بلکه معماران امروزمیکوشد تا بادرنظر گرفتن تمام موضوعات عصری وتکنالوجی پیشرفته جنبه های اقتصادی آنرا که مفاد مملکت ومردم درآن مضمر باشد نیزمدنظربگیرند.

حقیقت مسلم این است که طرح ودیزاین یك شهرعصری یا خانه ها و اپارتمانهای مجهزکه تمام وسایل آسایش انسان در آن مدنظرگرفته شده باشد مصرف مالی بیشتر را ایجاب میکند حالانکه درمقابل نسبت استحکام وبادوام بودن عمارات وسایرمحلوظات صحی وروحی که تاثیر بارزبالای سویهء زندگی مردم همان منطقه میداشته باشد حتی ارزان تر، مناسب تر

ومساعدترمیباشد.

شهرسازی امروزعلاوه برتمام مزایای که دارد توانسته است ازیك ساحهء کوچك شهری بصورت منظم حداکثراستفاده را مینماید یعنی تمام ملحوظات شهری را که ضرورت زندگی کنونی محسوب میگردد توسط یك پلان قبلی طوری طرح مینماید تا ازبی نظمی ساختمانها ، شکل جاده ، پارکها وسایر ملحقات شهری که ضرورت معاصر ایجاب آنرامینماید جلوگیری بعمل آید.

شهرهای سابقه افغانستان مانند شهرهای سابقه سایرنقاط جهان فاقد این گونه تجهیزات معاصر که البته زادهء این عصر است بود و سیستم های شهرها سابقه نه تنها ازلحاظ تخنیك عمرانی وفقدان تجهیزات کامل شکل غیرمطلوب را داشت بلکه نسبت نامنظم بودن جاده ها و عدم وجود پارك ها ویا یك فضای باز، نامناسب بودن بازارها ومارکیت ها دوایرشاروالی ومردم را به مشکلات زیاد مواجه ساخته بود. این نقیضه ها باعث گردید تا به این وضع عطف توجه شود .

درسال ۱۳٤۳ وزارت فوایدعامه بادرنظرداشت اهمیت امورشهرسازی برای اولین بار ادارهء جدید را بسویه مدیریت عمومی در تشکیلات خود اساس گذاشت و وظیفه اصلی این اداره تنظیم ورهنمائی امورشهرسازی وخانه سازی مملکت تعیین گردید. اما نظر به مشلکات بی سرپناهی طبقات مختلف مردم

وانسجام امورشهرسازی وخانه سازی وتهیه پلانهای شهری به کمک ملل متحد درسال ۱۳۴۴ هـ ش مدیریت عمومی شهرسازی به ریاست ارتقاء نمود. و درسال ۱۳۴۶ نظر به تجهیزدولت با تشکیل ریاست بحیث یك تصدی در آمد.

ریاست شهرسازی در اولین گامهای مقدماتی خود به جمع آوری معلومات واحصائیه ها که روی آن طرح پلانها بشکل علمي استوار شده بتواند اقدام نمود.

درقدم دوم ریاست شهرسازی متوجه پلانهای شهری شد وبادرنظر داشت مطالعات ابتدائی درمورد ساحهء نفوس و پیش بینی انکشاف آینده با اهمیت شهرازنگاه تجارت ، صنعت وغیره پلانهای عمومی وپلانهای تفصیلی شهرها را تهیه وآماده نمود.

درترتیب پلانهای شهری موقعیت شهروانکشاف آن با شبکه های سرك های ترانزیتی، سرك های داخل شهر، مراکزتجارتی ، اداری، کلتوری،تربیتی وتفریحی ، موقعیت ساحه رهایش و ارتباط این ساحه ها بامراکز فعالیت های اجتماعی ازنگاه زندگي ، کاروتفریح مردم تاحد امکان مدنظرگرفته شده بو د.

درقدم سوم ریاست شهرسازی اساس بعضی ازپروژه های شهری راگذاشت درپهلوی پروژه ها برساختمان اپارتمان ها یا اپارتمان هوسنگ که در زمین کم ومصرف متناسب خانه عصری برای یك تعداد کثیر نفوس مدنظرگرفته شده اعمار شد البته

حکومت با آوردن یك منطقهء عصری کوچك مجهزبوسایل معمول حیات کنونی درصدد آن شد تا رسم زندگی را به سیستم اپارتمان هوسنگ به مردم بیاموزاند.

مواضع شهری امروزی افغانستان :

واضحاً مشخصات وخصوصیات شهرهای امروزی بمقایسه دهات ازهم متفاوت بوده و شهرها نظر به معیارها و مشخصات که دارند ازنظر روستائی متمایز میگردند بناءً اگرمشخصات ومعیارهای را که شهرهارا از دهات مجزا میسازد درقسمت شهرها ودهات افغانستان تطبیق کنیم تا اندازه مواضع شهری افغانستان را بصورت مشخص از دهات تفریق وتمیزکرده نمیتوانیم. باوجود آنکه شهرهای عمدهء امروزی افغانستان نظر به بعضی معیارها ومشخصات نسبت به دهات فرق دارد. اگر مشخصات و معیارهای ذیل را در مورد شهرها و دهات افغانستان مدار اعتبار قراردهیم بصورت واضح یك فرق بارز در شهر ها ودهات افغانستان به مشاهده میرسد و این معیار ها عبارت اند از:

۱- نقاطیکه دارای نفوس متراکم بوده وبصورت اوسط دریك کیلو مترمربع درحدود صد نفر ویابیشترازآن زیست کند.

۲- اکثریت نفوس این نقاط بغیرازفعالیت های زراعتی به سایر مشغولیت ها مانند صنعت، تجارت، موضوعات اداری ، عرفانی، خدمات اجتماعی وغیره مصروف باشند.

۳- موضع شهری بایست حایزیك نظام حقوقی باشد.

بادرنظرداشت معیارهای فوق خاصتاً نقاطیکه در آن شاروالی ها ازطرف وزارت داخله تعیین وتثبیت گردیده است (۱۳۵۵ هـ ش) تعداد شهرهای افغانستان را درحدود ۸۶شهر میداند. حالانکه آمریت شهرسازی وزارت فوائدعامه بادرنظرداشت سروی وتطبیق پلانهای شهری تعداد شهرهای افغانستان رابه ۶۵ شهرثبت کرده است که مجموع نفوس این مناطق۲,۴۸ ملیون نفر بالغ میگردد. ازنتایج مقدماتی سرشماری برمی آید که ۴۹,۹۷ فیصد نفوس شهری تنها درشهرکابل و ۱۹,۴۷فیصد نفوس شهری درسه شهریعنی کندهار، هرات ومزارشریف متمرکز شده اند.

جدول (۱۹) توزیع مواضع شهری افغانستان به گروپ های معیاری نفوس سال ۱۳٦٤ هـ ش .(۱) (ص ۱۷۳ - ۱۷٤)

به اساس معلومات جدید بیش ازصد نقطهء شهری در ۲۹ ولایت کشور سروی و پلان گذاری شده است وکارتعمیر بعضی از این شهرها به پایه اکمال رسیده است وازیك عدهء دیگرآن درمراحل تطبیق قراردارد. ازجمله این شهرها ماسترپلان یا پلان عمومی بعضی ازشهرهاتکمیل شده وپلانهای تفصیلی آن نیزبه پایهء اکمال رسیده است .

---

(۱)ادارهء مرکزی احصائیه. سالنامه احصائیوی سال ۱۳٦۵. ص ۴۸-۴۹.

قسمت اول جدول شماره ۱۹

گروپهای نفوس	شماره	اسم شهر	تعداد نفوس	فیصدی نظریه مراضع شهری
کل مراضع شهری افغانستان	۶۵	-	۲۴۷۴۲۷۶	۱۰۰
شهرهای دارای نفوس ۵۰۰ هزارو بالاتر	۱	کابل	۱۲۳۶۳۴۱	۴۹,۹۷
شهرهای دارای نفوس ۱۰۰ هزار الی ۴۹۹ هزار	۲	کندهار	۲۰۸۵۲۹	۸,۴۳
	۳	هرات	۱۶۴۰۱۴	۶,۶۳
	۴	مزارشریف	۱۲۰۸۲۵	۴,۸۸
شهرهای دارای نفوس ۵۰ هزار الی ۹۹ هزار	۵	جلال آباد	۶۳۰۱۸	۲,۵۵
	۶	کندز	۶۲۲۴۱	۲,۵۱
شهرهای دارای نفوس ۲۵ هزار الی ۴۹ هزار	۷	بغلان	۴۳۸۰۷	۱,۷۷
	۸	میمنه	۴۲۷۶۱	۱,۷۳
	۹	پلخمری	۳۴۷۳۲	۱,۴۰
	۱۰	غزنی	۳۳۹۷۶	۱,۳۷
	۱۱	خلم	۳۱۳۵۶	۱,۲۷
	۱۲	خان آباد	۲۹۹۳۲	۱,۲۱
شهرهای دارای نفوس ۱۰ هزار الی ۲۴ هزار	۱۳	چاریکار	۲۵۰۴۱	۱,۰۱
	۱۴	لشکرگاه	۲۴۱۲۲	۰,۹۸
	۱۵	تالقان	۲۲۲۵۱	۰,۹۰
	۱۶	[illegible]	۲۱۳۶۹	۰,۸۶
	۱۷	شبرغان	۲۱۲۱۲	۰,۸۶
	۱۸	فراه	۲۰۹۹۱	۰,۸۵
	۱۹	سرپل	۱۷۵۳۱	۰,۷۱
	۲۰	اندخوی	۱۴۶۷۱	۰,۵۹
	۲۱	حضرت امام	۱۴۱۳۲	۰,۵۷
	۲۲	شوروبان	۱۳۸۵۱	۰,۵۶
	۲۳	تمه ذال	۱۲۹۸۹	۰,۵۲
	۲۴	مقر	۱۲۵۹۱	۰,۴۳
	۲۵	گردیز	۱۰۶۶۴	۰,۴۲
	۲۶	فیض آباد	۱۰۱۹۰	۰,۴۱
شهرهای دارای نفوس ۵ هزارالی ده هزار	۲۷	آقچه	۹۹۱۲	۰,۴۰
	۲۸	سنگ چارک	۸۶۴۷	۰,۳۵
	۲۹	بامیان	۸۲۱۴	۰,۳۳
	۳۰	بلخ	۸۰۸۸	۰,۳۳
	۳۱	رستاق	۷۰۴۲	۰,۳۱
	۳۲	زرنج	۷۲۴۳	۰,۲۹
	۳۳	دولت آباد	۶۸۲۵	۰,۲۸

قسمت دوم جدول شماره ۱۹

گروپهای نفوس	شماره	اسم شهر	تعداد نفوس	فیصدی نظریه مواضع شهری
شهرهای دارای نفوس ۵ هزارالی ده هزار	٣٤	قلات	٦٦٤٠	٠,٢٧
	٣٥	شولگره	٦٥٢٤	٠,٢٦
	٣٦	کرخ	٦٠٤١	٠,٢٤
	٣٧	قلعه نو	٥٩٦٣	٠,٢٤
	٣٨	گرشك	٥٦٣٥	٠,٢٣
	٣٩	ایبك	٥٥١٤	٠,٢٢
شهرهای دارای نفوس ۲۵۰۰ الی پنج هزار	٤٠	شبندند(سبزوار)	٤٨٢١	٠,١٩
	٤١	ینگی قلعه	٤٥٥٦	٠,١٨
	٤٢	مهترلام	٤٤٥٢	٠,١٨
	٤٣	پل علم (کلنگار)	٤٣٥١	٠,١٨
	٤٤	قرقین	٣٩٧١	٠,١٦
	٤٥	خواجه غار	٣٨٤٩	٠,١٦
	٤٦	ترین کوت	٣٧٥٤	٠,١٥
	٤٧	نهرین	٣٦٢٢	٠,١٥
	٤٨	چغچران	٣٣٢١	٠,١٣
	٤٩	دشت ارچی	٣١٨٢	٠,١٣
	٥٠	شرین تگاب	٢٧٥٧	٠,١١
	٥١	دولت آباد میمنه	٢٧١٨	٠,١١
	٥٢	اسعدآباد	٢٣٣٣	٠,١٠
شهرهای دارای نفوس ۲۵۰۰نفر	٥٣	میدان شهر	٢٢٨٧	٠,٠٩
	٥٤	خوست	٢٠٨٣	٠,٠٨
	٥٥	گزاب	٢ ١٩	٠,٠٨
	٥٦	دهراود	١٨٩١	٠,٠٨
	٥٧	دهنه غوری	١٧٤٠	٠,٠٧
شهرهای دارای کمتراز ۲۵۰۰ نفر	٥٨	اوبه	١٩٨٢	٠,٠٧
	٥٩	جبل السراج	١٦٤٠	٠,٠٧
	٦٠	شرن	١٥٦١	٠,٠٦
	٦١	فرخار	١٤٤٦	٠,٠٦
	٦٢	محمود راقی	١٣٤٠	٠,٠٥
	٦٣	برکی برك	١٢٦٩	٠,٠٥
	٦٤	درزآب	١٢٦٥	٠,٠٥
	٦٥	جرم	١١٦٦	٠,٠٥

تعداد شهرهائیکه دارای شاروالی ها بوده وهم پروژهء مطالعاتی دیموگرافی ازمواضع شهری آنها بادرنظرداشت مشخصات شهری متذکر شده اند ودارای پلان شهری میباشند به تفریق ولایات عبارت اند از:

ولایت کابل - شهرکابل - میربچه کوت
ولایت کاپیسا - محمود راقی - تگاب
ولایت پروان - چاریکار - جبل السراج
ولایت بامیان - بامیان
ولایت وردك - میدان شهر - (کوته اشرو)
ولایت لوگر - پل علم - برکی برك
ولایت غزنی - غزنی - قره باغ - مقر
ولایت پکتیا - گردیز- خوست
ولایت پکتیکا - شرن - ارگون
ولایت ننگرهار- جلال آباد - خوگیانی
ولایت لغمان - مهترلام
ولایت کنرها - اسعدآباد
ولایت بدخشان - فیض آباد ، جرم ، کشم
ولایت تخار- تالقان - رستاق - خواجه غار- ینگی قلعه - دشت ارچی - فرخار
ولایت بغلان - بغلان جدید - پلخمری - دهنه غوری - دوشی

ولایت سمنگان -ایبک - دره‌ء صوف - خلم

ولایت بلخ - مزارشریف - بلخ - دولت آباد - شولگره

ولایت کندز- شهرکندز-خان آباد-علی آباد - امام صاحب - قلعه ذال ولایت جوزجان - شبرغان -سنگ چارك - سرپل - آقچه - قرقین. ولایت فاریاب-میمنه -اندخوی-شیرین تگاب- قیصار-درزاب- دولت آباد ولایت بادغیس - قلعه نو - بالامرغاب

ولایت هرات -شهرهرات - غوریان - اوبه - کرخ

ولایت فراه - شهرفراه - شیندند - بالا بلوك

ولایت نیمروز- زرنج - کنگ

ولایت هلمند -لشکرگاه - گرشك

ولایت کندهار - شهرکندهار

ولایت زابل - قلات - شاجوی

ولایت ارزگان - ترین کوت - خاص ارزگان، دهراود - گزاب

ولایت غور - چغچران (۱)

---

(۱) مواضع شهری. کابل اداره‌ء مرکزی احصائیه ۱۳۶۵. ص ٦.

اوضاع کلتوری افغانستان

السنه ونژاد :

ساختمان واشکال اراضی خاصتاً سلسله کوه ها چین وتاب پیچ وخـــم ا راضی همانطوریکه محیط های جداگانه را برای مردم پدیدآورده ست دراختلاف وتعداد زبانها ولهجه ها نیزبی اثر نمی ماند مثلاً افغانستان که یك مملکت کوهستانی است و اکثرنفوس در دره ها زیست میکند باداشتن تناسب ووسعت خاك آن ازلحاظ انواع واقسام زبانهادرجهان حایز اهمیت خاصی است وازلحا ظ تعداد زبانها ولهجه ها درقطار ممالك درجه یك بحساب میرود.

علاوتاً زبان شناسان اظهارمیدارند که زبانهای مروج توسط مردم دراین مملکت بسیارقدیمی بوده ویا ریشه بسیار کهن دارند .

اگرچه دراکثرخانواده های افغانستان نمونه های از زبانهایی قدیم باقی مانده است امابدون شك وحدت فرهنگی افغانستان ازراه همنوائی وهمرای از دوزبان رسمی یعنی پښتو و دری استحکام یافته است(۱)

---

(۱) محب الله، رحمتی، جغرافیای بشری افغانستان - کابل پوهنتون کابل. ۱۳٦٤ص۲٤۹.

زبانهای دری وپښتوازجمله زبانهای آریایی است که ازلحاظ ریشه جزویك خانواده میباشند وازطی قرنها باینطرف لغات وترکیبات مشترك بین این دوزبان بطورموازی راه یافته است. لغات ومفاهیم عربی درهردوزبان بکثرت دیده میشود تقریباً تمام نفوس افغانستان بیکی از این دوزبان آشنایی دارند و یا مردمان بعضی ازمناطق افغانستان مانند لغمان ، لوگر ، میدان، پروان، غزنی وفراه آشنایی مکمل به هردوزبان دارند و یا اینکه غیراز این دوزبان باوجود آنکه زبان مادری جداگانه دارند یکی از این دوزبان رادانسته بحیث وسیلهء ارتباط بکارمیبرند.

چنانچه قبلاً ذکرشد زبان پښتو ازجملهء زبانهای قدیمی درافغانستان محسوب میگردد ازنظرریشه زبان پښتو یا زبان اوستائی قرابت نزدیك دارد ونظر به صرف ونحو شامل همان دسته زبان ها میگردد که درجریان تاریخ عدهء ازکلمات سانسکریت وهندی نیزدر آن ضم گردیده است .

باوجود آنکه موقعیت جغرافیایی ساحهء پښتوزبان ها را ازهم مشخص ساخته نمیتوانیم اما اکثریت مردم که به زبان پښتو تکلم میکنند درمناطق جنوب شرق وجنوب غرب کشورزیست میکنند. در زبان پښتولهجه ها زیاد است اما بارزترین لهجه هائیکه خوبترازهم مشخص میشوند عبارت ازلهجه شرقی ولهجهء قندهاری یا غربی میباشد که در اول بیشترباتلفظ (گ وخ) و در دومی باتلفظ (ږ و ښ) مکالمه

صورت میگیرد.

زبان دری نیزازجمله زبانهای خیلی قدیمی این سرزمین محسوب میگردد قرارشهادت کتب تاریخی زبان دری زبان بلخ وخراسان بوده وبعداً زبان دربارخراسان گردید و بنابراین دری نامیده شده است زبان دری نیزبازبان فرسی کهن و اوستا هم خانواده است لهجه دری که درافغانستان سخن گفته میشود ازنظر صورت شامل دسته شرقی است که دانشمندان درساحهء تاجیکی (بدخشان، تخار، کندز، بلخ سمنگان، پنجشیر، سالنگ، کابل و پروان) وعدهء دیگرازشعبه ء خراسانی (هرات، فراه غرجستان، غزنی، بامیان، لوگرو ارگون) تشخیص میکنند.

زبان بلوچی که درجنوب وجنوب غرب کشور سخن گفته میشود ازجمله قدیمترین زبانهای آریایی بوده وحتی گفته میشود که قبل از زبان اریائی یکی از زبانهای دراویدی وجود داشت که براهویی نامیده میشود.

قبایل براهوای زبان که نام ایشان در دفاتر حکومتی بنام کوچی بلوچ درج است. ازشوراوك تا زرنج وفراه وکنارهلمند یکجا با بلوچ ها زندگي میکنند چهره ایشان ازبلوچ ها فرق نمیشود. علاوه اززبان دری، پښتو و بلوچي که از جمله قدیمترین زبانهای آریائی محسوب میگردند زبانهای آریائی کهسارپامیرمانند منجی، اشکاشمی، شغنی ، واخی، پراچي و اورمری نیزحایز اهمیت اند که ازجمله چهار اول آنها درکهسار

پامیر سخن گفته میشود وپنجمی یعنی پراچي در دره‌ء پرچمن نجراب ودر دره‌ء شتل گلبهار وششمین آن یعنی اورمری در برکی برك لوگرسخن گفته میشود.

زبانهای نورستاني که ازجمله قدیمترین زبانهای آریائی محسوب میگردند ومعروفترین آنها کاتی، پاردتی ، وایگلی واشکی اند درقریه های نورستان تکلم میگردد .

برعلاوه اززبانهای نورستانی ازخانواده هندی قدیم به زبان پشه ئی بالهجه های مختلف آن درکنرها، لغمان، کاپیسا و پروان سخن گفته میشود.

ازجمله زبانهای دیگر در افغانستان زبان ازبکی وترکمنی است که ازلحاظ ادب شفاهی غنی است زبانهای قرغزی در پامیر وقزاقی که با زبانهای ازبکی هم خانواده است توسط اجتماعات مختلف مردم مورد استفاده قرارمیگرد. زبان افشارآذربایجانی که ازجمله زبانهای ترکی محسوب میگردد درافشارنانکچی کابل تکلم میشود.

چنانچه ذکر شد نفوس افغانستان که درمناطق مختلف افغانستان زیست میکند تقریباً بابیشتر از ۳۰ زبان مستقل وبالهجه های مختلف صحبت میکند .

نژاد :

تاجائیکه ازلحاظ ترکیب نژاد وتوزیع آن درافغانستان مطالعه بعمل آمده واضح گردیده است که اقوام عمده‌ء این

کشور بصورت عموم تقریباً از نژاد واحد آریائی که بنام هندواروپائی نیزمسمی اند متشکل بوده و در آن گروپهای ملیت های ذیل شامل اند.

پښتونها: پښتونها ازجملهء قدیمترین باشندگان این خطه بشماررفته مطابق به روایات تمام قبایل پښتون به پنج گروه تقسیم شده اند :سربن ، غورغشت ، بیتن ، متوزی (غلجی ولودی) وکرلانړی میباشد.

گروه اولی که ازجمله پسران قیس بن عبدالرشید اند درجملهء افاغنه اصلی ودو گروه آخری که عبارت از متوزی وکرلانړی باشد درجمله افاغنه وصلی می آیند (۱)

مطابق به مطالعات امروزی پښتونها بصورت عموم شامل دوقوم معروف درانی وغلجی میگردند وهریك از این اقوام بزرگ به اقوام کوچکترتقسیم میشوند.

قوم درانی ازدوگروپ مهم متشکل بوده یکی آن بنام زیړوك ودیگرپنج پاو یاد میشود شعبهء زیړوك به نوبهء خود به چهارقوم دیگرالکوزی، اچکزی، پوپلزی و بارکزی تقسیم میگردد وشعبهء پنج پاو نیزبه نوبهء خود شامل اقوام نورزائی ، علی زائی واسحق زائی میگردند.

قوم غلجائی (غلجی) نیز به دوقوم بزرگ تورانی

---

(۱) سیدبها در شاه ظفر کاکاخیل. د تاریخ په رنا کی. پیبنور: یونیورستی بك ایجنسی.

(Turans) وبورانی (Burans) منقسم وهریك به اقوام مانند هوتك ، احمدزی وبابی تقسیم میگردند.

تاجیك ها یاتاجك ها :

تاجك ها مانند پښتونها ازجمله اقوام بسیارسابقه این سرزمین میباشند که اقوام مختلف آنها در صفحات شمال مملکت در بدخشان تا هرات وجنوب هندوکش ازپروان تاکابل زندگي میکنند بصورت عموم تاجك ها به دری تکلم کرده به چهارگروه تقسیم میگردند.

گروه ازتاجك ها که بنام هراتی ویافارسی زبان معروف اند درمنطقهء هرات ومناطق جوارآن زیست میکنند. این مردم در دهات وهمچنان درشهرها بصورت مقیم زیست کرده اکثراً به شغل زراعت، پرورش مواشی ،تجارت ، صنعت و اموردفترداری وکارهای اداری مصروف اند تقریباً نصف ازاین قوم شیعه ونصف دیگرسنی مذهب اند .

گروه دوم این قوم عبارت ازدری زبان (فارسی زبان) منطقهء ترکستان افغانستان است که یك تعداد زیاد ازباشندگان شهرهای شمال مانند مزارشریف ،کندز،بغلان وغیره را شامل میگردند. علاوتاً یك تعداد کثیر آنها دردهات وقصبات این حوزه مسکون بوده و باترك ها و ازبك ها تقریباً مختلط گردیده اند. این مردم بصورت عموم غیر مهاجرو دهنشین بوده وبه شغل زراعت وپرورش مواشی مصروف میباشند اکثریت آنها سنی

مذهب اند. گروه سوم تاجك ها که بیشتر به تاجك کوهستانی معروف اند ازقدیم ترین نفوس آسیای مرکزی نمایندگی کرده نسبت آنکه درنقاط مرتفع دامنه های هندوکش و پامیر زندگی دارند بنام تاجك کوهستانی معروف اند. اختلاط نژادی این مردم نسبت وضع توپوکرافی منطقه بمقایسه سایراقوام تاجك کمتراست .

ساحهء بودوباش تاجك های کوهستانی ازکوه های پاراپامیزوس تاپامیر(تاجکستان وچین) امتداد پیدا میکند. غربی ترین منطقهء اتصال حدود این مردم تا سرشکان (قلعهء جنوب غورات) میرسد.وشرقی ترین حدود تاجك های افغانستان تاودای سرکول سنکیانك چین امتداد پیدا میکند.

تقریباً تمام این اقوام دهنشین وغیرمهاجراند ودرقریه های کوچك دره ها و وادیهای کوهستانی بصورت متراکم ویابصورت متفرق زیست میکند وبصورت عموم اقتصاد آنها بلای زراعت آبیاری شده استوار است اکثراً سنی مذهب اند .

گروه چهارمی تاجك های نیمه کوچي هستند که در وادیهای درهء شکاری (کوتل شبرتادوآب) حیات بسر میبرند دربارهء آنهاتحقیقات درست صورت نگرفته خود ایشان خود را تاجك میدانند ر ا مشخصات ظاهری آنها چنین واضیح میگردد که این مردم بامردم هزاره بیشتر شباهت دارند اما آنها بصورت عموم سنی مذهب اند. این مردم بصورت عموم مالدار بوده ورمه

های زیاد دارند وبرای تغذیه این رمه ها درجریان سال ناگزیر حیات کوچي را قبول نموده درجریان تابستان به نقاط مرتفع کوهستانی به ایلاقها رفته ودر یورت ها حیات بسر می برند و در ایام زمستان دوباره به خانه های خود برمیگردند(۱)

ازبك ها وترکمن ها :

اقوامیکه بزبان ترکی وازبکی صحبت میکنند عبارت از اقوام ترکمن و ازبك بوده در ترکستان افغانی بیشتر متمرکز اند. ترکمن ها و ازبك ها اقوام عمدهء این سرزمین را تشکیل میدهند به زبان دری نیز آشنایی دارند اکثراین مردم زراعت پیشه ومالدار بوده بصورت عموم درشهر ها و هم در دهات وقصبات مقیم هستند. درصنعت قالین وتربیه گوسفند قره قل شهرت زیاد دارند وعموماً سنی مذهب هستند.

ملیت واقوام معروف دیگر این سرزمین که عبارت از قرغیزها، قزاقها، چهارایماق، هزاره، نورستانی، قوم گوجر، بلوچي اقوام براهوی وغیره میباشند درنقاط مختلف افغانستان بود وباش دارند ومصروف شغل تجارت، صنعت وزراعت میباشد.

یك تعداد ازمردم عرب تاکنون دربلخ ومیمنه اقامت داشته

---

(۱) هـ، ف، شورمن. تاجیك ها. ترجمه سیدسلطان شاه همام. پوهنتون کابل ۱۳۵۹ ص ۳.

هنوزبزبان عربی تکلم میکنند یك تعداد اهل هنود وسکها که ازچند قرن قبل ازهند به این کشور مهاجرت کرده اند درشهرهای بزرگ اقامت داشته بشغل تجارت و دوکان داری مصروف اند.

اوضاع عرفانی :

از اوراق تاریخ چنین استنباط میگردد که مردم این سرزمین در دوره های قبل ازمیلاد ازعلم ودانش بی بهره نبوده بلکه یك عدهء از افراد آن زمان باعلاقه ودلچسپی خاص به فراگرفتن علوم متداوله میپرداختند در پهلوی موضوعات دینی علوم دیگرمانند نجوم ، گرامر، علم صوت ، ریاضیات ، طب تدریس میگردید پیشرفت و انکشاف علوم وتحولات عرفانی منوط به خود مردم بود و اثرخارجی از سایر مناطق درآن دیده نمیشد. موقعیکه مراودات تجارتی ، ثقافتی ، صنعتی وغیره نظر به تماس مردم با سایر مردمان اطراف این کشور قایم شد وضع عرفانی مردم نیزتغییرنموده تحولات وانکشافات قابل ملاحظه در آن بوجود آمد یعنی علاوه برعلوم متداوله آن زمان علوم دیگرازقبیل منطق ، فلسفه ، ماورالطبعه ، علم انشاء نظم ونثر درنصاب تعلیمی آن زمان افزود شد موقعیکه مردم افغانستان به دین مقدس اسلام مشرف گردیدند. روش تعلیم وتربیه در سراسرمملکت تغییرکرد بدین معنیکه تمام علوم روی اساسات اسلامی پایه گذاری گردید. دراوایل روش تعلیم وتربیه بطریق

غیررسمی یعنی بصورت خصوصی که غالباً بشکل انفرادی بود صورت میگرفت امابعداً بصورت گروپی ودسته جمعی نیزمروج گردید وهریك از شاهان وحکمرانان عالم اسلام به نوبه خود درتعمیم بخشیدن وانکشاف علوم متداوله آن زمان سعی وتلاش نمودند.

پایه گذاری معارف جدید در زمان امیرشیرعلی خان ۱۳۵۵هـ ق درافغانستان اغازگردید. مضامین علوم دینی، علوم ریاضی جغرافیه ، بیهیا ونقشه کشی درنصاب تعلیمی مکاتب جدیداً بوجود امد ناگفته نباید گذاشت در اوایل مکاتب عصری درشهرها خاصتاً درشهرکابل بوجود آمد وازطرف حکومت وقت اداره میگردید ومکاتب دینی درتمام نقاط افغانستان ازطرف مردم اداره میگردید. درزمان امان الله خان معارف افغانستان بامراکز علمی وفرهنگی جهان متمدن درتماس شده ودرزمان کم یعنی درظرف دوسه سال بیشتر ازبیست باب مکتب درکابل وسایرولایات کشورتاسیس شد.

درسال ۱۳۰۲ هـ ش مکتب مستورات برای اولین بار درتاریخ فرهنگ نسوان کشور عرض وجود کرد. تحصیلات درمکاتب به دورهء ابتدائیه رشیدیه، اعدادیه وتعلیمات عالی به سویه پوهنتون باتاسیس پوهنحی طب ۱۳۱۱ هـ ش ارتقاء یافت مکاتب مسلکی نیزدرپهلوی این مکاتب شروع به فعالیت

نمود. درسال ۱۳۱٤ پروگرام مکاتب ابتدائی تعدیل یافت وتعلیمات دوره‌ء ابتدائیه اجباری گردید. واین وضع سبب شد تامعارف کشوردرمدت کوتاه افزایش قابل ملاحظه نماید.

جدول شماره ۲۰

سنه	تعداد متعلمین	تعدا د معلمین	تعداد مکاتب
۱۳۱۲	٤۵۹۱	۱٦۵	۵۰
۱۳۱٦	۱۷۵۲٦	۵۸٤	۱۵۰
۱۳۲۰	٦٤[illegible]	۲۱۹۰	۳۳۱
۱۳۲٤	۹۳۳۷۹	۲۵٤٦	۳٦٤
۱۳۲۵	[illegible]۳۳٤۲	۲٦۷۷	۳۷۰

هرگاه انکشاف معارف را ازسال ۱۳۱۲ تاسال ۱۳۲۵ بررسی کنیم انکشاف قابل ملاحظه در آن پدید آمده است چنانچه جدول فوق این انکشاف را واضح میسازد.

جدول (۲۰) انکشاف معارف افغانستان را ازنظر تعداد شاگردان ، معلمان ومکاتب نشان میدهد.(۱)

ازجدول فوق چنین استنباط میگردد که درجریان سیزده سال درتعدادشاگردان بیست چند و درتعداد معلمان چهارده چند

(۱) معارف افغانستان در پنجاه سال اخیر. جلداول. کابل: ریاست پلان وزارت معارف. ۱۳٤۷. ص ۱۲-۲۰.

ودرتعداد مکاتب نه چند افزایش بعمل آمده است .

درسال ۱۳۲٦ افغانستان عضویت یونسکو را قبول نموده درکنفرانس های منطقوی اشتراك نمود وباینوسیله توانست ثقافت وپیشرفتهای عرفانی خود را به مجامع علمی بین المللی معرفی نماید تا درمقابل تعاون بین المللی را بخود جلب کند.

موقعیکه پلانهای انکشافی کشور روی دست گرفته شد جنبش ها درهمه امورخاصتاً در اوضاع عرفانی کشورنیزرونما گردید .هرگاه این جهش را درجریان پلانهای اول ، دوم وسوم مورد غور قراردهیم رشد قابل ملاحظه را درتعداد شاگردان ، معلمان ومکاتب می یابیم چنانچه تعداد شاگردان که درسال ۱۳۳۵به ۹۲ . ۱۲٦ نفرمیرسد دراخیرپلان سوم انکشافی کشور (۱۳۳۵-۱۳٤۹ هـ ش) به ٦٦۷٥۳٥ شاگرد ارتقاء یافت و یابعباره دیگردرجریان پانزده سال تعداد شاگردان مکاتب بیش ازشش چند انکشاف یافت همچنان درسال . ۱۳٥-۱۳٥۱هـ ش وزارت معارف وقت کوشیدتابرای جذب یك تعداد پسران ودختران (قریه ها ودهات دوردست) زمینه را فراهم سازد بهمین لحاظ یك تعداد کثیرمردم ازکنج وکنار کشورشامل مکتب شدند نا گفته نباید گذاشت که درهمین سال وسالهای پلانهای پنجساله انکشافی (اول ، دوم وسوم) یك افزایش قابل ملاحظه درسکتورمعارف پدید آمد.

بعد ازتغییرسیستم سیاسی (حکومت ازشاهی به جهموری) ۱۳۵۲هـ ش کوشش بعمل آمد تا ریفورم درقسمت معارف پدید آید درسال ۱۳۵٤ ریفورم جدید معارف درمعرض تطبیق قرارگرفت.

درنتیجهء باید اظهار داشت تطبیق ریفورم نه تنها پرابلم های گذشته راحل نکرد بلکه باعث بوجود آمدن پرابلم های جدید نیزگردید چنانچه ارتقا شاگردان ازیك دوره به دورهء دیگرتوسط امتحان کانکور تعیین میگردید باعث آن شد تایك تعداد زیاد ازشاگردان فارغ صنف هشتم بی سرنوشت بمانند مثلاً تعداد شاگردان بیکار درختم سال ۱۳۵٤هـ ش . ۲۸۸۵ نفربالغ گردید واین تعداد دراخیرسال ۱۳۵۵ به ۷۲. . ٤ نفر افزایش یافت. ریفورم معارف روی یك هدف خاص بادرنظرداشت وضع کلتوری، اقتصادی وسیاسی مدنظرگرفته شده بود هرگاه این ریفورم بادرنظر داشت اهداف بصورت صحیح تطبق میشد یقیناً برای انکشاف سالم معارف افغانستان خیلی ها موثر ثابت میشد. باوجود هم انکشاف معارف قوس صعودی را می پیمود وازسال ۱۳۵٤ تا سال ۱۳۵٦ درتعداد متعلمین ذکوربه تناسب ده فیصد ودرمتعلمین اناث به تناسب ۲٤ فیصد افزایش بعمل آمد(۱).

---

(۱) سیمینار ملی اداره و منجمنت تعلیم وتربیه. وزارت تحصیلات عالی و مسلکی، کمیسون ساینس و تکنالوجی. ۱۳۵۹ - ص۱۱۷.

جدول شماره (۲۱) تعلیمات عمومي به تفکیك ولایات در سال ١٣٧٠ دوره ابتدائي و ثانوی

ولایات	تعداد مکاتب		تعداد شاگردان		تعدادمعلمان	
	پسر	دختر	پسر	دختر	مرد	زن
مجموع ولایات	١١٣٥	٢٩٢	٦٣٣٦٦٩	٢٢٧٨٦١٢	١٠٨١	١٢٢٨٤
کابل	٦٣	١٢	١٦٠١٣	٤٣٧٤	٦٧٦	١٦٢
شهرکابل	١٠٢	٥١	٢٣٣٢٠٥	١٦٧٦١٧	٣٩٨٩	٤٥٩٢
ولایت پروان	٤٥	٩	١٤٧٧٢	٤٩٩٦	٥٠١	١٦٤
وردك	١	١	٣٥٠	٩٥	٢٢	-
لوگر	٤	١	٨٤٧	١١٧	٢٩	٦
غزنی	٣١	٦	٥٦٠٩	١٠٥٥	١٢٠	٢٠
پکتیا	١٦	٦	١٠٤٧	٥٠٠	٧٠	٢٥
ننگرهار	٧٢	١١	٢٧١٢٥	١٠٤٥٩	٧٦٩	١٢٢
لغمان	٢٧	١٢	٩٥٤١	١٠٢٣	١٩١	٢٣
خوست	-	-	-	-	-	-
بدخشان	٧٤	١٩	١٩٢٤٢	٨٢١٨	٤٨٤	٣٦٤
تخار	-	-	-	-	-	-
بغلان	٥٣	١٢	٢٨٦١٨	٨٤٧٧	٤١٣	١٣٣
کندز	٢٥	١١	٢١٨٧١	٥٦٧٨	٢٢٥	١٥٢
سمنگان	٢٨	٤	٥٩٤٤	١٤٦٢	١٣٨	٦٣
بلخ	٩٩	٣٢	٤١٧٨٦	٢٢٣٤٦	٥٣٣	٩٨٩
جوزجان	٥٠	١٨	١٥٩٩٩	٧٦٥٥	٣٢٢	٣١٧
سرپل	١٧	٢	٢١٤١	١٠٥٧	٤٠	١٠
فاریاب	٦٨	٢١	١٥٥٥٤	٥٨٩٦	٢١٢	١٩٣
بادغیس	٢٧	٦	٤٨٠١	١١٩٣	٨٧	٤٢
هرات	١٣٨	٢٢	٣٨٩٩٣	١٨٤٩٧	٦٨١	٤٠٣
فراه	٣٩	٦	٨٢٨٧	١٨٤٠	١٩٢	٣٨
نیمروز	١١	٣	٢٤٥٦	١٠٧٧	٧٩	٢٢
هلمند	٣٥	٥	١١٩٠١	١١٦٢	٢٤٨	١٦٥
کندهار	٣٠	٩	٧٠٧٩	١٣١٦	٢٠٠	٦٤
زابل	١٠	-	١٤٧٨	٦٨٣	٤٤	٦
ارزگان	١٠	-	١١٣٨	٤٤٨	٣٦	-
غور	١٦	٢	١٧٢٩	٥٣٩	٥٧	١٢
بامیان	-	-	-	-	-	-
کنر	٣١	١٠	١٩٠٠	٨٣٢	٣٦٠	١٨٠
کاپیسا	٥	-	٢٤١٦	-	٦٣	١
پکتیکا	-	-	-	-	-	- (١)

(١) سالنامه احصائیوی ١٣٧٠. دولت اسلامی افغانستان. کابل: وزارت احصائیه، ١٣٧٠. ص ٢٢١.

از احـصائیه هـای وزارت تـعلیم و تـربیه جنین واضح میگردد کـه در سـال ۱۳۵۸ در تمـام مـکاتـب ابتدائی وثانوی کشوربه تعداد (۱.۹۳۸۷۳) شاگرد ذریعه (۳۷۱۶۲) معلم تدریس میگردید.

در افغانستان از دیرزمانی سعی بعمل می آمد تا زمینه تحصیلات عالی فراهم گردد. تحصیلات عالی در افغانستان ازتاسیس پوهنحی طب درسال ۱۳۱۱ هـ ش شروع گردید. ازسال ۱۳۶. بعد موسسات عالی مانند پوهنتون کابل ، پوهنتون حربی ، انستیوت پولتخنیك ، پوهنتون ننگرهار ، موسسه عالی طب دولتی پوهنتون هرات ، پوهنتون مزارشریف وغیره موسسات در پیش برد ارتقاء سویه شاگردان فعالیت دارند. تاسال ۱۳۵۸هـ ش در حدود چهارده هزار محصل در پوهنځي های مختلف مصروف تحصیل بودند. واستادان تقریباً به هزار استادبالغ میگردید.

جدول شماره ۲۲ (الف) و۲۲(ب) تعدادمحصلان تحصیلات عالی به تفکیك پوهنځی ها در آغاز تعلیمی ۱۳۷۰ هـ ش. (ص ۱۹۲)

بنیان گذارمکاتب مسلکی افغانستان که ازسال ۱۳۵۷ باینطرف تحت اداره وزارت تحصیلات عالی قرار گرفته است تقریباً باسایرمکاتب افغانستان هم عصرمیباشد یعنی اولین مکتب مسلکی افغانستان که بنام مکتب صنایع کابل یاد میشد درسال ۱۳.۲ هـ ش اساس یافت و به تعقیب آن مکاتب

میخانیکی لیسه تجارت ، میرمنوتولنه وغیره تاسیس شد.

جدول شماره ۲۲ (الف)

۱	پوهنتون کابل	۱۱۳۷.	محصل
الف	پوهنحی های روزانه	۱.۲۲.	//
	ازجمله		//
	پوهنحی حقوق	۱۲۳.	//
	پوهنحی علوم طبیعی	۸٤۷	//
	پوهنحی زبان وادبیات	۱٤.۲	//
	پوهنحی انجنیری	٦۳٤	//
	پوهنحی تعلیم وتربیه	۵۵۹	//
	پوهنحی زراعت	۹۸۸	//
	پوهنحی اقتصاد	۱.۷۹	//
	پوهنحی فارمسی	٦٦۵	//
	پوهنحی وترنری	٤۸.	//
	پوهنحی زمین شناسی	٤٤۸	//
	پوهنحی هنرها	٤.۸	//
	پوهنحی ژورنالیزم	۷۲٦	//
	پوهنحی تاریخ وفلسفه	۷٤۷	//
ب	پوهنحی های شبانه	۱۱۵.	//
	پوهنحی اقتصاد	۱۸۲	//
	پوهنحی حقوق	۳۱۲	//
	پوهنحی زبان و ادبیات	۲۵۹	//
	پوهنحی ژورنالیزم	۲.٤	//
	پوهنحی تاریخ وفلسفه	۱۹۲	//
۲	پوهنتون ننگرهار	۱۷۸۹	//
۳	انستیوت پولی تخنیك	۲۷۲۲	//
٤	پوهنتون بلخ	۱۱۵٤	//
۵	پوهنتون هرات	٤٤۹	//
٦	انستیوت ط دولتی	۳.۹.	//
	پوهنحی طب معالجوی	۱٦۸۸	//
	پوهنحی طب ننگرهار	۵۵۲	//
	پوهنحی استومالوژی	۲۵۲	//
	طب اطفال	۵۹۸	//
۷	انستیوت پیداگوژی	۲۵۲.	//
	پوهنتون های خارج ازافغانستان (پشاور)		
۱	پوهنتون دعوت وجهاد		
۲	پوهنتون امهات المومنین		
۳	پوهنتون اسلامی		

جدول شماره ۲۲ (ب)

موسسات تربیه معلم درسال ۱۳۷.

تربیه معلم سیدجمال الدین	۱٤۲۸	شاگرد
تربیه معلم پروان	۲۹۷	//
تربیه معلم پکتیا	٤.	//
تربیه معلم تخار	-	//
تربیه معلم کندهار	۵٦	//
تربیه معلم هلمند	۱.۲	//
تربیه معلم سمنگان	۱۷۸	//
تربیه معلم بدخشان	۱۲٦	//
تربیه معلم کنرها	-	//
تربیه معلم جوزجان	۳۲۱	//
تربیه معلم لغمان	۱۹۲	//
تربیه معلم بغلان	۳۸	//

اطلاعات وکلتور :

• رشته معنوی یك جامعه منوط به انکشاف مطبوعات آن میباشدبدین لحاظ افغانستان نیز از زمان سابق تلاش نموده تا قدمهای مثبت برای تاسیس ایجاد وانکشاف جراید روزنامه ها مجلات، رادیوتلویزیون، سینما، تیاتر وغیره بردارد این موسسات به منظور تنویرافکار عامه دست بکارشده وبااشاعه پروگرامهای اخلاقی، اجتماعی وتربیوی خدمات ارزنده انجام داده است .

اگرچه انتشار روزنامه ها وجراید درافغانستان آنقدرها قدامت ندارد برای اولین بارجریده، بنام اخبارکابل نشر میشد حالانکه بصورت حقیقی بعد ازنشر جریده شمس النهار درسال ۱۲٦۰هـ ق درزمان امیرشیرعلی خان جریده نگاری در افغانستان شروع میشود. ۲۸سال بعد ازنشر جریده شمس النهار جریده دیگربنام سراج الخبار منتشر گردید درسال ۱۲۹۷هـ ش مطبوعات افغانستان وارد یك مرحله نوین شد وتاسال ۱۳۰۷ هـ ش درحدود ۲۳ نشریه که شامل جراید مجله وروزنامه بود نشرمیگردید.

درسال ۱۳۰۷ انتشار جراید وروزنامه ها رویه رکود نهاد ازسال ۱۳۰۸ ببعد دوباره مطابع ونشرات بشکل انکشاف یافته تر احیاگردید وباتاسیس ریاست مستقل مطبوعات در سال ۱۳۱۸ قدمهای مثبت و اساسی درمطبوعات کشوربرداشته شد

درسرطان ۱۳٤۲ ریاست مستقل مطبوعات بوزارت مطبوعات ارتقاءیافت وتاسال ۱۳۵۸درحدودچهارده روزنامه چهل مجله، چهارجریده وسه نشریه غیرموقوته درمطابع مختلف کشورطبع ونشرمیشد.(۱) از زمانه های سابق مردم این کشور به کتاب وکتابخانه علاقه مفرط داشتند اگرچه کتابخانه های عمومی که آثارگزیدهء علما سابق درآن موجود باشد نسبت حوادث جنگ ها باقی نمانده است اما میتوان گفت که محصول افکار علما ودانشمندان و آثار خطاطان ماهرتوسط اشخاص با ذوق وعلم دوست جمع آوری گردیده کتابخانه های شخصی و انفرادی را ترتیب وبرای استفاده خود وسایر علاقه مندان علم دوست میگذاشتند .

اولین کتابخانه رسمی افغانستان کتابخانه عامهء کابل که در ابتدابنام کتابخانه ملی موسوم بو د در بوستان سرای کابل (پارك زرنگار) اساس یافت. دومین کتابخانه مهم کشور کتابخانه پوهنتون کابل میباشد که با تاسیس پوهنحی طب اساس یافت و باتاسیس فاکولته های دیگرانکشاف کرد این کتابخانه باعصری ترین سیستم کتابخانه مجهزبوده وبیش از سه صد هزارجلد کتاب قلمی ومطبوع به السنه های مختلف آماده توزیع داشت. علاوتاً هروزارت خانه ،مکاتب، بانك ها ، پوهنحی

---

(۱) محمد کاظم آهنگ: سیرژورنالیزم درافغانستان جلد اول. کابل. انجمن تاریخ و ادب افغانستان ۱۳٤۹ ص-۲.

ها ، موسسات علمی وفرهنگی دارای کتابخانه میباشد قراراحصائیه سال ۱۳۵۸ درحدود ۳۵۸ کتابخانه در نقاط مختلف کشور درخدمت متتبعین قرار داشته وتعداد کتب آنها به بیش ازچهارصد هزارجلد میرسید.

رادیو تلویزیون :

هویدا است که برای تنویر اذهان عامه وبلند بردن سویه علمی ومعنوی افراد جامعه رادیو وتلویزیون نقش ارزنده دارد درسال ۱۳۰٤ هـ ش دودستگاه کوچك رادیو پرودکاستنگ به کابل نصب و به کارآغازکرد درسال ۱۳۰۷ تحول دریکی از دستگاه ها بعمل آمد وقوه آنرا تا ۲۰۰وات بلند برد این دستگاه بطول موج ۳۶۰ مترکه فاصلهء نسبتاً بعیدتریعنی ۷۰۰ کیلومتر ازآن استفاده کرده میتوانست برودکاست می نمود ودرسال ۱۳۱۵ یك دستگاه بیست کیلوواته دارای موج متوسط بکار آغاز کرد از آن زمان انکشاف آن سریع تر گردید یعنی ظرفیت عمومی آن تا هشتاد وپنج کیلوات و اوقات نشراتی آن نیز زیاد شد. علاوتاً درسالهای اخیر دارای شش واحد استدیوی ثبت دو واحد استدیو کاپی وسه واحد استدیو نشراتی گردیده است و درسال ۱۳٤۱ چنین تصویب شد که رادیوملکیت تمام مردم افغانستان است وبرای تمام اتباع یکسان خدمت میکند از این رو اسم آنرا از رادیوکابل به رادیو افغانستان تعویض

نمودند.

تلویزیون که یکی ازجملهء وسایل ارتباط جمعی بوده بمقایسهء باسایروسایل ارتباط جمعی برای تنویر اذهان عامه خدمات ارزنده انجام میدهد. اگرچه این وسایل جمعی در دنیا آنقدر ها قدامت ندارد امانظربه اهمیت که دارد در زود ترین فرصت در سراسر جهان انتشارنمود.

تلویزیون درکشورماجدیداً بکارآغازکرده است یعنی این شبکه ازجمله سیستم های بسیارپیشرفته ویکی ازشبکه های رنگه به سیستم پال است که درسال ۱۳۵۷شروع به فعالیت کرد.

استدیو های این دستگاه‌ازسال ۱۳۵٦ بسته بندی و در اوایل حمل ۱۳۵۷به نشرات خود آغاز کرد ودرماه میزان همان سال رسماً افتتاح گردید وبانصب دستگاه های مارس وشمشاد افغانستان کشورهای جهان که دارای تخینک مدرن مخابراتی اقمارمصنوعی اند قرارگرفت وفعلاً در اکثر ولایات کشو شبکه های تلویزیون بکارافتاده است.

سینما وتیاتر:

بیش از٦٥- .۷سال اشت که تیاتر و سینما درکشور ما شروع بکارکرده است ونظربه اهمیت آن همواره درحال انکشاف میباشد. اولین سینما در زمان حبیب الله خان درارگ شهرکابل

که درآن زمان مجیك لالتین یاد میشد به فعالیت آغازکرد. دراین سینما عکس ها و یافلم های متحرك بدون آواز روی پرده منعکس میشد. ازسال ۱۳۰۰هـ ش ببعد بادرنظرداشت انکشاف تخنیکی وهنری درجهان درسینما های کشور نیزتحولات رونماگردید در ابتدا سینما ها جنبهء تفریحی داشت امابعداً برای تنویر اذهان عامه وخدمات عرفانی، کلتوری وغیره قدمهای مثبت برداشت. فعلاسینماسکوپ در پهلوی دیگر سینما ها که نوع انکشاف یافته تر آن میباشد به نمایش فلم های بزرگ و رنگه تقریباً درتمام سینماهای افغانستان شروع به نمایش کرده است. و تعداد سینماهای کشور به ٤٠ عدد در سال ۱۳۷۰ میرسید.

بعد ازتاسیس ریاست مستقل مطبوعات ۱۳۲۲هـ ش مفکورهء تیاتر درکشورماتقویت یافت و ادارهء خاص برای ترتیب ونظم امورتیاتر شروع به نمایش درامه هاکرد. ازآن ببعد تیاتر درولایت ها نیز راه یافت. ودرسال ۱۳٤۲ موسسه هنرهای زیبادرسه بخش موسیقی ، نقاشی وهیکل تراشی وارت دراماتیك درچوکات مطبوعات کشورشروع به فعالیت کرد و با تاسیس هنرهای زیباواستخدام ریژی سورها به تعداد نمایش نامه ها افزایش بعمل آمد. وتاسال ۱۳٦۰ هـ ش به تعداد ۱٤۰ نمایش نامه درمعرض تماشا قرارگرفت.

فصـــــــل چهارم

جغرافیای اقتصادی افغانستان

۱- زراعت :

افغانستان یك کشورزراعتی است هرگاه نظری به وضع اقتصادی گذشته وحالیه افغانستان انداخته شود دیده میشود که اسا س اقتصاد کشوربالای سکتورزراعت استوار است چنانچه واضح است زراعت قسمت اعظم عایدات کشور را برآورده ساخته و درحدود ۸۵ فیصد نفوس افغانستان به زراعت وفعالیت های زراعتی مصروف اند .ازجمله تمام زراعین تقریباً درحدود ۸۳ فیصدآن مصروف زرع انواع غله جات ،حبوبات ومیوه جات بوده ده فیصد کوچي ها را تشکیل داده که به پرورش مواشی مشغول اند ومتباقی ۷ فیصد به سایر فعالیتهای زراعتی اشتغال میورزند .زراعین علاوه برتولید موادخوراکه ، مواد خام موردضرورت صنایع ازقبیل نساجی (نخی و پشمی) نجاری ، روغن نباتی ، شکر ، پوست ، چرم،پشم و پوست قره قل وغیره را نیزتهیه میداردند. علاوتاً یك تعداد ازمردم درقسمت تجارت وحمل ونقل مواد زراعتی مصروفیت داشته که

باین لحاظ گفته میتوانیم که اقتصاد مملکت درگذشته وحال به منابع سرشار زراعت مربوط بوده وبرای سالیان متمادی نیز اکثریت باشندگان این کشور معیشت خویش را ازطریق تولیدات مواد زراعتی تامین خواهند کرد.

ناگفته نباید گذاشت که مدتها قبل افغانستان نسبت بدست آوردن اسعارخارجی برصادرات مواد زراعتی متکی بوده وصادرات مواد زراعتی اکثریت فیصدی عایدات کشور را تامین میکرد ازوقتیکه گازطبیعی در معرض صادرات قرارگرفت مواد زراعتی نقش انحصاری خود را ازدست داده از ۸۵ فیصد درسال ۱۳۴۵هـ ش به ۳۷ فیصد درسال ۱۳٦٤هـ ش تقلیل یافت. اما باآنهم مواد زراعتی درحال حاضروهم درآینده ازمهمترین منبع برای مصارف داخلی وهم برای تهیه اسعار خارجی پنداشته میشود .

طوریکه ذکرگردید باوجود آنکه سکتورزراعت در پیشبرد فعالیت های اقتصادی کشوررکن اساس شمرده میشود امازراعت درافغانستان بشکل ابتدایی صورت گرفته تنها دربعضی ازقسمت های ازوسایل جدید تخنیکی، تخم های اصلاح شده وکودکیمیاوی استفاده بعمل می آید. درحالیکه دراکثرحصص افغانستان از ۵ تا ۷۵ فیصد زمین های زراعتی نظر به قلت آب همه ساله بوره گذاشته میشود.

بصورت عموم ۷,۹ ملیون هکتار ویا ۱۲فیصد اراضی افغانستان تحت زرع قرار دارد و از جمله ۳,۵ ملیون هکتار آن دارای سهولت آبیاری میباشد اما درجریان سال تنها ۲,٦ ملیون هکتار آن ازنعمت آبیاری برخوردار میگردد. چون سیستم آبیاری دراکثرحصص افغانستان بشکل غیرفنی وعلمی صورت میگیرد از این رو قلت آب در اکثرحصص محسوس میگردد. زراعین برای زراعت خویش از آب دریا ، چشمهء ،کاریزها وچاهها استفاده نموده که این مقدار آب بهجوجه کافی نبوده و ضرورت بیشترآب درهمه جاو در جریان نمو وحاصل دهی احساس میگردد مقداربارندگی هم بقدرکافی نبوده دربعضی مناطق بصورت قطعی کفایت نمی کند. علاوتاً نفوس روزافزون کشوروبلند رفتن سویه حیات مردم ایجاب میکند تا دروضع زراعت تغییروتحول پدید آید ودرمقدار مواد زراعتی ازلحاظ کیفیت وکمیت بهبود بعمل آید تا جوابگوی نیازمندی درراه انکشاف وبهبود وضع اقتصادی وسویه حیات مردم درصورت فعلی وآینده واقع گردد.

بناً حکومات افغانستان ازمدتها قبل متوجه این وضع بوده میکوشید تا باتاسیس پروژه ها زراعتی و آبیاری وبکاربردن کودکیمیاوی و استعمال وسایل جدید تخنیکی زراعتی تاحد امکان دروضع زراعت تغییرات را پدید آورد ومقدارتولیدات مواد زراعتی را افزایش دهد.

جدول شماره (٢٣) مساحت ونوع اراضی را درکشور درسال ١٣٧٠ نشان میدهد.(١)

شماره	نوع اراضی	ساحه به هزار هکتار	فیصدی نظر به مساحت
	مجموع ساحه جغرافیای کشور	٦٥٢٢٢٥	١٠٠
١	اراضی زراعتی	٣٩٦١٠	٦٠,٧
	اراضی قابل کشت	٧٩١٠	١٢,١
	اراضی تحت کشت	٢٨٤٣	٤,٤
	اراضی تحت کشت نباتات موقتی	٢٧٤٣	٤,٢
	اراضی تحت کشت نباتات دایمی	١٠٠	٠,٢
	اراضی تحت کشت زمین های آبی	٢٠٠٩	٣,١
	اراضی تحت کشت زمین های للمی	٨٣٤	١,٣
	اراضی که فعلا تحت کشت قرارندارد	٥٠٦٧	٧,٨
٢	علفچروچمن ها	٣٠٠٠٠	٤٦,٠
٣	جنگلات	١٧٠٠	٢,٦
	سایر اراضی زمین های غیر زراعتی به شمول کوه ها	٢٥٦١٢,٥	٣٩,٣

پروژهء انکشافی وادی هلمند وارغنداب :

دریای هلمند که ازجملهء بزرگترین دریای افغانستان بشمار رفته و از لحاظ حوزهء آبگیر تقریباً نصف ساحه کشور را احتوامیکند. چون این دریا دارای جریان منظم نمی باشد از اینرو ازآب ان آنقدراستفاده بعمل نمی آید .

---

(١) سالنامه احصائیوی ١٣٧٠. دولت اسلامی افغانستان. کابل: وزارت احصائیه ص.١٠٣.

مردم سابقه محل ونفوسیکه جدیداً دراین منطقه مسکن گذین شده اند ازلحاظ کمی آب خیلی ها بمشکلات قرارداشتند وحکومت وقت درصدد آن شدند تا بندها و آنهارراابرای آبیاری در این ساحه اعمار نمایند بناءً هدف از اعمار این پروژه عبارت از آبیاری وتحت زرع درآوردن یك قسمت زیاد از زمین های بایرجهت بلند بردن حجم تولیدات زراعتی و اسکان یك تعداد ازمردمان خانه بدوش وبی بضاعت کشوربود .

ساختمان کانال بغرا درسال ۱۹۳۵م (۱۳۱٤ هـ ش) توسط متخصصین جاپانی آغازگردید اما درسا ل ۱۹٤۱م به نسبت وقوع جنگ جهانی دوم کاراین پروژه معطل گردید. کارساختمانی این کانال باردیگر با یك ساحه وسیع ترمنحیث یك پروژه درسا ل۱۹٤٦م باعقد قرار داد بایك کمپنی امریکائی (موریسن کنودسن) دوباره شروع شد.

درسال ۱۹۵۲ م ریاست وادی هلمند تاسیس شد درابتدا سرمایه اعمار این بندتوسط حکومت افغانستان تمویل میشد امابعداً با اولین قرارداد قرضهٔ امریکایی کار این پروژه درسال ۱۹۵۰م (۱۳۲۹هـ ش) شروع گردید. اعماربندها بالای دریای هلمند وارغنداب که عبارت از بندهای کجکی وارغنداب باشد در دهه اول اکمال گردید و اکمال کانالهای عمده دراواسط دههٔ بعدی در اراضی تحت این پروژه چون درویشان، شمالان، نادعلی، مارجه وگرشك صورت گرفت.

بند کجکی که به صد کیلومتری شمال شرق گرشك واقع است ازبزرگترین بندها است کار احداث این بند درسال ۱۹۵۰م شروع ودرسال ۱۹۵٤م تکمیل گردید. ارتفاع این بند صد متربوده و درحصهء فوقانی به ۲۷۵مترمیرسد کاسه این بند ۵۸کیلومتر طول و ۲ کیلومترعرض را بوجود آورده است این بند دارای دوتونل است که یکی آن برآی آبیاری وديكرآن برآی استحصال برق اعمار شده است هرگاه برق این کانال تکمیل میشد ۱۲۰۰۰هزارکیلوات برق ازآن استحصال میگردید.

بند ارغنداب بعد ازبند کجکی دومین بند بوده کارساختمانی آن در سال ۱۳۲۹هـ ش شروع ودرسال ۱۳۳۱ تکمیل شد. ارتفاع این بند ۵۰ متربوده بند را به طول ۱۸ کیلومتر و عرض دو کیلومتر میسازد. این بند درحوزه دهله بالای دریای ارغنداب بنایافته است. سربند بغرا، درویشان ،سراج وبند دهله مربوط این حوزه بود، هريك آن هزاران جریب زمین را آبیاری میکند. ظرفیت کانال بغرا که بطول ٧٤ کیلومترحفر گردیده است ۲۵۰۰ مکعب فت درثانیه بوده وازآن برای آبیاری اراضی شمالان ، مارجه، نادعلی وزمین هائیکه بین گرشك و شمالان واقع است استفاده بعمل می آید. دستگای تولید برق آبی گرشك که ظرفیت تولیدی آن ۲٤۰۰ کیلوات است ساحهء گرشك ،مارجه ، نادعلی وبست ازبرق آن مستفید میگردد.(۱)

---

(۱) حمیدالله امین، محمد ظریف تنیوال. جغرافیه اقصادی افغانستان. انتشارات پوهنتون کابل: سال، ۱۳٦۸، ص ۲۲.

پروژه انکشافی وادی ننگرهار:

این پروژه در شرق افغانستان به ارتفاع تقریباً ۶۰۰ متر موقعیت داشته توسط دریای کابل و معاونین آن آبیاری میگردد. پروژه ننگرهار در قسمت راست دریای کابل بین تنگای درونته و قریه هزارنو واقع بوده تقریباً ۵۰۰ کیلومتر مربع مساحت دارد. ساحه اراضی زراعتی و غیر زراعتی آن به ۳٦۷۲۹ هکتار معادل ۱۸۳٦٤٥ جریب زمین بالغ میگردد که از آنجمله تقریباً ۸۰۰۰ هکتار آن را اراضی غیر قابل ابیاری تشکیل میدهد.

امور ساختمانی این پروژه توسط کار گران اتحاد شوروی سابق در سال ۱۳۳۷ هـ ش آغاز و در اواخر ۱۳٤۳ تکمیل گردید. ظرفیت آب بند این پروژه ٤۱ ملیون متر مکعب بالغ گردیده علاوتاً یك تونل آبگردان به طول ۵۳ متر که ظرفیت آن به ۱۲۰ متر مکعب آب فی ثاینه میرسد در جناح راست دریای کابل بباخته شده است. از جمله پیمانه آب آن صرف ٤۰ متر مکعب آن برای زراعت و متباقی ۸۰ متر مکعب آن برای استحصال برق بکار میرود.

از کانال که بمنظور آبیاري استفاده میشود. برای آبیاری در فارم زراعتی هده و غازی آباد که بیش از ۵۷۰۰ هکتار ساحه را احتوا میکند مدنظر گرفته شده است علاوتاً این مقدار

آب برای دو فارم دیگر که در آینده اعمار آن مدنظر گرفته شده است کفایت میکند در دو فارم اولی عمدتاً اشجار ستروس و زیتون تربیه میشود.

بند سرده:

بند سرده در ۳۷ کیلومتری جنوب شرق شهر غزنی موقعیت داشته کار ساختمانی آن در سال ۱۳۳۹ هـ ش شروع گردید. بند سرده یك بند خاکی بوده دارای سی متر ارتفاع میباشد ذخیرهء آب آن از آبهای زمستانی و بهاری و سیلابهای دریای جلگه صورت گرفته وادی جلگه واندر غزنی که. . ۲۷۵هکتار ساحه را احتوا کرده است درتحت بند سرده واقع شده است ازجمله اراضی این حوزه . . ٤ . ۲ هکتار آن از آب ذخیره بند سرده مستفید شده و متباقی اراضی ازآب کاریزها و چشمه سارها بهره مند میگردند.

کانال اصلی که از بند سرده کشیده شده است . . ۹ متر طول داشته و ۱۵ متر مکعب آب فی ثانیه ظرفیت دارد. از این کانال دو کانال دیگر منشعب شده کانال سمت چپ آن ۳. کیلومتر و دارای ۸ متر مکعب آب فی ثانیه ظرفیت میباشد از این کانال شبکه های متعدد بهرسمت برای آبیاری تمدید یافته است. کانال سمت راست آن ۲. کیلومتر طول وهفت متر مکعب آب فی ثانیه ظرفیت دارد و از این کانال نیز شبکه های مختلف به هرسمت جهت آبیاری تمدید یافته است.

پروژه آبیاری پروان:

این پروژه که توسط کارگران جمهوریت مردم چین اعمار شده است. امور ساختمانی این پروژه در سال ۱۹۶۸م (۱۳۴۶هـ ش) آغاز و در سال ۱۹۷۱م به پایه اکمال رسیده است. بند آبگردان این پروژه بالای دریای پنجشیر و سیفونهای آن بالای دریای غوربند اعمار شده است طول عمومی کانال ۲۴،۳ کیلومتر بوده ۲۷ متر مکعب آب فی ثانیه ظرفیت دارد این کانال تا شهر چاریکار تمدید یافته و از آنجا به دو قسمت تقسیم میگردد که بنام کانال شرقی و کانال جنوبی یاد میگردد و از این کانال ها شبکه های مختلف به هر سمت و به ظرفیت های مختلف تمدید یافته است. همچنان بمنظور تولید برق در کانال شرقی یك دستگاه تولید برق که دارای سه توربین هریك به ظرفیت ۸۰۰ کیلوات و ظرفیت مجموعی ۲۴۰۰ کیلوات میباشد احداث گردیده است از برق این دستگاه برای تنویر شهر چاریکار و هم برای دستگاه واترپمپ ها که آب را به ارتفاع مختلف میرساند استفاده صورت میگیرد . این دستگاه در شمال شرق شهر چاریکار موقعیت دارد.

نباتات عمده، زراعتی:

گندم: گندم از جمله، قدیمترین گیاه است که بشر بآن بلدیت داشته و بصورت عموم نمو این نبات در عرض البلد های

متوسط کرهء ارض خیلی مساعد میباشد. چون سر زمین افغانستان از لحاظ موقعیت جغرافیای نیز در عرض البلد متوسط قرار دارد از این رو زرع گندم از زمانهای بسیار قدیم در این سرزمین رواج داشته و اساسی ترین خوراکهء مردم افغانستان را تشکیل میدهد. گندم در ارتفاعات مختلف افغانستان رویده زرع و تولید آن از ۳۰۰ متر تا ۳۵۰۰ متر ارتفاع امکان پذیر میباشد. همچنان از ۵۰ تا ۶۰ فیصد اراضی زراعتی افغانستان برای زرع و استحصال گندم تخصیص یافته است و اگر اراضی گندم را با اراضی سایر غله جات مقایسه کنیم زرع گندم ۹۰ فیصد اراضی را احتوا میکند. چون در اکثر حصص افغانستان تحت شرایط مختلف زرع گندم امکان پذیر است از این رو انواع گندم که تقریباً بیش از صد نوع آن تشخیص و متمایز شده است در نقاط مختلف افغانستان میروید از همین جهت است که افغانستان از نظر داشتن انواع مختلف گندم در زمرهء ممالك جهان مقام برازنده دارد.

در افغانستان گندم از لحاظ زرع از دو نوع روش کار میگرند یکی گندم نوعی بهاری و دیگر گندم نوع خزانی که بنام گندم نرم و گندم سخت نیز مسمی اند.

تمام انواع گندم سخت از نوع گندم بهاری هستند و محصول آن نسبتاً کم میباشد برعکس گندم پایزی یا خزانی دارای

خاصیت نرم بوده حاصل دهی آن نسبتاً بیشتر است. هر دونوع آن در تمام نقاط افغانستان رویده انواع گندم بهاری عموماً آبی بوده و گندم پایزی بصورت عموم للمی و بعضاً آبی نیز میباشند.

شرایط طبیعی برای نموی گندم سخت بهاری در جنوب شرق افغانستان بیشتر میسر است و از نوع گندم بایزی در مناطق شمال، غرب و جنوب غرب کشور بیشتر کشت میگردد بناء ولایات مانند کندز، تخار، سمنگان، بلخ، جوزجان، فاریاب، بادغیس، هرات، فراه، نیمروز، هلمند، ارزگان و کندهار دارای اراضی زراعتی گندم نوع پایزی یانرم اند اما در ولایات کابل، لوگر، وردك، میدان، پروان، کاپیسا انواع گندم سخت خوبتر حاصل میدهد.

مهمترین مناطق گندم خیز افغانستان ولایت کندز، تخار و سمنگان میباشد قسمت اعظم تولید گندم یعنی تقریباً دو ثلث گندم تولید شده در مراکز تولیدی به مصرف میرسد و یك ثلث آن همساله در بازار های داخلی در معرض فروش قرار میگردد.

جدول شماره (٢٤) تولیدات گندم را در سالهای ٦٨ و ٧٠ نشان میدهد. (١)

---

(١) سالنامه احصائیوی. دولت اسلامی افغانستان. وزارت احصائیه. کابل: ١٣٧٠. ص ٢٦١ .

جدول شماره ۲٤

تولیدات	۱۳٦۸	۱۳٦۹	۱۳۷۰
گندم	۲۲......تن	۱٦٥....تن	۱۷۲٦...تن

برنج: برنج که از جمله غله جات عمده، کشور محسوب میگردد بعد از گندم مصرف بیشتر دارد. برنج غالباً در مناطق زرع میگردد که آن منطقه دارای آب و هوای گرم و آب کافی داشته باشد. برنج نیز نظر به مناطق و تغیرات آب و هوا به انواع و اقسام مختلف دستیاب میگردد اما دو نوع عمده، آن که از لحاظ جنسیت طعم و منطقه، زرع آن اختلاف دارد و از هم متمایز اند مانند برنج باریك و برنج لك در افغانستان شهرت زیاد داشته در تمام نقاط افغانستان مصرف دارد. (۱)

برنج باریك که از لحاظ ارزش و طعم دارای انواع مختلف است در نواحی گرم و مرطوب که دارای آب کافی باشد میروید.

سه ولایت در شرق و سه ولایت در شمال از لحاظ زرع برنج وتولید آن به پیمانه وسیع حایز اهمیت اند مانند ولایت لغمان، کنرها و ننگرهار در شرق، بغلان، کندز و تخار در شمال از لحاظ دارا بودن برنج باریك شهرت فراوان دارند و میتوان گفت که مقدار تولیدات این شش ولایت به تمام سرزمین افغانستان

(۱) حمید الله امین: جغرافیای اقتصادی افغانستان. انتشارات پوهنتون کابل: پوهنحی زمین شناسی، سال ۱۳٦۸ ص.٤

بمصرف میرسد. یك مقدار برنج باریك از پاکستان به افغانستان وارد میگردد. افغانستان از لحاظ تولیدات برنج متکي بخود بوده اما در این اواخر زرع آن در ولایت هرات، میدان، لوگر و پکتیا نیز صورت گرفته اما بمقایسه نقاط فوق الذکر حایز اهمیت نمی باشد.

برنج لك در ولایت میدان وردك، لوگر، بغلان و تخار نیز زرع و تولید میگردد. برنج لك وردك از لحاظ طعم و نوعیت دارای مقام اول میباشد. اما مصرف برنج لك نسبت به برنج باریك بسیار کم است.

در افغانستان زرع برنج بصورت عموم در اواخر ماه ثور شروع شده و تا اوسط ماه جوزا دوام میکند اندازهء محصول و نوعیت برنج به چگونگی اقلیم و نوعیت خاك ارتباط میگیرد حاصل برداری برنج نیز در مناطق مختلف مختلف است اما تولیدات برنج از ماه سنبله تا ماه میزان دوام میکند.

زرع و تولید برنج در نقاط مختلف افغانستان بشکل سابقه و ابتدائی صورت گرفته در زمان سابق تا کنون در قسمت تولید و زرع آن انکشاف قابل ملاحظه پدیدنیامده است. یعنی نه از طرف حکومت و نه از طرف مردم کوشش شده است تا از تکنالوجی پیشترفته در قسمت تولید آن استفاده بعمل آید.

بناًء انواع تولید آن توسط دهاقین بدون وسایل پیشرفته

صورت میگیرد.

تولیدات در سال های	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰
برنج به تن	۳۲۰۰۰۰	۳۳۳۰۰۰	۳۳۵۰۰۰

جواری:

جواری مواد عمدهء غذائی یك تعداد مردم افغانستان را تشکیل میدهد در مناطق نسبتاً گرم و مرطوب زرع آن امکان پذیر است ولایات مانند پکتیا، پکتیکا، ننگرهار، لوگر و سایر مناطق که دارای آب و هوای مشابه باشند برای نشوونما جواری خیلی ها مساعد است و بصورت عموم غذای اصلی زمستانی اهالی مناطق فوق الذکر را تشکیل میدهد. علاوتاً یك مقدار آن برای حیوانات خاصتاً برای پرنده گان بمصرف میرسد. زرع جواری در افغانستان بشکل آبی بوده و تمام تولیدات آن بمصرف داخلی میرسد یعنی صادرات و واردات جواری در افغانستان تاکنون صورت نگرفته است.

تولیدات جواری به تن	۱۳۶۸	۱۳۶۹	۱۳۷۰
	۶۱۰۰۰	۴۳۰۰۰۰	۴۲۰۰۰۰

جو: جو نیز از جمله غله عمده بشمار رفته ساحه زرع آن بعد از ساحه گندم قرار داشته و نسبت به گندم به اقلیم سرد زیاده تر مقاومت دارد. و یا به عبارهء دیگر جو در مناطق بیشتر زرع میگردد که امکان زرع گندم و سایر غله جات در آن

کمتر باشد در افغانستان عموماً جو را برای تغذیه حیوانات بمصرف میرسانند. و یك مقدار کم آن بمصرف غذای مردم نیز تخصیص داده میشود. سایر حبوبات از قبیل لوبیا، ماش، نخود، باقلی، مشنگ وغیره که از جمله مواد غذائی درجه دوم بشمار میرود توسط زراعین در حاشیه زمین های خود آنها را زرع نموده هم بمصرف خود هم به بازار عرضه میدارند.

سبزیجات نیز از جمله مواد عمدهء غذائی افغانستان شمرده شده مصرف روزمره آن خیلی زیاد است در جریان سالهای اخیر انواع مختلف سبزیجات نظر به فصل سال در غذای مردم خاصتاً شهر نشین ها افزوده شده است مانند کچالو، بادنجان سیاه سبزی پالك، پیاز، گندنه، سیر، بادنجان رومی، گشنیز، نعنا، بامیه، کدو، فاسولیا، ترائی وغیره بصورت عموم زرع سبزیجات درحومه های شهر بیشتر صورت گرفته که روزمره در مارکیت ها بسهولت آورده شده بفروش میرسد.

میوه:

شرایط آب و هوا و تاثیر محیط طبیعی افغانستان برای نمو انواع مختلف اشجار میوه دار خیلی مساعد بوده انواع مختلف میوه های خود رو و تربیه شده در نقاط مختلف افغانستان نمو نموده حاصلات آن خوب و قناعت بخش میباشد. و یك مقدار عمدهء آن قلم مهم صادراتی کشور را تشکیل

میدهد.

میوه خود رو که عبارت از جلغوزه و پسته باشد اولی آن در صفحات شرقی و جنوبی کشور و دومی آن در شمال غرب کشور بصورت جنگل نمو کرده نموی آنها تایك ارتفاع معین پیش میرود.

سایر درختان میوه که توسط زارعین تحت تربیه قرار داده شده عبارت اند از: انگور، انار، سیب، ناك، بهی، زرد آلو، قیصی، شفتالو، گیلاس، آلوبالو، آلو بخارا، خربوزه و تربوز چارمغز، بادام، انجیر، همچنان میوه جات منطقهء مدیترانه ئی از قبیل لیمو، مالته، کینو، سنتره، خرما و غیره.

درختان میوه که فوقاً ذکر شد تقریباً در تما نقاط افغانستان رویده هر یك از نقاط در تولید یك یا دوسه نوع میوه شهرت بسزا دارد مثلاً ولایت کندهار در قسمت تولید انواع انگور، انار، ولایت هرات در تولید انواع انگور، تاشقرغان در قسمت تولید انجیر، انار و ناك ولایت ننگرهار در تولید لیمو، مالته و کینو، شهرت زیاد دارند. اما انواع میوه جات در اکثر ولایات افغانستان مانند کابل، پروان، تخار، بدخشان، بغلان، سمنگان، فاریاب، بادغیس، هرات، فراه، هلمند، کندهار، زابل، ارزگان، غزنی، لوگر، پکتیا، ننگرهار، کنرها وغیره رویده حاصلات قناعت بخش دارد.

میوه جات در افغانستان بدو طریق هم بصورت خشك و هم بصورت تازه در خود منطقه و بقسم صادرات در داخل شهرها و هم در خارج در معرض تبادل قرار میگرد.

تقریباً از تمام میوه افغانستان هم بصورت تازه مانند انگور، سیب، خربوزه، تربوز، انار، ناك، بهی وغیره وهم بصورت خشك از قبیل کشمش، بادام، بسته، خسته، جلغوزه، آلوبخارا وغیره در معرض صادرات قرار میگیرد. صادرات میوه در اقتصاد افغانستان تاثیر زیاد داشته مهمترین قلم در تجارت خارجی مملکت بشمار رفته و در سال ۱۳٦٤هـ ش .٤ فیصد ارزش مجموعی صادرات را احتوا میکرد در همان سال جمعاً مقدار ٦٩١٢ تن میوه تازه و ٦٣٨٦ تن میوه، خشك از کشور صادر شده بود. (۱)

در زمره میوه جات انگور حایز اهمیت فوق العاده بوده مخصوصاً در هرات، قندهار، غزنی، پروان، کابل ساحه، وسیع را احتوا نموده است. انگور نه تنها از لحاظ مصرف داخلی بلکه از لحاظ صادرات حایز اهمیت بود در حدود ۲۸،۵ فیصد تولیدات انگور بشکل تازه و یا کشمش بخارج صادر میگردد.

در افغانستان بیش از ٤٥ نوع انگور یافت شده مهمترین آن انگور کشمشی، حسینی و آبجوش میباشد انگور کشمشی

---

(۱) اداره، مرکزی احصائیه سالنامه احصائیوی. ۱۳٦٤ ص ۱۹٤

از تمام انواع زیاد بوده هم بصورت تازه و هم بصورت خشك مشتریان زیاد دارد، کشورهای هند، پاکستان و اتحاد شوروی سابقه از جملهء مشتریان عمده محسوب میگردید.تقریباً بیش از نصف تولیدات عمومی کشمش در ولایات کابل و پروان و متباقی از سایر ولایات بر آورده میگردد.

بصورت عموم باید اظهار داشت که میوه های افغانستان در تمام جهان شهرت داشته و در تمام بازار های جهان مشتری دارد اما نسبت دوری مسافه وعدم موجودیت و سایل حمل و نقل و یخچالهای عصری صادرات میوهء تازه به ممالك اروپائی کمتر میسر میگردد. اما میوه خشك مانند بادام، پسته و خاصتاً کشمش باپکینگ عصری در ممالك اروپائی وحتی امریکایی مشتریان دارد.

تولیدات میوه تازه در سال ۱۳۷. ...۱۵۸۵تن و تولیدات میوه خشك در همان ساله ...۶۴۲.۹تن رسیده بود.(۱)

نباتات صنعتی:

پنبه: پنبه یك نبات سابقهء افغانستان بوده از زمانها بسیار سابق توسط زراعین کشت میشد و برای البسه ازآن استفاده صورت میگرفت. قدامت زرع این نبات تا حدود ...۳ ق م در

(۱) سالنامه احصائیوی. دولت اسلامی افغانستان. وزارت احصائیه. سال ۱۳۷. ص۱۸۵

هند و نقاط همجوار آن با استناد موثق ثابت شده است که در حدود ٤ سال قبل از میلاد زرع این نبات در باختر زمین معمول بود زرع پنبه که در هوای نسبتاً گرم و آب و افرسازگار است بناءً در اکثر حصص ولایات شمال، غرب و شرق افغانستان زرع آن امکان پذیر است. اما در ناحیه شمال کشور یعنی ولایت کندز. بغلان، تخار و بلخ ساحهء وسیع را شغال کرده است.

زرع پنبه در ولایت پروان و ننگرهار به پیمانه کم که مصرف خود منطقه را تکافو کند صورت میگیرد. قبل از سال ۱۳۱۵ زرع پنبه بسیار محدود بود زیرا پنبه مورد نیاز کشور که عموماً صنعت آن توسط دست صورت میگرفت بسیار کم و محدود بود اما موقعیکه فابریکه های نساجی در داخل کشور روبه توسعه گذاشت توجه حکومت نیز به زرع پنبه بیشتر مبذول گردید و در زمینه دهقانان تشویق گردیدند تا در زرع و تولید پنبه سعی وجدیت لازم بخرچ رسانند ازاین رو امروز پنبه نه تنها ضروریات داخلی را تکافو میکند بلکه بخارج نیز صادر میگردد.

لبلبو: لبلبو از جمله نباتات سابقه افغانستان بشمار رفته آب و هوای نسبتا گرم و به آب کافی ضرورت دارد. تا زمانیکه فابریکه بغلان احداث نشده بود لبلبو در کنج و اکناف مملکت به پیمانه بسیار کم تولید میشد و ازآن بحیث خوراکه مستقیم استفاده بعمل مي آمد اما موقعیکه فابریکه قند بغلان شروع به

فعالیت کرد زرع لبلبوی قندی در ولایت کندز و بغلان که اب و هوای خیلی مساعد برای تولید این نبات دارد توسعهء قابل ملاحظه پیدا کرد.

حبوبات روغنی: حبوبات روغنی که شامل زغر، شرشم، کنجد، گل آفتاب گردان (آفتاب پرست)، و پنبه دانه میگردد در اکثر حصص افغانستان میروید اگرچه ساحهء زرع این حبوبات محدود است اما تولیدات آن رفع حوایج داخلی را کرده میتواند. ساحه زراعتی حبوبات روغنی یا تیل دار تقریباً ٤٠٠٠ هکتار اراضی را اشتغال کرده است. تیل یا روغن این نبات توسط دستگاه هاي ساخت وطن که تقریباً ابتدائی گفته میشود بدست آمده و از تفاله و یا کنجارهء آن برای تغذیه حیوانات استفاده بعمل می آید.

حبوبات روغنی اکثراً در صفحات شمال کشور زرع شده به عوض روغن حیوانی ازآن استفاده بعمل می آید. تیل زغر، شرشم و کنجد توسط دستگاهای کوچك داخلی بدست آمده در حالیکه روغن پنبه دانه در فابریکه سپین زر (در شهر کندز) بصورت فنی و علمی استحصال شده از جمله بهترین روغن نباتی محسوب میگردد.

جنگلات در افغانستان:

جنگلات طبیعی که از جملهء ثروت ملی یك مملکت محسوب میگردد هرقدر در تقویه و انکشاف آن کوشش بعمل

آید بهمان اندازه در ثروت ملی کوشش بعمل آمده است و استفاده ازآن بصورت فنی در راهء ارتقاء سویه زندگی مردم اهمیت بارز دارد. بناءً جنگلات افغانستان که بصورت عموم ۱.۸ میلیون هکتار ساحه را اشغال کرده است از جملهء ثروت با ارزش ملی محسوب شده نه تنها در قدم اول در تقویه بنیه اقتصادی مردم کشور از درك بدست آوردن اسعار خارجی وتوسعهء صنایع و تهیه کار برای مردم بیکار اهمیت خاص دارد بلکه در درجهء دوم بروضع اقلیمی و سرسبزی کشور، جلوگیری از تخریب خاك ذریعهء باد و باران، فرام شدن علوفه برای تغذیه حیوانات وغیره حایز اهمیت خاص میباشد. مجموع چوب جنگلات افغانستان به ۳۰ میلیون متر مکعب سنجش شده ود ر قسمت تولیدات آن چون بصورت غیر فنی و توسط آلات و اسباب خیلی ابتدایی صورت میگیرد ازاین رهگذر ۶۰ فیصد آن در جریان تولید ضایعات را بوجود میاورد. و پیمانهء تولیدات چوب در افغانستان به یك میلیون متر مکعب في سال سنجش شده است. جنگلات افغانستان را به سه گروپ یعنی جنگلات ضعتی، جنگلات پسته، جنگلات پراگنده وبته ئی تقسیم نموده اند.

جنگلات صنعتی: این جنگلات بصورت عموم از اشجار سوزن برگ متشکل بود شامل درختان لمنز، نشتر، سرپ، جلغوزه، ارچه وغیره بوده و در بین این جنگلات علاوه از اشجار

سوزن برگ از درختان پهن برگ مانند بلوط، زیتون، وغیره نیز دیده میشود. این جنگلات بصورت عموم در صفحات جنوب وشرق کشور بنا بر رطوبت مونسون نمو کرده یك ساحهء معادل بیك میلیون هکتار را اشغال کرده است.

در افغانستان ملیون ها درخت زیتون خود رو وجود دارد که بقسم وحشی در ولایات پکتیا، ننگرهار، لغمان و کنرها خاصتاً در نورستان یك ساحهء نسبتاً وسیع را در حدود ۲۰۰ هزار هکتار اراضی اشغال کرده است.

جنگلات‌پسته: جنگلات پسته در صفحات شمال غرب و شمال کشور موقعیت داشته تخمیناً یك ساحه ۳۰۰ هکتار را در ولایت بادغیس و ولایت سمنگان اشغال کرده است.

تولیدات پسته که همه سالهء توسط مردم گرد و نواحی منطقهء بصورت غیر فنی جمع آوری میگردد اگرچه این نوع بهره برداری بمضار ساحه در جنگلات افغانستان تمام میشود اما یك عاید سرشار برای مردم و کشور از طریق فروش در بازار داخلی و از طریق صادرات آن بدست می آید.

(جمع آوری پسته که دریك وقت معین سال توسط مردم منطقه صورت میگیرد که به اصطلاح شول پسته یاد میگردد. پسته چینان فوق العاده به عجله به چیدن پسته شروع کرده وهرکس خواهش آنرا دارد تا مقدار بیشتر پسته جمع آوري نمایند از این رو در وقت جمع آوری صدمه زیاد به شاخچه ها و

حتی بته های پسته وارد میگردد که این نوع عملیه جمع آوری غیر فني بوده در آینده به ضرر جنگلات که سرمایه ملی محسوب میگردد تمام میشود.)

بصورت عموم سالانه در حدود ۱۳۰۰ تن پسته بخارج صادر میگردد از اینرو پسته و جنگلات آن در تقویه وضع اقتصادی مردم و مملکت نقش برازنده دارد چنانچه یك تعداد کثیر مردم که در مجاورت جنگلات پسته بود و باش دارند جهت جمع آوری و فروش پسته معشیت خود و فامیل خویش را تامین میکنند و هم اسعار خارجی از طرق فروش آن بخارج نصیب مملکت میگردد.

جنگلات پراگنده وبته ئی: این جنگلات بنابر مساعدت آب و هوا بصورت پراگنده دردامنه های کوهستانات در نقاط مختلف کشور میروید. اما جنگلات مهم و عمدهء آن در صفحات جنوب و شرق و شمال غرب افغانستان بیشتر بملاحظه میرسد این جنگلات نیز بذات خود حایز اهمیت بوده علاوه از تولیدات آن در جلوگیری از تخریب خاك که از اثر ائتکال باد و باران صورت میگیرد برای تحفظ آن کمك زیاد مینماید.

.مطابق یك تخمین ساحهء جنگلات در ولایت کنرها در حدود ۳۰۰۰ هکتار محاسبه شده که از آنجمله ۱۵۰ هزار آن را چوب های تعمیراتی و متباقي را چوب سوخت تشکیل میدهد بهمین ترتیب ساحهء جنگلات پکتیا نیز به ۳۷۳ هزار هکتار میرسد.

در شمال مملکت نیز جنگلات مهم موجود است که از لحاظ تنوع و وسعت به مقایسه جنگلات جنوبي محدود تر بوده و بصورت متفرق و پراگنده بمشاهده میرسد.

مالداری و علفچرها در افغانستان:

افغانستان که یك مملکت زراعتی و در حدود ۸۵ فیصد نفوس کشور به کارهای زراعتی اشتغال دارند از اینرو هیچ زارع وجود نخواهد داشت که در پهلوی زراعت خود در پرورش مواشي از قبیل گاو، گوسفند، بز، مرکب، اسپ، قاطر و مرغ خانگی اشتغال نورزند اما ناگفته نباید گذاشت که یك تعداد زیاد از مردم خاصتاً کوچی ها محض به تربیه مواشی مشغول اند و وسایل معشیت شانرا از همین طریق تکافو میکنند. مردمان زارع و مالدار علاوه از آنکه از محصولات حیوانی بحیث مواد غذائی استفاده مینمایند از حیوانات برای حمل و نقل و قلبه و استحصال لبنیات، گوشت، پوست، پشم وغیره نیز استفاده بعمل مي آورند. اهمیت پرورش حیوانات از نظر کمیت و کیفیت برای انکشاف اقتصادی مردم افغانستان عامل بزرگ پنداشته میشود. بناءً برای پرورش حیوانات به علفچرهای وسیع و تحفظ آنها از امراض گوناگون ضرورت مبرم احساس میگردد. طوریکه تاکنون بمشاهده رسیده است تلف شدن حیوانات نسبت نبودن آب صحی و کافی و محل بود وباش مناسب برای ایام سرد سال زیاد بوده معمولاً و فیات سالانهء حیوانات افغانستان

را ۲. فیصد تخمین نموده اند.

از جمله حیوانات اهلی که از طرف مالدران و زمینداران پرورش میگردد و در اقتصاد کشور رول برجسته دارد گوسفند قره قل و گوسفند عادی میباشد که تقریباً ۹۵ فیصد در عایدات صادراتی حیوانی کشور سهم دارد.

گوسفند: آب و هوا و ساختمان اراضی افغانستان طوریست که برای تربیه و پرورش انواع مختلف گوسفند خیلی ها مساعد میباشد از اینرو تعداد گوسفندان و بزها بمقایسه سایر حیوانات اهلی بسیار زیاد بوده و قابل مقایسه نمی باشد بصورت عموم در تمام نقاط افغانستان هشت نوع گوسفند محلی پرورش میگردد که عبارت اند از نژاد گوسفند قره قل، نژاد گوسفند غلجائی، نژاد گوسفند بلوچی، نژاد گوسفند هراتی، نژاد گوسفند هزارگی، نژاد گوسفند ترکی، نژاد گوسفند عربی، نژاد گوسفند گدك.

تربیه گوسفند قره قل که از ولایت بدخشان تا هرات گسترش یافته است در اقتصادیات افغانستان و مالداری نقش برازنده بازی می کند چه از پوست قره قل که دارای انواع مختلف مانند کبود، سیاه، سور، شهابی، طلائی، تقر وغیره است بالاپرش، یالان (یال) کلا خیلی نفیس که نسبت به پوست منگ با ارزش تر است ساخته شده و در زمرهء قلم مهم صادراتی کشور محسوب میگردد. اگرچه از گوشت و پشم

گوسفند قره قل نیز استفاده صورت میگیرد اما لذت گوشت و نوعیت پشم آن درجه دوم قرار دارد.

سایر انواع گوسفندان هم برای استحصال شیر، پشم و گوشت تربیه میگردند گوسفند غلجائی که بصورت عموم در قندهار، هلمند و زابل تربیه میشوند دارای پشم اعلی بوده و از گوشت آنهم بصورت اعظمی استفاده صورت میگیرد. گوسفند هزاره گی که در مرکز افغانستان تربیه میگردد از لحاظ گوشت حایز اهمیت بوده طعم گوشت آن بسیار لذیذ و شرین میباشد. از پشم و پوست آن نیز استفاده بعمل می آید. گوسفند نوع نژاد ترکی، عربی، بلوچی، گدك و هراتی هم برای استحصال گوشت، پشم و لبنیات تربیه میگردند. در افغانستان تربیه و پرورش گوسفندان بصورت فنی صورت نگرفته در وقت خشك سالی و سرایت امراض یك تعداد زیات آن سالانه تلف میشود تعداد گوسفندان بصورت دقیق محاسبه نشده تعداد گوسفندان را بشمول گوسفند قره قل به ۳۵ میلیون تخمین نموده اند.

بز: تربیه بز در پهلوی تربیه گوسفند صورت میگیرد، اما بازهم تربیه بز در مناطق کوهستانی خاصتاً کوهستانی شرقی، شمال شرق و جنوبی تربیه میگردد بز برای استحصال گوشت، پوست، شیر و پت صورت میگیرد. پت بز بسیار مشهور بوده اشیای خیلی نفس پتی مانند پتو که قیمت آن نسبت با اشیای پشمی خیلی زیاد است بافته میشود.

گاو: بعد از تربیه گوسفند و بز پرورش گاو در افغانستان بیشتر معمول بوده و تقریباً در تمام افغانستان توسط زراعین و زمین داران صورت میگیرد. از گاو نسبت به سایر حیوانات اهلی استفاده بیشتر صورت میگیرد یعنی علاوه از استحصال شیر، پوست وگوشت برای قلبه وهم برای حمل و نقل نیز استفاده بعمل می آید، در حدود چهار میلیون راس گاو در نقاط مختلف کشور وجود دارد.

علاوتاً شتر، اسپ، مرکب، قاطر، طیور نیز توسط زراعین تربیه و پرورش میگردد هریك از حیوانات درجای خود خیلی مفید بوده از شتر، اسپ، قاطر و مرکب برای حمل و نقل بیشتر استفاده بعمل آمده و طیور را برای تولید تخم و هم برای تولید گوشت پرورش مینمایند.

علفچرها:

چنانچه قبلاً ذکر شد ۸۵ فیصد نفوس افغانستان را زارعین تشکیل میدهد وهریك از زارعین در پهلوی زراعت به شغل مالداری نیز اشتغال دارند اما یك تعداد از مردم محض به پرورش حیوانات مصروفیت دارند که ۲. فیصد نفوس زارع را احتوا میکند مالداران عموماً بشکل کوچی ها از علف ها که ساحات وسیع را در نقاط مختلف کشور اشغال کرده است در جریان سال به چرانیدن حیوانات خویش مصروف اند اخیراً از فوتوهای هوایی چنین واضع میگردد که ساحات علفچر در

افغانستان زیادبوده مساحت آن به ۷ , ٥٤ میلیون هکتار تخمین میگردد که از آنجمله ۱٦,۲ میلیون هکتار آن را علفچر زمستانی ۳. ,۱٦ میلیون هکتار آنرا علفچربهاری و خزانی و ٦, ۲٤ میلیون هکتار آنرا علفچر تابستانی تشکیل میدهد.(۱)

مالداران در جریان سال از این سه نوع علفچرها به ترتیب استفاده کرده حیوانات خویش را تغذیه مینمایند. همچنان علفچرها از لحاظ کیفیت به سه گروپ تقسیم شده ساحه علفچر درجه یك به .۱۲ هزار هکتار رسیده که .۸ هزار هکتار آن چراگاهای زمستانی و .٤ هزار هکتار آنرا چراگاه تابستانی تشکیل میدهد. قسمت اعظم علچرهای درجه دوم در ارتفاعات ۳ تا ٤ هزار متر بلندتر واقع بوده چراگاه تابستانی را تشکیل میدهد. علفچرهای درجه سوم در نقاط مختلف بصورت پراگنده اخذ موقع کرده است.

علفچرهای درجه دوم و سوم ۸۸ فیصد ساحهء عمومی را احتوا میکند علفچرهای افغانستان که از سالهای متمادي باینطرف مورد استفاده قرار گرفته است بناءً قدرت تولیدی آن کاسته شده علاوتاً یك قسمت زیاد علفچرها دراین اواخر به زمین ها للمی کاری مبدل شده است هر دو موضوع فوق به ضرر ساحهء علفچرها تمام میشود و باید باین وضع عطف توجه شود.

---

(۱) غلام جیلانی عارض، محب الله رحمتی، حمید الله امین، جغرافیای عمومی افغانستان - پوهنتون کابل: ۱۳٦۹.ص ۱۷٥.

جدول (٢٥) ساحه تحت زرع مواد زراعتی را نشان میدهد.

(به هزار هکتار)

شماره	انواع مواد قابل زرع	١٣٥٧	١٣٦٥
١	مجموع اراضی قابل زرع	١٢٤٦٥	١٢٤٩٥
٢	مجموع زمین تحت زرع نباتات عمده	٣٨٧٣	٣٨١٦
٣	گندم	٢٣٤٨	٢٣١٣
٤	جو	٣١٠	٣٠٤
٥	برنج	٢١٠	٢١٤
٦	جواری	٤٨٢	٤٨٠
٧	پنبه	١١٢	٦٩,٣
٨	لبلبو	٤,٠	٣,٨
٩	نباتات روغن دار	٥٠,٠	٦٠,٠
١٠	سبزیجات	١٤٠,٥	١٤٣,٥

جدول (٢٦) تولیدات عمدهء مواد زراعتی را به هزار تن نشان میدهد.

شماره	نوع محصولات	١٣٥٧	١٣٦٥
١	مجموع محصولات حبوبات	٤٣٨٢	٤٤٠٨
٢	گندم	٢٨١٣	٢٧٥٠
٣	جواری	٧٨٠	٨١٠
٤	برنج	٤٢٨	٤٨٠
٥	جو	٣٥٢	٣٣٧
٦	نیشکر	٦٤	٧٥
٧	پنبه	١٣٢	٦٠,٠
٨	نباتات روغن دار	٣٥,٠	٤٥,٠
٩	سبزیجات	٧٦٠	٩٧٠

۲- معادن در افغانستان:

از آنجائیکه داشتن معادن و ذخایر منابع معدنی برای صنعتی کردن یك منطقه و یا یك کشور یك امر ضروری وحتمی پنداشته میشود برای ترقی و تعالی یك کشور و برای بلند نگهداشتن سویه حیات مردم یك کشور نیز امر ضروری شمرده میشود چه تعالی و پیشرفت حیات اقتصادي مردم یك مملکت منوط به داشتن منابع معدنی و صورت استفاده از آن میباشد.

اسناد و شواهد نشان میدهد که افغانستان از معادن مختلف که در کنج و کنار کشور موجود است تا هنوز استفاده نکرده و بصورت ابتدائی ومحلی و به پیمانه کوچك آن از انواع مختلف معادن مانند احجار کریمه، طلا، مس، نقره وغیره استفاده کرده است.

تحقیقات جیولوجیکی میرساند که ٢٤ نوع مواد معدنی در ۸۹ منطقهء افغانستان موجود بوده و قابل استفاده میباشد اما تاکنون تقریباً ازاین معادن استفاده صورت نگرفته است. اکثر این معادن ازلحاظ اقتصادی ارزش زیاد داشته ومیتوان اظهار داشت که افغانستان از نظر داشتن معادن غنی بوده و آیندهء درخشانی را از این جهت در قبال دارد.

عمده ترین معادن افغانستان شامل ذغال سنگ، گاز طبیعی، پطرول (پترول) آهن، مس، بیرایت، لاجورد، نمك، طلا، نقره، تلك وغیره میباشد.

ذغال سنگ: ذغال سنگ از جمله، منابع عمده، تولید انرژی در افغانستان بوده خاصتاً بصورت فعلی که منابع نفت و گاز که قیمت آن روز افزون است بناءً ذغال سنگ بحیث یك ماده، مولدانرژی نسبتاً ارزان حایز اهمیت میباشد.

استخراج ذغال سنگ اززمانهای خیلي سابق در افغانستان معمول بوده اما استفاده تجارتي از این مواد معدنی بعد از جنگ عمومی دوم صورت گرفت. و تولیدات سالانه، آن از ۱۲ تا ۱۶۰ هزار تن افزایش یافته است. مقدار و یا پیمانه، ذغال سنگ افغانستان که در اشپشته، کرکر، ینگی، درخان آباد، کرخ هرات ودره، صوف تثبیت گردیده است به ۲۰۰ میلیون تن تخمین گردیده است که از آنجمله ذخایر ذغال سنگ دره، صوف با داشتن ۶۰ میلیون تن، معاون کرکر باداشتن ۱۵ میلیون تن،کرخ هرات باداشتن۹۰۵ میلیون تن،اشپشته باداشتن ۵۰۰ هزار تن ذغال سنگ حایز اهمیت اند.

تولیدات ذغال سنگ سالانه، افغانستان در حدود ۱۵۰ هزار تن بوده که بیشترین تولیدات آن از معادن کرکر و اشپشته بوده تقریباً ۹۰ فیصد را در بر میگیرد. از جمله ذغال سنگ تولید شده ۷۷ فیصد براي سوخت در مـ[illegible] صنعتی و متباقی برای تسخین مورد استفاده قرار میگرد.

گاز طبیعی: گاز طبیعی از جمله معادن مهم در افغانستان بشمار رفته از نظر مصرف آن در داخل و صدور آن در خارج

حایز اهمیت بوده است و همچنان از لحاظ ذخایر آن در مناطق مختلف افغانستان خاصتاً در مناطق خواجه گوکردك و جرقدق در ٤٥ کیلومتری شهر شبرغان مربوط ولایت جوزجان حایز اهمیت پنداشته میشود.

ذخایر عمومی گاز در مناطق فوق الذکر ۱۲۰ ملیارد متر مکعب تثبیت شده که از جمله در حدود چهل ملیارد متر مکعب آن گازشرین ومتباقی آن گاز سلفردار میباشد. مثلاً از گازشرین آن استفاده بعمل آمده واز سال ۱۹٦۷م صادرات آن با اتحاد شوروی سابقه آغاز یافته است برای انتقال گاز تا سرحد اتحاد شوروی سابق توسط پایپ لاین به قطر ۳۲ انچ و طول ۹۷،٥ کیلو متر تمدید یافته است. همچنان پایپ لاین دیگر از شهر شبرغان الی فابریکه کود برق مزار شریف به قطر ۱۲ انچ و طول ٥٥ کیلومتر تمدید یافته است این پایپ لاین ظرفیت ٥۰ میلیون متر مکعب گاز را در ظرف یکسال دارا است. انتقال گاز در شهر مزار شریف بمنظور به دوران انداختن فابریکه کود مزار شریف که سالانه ۱۰٥ هزار تن کود یوریا تولیدات دارد و همچنان به دوران انداختن فابریکه برق مزار شریف که ظرفیت تولیدي آن ۳٦ هزار کیلوات ساعت برق میباشد احداث شده است.

از جمله ٦۳ هزار تن کود تولید شده بمقدار ٤۸ هزار تن آن در داخل مملکت و متباقی در خارج صادر میگردد.

باید علاوه کرد که در سال ۱۳۵٤ درحدود سه ملیارد متر مکعب گاز در افغانستان تولید شده بود که از آنجمله . ۲۸۵ میلیون متر مکعب آن به خارج صادر ومتباقی . ۱۵ میلیون متر مکعب آن در داخل کشور بمصرف رسیده بود.

همچنان حکومت وقت کوشش نموده بود که گاز سلفردار ناحیه جرقدق را بعد از تصفیه آماده، استفاده قرار دهد.

نفت: از سال ۱۹۳۵ باینطرف از طرف جیولوجست های افغانی و خارجی برای تفحص نفت در نقاط مختلف کشور شروع شده بود معلوم شده که نفت در بسیاری از نقاط کشور مانند ساحات شمالی، غربی، جنوب غربی و جنوبی موجود بوده اما نظر به عدم موجودیت سرمایه، کافی و پرسونل فنی و متجرب تاکنون استخراج آن امکان پذیر نگردیده است در حال حاضریگانه ذخایر تثبیت شده نفت در ولایت جوزجان موقعیت دارد که ذخایر نفت انگوت قابل ملاحظه بوده ده میلیون تن ذخایر آن تثبیت شده است.

در سال ۱۳۵۱ هـ ش حکومت وقت تصمیم گرفت تا تصفیه خانه، کوچك بظرفیت یك هزار تن در سال بسازد. چون مقدار نفت تولید شده از ده میلیون به دوازده میلیون تن افزایش یافته از این رو ظرفیت تصفیه خانه نیز به ۲۰۰ هزار تن افزایش در آینده مدنظر گرفته شد که بدون شك تولیدات نفت این تصفیه خانه قسمتی از ضروریات داخلی را تکافو کرده بر قسمت

بیلانس تادیات کشور موثر و حایز اهمیت پنداشته میشود. علاوتاً بمقدار ده هزار تن تیل خام بمصارف داخلی رسیده که این نوع تولیدات و مصارف آن در مشتقات پطرول سهیم میگردد یعنی از جمله ۲۸۰ هزار تن مشتقات نفت که از خارج تورید میگردید مقدار ده هزار تن آن از داخل مملکت تهیه میگردد.

آهن: با در نظر داشت تفحصات که صورت گرفته است افغانستان از لحاظ داشتن آهن مرغوب و موجودیت سنگ آهن نسبتاً غنی میباشد زیرا تنها در سلسله کوه بابا موجودیت هشت ذخیره معدن آهن تثبیت گردیده است که از آنجمله معدن آهن حاجی گک در ٤٥ کیلومتری جنوب شرق شهر بامیان حایز اهمیت فوق العاده میباشد چه ذخایر توده های آن به ۱.۸ ملیارد تن تثبیت گردیده است.

ضمناً توده های آهن آن در فضای آزاد قرار گرفته که بهره برداری آن خیلی به سهولت امکان پذیر است از همه مهمتر مقدار فیصدی آهن آن به ٦١ فیصد تثبیت شده است که اکثر معادن آهن دنیا این امتیاز را ندارد.

چون توده های این معادن در ارتفاع ۲۸۰۰ تا ٤٩٥٠ متر ارتفاع از سطح بحرموقعیت دارد ازاین رو استخراج آن برای هشت ماه در جریان یك سال امکان پذیر میباشد. ضخامت رگهای معادن آهن حاجی گك از ۳۰ تا ۳۸۰ متر بوده و طول

آن بین ۶۰ تا ۲۸۰ متر تغییر میکند.

معدن آهن خاکریز قندهار بامقدار ۸,۲۳ میلیون تن و معدن آهن پغمان با مقدار ۱,۸۳ میلیون تن و معدن آهن جبل السراج با مقدار ۷,۸ میلیون تن و معدن آهن شغنان بدخشان با مقدار ۳ ملیون تن از معادن مهم افغانستان بشمار رفته هریک حایز اهمیت اند.

مس: از مطالعات و تفحصات جیولوجست ها چنین استنباط میگردد که در حدود دوازده توده ء ذخایر مس در نقاط مختلف افغانستان موجود است. ساحات جنوبی و حصص مرکزی که از پروان تا کندهار و فراه را دربر میگیرد توده های معادن مس بصورت پراگنده اخذ موقع کرده است اما توده های معادن مس که بین نقطه کجکی ومقر قرار دارد حایز اهمیت خاص میباشد.

بصورت فعلی معدن مس عینك لوگر که در ۳۵ کیلومتری کابل موقعیت دارد از جمله ء معادن مهم مس در منطقه ء بشمار میرود ذخایر این معادن در حدود چهار میلیون تن محاسبه شده ومقدار مس خالص در احجار از ۱,۲ تا ۱,۵ فیصد تثبیت شده است علاوتاً در ولایت زابل در ناحیه کندلان معدن مس تثبیت شده که اندازه ء مس خالص آن در احجار از ۱,۵ فیصد تا ۳,٤ فیصد محاسبه شده است. همچنان موجودیت توده های معادن مس در ولایت کندهار، بامیان، هلمند، لغمان و اندراب

نیز تثبیت شده است.

بیرایت: بیرایت ماده یست که در تفحصات استخراج نفت و گاز بکار میرود موجودیت آن در بعضی از نقاط افغانستان تثبیت گردیده است مهمترین معادن آن در سنگلان هرات است که ضخامت رگهای آن ازنیم تا ۳ متر میرسد و هر رگ آن از ۳ تا ۳۰۰ متر طول دارد. محتویات بیرایت در این رگها از ۸۵ تا ۹۵ فیصد تثبیت شده است. و ذخایر مجموعی آن ۱,۸ میلیون تن بالغ میگردد تولیدات بیرایت این معدن از سال ۱۳۵۱ هـ ش شروع شده و تا سال ۱۳۵٤ هـ ش بمقدار ۱۷ هزار تن بیرایت ازآن بدست آمده بود که یك مقداران برای رفع ضروریات مملکت و متباقی آن برای صادرات آماده گردیده است.

لاجورد: در افغانستان انواع احجار کریمه وجود دارد که لاجورد نسبت مقدار نوعیت بهتر آن شهرت جهانی دارد. معادن لاجورد عموماً در ارتفاعات بلند شمال افغانستان واقع گردیده و مهمترین معدن آن در سرسنگ بدخشان واقع است. بمسافه تقریباً ۱۲ کیلومتر دور تر ازاین معدن پنج ذخیره دیگر لاجورد قرار دارد که مقدار آن به ۱۳۰۰ تن تخمین شده است.

معادن لاجورد عموماً در ارتفاعات بلند واقع بود. ارتفاع آن به ۳۵۰۰ متر میرسد. بناءً استحصال لاجورد در چند ماه محدود سال امکان پذیر میگردد. استحصال لاجورد باوسایل

ابتدایی صورت گرفته و تولیدات آن در جریان یکسال از پنج تا ده تن بوده که قسمت بیشتر آن بخارج ارسال میگردد.

نمک: در افغانستان ذخایر نسبتاً بزرگ نمک موجود است که بزرگترین معادن آن در ولایات شمال غربی، غربی و جنوب غربی کشور موقعیت دارد. تاکنون در افغانستان سه ذخیرهٔ نمک معدنی و هشت ذخیره نمک رسوبی تثبیت شده است یکی از بهترین وبزرگترین معدن نمک که فعلاً مورد استفاه قرار دارد معدن ولایت تخار است که ضخامت رگهای این معدن به ۱۲ متر میرسد و ذخایر مجموعی آن به ۱۳. میلیون تن تخمین شده است که این مقدار قابل ملاحظه بوده و برای سالهای متمادی ضروریات مملکت ازاین معدن رفع میگردد. علاوه از آنکه نمک برای خوراکه بمصرف میرسد در صنعت دباغی، استحصال روغن نباتی، صابون سازی وغیره بمصرف میرسد.

طلا: استحصال طلا از زمان سابق در افغانستان مروج بوده و ذخایر طلا از ناحیه بدخشان تا کندهار توسعه یافته است اما بصورت عموم تعداد ذخایر آن به شش معدن بالغ میگردد و مهمترین آن در یفتل بدخشان موقعیت دارد.

در ناحیه یفتل چهاررگ احجار کوارتز وجود دارد که این رگها ۳۵. متر طول داشته و از ۷. ،. تا ۱۲,۸ متر ضخامت دارد مقدار طلا از یك تا ۸۵ گرام در هزار تن احجار تثبیت شده است که بصورت اوسط به ۳,۷ گرام میرسد.

ذخایر دیگر طلا در ساختمانهای رسوبی مقر که تقریباً ۲۰۰ متر طول و ۵۰ متر ضخامت دارد موجود است محتویات طلای آن در هر هزار تن مواد رسوبی از ۵ تا ۱۵ گرام تخمین شده است. ذخیره دیگر طلا در زرکشان ولایت زابل تثبیت شده که موجودیت در این منطقه هم در احجار کوارتزوهم در احجار رسوبی بدست می آید. ناگفته نباید گذاشت که در بستر دریای کوکچه و معاونین آن یعنی دریك ساحهء وسیع در ینگی قلعه تافیض آباد تولید طلا توسط عملیه ریگ شوی صورت گرفته و مقدار طلا در هر متر مکعب ریگ و مد این ساحه از ۵۰ تا ۱۰۰ ملی گرام تخمین شده است.

علاوتاً معادن تالك، بیریل، سرب، جست، فلورایت، کرومایت نیز در بعضی از قسمت های افغانستان یافته شده که بصورت عموم گفته میتوانیم که این معادن در آینده نوید خوب برای مردم افغانستان داده در زمینه انکشاف وتوسعه تجارت خارجی حایز ارزش خاص خواهد بود.

۲- صنایع در افغانستان :

بادرنظرداشت عوامل عمده یکه شامل ساختمان واشکال اراضی، منابع زیرزمینی (ذخایرمعدنی)، منابع مهم زراعتی وحیوانی، وجود جنگلات، موجودیت آب کافی، مساعدت اقلیم وآب وهوا، موجودیت قوای بشری باشد در توسعه وانکشاف صنایع نقش برازنده دارد بناءً هرگاه شرایط افغانستان بادرنظرداشت عوامل فوق تحت مطالعه قرار گیرد میتوان گفت که زمینه خیلی مساعد برای صنعتی شدن کشوروجود دارد.

درحال حاضر صنایع درکشوربدوشکل یعنی صنایع دستی و صنایع ماشینی صورت گرفته وهریك بصورت جداگانه مورد مطالعه قرارمیگرد.

الف - صنایع دستی :

مردم افغانستان اززمانهای سابق نظر به نیازمندی خود ومردم منطقه به ساختن اشیای مورد ضرورت خود بادستگاه های خود ساخت مبادرت ورزیده وتمام ضروریات خود را تهیه میکردند وازهمین لحاظ صنایع دستی در افغانستان ازیك طرف قدامت داشته وازطرف دیگرنظربه کیفیت آن حتی درجهان حایزمقام برجسته را کمایی کرده است مثلاً صنعت قالین، صنعت پوستین چه، صنعت پوست قره قل (بالاپوش ،یالان، کرتی) وغیره. مهمترین صنایع دستی افغانستان عبارت از قالین، گلیم، شطرنجی ، نمد، پوستین، پوستین چه، تاقمه،

کرک، برک، قناویز، کرباس، نـــرمـــه، پشه رویه، لنگی، شال، دستمال، قدیفه آلات وافزارآهنی، مسی، زیوارت نقره ئی وطلائی، کلالی وکاشی کاری وخامك دوزی وغیره میباشد.

نظربه تحقیق و برررسی دقیق درحدود هشتاد نوع دستگاه کوچك صنایع دستی که به پنجاه گروپ عمده ارتباط میگیرد در کنج وکنار مملکت موجود است وتقریباً درحدود ۲۵۰ هزارنفر را مصروف ساخته است .

صنعت قالین :

صنعت قالین بافی که یکی از مهمترین صنایع دستی افغانستان بشمار میرود از زمانهای سابق این صنعت در صفحات شمال وغربی کشورمروج بوده است تاریخ دقیق آغازآن معلوم نیست اما بازهم واضح میگردد که ازقدیم الایام مردم افغانستان وآسیای مرکزی به بافتن قالین، گلیم، وساختن نمد پرداخته اند زیرا تقریباً تمام شرایط تولید آن درخود منطقهء مهیابوده است. بهرصورت صنایع قالین بافی درافغانستان نسبت به تمام صنایع دستی شهرت داشته وقالین افغانی نه تنها درافغانستان بلکه درمارکیت های جهان ازشهرت زیا د برخوردار است ونظر به کیفیت آن ازلحاظ رنگ ، دیزاین ونفاست توجه مشتریان خارجی به آن بیشتر معطوف شده میرود. صنعت قالین بصورت عمرم توسط طبقه اناث صورت گرفته وهریك ازفامیل ها دستگاها شخصی دارند. مراکزعمدهء قالین بافی ازبدخشان

شروع شده تانمیروزامتداد می یابد امامراکزعمده آن عبارت ازآقچه، اندخوی ، دولت آباد، فاریاب، بلخ، قزل اياق، شبرغان، میمنه ،قلعه ذال، قرقین، خم آب (خمیاب) مروچاق وغیره مناطق شمال وشمال غرب میباشد. دراین اواخر صنعت قالین نظر به تقاضای روزافزون به سایرولایات کشورخاصتاً به شهرکابل نیزتوسعه یافته است .

در ابتدا قالین برای ضرورت خود منطقه تولیدمیگردید اما امروزیکی ازاقلام عمده صادراتی کشور محسوب میگرد د. پشمیکه برای بافتن قالین بکار میرود تماماً ازگوسفندان افغانی تهیه شده رنگ آمیزی و دیزاین قالین توسط کارگران متجرب منطقه صورت میگیرد اگر چه کارگران کوشش مینمایند تا انواع قالین ها رابمیل مشتریان تغییردهندامانمیخواهند موضوعات اساسی آنرا که کیفیت خاص افغانی در آن نهفته است تغییر دهند.

قالین افغانستان بیشتردر نه ولایت کشور (۷۵)قریه که درشمال، غرب وجنوب غرب موقعیت دارند تولید میشود ازنظرجنس، رنگ ودیزاین ۵۷نوع مختلف آن وجود دارد که هرنوع آن به یك منطقه ارتباط میگرد عمده ترین سال تولید آن در سال ۱۳٦۰بود که دراین سال ۷٦۸ هزار مترمربع به ارزش ٦۹ملیون دالر تولیدات قالین میرسید.

قالین های افغانستان از دو متر تابیست متر مربع ویابیشتر

ازآن ساخته میشود اماقالینهای شش متری (شش مترمربع) شایقین ومشتریان بیشتردارد قالین های موری (مروی) ودولت آبادی ازلحاظ نفاست وکیفت مقام درجه اول راحایزاست.

صادرات قالین افغانی همیشه درتوسعه بوده ودرتجارت خارجی کشور سهم ارزنده را کسب کرده است ازدرك صادرات قالین ده فیصد عاید مملکت برآورده میگردد ودرحدود ۸۰الی ۸۵ فیصد صادرات قالین را به مارکیت های ممالك اروپای غربی و متباقی به هند، پاکستان واتحادشوروی سابقه صورت میگیرد .(۱)

سایرصنایع دستی که شامل گلیم، پوستین وپوستین چه، البسهء پوست قره قل، کاشی کاری، زرگری سوزن دوزی (خامك دوزی) نیز دراین اواخرتوسعهء قابل ملاحظه یافته بازارخوب درخارج دارد. علاوتـاً صنعت گلیم بافی، نمد، قاقمه، برك، کرك، قناویز، کرباس، آهنگری، مس گری، زرگری، کلالی سازی وغیره تقریباً درتمام کشور رواج داشته وبرای مصرف داخلی تهیه میگردد.

ب : صنایع ماشینی :

بااستفاده ازبرق بحیث مهمترین شکل انرژي درتمام فعالیت های صنعتی که ازنیمهء اول قرن بیست آغازگردید تحول بزرگ را در صنایع ماشینی پدید آورد ازآن ببعد در دستگاهای برقی

---

(۱) حمید الله امین محمد ظریف تبنوال. جغرافیای اقتصادی افغانستان. پوهنتون کابل ۱۳۶۸. ص ۹۸.

نیزانکشاف فوق العاده زیاد بمشاهده میرسد.درافغانستان نیزتقریباً صنایع ماشینی با تاسیس دستگاهای برق شروع به فعالیت نموده اند.

برای اولین بار درزمان سلطنت امیرعبدالرحمن خان دستگاه کوچك برق که عبارت از یك دینموی که ظرفیت چهل چراغ برق را دارا بود بکارانداخته شد وبرای تنویر درارگ ازآن استفاده بعمل می آمد وازسالهای ۱۲۷٦هـ ش تا ۱۲۹۰هـ ش چندین دستگاه ها کوچك برقی دیگر یکی پی دیگر بکارانداخته شد. همچنان ازسال ۱۳۱۵هـ ش چندین ماشین کوچك برق حرارتی (دیزلی) که تقریباً بیش از ۲۰۰کیلوات ظرفیت داشت درکابل وجلال آباد شروع به فعالیت کرد. بنابراهمیت روزافزون برق سروی آبهای جاری افغانستان صورت گرفته وچنین اظهارنظر بعمل آمد که افغانستان بنابرداشتن ارتفاعات مختلف، تنگناها وحوزه های وسیع تقریباً در هردریا برای اعمار بندهای برق خیلی مساعد بوده ودرحقیقت دریاهای افغانستان اقتصادی ترین و آسان ترین منبع تولید برق شناخته شده است.

ازروی سرویهای مقدماتی که در قسمت تولید برق درافغانستان صورت گرفته است معلوم میگردد که در حدود ۲,۵ ملیون کیلوات ساعت برق ازدریاهای افغانستان استحصال شده میتواند اما در صورت فعلی یك اندازهء قلیل این قوه تحت استفاده قرار دارد. این دستگاهای برق آبی ازلحاظ تاسیس

قرار ذیل اند.

برق جبل السراج :

برای اولین بار دستگاه برق آبی جبل السراج که بکمك متخصصین انگلیسی سروی گردیده بود درسال ۱۲۹۰هـ ش آغازودرسال ۱۲۹۳هـ ش شروع به فعالیت کرد، این دستگاه دارای دوتوربین بوده وظرفیت مجموعي آن به ۱۵۰۰ کیلوات میرسد. دستگاه برق جبل السراج با لای دریای سالنگ اعمار شده ارتفاع بند با توربین ۳۷ متر بوده مقدار آبیکه بالای توربین میریزد ده متر مکعب فی ثانیه محاسبه شده است .

برق این دستگاه دراوایل برای تنویر شهرکابل بمصرف میرسید امافعلاً قسمت ازآن درفابریکه گلبهار وقسمتی درخود فابریکه نساجی جبل السراج وتنویرشهربمصرف میرسد. علاوتا دوتوربین دیگربه آن علاوه شده که ظرفیت آن به ۲۸۹۰ کیلوات افزایش یافته است.

برق چك وردك :

درسالهای بین ۱۹۳۶م-۱۹٤۱م متخصصین آلمانی ازشرکت زیمنس دو دستگاه برق آبی رابالای دریای وردك وپلخمری سروی کرده به احداث آن ها پرداختند. امورساختمانی آن درسال ۱۳۱۶شروع ودرسال ۱۳۱۹هـ ش پایان یافت .

بندبرق چك وردك دارای سه توربین بود و ظرفیت نهائی آن به ۳۳۶۰ کیلوات میرسید. ارتفاع این بند ۲۸متربوده

ومقدارآبیکه بالای توربین درظرف یك ثانیه میزیزد ۱۷مترمکعب آب سنجش شده است .

برق پلخمری :

بند برق پلخمری که بالای دریای کندزاعمارشده است درسال ۱۳۲۰هـ ش به فعالیت آغازکرد وظرفیت نهایی این بند به ۴۸۰۰ کیلوات ساعت میرسد درسال ۱۳۳۶هـ ش دودستگاهی بند برق دوم وسوم پلخمری بظرفیت مجموعی ۹۴۰۰ کیلوات ذریعه متخصصین اتحادشوروی سابقه سروی شده ودرسال ۱۳۴۱بکارآغازکرد ازبرق تولیدشدهء این پروژه دستگاه سمنت سازی غوری، سیلوپلخمری، فابریکه ترمیم موتر، نساجی پلخمری وبغلان وتنویرشهرپلخمری بمصرف میرسد .

برق سروبی :

کارساختمانی دستگاه برق سروبی توسط متخصصین آلمانی درسال ۱۳۳۰هـ ش آغازودرسال ۱۳۳۶هـ ش تکمیل گردید این دستگاه دارای دوتوربین بوده ۲۲۰۰۰کیلوات برق ظرفیت دارد وبرای تنویرشهرکابل و بدوران انداختن فابریکهء گلبهار وبعضی ازموسسات صنعتی پایتخت بمصرف میرسد .

بند برق سروبی دارای دوامتیازعمده میباشد یکی اینکه به نزدیکی پایتخت افغانستان یعنی شهرکابل ومناطق صناعتی واقع گردیده است دوم اینکه مجرای دریای کابل درموقعیت قرارگرفته که دارای سرانشیبی ممتد میباشد یعنی در اثر

موجودیت سرانشیبی ومیلان اراضی درهرچند کیلومتر سرکوب پیداکرده ودراین صورت باهمین بند موجوده میتواند دستگاه سروبی دوم، سوم وچهارم را نیزبه فعالیت انداخت.

دبت دریای کابل درقسمت بندبرق سروبی به ۷٤مترمکعب فی ثانیه میرسد علاوتاً این دریا برای مدت هفت ماه آب کافی داشته وازماه میزان تاماه حوت که مدت ٥ ماه را دربرمیگرد حداقل آب در آن جریان دارد وبه همین لحاظ امکان ظرفیت بیشتربرق درآن میسرنیست .

برق نغلو :

دستگاه برق آبی نغلو بصورت فعلی ازبزرگترین بند برق افغانستان بوده کارساختمانی آن درسال ۱۳۲۹هـ ش آغاز و درسال ۱۳٤٦ هـ ش به پایه اکمال رسید. این بند در ابتدادارای سه توربین بوده وظرفیت آن به ۷٦هزار کیلوات میرسد اما با نصب توربین چهارم ظرفیت برق نغلوبه ۹٦هزار کیلوات برق بلند رفت.

بندبرق نغلو درحدود٦٠ ۱مترارتفاع داشته ذخیره آب آن ۵۳. ملیومترمکعب میرسد و یك ساحه ، تقریباً ۱٦کیلومتر مربع را احتوا کرده است. این بند آ ب دریای کابل را تنظیم کرده وهمواره برای پروژه ننگرهار وبند برق سروبی آب تهیه میکند و اگرکدام پروژهء در آینده مدنظرگرفته شود میتواند ازآب آن استفاده نماید.

برق ماهی پر :

برق ماهی پر که در ٤٠کیلومتری شرق شهرکابل موقعیت دارد کارسروی و تعمیر آن درسال ١٣٣١هـ ش از طرف متخصصین آلمانی شروع شد ودرسال ١٣٤٣هـ ش کارآن تکمیل وبه بهره برداری سپرده شد. این دستگاه دارای ٦٦٠٠٠ کیلوات برق ظرفیت بوده وازجمله بند برق موسمی شمرده میشود چون این دستگاه برق دارای بند نبوده بناءً دارای ذخیره آب نمیباشد موقعیکه آب دریا درایام تابستان کم گردید این فابریکه پرچوشده و در ایام زمستان وبهاردوباره به جریان می افتد. این دستگاه دارای سه توربین بوده وهریك دارای ظرفیت ٢٢ هزارکیلوات برق میباشد.

برق پروژه ننگرهار:

پروژه کانال ننگرهار که درنوع خود ازجملهء بزرگترین پروژه بشمار میرود علاوه ازاین پروژه زراعتی در پهلوی خود دارای بند برق نیزمیباشد این بند برق دارای ١٢هزارکیلوات ظرفیت بوده برای تنویرشهرجلال آباد وپروژه ننگرهارخاصتاً برای پمپ کردن آب به ارتفاع بلندتریمصرف میرسد.

منابع برق آبی جنوب غرب افغانستان :

دریای هلمند ومعاونین بزرگ آن برای استحصال برق خیلی مساعد میباشد اولین دستگاه برق آبی این حوزه بندبرق گرشك است که درسال ١٣٢٧هـ ش بظرفیت ٢٨٠٠ کیلوات به فعالیت

آغازکرد. دومین دستگاه برق آبی آن بندکجکی است که ازجمله بزرگترین بند خاکی محسوب شده و به ۱۵۰ کیلومتری قندهار واقع است ازاین بند بزرگترین دستگاه برق کشور در نظر گرفته شده است که بیش از ۱۲۰ هزارکیلوات برق ظرفیت خواهد داشت.

دستگاه فعلی برق آبی کجکی ظرفیت تولیدی ۳۳۰۰۰ کیلوات ساعت برق را داشته برای تنویر شهرقندهار،لشکرگاه وگرشك بشمول تدویر تاسیسات صنعتی مورد استفاده قرارمیگرد.

تاسیس یك دستگاه دیگرمولد برق از اب دریای ارغنداب که بزرگترین معاون دریای هلمند است نیزسروی شده است این دستگاه از ٦ الی ۹ هزارکیلوات برق ظرفیت خواهد داشت فعلاً از آب آن برای آبیاری استفاده میشود.

برق حرارتی :

بزرگترین برق حرارتی کشور درحال حاضر درمزارشریف واقع است ودرآن ازگازطبیعی که ازجوزجان توسط پایپ لاین انتقال می یابد استفاده میشود ظرفیت این دستگاه ۳٦هزارکیلوات ساعت بود امکان ازدیاد آن تا ٤٨هزارکیلوات نیزموجود است. ازجمله تولیدات این فابریکه درحدود ۲٥هزارکیلوات آن برای فابریکه کود و در حدود ۷۰۰ کیلوات آن برای تنویر

شهرمزارشریف وبلخ مدنظرگرفته شده است.

برای احتیاجات شهرهرات علاوه ازبرق حرارتی (دیزلی) یك دستگاه برق حرارتی که ذغال سنگ مواد سوخت آنراتشکیل میدهد نیزمدنظر گرفته شده است این دستگاه ۱۲هزار کیلوات ساعت برق ظرفیت خواهد داشت. (۱)

همچنان برق حرارتی شهرقندهار به ظرفیت ۳۰۰۰کیلوات در شهرکندهارشروع به فعالیت نموده است باید اظهارداشت که برق تولید شده در افغانستان خیلی کم بوده و این کشور ازلحاظ تولید برق درقطار کشورهای کمترین انکشاف یافته قراردارد ،اکثریت فیصدی برق درشهرکابل بمصرف میرسد مثلاً مصرف برق فی نفر در کابل ۲۸۳ کیلوات ساعت محاسبه شده درحالیکه مصرف برق برای فی نفر درشهرکندهار به ۳,۱۵کیلوات ودر هرات ۵ کیلوات میرسد.

بادرنظر داشت ازدیاد نفوس وبلندرفتن نسبی سطح حیات وانکشاف صنایع میتوان گفت که ضرورت برای برق درکشورروزافزون بوده وانکشاف عاجل آن بایست مدنظرگرفته شود.

صنایع ماشینی (فابریکه ها)

افغانستان ازجمله کشورهای زراعتی است وصنایع جدید ماشینی در آن آنقدرها رشد نکرده است از اوراق تاریخ معلوم

---

(۱) محمد اکبر شورماچ، جغرافیای عمومی افغانستان.کابل:موسسه انتشارات زوری،. ۱۳۵ص۲۱۳.

میگردد که صنایع ماشینی در افغانستان قدامت زیاد ندارد صنایع ماشینی اولین بار در سال ۱۸۸۷میلادی در زمان امیرشیرعلی خان شروع به فعالیت کرد اماچون به پیمانهء بسیارکوچك بود تاثیربالای اقتصاد کشورنمی انداخت بعداً صنایع ماشین یکه بیشتر سلاح گرم وسرد تهیه میکرد در زمان امیرعبدالرحمن خان اساس گذاشته شد یعنی امیر عبدالرحمن خان اولین فابریکه عصری را درافغانستان بنام ماشین خانهء کابل تاسیس کرد این فابریکه به تولید سلاح های سرد وگرم مانند توپ، تفنگ، شمشیر، سیلابه می پرداخت علاوتاً یك ضرابخانه وبعضی شعبات ازصنایع خفیفه درپهلوی ماشین خانهء کابل تاسیس گردید وبعد ازمدتی درپهلوی این فابریکه، فابریکه پشمینه بافی نیزتاسیس شد باید علاوه کرد که تمام این فابریکه ها برای تولید سامان حالات که تقریباًنیازمندی نظامی مملکت را رفع میکرد بوجود آمده بو د.

حکومت وقت بعد ازحصول استقلال کوشش کرد تا ز مینه را ازنظرسیاسی وبین المللی برای عصری ساختن (صنعتی ساختن) افغانستان مساعد گرداند. باهمین اساس چنانچه قبلاً ذکرشد با آوردن دستگاهای برق آبی فابریکه های کوچك مانند گوگرد سازی، چرم گری ویك دستگاه کوچك بافندگی وفابریکه حجاری ونجاری به سرمایهء دولت به دوران انداخته شد .

چنانچه میدانیم برای بکار انداختن فاریکات موادخام با

سرمایه وقوای بشری اساسی ترین عامل شمرده میشود از اینرو حکومت در قسمت موادخام باتمدید سرك سمت شمال تدارك وتهیه مواد خام آماده گردید در قسمت تدارك سرمایه اولین بانك در سال ۱۳۱۲هـ ش تاسیس شد بابکار انداختن سرمایه های شخصی این نقیضه نیز رفع گردید درسال ۱۳۱۷هـ ش وزارت اقتصاد که انکشاف صنایع ازمهمترین اهداف آن میباشد تاسیس گردید. درسال ۱۳۱۸هـ ش فابریکه قندسازی بغلان و درسال ۱۳۲۰هـ ش فابریکه نساجی پلخمری تاسیس گردید. جنگ جهانی دوم کاروفعالیت صنایع ماشینی را در افغانستان قدرمعطل ساخت بعد ازآن فابریکهٔ نساجی گلبهار وفابریکه برق سروبی شروع بکارکرد.

چون احتیاجات مردم کشور برای صنایع ماشینی روز بروز بیشتر میگردید از اینرو حکومت متوجه به این امر بوده یك سلسله پلانهای زود رس را درقسمت صنایع روی دست گرفت از این رو پلانهای پنجساله کشور درسال ۱۳۳۵مطرح گردید ودرپلانهای پنج ساله بعد ازخطوط مواصلات موضوع صنایع بدرجهء دوم اهمیت قرارگرفت در مورد توسعهء ورکشاپ ها و توسعه مواد تعمیراتی توجه جدی بعمل آمد .

دراخیرپلان دوم اقتصادی درتولیدات برق آبی ،سمنت، منسوجات نخی افزایش بعمل آمد در جریان پلان دوم تولیدات برق در چند وتولیدات منسوجات به ۷۵ ملیون متر افزایش یافت

(درآغازپلان اول تولیدات منسوجات به ۱۵٫۶ ملیون متر تکه میرسید) و تعداد کارگران به ۲۸هزار نفر بالغ میگردید. در جریان پلان سوم جمعاً ۸٤ موسسه صنعتی شروع بفالیت کرد موسسات صنعتی فعال درکشور در سال ۱۳۵۷هـ ش به ۲٤۳ ودرسال ۱۳٦٤هـ ش ۳۲۸ موسسه درسکتورهای خصوصی، مختلط و دولتی افزایش بعمل آمد و تعداد کارگران به ٤۷ هزار نفر میرسید.

ارزش تولیدات صنعتی درکشور درسال ۱۳٦٥باساس قیمت های سال ۱۳۵۷به ۳۷٫۹ ملیارد افغانی بالغ شده بود .(۱)

درجمله صنایع ماشینی صنعت نساجی که قدامت زیاد درافغانستان دارد درصورت فعلی انواع مختلف نساجی ازقبیل پشمی، سندی ،نخی، نایلونی وغیره تولید میگردد.

اولین فابریکه نساجی کشور درسال ۱۳۱۵هـ ش درپلخمری اساس گذاشته شد ومدت پنج سال مراحل ساختمانی آن دوام پیدا کرد ،درسال ۱۳۱۷فابریکه نساجی جبل السراج نیزشروع بکارکرد. باب کارافتادن فابریکه، قندهار منسوجات پشمی نیز به بازارهای کشور عرضه گردید وبه تعقیب آن فابریکه های زیاد نساجی ازطریق حکومت وهم ازطرف مردم یکی پی دیگرشروع به تولید وفعالیت کردند. بصورت عموم تولیدات نساجی کشور که درسال ۱۳۳٤هـ ش درحدود ۱۷٫۵ ملیون مترتکه بود درسال ۱۳٤٥ به ٦۸ ملیون مترارتقایافت .

---

(۱) حمیدالله امین، محمد ظریف تینوال،جغرافیای اقتصادی افغانستان، پوهنتون کابل:۱۳٦۸.ص.۱۱۱.

درختم پلان سوم کشور تعداد فابریکات نساجی کشور به ۲۰ عدد میرسد ودرسال ۱۳٦۰ به ۲۵ فابریکه خورد وبزرگ نساجی ارتقاء یافت. درجمله فابریکه های نساجی افغانستان فابریکه نساجی افغان که شامل فابریکه نساجی گلبهار، پلخمری وجبل السراج میگردد ازجملهٔ بزرگترین فابریکه نساجی افغانستان بوده تولیدات آن همه ساله چه در داخل وچه درخارج صادر میگردید این فابریکه ها در سال ۱۳۵۳ هـ ش در حدود ۷۰ فیصد کارگران نساجی تمام افغانستان و ۸۷ فیصد تولیدات عمومی نساجی در کشور را تهیه نموده بود. فابریکه نساجی بگرامی که درسال ۱۳٤۹هـ ش بکارشروع کرد تولیدات این فابریکه را انواع مختلف تکه های نخی ونخ تشکیل میدهد.

این فابریکه قدرت تولیدی ۲۲ملیون مترتکه را درسال دارا است. همچنان فابریکه نساجی بلخ درسال ۱۳٤۹ شروع به فعالیت کرد قدرت تولید آن در اول به ۱۱ملیون مترتکه میرسید امادرآینده تا ۲۰ملیون مترتکه افزایش می یافت. فابریکه نساجی امید که درتولید انواع تکه های کتانی و سندی حایزاهمیت اند درسا ل ۱۳۳۸هـ ش شروع به تولید نموده بود.

بصورت عموم میتوان اظهار داشت که تولیدات نساجی افغانستان در سال ۱۳۵۷ به ۷٦,٦ ملیون مترتکه نخی،

۱ ,۲۳ ملیون مترتکه سندی و ۵ ,۵ .٤ هزار مترتکه پشمی را تولید نموده بود.

در قسمت پاپوش نیز بعضی فابریکه ها و دستگاهای حکومتی و شخصی تاسیس گردید که ازدرك تورید بوت از خارج جلوگیری کرده و قسمت زیاد نیازمندی مملکت را تکافو میکرد. اولین فابریکه بوت بنام فابریکه آهو است که کار تعمیر آن درسال ‎.۱۳٤ شروع شد و در سال ۱۳٤۲ آماده تولید گردید. و به تعقیب آن فابریکه بوت عقاب تاسیس شد و سالانه در حدود ‎.‏۵ هزار جوره بوت تولیدات داشت.

همچنان یك تعداد فابریکه هائیکه بوت پلاستیکی تولید میکرد در شهرکابل و بعضی شهرهای دیگر افغانستان بوجود آمد تولیدات این فابریکه سالانه در حدود ٦ ,٤ ملیون جوره تخمین میگردید.

فابریکه های خوراکه باب خاصتاً فابریکه های میوه نیز در کنج و کنار کشور بوجود آمد فابریکه میوه کندهار از سالها قبل شروع به فعالیت کرده بود ودرسال ۱۳٤۲ هـ ش نسبت کمبودی ازبعضی پرزه جات ازکاربازمانده بود ودرسال ۱۳٤۹ از طرف حکومت دوباره بکار آغاز کرد همچنان فابریکات کشمش پاکی درساحهء پلچرخی که تعداد آنها به نه فابریکه بالغ میگردید اساس یافت .

فابریکه پروسس زیتون در شهرجلال آباد اساس یافت که

ظرفیت تولیدی آن سالانه .۵تن میرسید فابریکه های روغن نباتی نیزدربعضی ازولایات کشوراساس یافته است که فعلاً تعداد آنها به چهارفابریکه میرسد که درچهارولایت یعنی کندز، بلخ، هلمند وهرات تاسیس گردیده اندهرچهار فابریکه ازپنبه دانه استفاده نموده روغن نباتی پنبه دانه را به بازار عرضه میدارند. تولیدات سالانه این فابریکات درحدود ده هزارتن میرسید. فابریکه شکربغلان که درسال ۱۳۱۸هـ ش تاسیس گردیده بود تولیدات آن در سال ۱۳۵۲ تقریباً به ...۹ تن میرسید.

فابریکه سیلو مرکزی که تولیدات آن آرد، نان انواع مختلف کلچه و کیك است از جملهٔ بزرگترین فابریکه مواد غذائی بشمار میرود این فابریکه ظرفیت ذخیرهٔ .۵ هزار تن گندم را دارا است همچنان ظرفیت تولید نان آن در ظرف یکشبانه روز .۵ هزار قرص و ظرفیت در قسمت تولید آرد به ۷۵ تن گندم میرسد. سیلو کندهار، سیلوی پلخمری نیز از جمله فابریکه های مهم مواد غذائی بوده ظرفیت ذخیره وی آنها به .٤ هزارتن گندم میرسد یعنی هریك .۲هزار تن ظرفیت دارد.

فابریکه سمنت که ازجمله فابریکات مواد تعمیراتی بشمارمیرود فعلاً چهارفابریکه سمنت درکشور فعال گردیده است فابریکه سمنت غوری که درپلخمری موقعیت دارد با ظرفیت ..٤ تن در روز بوده از سال ۱۳٤۳ هـ ش به تولیدات

آغازکرده است نوعیت سمنت آن اعلی تثبیت شده است. دومین فابریکه سمنت فابریکه جبل السراج است که ظرفیت تولیدی آن در ظرف ٢٤ ساعت صد تن تثبیت شده است .

فابریکه سمنت کندهار باظرفیت .٤٨ هزار تن و فابریکه سمنت هرات باظرفیت .٢١ هزار تن در سال نیز از جمله فابریکات مهم در کشور بشمار میروند علاوه از آنکه سمنت تولید شده این فابریکه ها ضرورت مملکت را رفع میکرد یك مقدار آن بخارج نیز صادر میگردید چنانچه درسال ١٣٥٤ در حدود .٢ هزار تن سمنت به اتحاد شوروی سابقه وده هزار تن به ایران صادر گردیده بود. فابریکه خانه سازی که درسال ١٣٤١هـ ش بمنظور اعمار اپارتمانها تاسیس یافته است تاکنون اعمار آپارتمان حوس های مکروریان اول، دوم، سوم و چهارم محصول تولیدات این فابریکه میباشد .

فابریکه صنعت فلزات که ازجملهء ضروریات مبرم مملکت محسوب میگردد درافغانستان آنقدرها انکشاف نیافته است وفعلاً فابریکه فلزات جنگلك کابل که تاسیس آن درسال .١٣٣هـ ش بود بهتولید پرزه جات مختلف مورد ضرورت موتر وماشین آلات صنعتی بشمول واترپمپ، قلبه وانواع مختلف فلزات مصروف است .فابریکه حجاری ونجاری کابل که درسال ١٣١٦ تاسیس شد ازجمله مهمترین فابریکه محسوب شده و در این اواخراین فابریکه دستگاه بتون که تولید آن سنگ وخشت

های سمنتی وتراسواست برای تعمیرات ایجاد گردیده است.
فابریکه حجاری لشکرگاه نیزازجمله مهمترین فابریکه حجاری میباشد فعالیت بیشتر این فابریکه درقسمت سنگ های رخام تخصیص یافته است صنعت طباعتی ونشراتی ازسالهای قبل درافغانستان به فعالیت شروع کرده است یعنی باراول در زمان امیرشیرعلی خان آغاز یافت ودرزمان امان الله خان این صنایع به ولایات نیزتوسعه یافت .
مطبعهء عمومی کابل که ازسال ۱۳۱۸هـ ش به فعالیت آغازکرده بود درسال ۱۳۳۵ بحیث مطبعهء دولتی شروع به فعالیت کرد و با چهارده مطبعهء ولایات روابط تخنیکی داشت همچنان مطبعهء معارف وسایر مطابع کوچك دولتی وشخصی دیگردرفعالیت نشراتی وسایرموضوعات مملکت که بیش از ۳۰ نشریهء، (روزنامه، جریده ومجله) است مصروف بودند درسال ۱۳۵۷تمام مطابع شخصی به اساس فیصله دولت ملی اعلام گردید. شهرهای مهم افغانستان که ازلحاظ تمرکز صنایع حایزاهمیت اند وصنایع ماشینی در آنها هر روز در توسعه میباشد عبارت اند ازشهرکابل، کندهار، هرات، مزارشریف، کندزوجلال آباد میباشد این شهرعلاوه برآنکه مراکز اداری ولایات مربوطه ایشان میباشد مراکز عمدهء اقتصادی وکلتوری برای ولایات مجاور نیزمحسوب میگردند بنابرآن میتوان گفت که این شهرها از نظر جغرافیای هرکدام حوزه مشخص را تحت شعاع قرارمیدهد.

تجارت ومواصلات

۱- **تجارت** : زمانیکه اشیاوخدمات اضافی مورد تبادله قراریابد موضوع تجارت بمیان می آید. انسانها از زمانه های بسیارسابق به تبادله اشیااضافی خود درخود منطقهء وبعداً در اطراف و ماحول منطقه و سپس به نقاط بعید تر مبادرت میو رزیدند.

مردم افغانستان که در زمانهای سابق بنام آریانا شهرت داشت نظربه موقعیت جغرافیای درین منطقه که درچهارراه تمدن آن زمان قرار داشت به تبادله اشیای مازاد خود می پرداختند یعنی این سرزمین درآن زمان درموقعیت قرار داشت که بطرف شرق آن تمدن های هندوچین وبطرف غرب آن تمدن های ایران، یونان وروم قرارداشت .

اگرچه بعضی از مورخین چنین عقیده دارند که تماس بین شرق وغرب بعد از فتوحات اسکندرشروع گردیده است اما یك عده دیگرازمورخین باین عقیده هستند که قبل ازآنکه اسکندر مقدونی به سرزمین های شرقی توصل بورزد تجارت اموال توسط کاروانها بین شرق وغرب وجود داشته و افغانستان بحیث

يك نقطه پرارزش ترانزيتى درتجارت همان زمان حايزاهميت خاص بوده است.

قبل از آنكه راه هاى بحرى كشف شود حمل ونقل مال التجاره توسط كاروانها درخشكه صورت ميگرفت يعنى اموال تجارتى ازكشورچين تاكرانه هاى شرقى مديترانه مورد تبادله قرار ميگيرفت اين راه تجارتى كه بعداً به شاه راه ابرايشم مسمى گرديدامتعه پر ارزش مانند ابريشم، پارچه هاى ابريشمى، مصالحه جات، ادويه وغيره در امپراطور روم ويونان قديم مشتريان زياد داشت بهمين لحاظ كاروانهاى بزرگ اشتر باخترى بين كاشغروختن ومناطق متصل آن وشهرهاى شام وبنادربحيرهء روم در حركت بود بناءً افغانستان در موقعيتى قرارداشت كه كاروانهاى تجارتى مى بايست ازاين سرزمين عبوركنند خاصتاً شهربلخ مركزآريانا درنقطهء قرارداشت كه شاخهء جنوبى كاروانهاى تجارهندى وشاخه شرقى كاروانهاى تجارچينى در آنجا متلاقى ميگرديدند .

موقعيكه اين كاروانهاى تجارهندى وشاخهء شرقى چينى در شهر بلخ باهم متلاقى ميشدند ازيك طرف اموال واشياى خويش را درمعرض تبادله قرارميدادند وازطرف ديگراموال تجارتى مردم اين خطه ازقبيل لاجورد، پشم، قالين وميوه خشك نيزدرمعرض خريدقرار ميافت وبه آسياى غربى وساير نقاط و امپراطورى روم نقل داده ميشد.

ازبلخ بطرف چین دوراه تمدید یافته بود یکی از راه بدخشان ودره‌ء واخان بطرف (یارکند) ودیگر ازطریق فرغانه بجانب کاشغر. راه که بطرف جنوب هندوکش به هند میرفت این راه ازکوتل های معروف هندوکش چون خاواک، آق رباط به حوزه‌ء بامیان کاپیسامی انجامید و بعداً ازطریق نجراب، تگاب، لغمان، کنرها اسماربه چترال ویا ازطریق دره‌ء خیبر،کوتل بولان وپشاوربه نیم قاره‌ء هند وصل میگردید. باوجود آنکه این وضع تازمان طولانی دوام داشت امانظر به عوامل متعددتغییرخورده تجارت خارجی افغانستان تحت کنترول تجارهندی، ایرانی وآسیای مرکزی قرار گرفت بعد از استراد استقلال تجارت خارجی کشور دوباره احیاگردید و روز بروز رونق پیدا کرد.

تجارت خارجی افغانستان به سه حوزه‌ء مشخص صورت میگیرد.

۱- حوزه تجارت بارتری ۲- حوزه تجارت آزاد ۳- حوزه نیم قاره‌ء هند.

۱- تجارت افغانستان باحوزه‌ء بارتری :

این نوع تجارت بصورت تبادل اموال بین مملکتین با اساس قرار داد که قبلاً بین هردوکشور عقد میگردد صورت میگیرد. تجارت افغانستان از این طریق با روسیه، پولیند، چکوسلواکیا، چین، بلغاریه، و سایر کشورهای سوسیالیستی بصورت بارتری صورت میگیرد.

باید علاوه کرد که قرار دادهای بارتری عبارت ازموافقت نامه ای میباشد که بین دومملکت صورت گرفته وهر دومملکت که ارزش مواد صادراتی آنها ازلحاظ پولی باهم متساوی میباشد وضمناً برای اینگونه اموال قبلاً یك نرخ معین تعیین وتثبیت شده وبرای یك سال مقدار ونوعیت تثبیت شده‌ء آن مدار اعتبارقرارمیگیرد. دراین نوع تبادل تفاوت اسعاری بین مملکتین وجود نمیداشته باشد باین ترتیب اظهارشده میتواند که قسمت بیشتر تجارت افغانستان از طریق بارتری صورت گرفته وقسمت اعظم پنبه ،پشم، حبوبات روغنی، پوست بزی وگوسفندی، گازطبیعی، لاجورد، سمنت، بیرایت، میوه جات ازقبیل چارمغز، بادام،کشمش وغیره به کشورهای سوسیالیستی صورت میگرفت ودرمقابل ماشین آلات، پطرول ومشتقات آن، شکر، عراده جات ویك مقداراموال استهلاکی مو رد ضرورت فامیل ها ازاین ممالك وارد میگردید.

چنانچه قبلاً ذکر شد این نوع تجارت مخصوصاًبعد از جنگ عمومی دوم رونق زیاد پیدا کرد و رونق آن نسبت قروض بود که اتحادشوروی سابق به حکومت افغانستان همان زمان پرداخته بود د رسالهای اخیرسهم تجارت بارتری تقریباً ۷۱,۸ فیصد را تشکیل داده که ازآنجمله ۷٦,۸ فیصد مجموع صادرات و٦۸,۷ فیصد مجموع واردات را در برمیگرفت.

۲- تجارت افغانستان باحوزهء آزاد :

تجارت افغانستان باحوزهء آزاد که اکثراً باکشورهای اروپای غربی، جاپان وایالات متحدهء امریکا صورت میگیرد ارزش وحجم تجارت این حوزه با درنظرگرفتن چگونکی نرخ روز بازارتغییر میخورد. اقلام مهم صادراتی دراین حوزه عبارت است ازقره قل، قالین، پنبه، پشم، پوست، روده، میوه خشك خاصتاً مغزیات بوده وماشین آلات، عراده جات و انواع مختلف مواد استهلاکی اقلام مهم وارداتی را تشکیل میدهد.

باید اظهارکرد که اروپائیان اززمانهای خیلی سابق با اقلام صادراتی افغانستان خاصتاً تولیدات زراعتی آشنایی کامل داشته اما رونق بیشترآن بعد ازجنگ جهانی دوم صورت گرفته است چه بعد ازجنگ جهانی دوم باردیگرارتباط سیاسی بین کشورهابرقرارمیگردد ونمایندگی های تجارتی ممالك اروپائی غربی در افغانستان به فعالیت آغاز مینماید.

سابقاً تجارت افغانستان با انگلستان، جرمنی، جاپان بصورت مستقیم صورت میگرفت وضمناً کشور انگلستان خریدار اساسی پوست قره قل، پنبه، پشم وقالین افغانی بود. اما در سالهای اخیر تجارت قره قل با ایالات متحدهء امریکا صورت گرفته و شهر نیویارك بازار عمدهء آنرا تشکیل میدهد.

باید یاد آور شد که اندازه واردات و صادرات افغانستان باین کشورها باهم معادل بوده تنها واردات اقلام ضروری از

کشور جاپان بیشتر صورت گرفته است. هرگاه اندازه صادرات و واردات درحوزهء آزاد ارزیابی گردد دیده میشود که آنقدر ها انکشاف زیاد درآن بملاحظه نمیرسد و آنهم نظربه عدم داشتن راه بحری ومسافهء زیاد معمولاً از جمله پرابلم هایست که بصورت متمادی درراه انکشاف تجارت بین افغانستان و حوزه تجارت آزاد مخصوصاً باکشورهای اروپای غربی، ایالات متحدهء امریکا وجاپان موانع را ایجاد کرده است .

ازجمله تجارت این حوزه سهم جاپان درحدود۷۳ , ۳٤ فیصد باانگلستان ۸,۱۲ فیصد باجرمنی ۸,٦۸ فیصد وبا ایالات متحدهء امریکا ۵,۷٦ فیصد میرسید و باکشورهای سویس، فرانسه، ایتالیاوغیره کشورهای اروپای غربی موقعیت بعدی را حایزبود . پاکستان بادرنظرگرفتن موقعیت جغرافیای ازجملهء بازارهای مساعد برای صادرات و واردات افغانستان تلقی شده خاصتاً درقسمت صادرات میوه تازه وخشك که تقاضای روزافزون بآن وجود دارد حایزاهمیت پنداشته میشود.

۳- روابط تجارتی افغانستان باهند :

افغانستان از زمانهای بسیارسابق باهند روابط تجارتی داشته وبمرورزمان این روابط روبه توسعه میباشد. بطوریکه هند برای سالهای متمادی درزمینهٔ تجارت خارجی با افغانستان مقام اول را دارا بوده است وتاسال ۱۳۳۵هـ ش هیچ گونه قیودات بالای اموال صادراتی افغانستان وضع نشده بود اما

ازهمین لحاظ سالهای بعدی نظر به بیلانس غیرمتوازن درتجارت بین افغانستان وهند تجدید نظر بعمل آمد ومیوه افغانستان توسط مقامات هندی درگروپ مواد غیرضروری تصنیف شده وبرآن قیودات لازم بعمل آمد باین منظورقرارداد بین دومملکت به امضاء رسید و اندازهٔ صادرات امتعهٔ افغانی به ارزش ۳۳٫۵ ملیون کلدار تثبیت گردید طبق این قرارداد اندازهء آن درهرسال ازدیاد یافته ودرسال ۱۹۶۷م به ۷۵ ملیون کلدار رسید البته بعد از این تاریخ صادرات افغانستان به اندازه ویامقدار تبدیل شد یعنی اندازه صادرات افغانستان به ۳۶هزارتن تثبیت گردید که ازآن جمله ۲۵هزارتن آن میوه تازه و ۱۱هزارتن آنرا میوه خشك احتوامیکرد اماصدور نباتات طبی آزاد گذاشته شده بود. باید علاوه کرد که مشکلات عمده بین تجارت هند و افغانستان مشکلات ترانزیتی است که توسط حکومت پاکستان ایجاد میگردید.

اقلام عمده وارداتی افغانستان راچای، منسوجات نخی، ماشین آلات وانواع مختلف اموال استهلاکی تشکیل میدهد ارزش عمومی تجارت افغانستان باهند درسالهای اخیرتقریباً به ۶۰ ملیون دالرمیرسید که ۱۶٫۴۵ فیصد ارزش عمومی تجارت افغانستان رااحتوامیکرد واین اندازه درسال ۱۳۶۵به ۴۴٫۶۲ ملیون دالرکاهش یافت .

مواد عمده صادراتی و وارداتی :

۱-صادرات :

افغانستان بصورت عموم صادرکننده، مواد غذائی ومواد خام میباشد وازجمله، صادرات افغانستان پوست قره قل از اقلام عمده بشماررفته دربازارعمده،جهان مانند لندن،نیویارک خریدران زیاد دارد. تولید پوست قره قل از زمانه های سابق به صفحات شمال کشور صورت گرفته ازلحاظ نوعیت ومرغوبیت درجهان شهرت زیاد داشته مشتریان خوب دارد.

(سه کشور بزرگ مستحصل قره قل جهان عبارت اند ازاتحاد شوروی سابق، افریقای جنوب غربی وافغانستان).

قبل از استقلال تولیدات پوست قره قل خیلی کم و محدود بود ازچهل تا پنجاه هزارجلد تخمین میگردید وصادرات پوست قره قل دراروپا توسط تجاران ایرانی وروسی صورت میگرفت بعداً تجارت قره قل ازطریق هند صورت گرفته اما ازسال ۱۳۱۲ امتیازتجارت آن به تجار افغانی داده شد وقسمت اعظم آن دربازارلندن بفروش میرسید .

درزمان جنگ دوم جهانی نسبت آنکه انگلستان نیزداخل جنگ گردید صادرات قره قل به بازارنیویارك انتقال یافت وبه همین اساس درسال ۱۳۱۷شرکت قره قل تاسیس شدو فعلاً بازارلندن وهامبورگ ازجمله بازارهای عمده، فروش قره قل محسوب میگردد. درسال ۱۳۶۵هـ ش به تعداد ۸۰۰ هزارجلد

پوست به ارزش ٤٨ ر ٠ ١ مليون دالر بخارج صادرشده بود .

میوه خشك وتازه که ازجمله اقلام عمده صادراتی کشورنیزمحسوب میگردد ازنیمه دوم قرن ١٩میلادی میوه خشك وتازه به ممالك خارج صادرگردید درحالیکه قبل ازین تاریخ تمام میوه افغانستان د ر داخل مملکت بمصرف میرسید. اولین بار صادرات میوه به کشورهند آغاز گردید بعداً صادرات میوه به روسیه نیزصورت گرفت.

صادرات میوهء افغانستان قبل ازجنگ اول جهانی به ٤هزارتن وبعد از جنگ جهانی دوم به ٨٧ هزارتن رسید این اندازه درسال ١٣٦٥هـ ش به ٤٤ ر١٤٧هزارتن بالغ گشت که بصورت مجموعی به ارزش ٨ ر١٦٨ملیون دالرمیرسید.

جدول شماره ٢٧ اقلام عمدهء صادراتی (١)

اقلام صادراتی	واحد مقیاس	١٣٥٧	١٣٦٩	١٣٧٠
میوه تازه	تن	٨٨٩١٧	٢٨١٤	١٥٨٥
میوه خشك	تن	٨٥١٨٢	٥٠٥١٠	٦٤٢٠١
پوست هاب (بدون قره قل)	هزارجلد	٣٧٨٢	٢٩٤٤	٢٠٠٥
پوست قره قل	هزارجلد	٩٩٩	٢٦٦	٣٥٧
حبوبات روغنی	تن	٧٤٩٩	٥١	٢٦
پشم	تن	٣٨٦٧	٣١٧٩	٤٥١٢
پنبه (پخته)	تن	٢٧٢٧٧	٢٥٠٠	–
روده	هزارحلقه	٢٢٢٨	١٥٠٠	٣٢٢٤
نباتات طبی	تن	١٣٦٦١	١١٨٠٠	٢٢٤٤٠
قالین وگلیم	هزارمتر مربع	٥٩٢	٨٩٠	٩٥٠

(١) وزارت احصائیه دولت اسلامی. سالنامه، احصائیوی ١٣٧٠. کابل: مطبعهء وزارت احصائیه، ١٣٧٠ ص ١٨٢.

پشم نیز که ازجمله اقلام عمده‌ء صادراتی کشورمحسوب میگردد تجارت آن اززمان سابق باممالك همجوارصورت میگرفت. پشمیکه در صفحات شمال وغرب کشور تولید میشود به روسیه شوروی و پشمیکه درصفحات شرق، جنوب وجنوب غرب کشورتولید میگردد به هند صادرمیگردد. درسال۱۳٦٥درحدود ٥٦٩٧ تن پشم به ارزش ۱٤,٥٨ملیون دالربه خارج صادرگردیده بود.

پنبه نیز ازجمله قلم مهم صادراتی بشماررفته صادرات آن دراوایل قرن بیست بجانب روسیه آغازگردید. در اوایل تجارت پنبه بصورت منظم انجام نمیگرفت امادراین اواخرتجارت پنبه شکل منظم را بخود گرفته سالانه یك مقدارمعین آن که سالانه درمقدارآن تزاید بعمل می آید به خارج صادرمیگردید چنانچه صادرات این ماده درسال ۱۳۱٦هـ ش به ۳.۷۲ تن درسال ۱۳۲٦به ۱۱۹۸۲تن درسال ۱۳۳٥به ٦-۱۷۷تن و د رسال ۱۳٤۹هـ ش به ۰-۷٥۷٤ تن بالغ میگردید .صادرات پنبهء افغانستان در سال ۱۳٦٥ هـ ش به ارزش ۹,۸ ملیون دالر به کشورهای روسیه، چکوسلواکیا وبلغاریه صورت گرفت .

قالین که ازجمله اشیای مصنوع بشمارمیرود واززمان سابق تجارت آن حایزاهمیت بوده است بعد ازجنگ جهانی دوم تجارت آن به بازارهای اروپائی نیزرونق یافت.خریداران قالین افغانی را در اوایل انگلستان و ایالات متحده تشکیل میداد اما امروز اکثرممالك اروپائي خاصتاً جرمنی و سویزرلیند نیزاز جمله

خریداران قالین افغانی بشمارمیروند .

پوست بز، گاوو گوسفند، روده ،نباتات طبی وروغنی، سبزیجات خشك وتازه بشمول زیتون پوستین و پوستین چه نیزسالانه به خارج صادرمیگردد که مهمترین خریداران آنرا ممالك اروپای غربی، روسیه چکوسلواکیا و پاکستان تشکیل میدهد .

گازطبیعی که درسالهای اخیراهمیت زیاد کسب کرده است ازجملهء قلم مهم صادراتی کشورمحسوب میگردد صادرات گازکه ازسال ۱۳٤٦ آغاز یافته است تماماً به اتحاد شوروی سابق صادرمیگردد وهرسال پیمانهء آن روبه افزایش میباشد .

صادرات گازاین کشور درسال ۱۳٦٤هـ ش به ارزش ۳.۹,٤ ملیون دالر محاسبه گردیده است که ٥٤ فیصد صادرات عمومی کشور را احتوامیکرد .

٤ - واردات :

چون صنایع درافغانستان آنقدرها پیشرفت نکرده است از این رو اکثراشیای مصنوع مورد ضرورت ازقبیل آهن باب (آهن چادر، سیخ گول (پروفایل وغیره)، شیشه تعمیرات، موتروسایروسایط نقلیه، تایروتیوب تراکتور، شکر، چای، منسوجات نخی، سندی ونایلونی، پاپوش، سامان و وسایل برق، پترول ومشتقات آن ادویه جات وغیره ازخارج وارد میگردد. اگرچه تولیدات منسوجات در این او اخر از دیاد قابل ملاحظه

یافته است اما اکثر تکه های سندی،نایلونی، پشمی وغیره که احتیاجات زیاد مردم بآن وابسته است ازخارج خاصتاً ازجاپان وارد میگردد درقدم دوم کشورروسیه، چین، چکوسلواکیا، پاکستان وغیره حصه میگرند.

درحدود ۹۰ فیصد شکر موردضرورت کشور از خارج تهیه شده و مقدار واردات آن درسال ۱۳۶۵هـ ش به ۱۲۵۶۸تن بالغ گردیده که ارزش آن به ۳۰ملیون دالر میرسد.

چای نیز ازجملهء اقلام عمدهء وارداتی کشورمحسوب میگردد واکثریت مقدارچای مورد ضرورت افغانستان ازهند وارد میگردد درسال ۱۳۶۵هـ ش بیش از (۹)هزارتن چای که ارزش آن بالغ به ۲۵ملیون دالرمیگردد ازهند،چین وسایرکشورها به افغانستان واردگردید .

تولیدات موترکه دراوایل قرن بیست درافغانستان شروع گردیده نظربه اهمیت آن وتمدید سرك ها در افغانستان تورید انواع مختلف وسایط نقلیه مانند موترتیزرفتار، لاری، بس، موترسایکل، بایسکل وغیره افزایش یافته است قبل ازجنگ عمومی اول تورید عراده جات خاصتاً لاری (ترك) ازممالك اروپای غربی صورت میگرفت اما دراین اواخر واردات موترلاری وتیزرفتار روسی جا ی آنها را گرفته است.

واردات وسایل ترانسپورتی ماشین آلات وپرزه جات موتر که در سال ۱۳۵۹هـ ش به ارزش ۹۰ ملیون دالر میرسید در

سال ۱۳٦۵هـ ش به ۲۵۲ ملیون دالرافزایش یافت. با توسعهء وسایل حمل ونقل مصرف مواد نفتی نیزافزایش یافته بطوریکه نفت موردضرورت درسال ۱۳۵۹هـ ش به ارزش ۱۲٤ملیون دالرمحاسبه شده بود .

جدول شماره (۲۸) فیصدی واردات وصادرات رادرسال ۱۳۷۰ ازلحاظ جنس وممالك نشان میدهد.(۱)

واردات به تفکیك مملکت				واردات به تفکیك جنس		
کشورهای مشترك المنافع	۳۸,۲	فیصد	۱	مواد صنعتی	۲٤,۵	فیصد
جاپان	۱۷,۳	//	۲	ماشین آلات	۲۳,۰	//
چین	۷,۰	//	۳	مواد ارتزاقی	۹,٦	//
جرمنی	۵,۷	//	٤	سایراشیا	۳۲,۹	//
چکوسلواکیا	۲,۲	//				
انگلستان	۱,۹	//				
سایرکشورها	۲۷,۲	//				
صادرات به تفکیك مملکت				**صادرات به تفکیك جنس**		
جرمنی	۲۱,۱	فیصد	۱	مفروشات	۱۵,٤	فیصد
انگلستان	۷,٤	//	۲	نباتات طبی	۹,۱	//
هندوستان	۷,٤	//	۳	پوست ها	۸,۸	//
چکوسلواکیا	۱,۳	//	٤	میوه جات	٤۸,۵	//
پاکستان	۰,۵	//	۵	سایراشیا	۱۸,۲	//
سایرکشورها	۱۵,۸	//				
کشورهای مشترك المنافع	٤۹,۱	//				

(۱) احصائیه دولت اسلامی افغانستان. سالنامه جمهوری احصائیوی . ۱۳۷۰. کابل: مطبعهء وزارت احصائیه- . ۱۳۷۰ ص ۱۱۸.

۲ - مواصلات درافغانستان :

۱-حمل ونقل: راه مواصلاتی ووسایط حمل ونقل بحیث زیربنای انکشاف اقتصادی اجتماعی وبالاخره سیاسی وکلتوری یك جامعهء ویایك کشور بوده احداث وانکشاف خطوط مواصلاتی دریك کشور باندازهء پراهمیت وضروری است که کلیه ضروریات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگي وسیاسی بدون انکشاف وترقی خطوط مواصلاتی امکان پذیرنمی باشد. پیشرفت اقتصادی، صنعتی یك جامعهء مرفع بستگی تام به پیشرفت و ارتقاءخطوط مواصلاتی ووسایط نقلیه دارد.

ازهمین رو افغانستان نیز که منحیث یکی ازکشورهای رویه انکشاف میباشد وازطرف دیگراین کشور که محصوربخشکه ویك کشورکوهستانی است دریاهای آن دارای سرانشیبی بوده که برای کشتی رانی مساعد نمی باشد ضرورت انکشاف سکتورمواصلاتی ازجملهء ضروریات مبرم محسوب میگردد. تاسال ۱۹۳۰م قسمت اعظم ارتباط داخلی وخارجی با استفاده ازحیوانات صورت میگرفت سرکها کم عرض بوده وتنها برای استفاده کاروانها تهیه شده بود.

بعد ازجنگ عمومی دوم سرك هابهرطرف خاصتاً نقاط شهری تمدید یافت درپلانهای اقتصادی تمدید واسفلت سرك ها بحیث زیربنای اقتصادی کشورتوجه زیاد بآن معطوف گردید. ودر پلانهای اول ،دوم وسوم انکشافی کشور بیش از ۵۰ فیصد

بودجه انکشافی درراه توسعه مواصلات بمصرف رسید.

افغانستان قبل از آغاز پلانهای انکشافی دارای ۳۷۰۰ کیلومتر سرک قابل استفاده بوده و ۲۵۰۰کیلو مترسرک که تنها دربعضی فصول ازآن استفاده شده میتواند وجود داشت. در دوره‌ٔ پلان اول تقریباً دو هزار کیلو مترسرک که قسمت عمده‌ٔ آنرا شاه راه حلقوی افغانستان احتوامیکرد تحت ساختمان گرفته شد.

بالاخره میتوان گفت که درجریان سه پلان انکشافی کشور در حدود ۵۳ ملیارد افغانی در تعمیر و ترمیم سرک ها بمصرف رسید و درنتیجه آن بیش از ۲۵۰۰ کیلومترسرک اسفلت شده و کانکریتی در کشور احداث گردید ووسایل حمل ونقل بشمول طیاره میدانهای هوایی انکشاف یافت.(۱)

سرک کابل تورخم:

این سرک بطول ۲۳۲ کیلومتر وعرض ده مترکه هفت مترآن اسفلت شده است از جمله‌ٔ مهمترین سرک ترانزیتی کشور محسوب شده که شهرکابل را به پشاور و ازآنجا به سایر نقاط آسیا و جهان ارتباط میدهد. علاوتاً این سرک مهمترین ولایات کشور یعنی کاپیسا، لغمان و ننگرهار که از لحاظ تولیدات زراعتی حایز اهمیت میباشند بهم وصل نموده باعث انکشاف این مناطق گردیده است. ساختمان این سرک در سال ۱۳۳۵هـ ش آغاز و در سال ۱۳٤٤ تکمیل گردید.

---

(۱) حمیدالله امین، محمد ظریف تنیوال، جغرافیای اقتصادی افغانستان: انتشارات پوهنتون کابل ۱۳٦۸. ص ۱۵٤.

شاهراه بزرگ شمال :

نظر به اهمیت که ولایات شمال افغانستان ازلحاظ اقتصادی دارد ایجاب میکند تا این نقاط عمدهء تولیدی با شهر کابل ارتباط پیدا نماید از این رو شاهراه صفحات شمال اول تر مدنظر گرفته شد [illegible]ي رسیدن باین هدف می بایست ازسلسلهء هندوکش گذشت ازاین رو پروژه ء بزرگ سالنك تحت اجراقرارداده شد البته میتوان گفت که قبلاً سرك ارتباطی بین کابل و صفحات شمالی ا زطریق کوتل شبر، درهء شکاری صورت میگرفت چون این راه از یك طرف بعید و از طرف دیگر از لحاظ توپوگرافی مصرف گزاف را ایجاب میکرد از این رو با اعمار سرك سالنك در حدود ۲۰۰ کیلومتر مسافه صفحات شمال با کابل کوتاه گردید .

علاوه برآن از اینکه این شاهراه ولایات معمور کشور را به مرکز و سایر ولایات جنوب، شرق وجنوب غرب کشور اتصال مید هد عمده ترین راه تجارتی ترانزیتی را بین افغانستان وازبکستان وبالخره به روسیه بوجود می اورد. کاراحداث این پروژه ازسمت شمال وجنوب هندوکش غربي یعنی از دوشی ،جبل السراج در سال ۱۳۳۷هـ ش آغازودرسال ۱۳۴۳ باهمکاری تخنیکی تخنواکسپورت روسیه به انجا م رسید.

تونل سالنگ با طول ۲۶۷۶ متربصورت فنی ساخته شده عرض آن بطورعموم به هفت متر بالغ میگردد عرض کانکریت ویاقیرآن به شش متر و ارتفاع تونل به هفت مترمیرسد.

کارسروی سرک پلخمری، مزارشریف وشبرغان که ۳٦۰
کیلومتر طول دارد بکمک روسیه تمدیدیافته است این سرک
نسبت به سرک سابقه ٤۰ کیلو مترکوتاه تراست.

شاهراه، غربی کشور:

سرک کابل قندهار: این سرک یکی ازسرک های درجه اول
ترانزیتی کشوربوده ولایات مهم کشور را باهم ارتباط میدهد.
باختتم کار اعماراین سرک ارتباط بین قندهار وسپین بولدك را
ازیك طرف ونقاط عمده ، کشورچون غزنی، مقر، قلات ازطرف
دیگر تامین کرده است. کارسروی این سرک درسال ۱۳۳٦هـ ش
شروع شده ودرسال ۱۳٤٥کار اعمارآن خاتمه یافت طول این
سرک ٤۸۳کیلومتربوده درجریان سال قابل استفاده میباشد زیرا
درخط وسیر این شاهراه نقاط مرتفع واقع نشده و دارای کوتل
نمی باشد این سرک توسط کمك ایالات متحده، و متخصصین
آن تکمیل گردیده است. سرک بین قندهاروسپین بولدك که ۱۰۱
کیلومتر طول دارد از جمله، سرک های پخته واساسی بوده عمده
ترین سرک ترانزیتی را بین قندهار و کویته تشکیل داده است.

سرک قندهار، هرات وتورغندی : این شاهراه یکی از
مدرن ترین شاهراه افغانستان شمرده شده تقریباً تماماً
ازکانکریت ساخته شده است. طول این سرک یعنی ازقندهار،
تورغندی(قره تیپه) ٦۷٤ کیلومتر بوده دوازده مترعرض دارد
که قسمت کانکریت آن به هفت مترمیرسد.

مقاومت این سرك زیاد بوده و از ایام تابستان نسبت گرمی هم تخریب نمیگردد.

سرك اسلام قلعه هرات: بعد از آنکه سرك کابل و قندهار هرات تکمیل گردید اتصال سرك هرات واسلام قلعه یك امر ضروری پنداشته شده راه عمدهٔ ترانزیتی بین هرات ومشهد را تشکیل میدهد.

کار اعماراین سرك درسال ۱۳۲۳ شروع شده ودراخیرسال ۱۳۴۶به پایه اکمال رسید این شاهراه درجریان سال فعال بوده یك شاهراه عمده محسوب میگردد.

سرك پلخمری وشبرغان : این سرك نیز ازشاهراه بزرگ کشوربوده شهر های عمده مانند پلخمری، ایبك، خلم، مزارشریف، بلخ ، آقچه و شبرغان را باهم وصل مینماید کارسروی این سرك درسال ۱۳۴۲هـ ش شروع ودرسال ۱۳۵۱تکمیل گردید طول این سرك.۳۶ کیلومتربوده و عرض آن ده متر است با احداث این سرك اولاً .٤ کیلومتر راه کوتاه تر گردید و ازطرف دیگرمشکلاتیکه ازناحیه کوتل رباطك وتنگی تاشقرغان موجود بود ازبین رفت .

شاه راه کابل گردیز: کاراین سرك که درسال ۱۳٤٤هـ ش آغاز گردیده بود درسال .۱۳۵خاتمه یافته به بهره برداری قرارگرفت این سرك ازجمله شاهراه مهم کشوربوده درانکشاف ولایات لوگر و پکتیا موثر بوده حایزاهمیت زیاد میباشد. طول

این سرک ۱۲۲کیلومتر بوده عرض آن ده مترمیباشد. کار ساختمانی سرک گردیزوخوست درسال ۱۳٤٥ هـ ش به طول ۱۱۷ کیلومتر شروع ودرسال ۱۳٥۸ تکمیل شد.

برعلاوه سرک های فوق الذکر کارقیریزی سرک سرخکان ومهترلام بطول ۱۸ کیلومتر وسرك بین اسعد آباد وجلال آباد بطول ۹۰ کیلومتر وسرك حیرتان بطول ۷٥ کیلومتر درسالهای اخیربه اتمام رسیده است .

ناگفته نباید گذاشت که بااعمار شاهراه های متعدد وشبکه های مواصلاتی برتعداد عراده جات نیز افزایش قابل ملاحظه پدیدآمده است یعنی تعداد عراده جات که درسال ۱۳٤۷ به ٤۹هزار عراده میرسید درسال ۱۳٥٤به ٥۳هزار ودرسال ۱۳٦٥ به ٦۲هزار عراد بالغ گشت .

حمل ونقل هوایی :

طوریکه میدانیم افغانستان یك مملکت کوهستانی بوده سلسله جبال هندوکش، کوه بابا وفیروزکوه بحیث یك حایل افغانستان را بدوحصه شمالی وجنوبی منقسم نموده است. هرگاه ازولایات سمت شمال باولایات سمت جنوب سفرصورت گیردمیبایست ازکوتل ها و راه های صعب العبور بگذرد. سابقاً مسافران و کاروانهای تجارتی این راه ها را به مشقات زیاد طی میکردند واکثراً اموال تجارتی ایشان به وقت معینه به نقطهء موعود مواصلت نمیکرد علاوتاً تمدید سرك های متعدد وخطوط

آهن که جوابگوی ضروریات مملکت را کرده میتواند مصارف گزاف را ایجاب مینماید باوجود آنکه شاهراه سالنگ وکوتل شبرولایات شمال را با ولایات جنوب ارتباط می دهد تا اندازه ضروریات مملکت را رفع کرده میتواند اما ازیك طرف مصارف زیاد را در قسمت ترمیم آن ایجاب میکند و ا ز طرف دیگر که ا حتیاجات مملکت را در آینده نسبت تراکم ترافیك تکافوکرده نمیتواند بنا بر این علل هرگاه درکشور خطوط فضائی انکشاف نماید نیازمندی بیشتر کشور را بحالت فعلی ودرآینده مرفوع خواهد ساخت.

حکومات سابقه همواره درتلاش آن بود تا بکمك سازمانهای هوانوردی بین المللی بهبود در قسمت هوانوردی افغانستان بعمل آورد.

برای باراول جهت تنظیم این مرام اداره، بنام شعبه، فضایی درچوکات وزارت خارجه اساس یافت بعداً این شعبه نظریه فیصله شورای وزیران درسال ۱۳۲۲هـ ش بحیث مدیریت عمومی هوانوردی درچوکات وزارت دفاع ملی بفعالیت شروع کرد وپرواز طیارات کمپنی های هوانوردی جهان به کابل شروع شد. علاوتاً یك فروند طیاره دوماشینه مربوط کمپنی همالیای هند ازطریق کراچي، زاهدان و کندهاربه کابل پروازمیکرد همچنان درسال ۱۳۲۱هـ ش کمپنی ایرجیبوتی و اندیا ایربرای حمل ونقل حجاج قرار دادی راعقد وبرای مدت سه

سال مصروف حمل ونقل حجاج بود .

درسال ۱۳۳۲هـ ش آریانا افغان هوای شرکت تاسیس شد چون این شعبه تشکیلات وسیع نداشت بناً جوابگوی نیازمندیهای کشورشده نمیتوانست ودرسال۱۳۳۵هـ ش ریاست هوای ملکی تاسیس گردید با تاسیس این اداره زمینه توسعه وپیشرفت هوانوردی درافغانستان مساعد گردید ریاست هوایی به احداث میدانهای هوایی قندهار، مزارشریف، هرات وجلال آباد اقدام کرد.

نمایندگی های خارجی که ازمیدانهای هوای افغانستان استفاده میکردند مانند هواپیمای ملی ایران ،KLM هالیند، پان امریکن ایالات متحده، ایروفلوت روسیه وهواپیمایی ملی پاکستان مستقیماًتوسط ادارات هوانوردی ملکی اداره میشد .

درسال ۱۳۳۶هـ ش با اساس قرارداد های جداگانه ٤۹ فیصد سهم سرمایه اندیمارذریعهء کمپنی پان امریکن خریداری و این موسسه بحیث سهم دارشرکت آریانا شناخته شد در اوایل تاسیس شرکت آریانا دارای سه فروند طیارهء نوع دیکوتا بود که توسط آنها به قندهار، مزارشریف، قندهاروهرات پروازها صورت میگرفت. ودرخارج مملکت پروازها به دهلی، بحرین، بیروت، تهران، ودرایام حج به جده صورت میگرفت .

در این اواخرپروازهای آریانا ازبیروت به انقره، پراك، فرانکفورت ، لندن ومسکو نیز توسعه یافت همچنان بداخل کشورنیزطیارات این شرکت به پروازهای منظم خود در مزار

شریف، میمنه، هرات، قندهار، خوست وغیره ادامه میداد.
همچنان در خارج پروازهای آن از کابل به امرتسر، دهلی جدید، کراچي، پشاور، تاشکند، تهران، دمشق وبیروت مرتباً ادامه یافت .

بمنظور توسعهء امور هوانوردی وفعالیت های شرکت هوای آریانا ابتدا ریاست هوایی ملکی وبعداً وزارت هوانورد ی ملکی درجریان سالهای اخیرموافقت نامه باکشورهای روسیه، پاکستان، ترکیه، اطریش، هالیند، جرمنی، لبنان، مصر، هند، بلجیم، فرانسه، سویس، پولیند ایران وعراق امضاء کرد.

شرکت هوانوردی آریانا تاسال ۱۳۴۳هـ ش دارای دوفروند طیاره DC4 و DC6 ویك طیاره نوع کانوردیك طیاره نوع دیکوتا بود.

موقعیکه شرکت هوایی آریانا از قندهاربه کابل انتقال یافت در سال ۱۹٦۸م اولین طیاره جت بوئنك ۷۲۱ راخریداری کرد دومین طیاره ازهمین نوع درسا ل ۱۹۷۱م وسومبن طیاره جیت ازنوع بوئنگ ۷۲. نیز درسال ۱۹۷۳م خریداری شد. درسال ۱۹۸۰م شرکت آریانا بزرگترین طیاره DC10 که ظرفیت ۲۹۵ نفرمسافر را داشت خریداری نمود.

درسال ۱۳٦٦هـ ش شرکت آریانا جمعاً دوازده فروند طیاره داشت که در داخل وخارج افغانستان در فعالیت بودند علاوه از انتقال مسافرین در انتقال اموال نیز خدمات ارزنده انجام داده اند .

منابع ومراجع دری و پشتو

آهنگ، محمد کاظم . سیر ژورنالیزم درافغانستان .جلد اول، کابل : انجمن تاریخ وادب افغانستان، ۱۳۴۹.

اداره، مرکزی احصائیه .گزیده های ازسالنامه های احصائیوی ، کابل : مطبعه احصائیه مرکزی، ۱۳۶۰.

اداره، مرکزی احصائیه .سالنامه احصائیوی، ۱۳٦٤، کابل : مطبعه، احصائیه مرکزی، ۱۳٦٤.

اداره، مرکزی احصائیه . مواضع شهری ،کابل : مطبعه اداره، مرکزی احصائیه ، ۱۳٦۵.

اداره، مرکزی احصائیه . مواضع شهری پروژه، مطالعات دیموگرافی، کابل: مطبعه، احصائیه مرکزی، ۱۳۵۰.

امین ، حمیدالله و تنیوال محمد ظریف. جغرافیای اقتصادی افغانستان. انتشارات پوهنتون کابل، کابل : پوهنحی زمین شناسی، ۱۳٦۸.

پیرنیا ، حسن . ایران قدیم ، تهران : مطبعه، روستائی ، ۱۳۱۲

رحمتی، محب الله . جغرافیای بشری افغانستان .پوهنتون کابل، کابل: پوهنحی زمین شناسی ،۱۳٦٤.

رحمتی، محب الله.مختصرازتقسیمات اداری وجغرافیای بشری ولایت ننگرهار.مجله جغرافیه شماره اول، کابل: پوهنحی ادبیات پوهنتون کابل،۱۳٤۷.

ریاست پلان ، وزارت معارف. معارف افغانستان درپنجاه سال اخیر،

کابل : مطبعه دولتی،۱۳٤۷.

شورماچ، محمد اکبر. **جغرافیای عمومی افغانستان** .کابل موسسه انتشارات زوری، ۱۳۵۰

شورمن ، هـ ،ف **تاجیك ها** .ترجمه سید سلطان شاه همام . پوهنتون کابل ، کابل : پوهنحی علوم اجتماعی ، ۱۳۵۹.

صدقی ، محمد عثمان .**شهرهای آریانا** ، کابل : موسسه طبع کتب بیهقی، ۱۳۵٤.

ظفرکاکاخیل ، سیدبهادرشاه . **پښتانه د تاریخ په رنا کی** ، پشاور: یونیورستی بك ایجنسی خیبربازار، ۱۹۶۵.

عارض، غلام جیلانی. **اقلیم افغانستان .کابل** : نشرات پوهنتون کابل، ۱۳٤۸.

عارض، غلام جیلانی **جغرافیای طبیعی افغانستان** . پوهنتون کابل ، کابل : پوهنحی زمین شناسی، ۱۳۶۰.

عارض، غلام جیلانی ، رحمتی، محب الله وامین ، حمیدالله . **جغرافیای عمومی افغانستان** . پوهنتون کابل . کابل : پوهنحی زمین شناسی ، ۱۳۶۹.

غبار ،میرغلام محمد . **افغانستان در مسیر تاریخ** . ازنشرات موسسه چاپ کتب، کابل : دولتی مطبعه، ۱۳٤۶.

غرغشت ، محمد ناصر . **کابل امروز** .شاروالی کابل، کابل : مطبعه، دولتی ، ۱۳٤۹.

کمسیون ساینس وتکنالوژی . وزارت تحصیلات عالی ومسلکی . **سیمینار ملی اداری ومنجمنت تعلیم وتربیه**، کابل :مطبعه پوهنتون ،

۱۳۵۹.

کهزاد، علی احمد.**تاریخ افغانستان** .جلد اول، کابل: **انجمن تاریخ**، ۱۳۳۲.

موسسه میتورولوجی ،وزارت ترانسپورت.**بلوتن های هوانوردی ۱۳٦۵**، کابل : ریاست میتوزولوجی،۱۳٦۵.

وزارت احصائیه دولت اسلامی افغانستان .**سالنامه احصائیوی ۱۳۷۰**، کابل مطبعه، وزارت احصائیه ، ۱۳۷۰.

وزارت احصائیه دولت جمهوری افغانستان . **کود گذاری ومعلومات جغرافیای درمورد واحد های اداری کشور**، کابل : مطبعه وزارت احصائیه ، ۱۳۷.

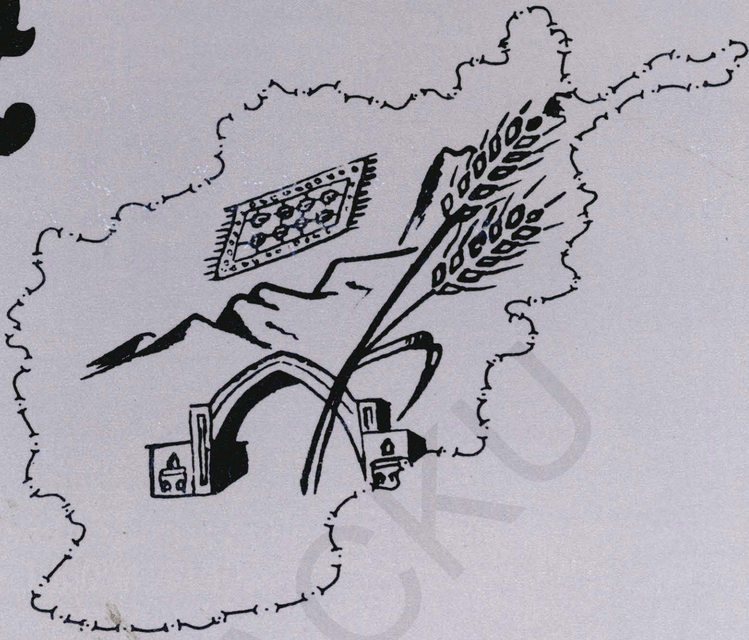
وزارت امورخارجه . **مناسبات افغانستان واتحاد شوروی درسالهای ۱۹۱۹-۱۹٦۹م**، کابل : مطبعه، دولتی ، ۱۹۷۵.

منابع ومراجع انگلیسی

Demographic Year Book.New york:United Nation,1968.
Ganda Sing . Ahamadsha Durani Father of Modern Afghanistan .
Bombay. Asia Pullishing house1959.
Imperial Gazether of India, Afghanistan and Nepal Culleata:
Superin tendent of Government Prints,1900.
The world Almanac and Book of Facts.
Ascripp Haward Company,1991.







A Glance over the General Geography of Afghanistan

Prof: Mohibullah "Rahmatii"

1999